



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

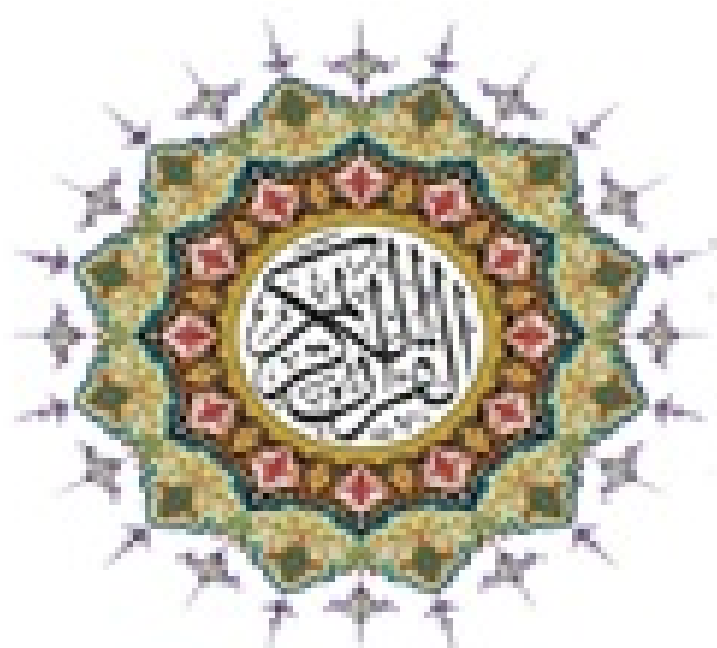
گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۶۰

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 60

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۶۰	۵۶
مشخصات کتاب	۵۶
۱- سوره	۵۶
۱- آثار تلاوت سوره زلزال	۵۶
۲- آخرین سوره	۵۶
۳- آیات سوره انعام	۵۶
۴- آیات سوره رعد	۵۸
۵- آیات سوره یوسف	۵۸
۶- اصطلاح سوره	۵۸
۷- اصطلاح سوره در صدراسلام	۵۹
۸- اعطاء سوره حمد به محمد(صلی الله علیه و آله)	۶۰
۹- انتخاب عنوان سوره	۶۰
۱۰- اولین سوره	۶۰
۱۱- اهمیت سوره کهف	۶۰
۱۲- اهمیت سوره نور	۶۲
۱۳- بسمله در سوره توبه	۶۲
۱۴- تعالیم سوره قصص	۶۲
۱۵- تعالیم سوره کهف	۶۳
۱۶- تعالیم سوره مریم	۶۴
۱۷- تعالیم سوره نور	۶۴
۱۸- تعالیم سوره یوسف	۶۴
۱۹- تلاوت سوره فلق	۶۶
۲۰- حقانیت تعالیم سوره هود	۶۶

۶۶	۲۱- سوره بندی قرآن
۶۸	۲۲- سوره در صدر اسلام
۶۹	۲۳- سوره های قرآن در صدر اسلام
۷۰	۲۴- سوره های متشابه قرآن
۷۰	۲۵- سوره های محکم قرآن
۷۰	۲۶- عظمت آیات سوره حجر
۷۱	۲۷- عظمت آیات سوره لقمان
۷۲	۲۸- عظمت آیات سوره یوسف
۷۲	۲۹- عظمت سوره رعد
۷۲	۳۰- فضیلت سوره حمد
۷۴	۳۱- فلسفه نزول سوره نور
۷۴	۳۲- فلسفه نزول سوره یوسف
۷۴	۳۳- قصص انبیا در سوره هود
۷۴	۳۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و سوره هود
۷۶	۳۵- محمد(صلی الله علیه و آله) هنگام نزول سوره بلد
۷۶	۳۶- منشأ نامگذاری اصطلاح سوره
۷۶	۳۷- مواعظ سوره هود
۷۷	۳۸- مؤمنان و سوره هود
۷۸	۳۹- نامه‌های سوره حمد
۷۸	۴۰- نزول دفعی سوره نور
۷۸	۴۱- نزول سوره یوسف
۸۰	۴۲- ویژگیهای سوره نور
۸۰	۴۳- ویژگیهای سوره یوسف
۸۰	۴۴- آیات سوره انعام
۸۲	۴۵- بسمله در سوره توبه
۸۲	۴۶- عظمت آیات سوره حجر

۸۲	۴۷- اعطاء سوره حمد به محمد(صلی الله علیه و آله)
۸۳	۴۸- فضیلت سوره حمد
۸۴	۴۹- نامهای سوره حمد
۸۴	۵۰- آیات سوره رعد
۸۵	۵۱- عظمت سوره رعد
۸۶	۵۲- آثار تلاوت سوره زلزال
۸۶	۵۳- تلاوت سوره فلق
۸۶	۵۴- تعالیم سوره قصص
۸۸	۵۵- اهمیت سوره کهف
۸۸	۵۶- تعالیم سوره کهف
۸۸	۵۷- عظمت آیات سوره لقمان
۸۹	۵۸- تعالیم سوره مریم
۹۰	۵۹- اهمیت سوره نور
۹۰	۶۰- تعالیم سوره نور
۹۰	۶۱- فلسفه نزول سوره نور
۹۱	۶۲- نزول دفعی سوره نور
۹۲	۶۳- ویژگیهای سوره نور
۹۲	۶۴- حقانیت تعالیم سوره هود
۹۴	۶۵- قصص انبیا در سوره هود
۹۴	۶۶- محمد(صلی الله علیه و آله) و سوره هود
۹۴	۶۷- مواظب سوره هود
۹۴	۶۸- مؤمنان و سوره هود
۹۶	۶۹- آیات سوره یوسف
۹۶	۷۰- تعالیم سوره یوسف
۹۶	۷۱- عظمت آیات سوره یوسف
۹۶	۷۲- فلسفه نزول سوره یوسف

- ۷۳- نزول سوره یوسف ..... ۹۸
- ۷۴- ویژگیهای سوره یوسف ..... ۹۸
- ۲- سوزاندن ..... ۹۹
- ۱- پیشنهاد سوزاندن ابراهیم(ع) ..... ۹۹
- ۲- توبه از سوزاندن مؤمنان ..... ۹۹
- ۳- توطئه سوزاندن ابراهیم(ع) ..... ۹۹
- ۴- تهدید به سوزاندن ..... ۹۹
- ۵- سوزاندن ابراهیم(ع) ..... ۱۰۱
- ۶- سوزاندن با آتش ..... ۱۰۳
- ۷- سوزاندن پشت ثروت اندوزان ..... ۱۰۴
- ۸- سوزاندن پهلوی ثروت اندوزان ..... ۱۰۵
- ۹- سوزاندن پیشانی ثروت اندوزان ..... ۱۰۵
- ۱۰- سوزاندن در قوم ابراهیم ..... ۱۰۵
- ۱۱- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود ..... ۱۰۵
- ۱۲- سوزاندن صورت بدکاران ..... ۱۰۶
- ۱۳- سوزاندن کافران ..... ۱۰۷
- ۱۴- سوزاندن گوساله سامری ..... ۱۰۷
- ۱۵- سوزاندن مجرم در قوم ابراهیم ..... ۱۰۹
- ۱۶- سوزاندن مؤمنان ..... ۱۰۹
- ۳- سوگند ..... ۱۱۰
- ۱- سوگند ..... ۱۱۰
- ۲- آثار حنث سوگند ..... ۱۱۰
- ۳- آثار سوءاستفاده از سوگند ..... ۱۱۰
- ۴- آثار سوگند ..... ۱۱۲
- ۵- آثار سوگند به خدا ..... ۱۱۴
- ۶- آثار سوگند دروغ ..... ۱۱۴



- ۷- اجتناب از سوگند دروغ ..... ۱۱۶
- ۸- اجتناب از سوگند لغو ..... ۱۱۶
- ۹- احکام سوگند ..... ۱۱۶
- ۱۰- استثناء در سوگند ..... ۱۲۹
- ۱۱- اعتبار سوگند ..... ۱۳۰
- ۱۲- امتحان با وفای به سوگند ..... ۱۳۰
- ۱۳- اهتمام لاوی به سوگند ..... ۱۳۱
- ۱۴- اهمیت سوگند ..... ۱۳۲
- ۱۵- اهمیت سوگند به خدا ..... ۱۳۲
- ۱۶- اهمیت وفای به سوگند ..... ۱۳۲
- ۱۷- بزرگترین سوگند ..... ۱۳۴
- ۱۸- بی اعتباری سوگند بر تحریم حلال ..... ۱۳۴
- ۱۹- بی اعتنایی به سوگند متخلفان از جهاد ..... ۱۳۴
- ۲۰- تأکید سوگند ..... ۱۳۶
- ۲۱- تاریخ سوگند ..... ۱۳۶
- ۲۲- تاریخ سوگند به خدا ..... ۱۳۶
- ۲۳- حتمیت وفای به سوگند ..... ۱۳۷
- ۲۴- حرمت حنث سوگند ..... ۱۳۸
- ۲۵- حقیقت سوگند به خدا ..... ۱۳۸
- ۲۶- حنث سوگند ..... ۱۳۸
- ۲۷- حنث سوگند بر ترک حلال ..... ۱۴۰
- ۲۸- حنث سوگند محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۴۱
- ۲۹- حنث سوگند مشرکان جاهلیت ..... ۱۴۲
- ۳۰- رد خواسته های سوگند خورندگان ..... ۱۴۲
- ۳۱- زمینه بی اعتباری سوگند ..... ۱۴۲
- ۳۲- زمینه سوگند دروغ منافقان ..... ۱۴۲

- ۳۳- زیان حنث سوگند ..... ۱۴۴
- ۳۴- سرزنش بی مبالاتی در سوگند ..... ۱۴۴
- ۳۵- سرزنش سوگند دروغ ..... ۱۴۴
- ۳۶- سوءاستفاده از سوگند ..... ۱۴۴
- ۳۷- سوگند آزر ..... ۱۴۶
- ۳۸- سوگند آل یعقوب ..... ۱۴۶
- ۳۹- سوگند ابراهیم(ع) ..... ۱۴۶
- ۴۰- سوگند ابلیس ..... ۱۴۸
- ۴۱- سوگند اخروی گناهکاران ..... ۱۴۹
- ۴۲- سوگند اشراف مدین ..... ۱۵۰
- ۴۳- سوگند اصحاب الجنه ..... ۱۵۰
- ۴۴- سوگند انبیای انطاکیه ..... ۱۵۲
- ۴۵- سوگند ایوب(ع) ..... ۱۵۲
- ۴۶- سوگند بر بی گناهی ..... ۱۵۳
- ۴۷- سوگند بر تحریم حلال ..... ۱۵۴
- ۴۸- سوگند بر حتمیت قیامت ..... ۱۵۴
- ۴۹- سوگند بر حتمیت وعده های خدا ..... ۱۵۴
- ۵۰- سوگند بر حقانیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۵۶
- ۵۱- سوگند بر حقانیت وعده های خدا ..... ۱۵۶
- ۵۲- سوگند بر شرک ستیزی ..... ۱۵۶
- ۵۳- سوگند برادران یوسف ..... ۱۵۶
- ۵۴- سوگند برای آمادگی نظامی ..... ۱۵۸
- ۵۵- سوگند برای اثبات حقایق ..... ۱۵۸
- ۵۶- سوگند برای اثبات حقوق ..... ۱۶۱
- ۵۷- سوگند برای احقاق حق ..... ۱۶۲
- ۵۸- سوگند برای احیای حق ..... ۱۶۲

- ۵۹- سوگند برای تبرئه خود ..... ۱۶۲
- ۶۰- سوگند به آدم(ع) ..... ۱۶۴
- ۶۱- سوگند به آسمان ..... ۱۶۴
- ۶۲- سوگند به آغاز شب ..... ۱۶۸
- ۶۳- سوگند به ابراهیم(ع) ..... ۱۶۸
- ۶۴- سوگند به ابرهای باردار ..... ۱۶۸
- ۶۵- سوگند به اسب مجاهدان ..... ۱۷۰
- ۶۶- سوگند به اسماعیل(ع) ..... ۱۷۲
- ۶۷- سوگند به اعتدال روح ..... ۱۷۳
- ۶۸- سوگند به الله ..... ۱۷۴
- ۶۹- سوگند به انبیا ..... ۱۷۴
- ۷۰- سوگند به انجیر ..... ۱۷۴
- ۷۱- سوگند به انسان ..... ۱۷۶
- ۷۲- سوگند به باد ..... ۱۷۶
- ۷۳- سوگند به بادها ..... ۱۷۶
- ۷۴- سوگند به بادهای غباری ..... ۱۷۷
- ۷۵- سوگند به بادهای مبشر ..... ۱۷۸
- ۷۶- سوگند به برجهای آسمان ..... ۱۷۸
- ۷۷- سوگند به بلندترین ستاره ..... ۱۷۸
- ۷۸- سوگند به بنای آسمان ..... ۱۸۰
- ۷۹- سوگند به بیت المقدس ..... ۱۸۰
- ۸۰- سوگند به پایان شب ..... ۱۸۰
- ۸۱- سوگند به پیشگامان ملانکه ..... ۱۸۲
- ۸۲- سوگند به تاریکی شب ..... ۱۸۲
- ۸۳- سوگند به ترک انفاق ..... ۱۸۴
- ۸۴- سوگند به تعدیل کننده روح ..... ۱۸۴

- ۱۸۴ ..... ۸۵- سوگند به تورات
- ۱۸۴ ..... ۸۶- سوگند به جان انسان ها
- ۱۸۶ ..... ۸۷- سوگند به حرکت اسب مجاهدان
- ۱۸۶ ..... ۸۸- سوگند به حرکت شب
- ۱۸۸ ..... ۸۹- سوگند به حق
- ۱۸۸ ..... ۹۰- سوگند به حقایق آفرینش
- ۱۸۸ ..... ۹۱- سوگند به حوادث قیامت
- ۱۹۰ ..... ۹۲- سوگند به خالق آسمان
- ۱۹۰ ..... ۹۳- سوگند به خالق مذکر
- ۱۹۰ ..... ۹۴- سوگند به خالق مؤنث
- ۱۹۲ ..... ۹۵- سوگند به خدا
- ۲۰۰ ..... ۹۶- سوگند به خدا در صدراسلام
- ۲۰۰ ..... ۹۷- سوگند به خلقت آسمان
- ۲۰۰ ..... ۹۸- سوگند به خورشید
- ۲۰۲ ..... ۹۹- سوگند به دریا
- ۲۰۲ ..... ۱۰۰- سوگند به دوران محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۰۴ ..... ۱۰۱- سوگند به ربوبیت خدا
- ۲۰۵ ..... ۱۰۲- سوگند به روح
- ۲۰۶ ..... ۱۰۳- سوگند به روز
- ۲۰۸ ..... ۱۰۴- سوگند به روز جمعه
- ۲۱۰ ..... ۱۰۵- سوگند به روز عرفه
- ۲۱۰ ..... ۱۰۶- سوگند به روزگار
- ۲۱۰ ..... ۱۰۷- سوگند به روشنایی روز
- ۲۱۱ ..... ۱۰۸- سوگند به زمین
- ۲۱۲ ..... ۱۰۹- سوگند به زیتون
- ۲۱۳ ..... ۱۱۰- سوگند به ستارگان

- ۱۱۱- سوگند به ستاره ثریا ..... ۲۱۷
- ۱۱۲- سوگند به ستاره زحل ..... ۲۱۸
- ۱۱۳- سوگند به ستاره زهره ..... ۲۱۸
- ۱۱۴- سوگند به ستاره طارق ..... ۲۲۰
- ۱۱۵- سوگند به ستاره عطارد ..... ۲۲۰
- ۱۱۶- سوگند به ستاره مریخ ..... ۲۲۰
- ۱۱۷- سوگند به ستاره مشتری ..... ۲۲۲
- ۱۱۸- سوگند به سحرگاه ..... ۲۲۲
- ۱۱۹- سوگند به شب ..... ۲۲۲
- ۱۲۰- سوگند به شب های دهگانه ..... ۲۲۸
- ۱۲۱- سوگند به شفق ..... ۲۳۰
- ۱۲۲- سوگند به شفق ..... ۲۳۲
- ۱۲۳- سوگند به شکافتن زمین ..... ۲۳۲
- ۱۲۴- سوگند به شهاب سنگها ..... ۲۳۲
- ۱۲۵- سوگند به صبح ..... ۲۳۴
- ۱۲۶- سوگند به صبحگاهان ..... ۲۳۴
- ۱۲۷- سوگند به صحت قرآن ..... ۲۳۶
- ۱۲۸- سوگند به صداقت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۳۶
- ۱۲۹- سوگند به طلاق همسر ..... ۲۳۶
- ۱۳۰- سوگند به طلوع ماه(قمر) ..... ۲۳۶
- ۱۳۱- سوگند به طوفان ..... ۲۳۸
- ۱۳۲- سوگند به عزت خدا ..... ۲۳۸
- ۱۳۳- سوگند به عزت فرعون ..... ۲۳۸
- ۱۳۴- سوگند به عصر ..... ۲۳۸
- ۱۳۵- سوگند به عید قربان ..... ۲۴۰
- ۱۳۶- سوگند به غبار اسب مجاهدان ..... ۲۴۰

- ۱۳۷- سوگند به غروب خورشید ..... ۲۴۰
- ۱۳۸- سوگند به غیر خدا ..... ۲۴۰
- ۱۳۹- سوگند به فجر ..... ۲۴۲
- ۱۴۰- سوگند به فرزندان انسان ..... ۲۴۴
- ۱۴۱- سوگند به قاریان قرآن ..... ۲۴۴
- ۱۴۲- سوگند به قدرت فرعون ..... ۲۴۴
- ۱۴۳- سوگند به قرآن ..... ۲۴۵
- ۱۴۴- سوگند به قلم ..... ۲۴۷
- ۱۴۵- سوگند به قیامت ..... ۲۴۸
- ۱۴۶- سوگند به کتاب ..... ۲۴۹
- ۱۴۷- سوگند به کتابت ..... ۲۵۰
- ۱۴۸- سوگند به کشتیها ..... ۲۵۰
- ۱۴۹- سوگند به کعبه ..... ۲۵۱
- ۱۵۰- سوگند به کوفه ..... ۲۵۲
- ۱۵۱- سوگند به کوه طور ..... ۲۵۲
- ۱۵۲- سوگند به کوهها ..... ۲۵۴
- ۱۵۳- سوگند به گستراننده زمین ..... ۲۵۴
- ۱۵۴- سوگند به گسترش زمین ..... ۲۵۴
- ۱۵۵- سوگند به گواهان عمل ..... ۲۵۴
- ۱۵۶- سوگند به گواهی گواهان قیامت ..... ۲۵۶
- ۱۵۷- سوگند به لوط(ع) ..... ۲۵۶
- ۱۵۸- سوگند به ماه ..... ۲۵۶
- ۱۵۹- سوگند به ماه(قمر) ..... ۲۵۶
- ۱۶۰- سوگند به ماه(قمری) ..... ۲۵۸
- ۱۶۱- سوگند به مجاهدان ..... ۲۵۸
- ۱۶۲- سوگند به محبوبان ..... ۲۶۰

- ۱۶۳- سوگند به محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۲۶۰
- ۱۶۴- سوگند به مدینه ----- ۲۶۲
- ۱۶۵- سوگند به مذکر ----- ۲۶۲
- ۱۶۶- سوگند به مغرب ستارگان ----- ۲۶۲
- ۱۶۷- سوگند به مقدسات ----- ۲۶۲
- ۱۶۸- سوگند به مکان ستارگان ----- ۲۶۴
- ۱۶۹- سوگند به مکه ----- ۲۶۴
- ۱۷۰- سوگند به ملانکه ----- ۲۶۶
- ۱۷۱- سوگند به ملانکه قبض روح ----- ۲۷۰
- ۱۷۲- سوگند به ملانکه وحی ----- ۲۷۰
- ۱۷۳- سوگند به موجودات ----- ۲۷۲
- ۱۷۴- سوگند به موجودات در تاریکی ----- ۲۷۲
- ۱۷۵- سوگند به موجودات زمینی ----- ۲۷۴
- ۱۷۶- سوگند به مؤمنان ----- ۲۷۴
- ۱۷۷- سوگند به مؤمنان سوخته ----- ۲۷۴
- ۱۷۸- سوگند به مؤمنان شکنجه شده ----- ۲۷۴
- ۱۷۹- سوگند به مؤنث ----- ۲۷۶
- ۱۸۰- سوگند به ناظران قیامت ----- ۲۷۶
- ۱۸۱- سوگند به نامه عمل ----- ۲۷۶
- ۱۸۲- سوگند به نفس اسب مجاهدان ----- ۲۷۷
- ۱۸۳- سوگند به نفس لوامه ----- ۲۷۸
- ۱۸۴- سوگند به نماز عصر ----- ۲۷۸
- ۱۸۵- سوگند به نور خورشید ----- ۲۷۸
- ۱۸۶- سوگند به وتر ----- ۲۸۰
- ۱۸۷- سوگند به وحیائیت قرآن ----- ۲۸۲
- ۱۸۸- سوگند بهشتیان ----- ۲۸۳

- ۱۸۹- سوگند ثروتمندان صدراسلام ..... ۲۸۴
- ۱۹۰- سوگند جادوگران فرعون ..... ۲۸۴
- ۱۹۱- سوگند جایز ..... ۲۸۴
- ۱۹۲- سوگند جهنمیان ..... ۲۸۸
- ۱۹۳- سوگند حرام ..... ۲۸۸
- ۱۹۴- سوگند خدا ..... ۲۹۰
- ۱۹۵- سوگند دادن موسی(ع) ..... ۲۹۰
- ۱۹۶- سوگند در آل یعقوب ..... ۲۹۰
- ۱۹۷- سوگند در اثبات حقایق ..... ۲۹۱
- ۱۹۸- سوگند در ادیان ..... ۲۹۲
- ۱۹۹- سوگند در جاهلیت ..... ۲۹۲
- ۲۰۰- سوگند در حج ..... ۲۹۲
- ۲۰۱- سوگند در دین یعقوب(ع) ..... ۲۹۴
- ۲۰۲- سوگند در صدر اسلام ..... ۲۹۴
- ۲۰۳- سوگند در قذف ..... ۲۹۴
- ۲۰۴- سوگند در قیامت ..... ۲۹۴
- ۲۰۵- سوگند در لعان ..... ۲۹۶
- ۲۰۶- سوگند در معامله ..... ۲۹۷
- ۲۰۷- سوگند در وصیت ..... ۲۹۸
- ۲۰۸- سوگند دروغ ..... ۳۰۰
- ۲۰۹- سوگند دروغ ابلیس ..... ۳۰۳
- ۲۱۰- سوگند دروغ در قیامت ..... ۳۰۴
- ۲۱۱- سوگند دروغ در لعان ..... ۳۰۴
- ۲۱۲- سوگند دروغ شیطان ..... ۳۰۴
- ۲۱۳- سوگند دروغ منافقان ..... ۳۰۴
- ۲۱۴- سوگند زلیخا ..... ۳۰۸



- ۳۰۸ ..... ۲۱۵- سوگند شیطان
- ۳۰۹ ..... ۲۱۶- سوگند ظالمان
- ۳۱۰ ..... ۲۱۷- سوگند فرعون
- ۳۱۰ ..... ۲۱۸- سوگند فرعونیان
- ۳۱۰ ..... ۲۱۹- سوگند کافران
- ۳۱۰ ..... ۲۲۰- سوگند کافران مدین
- ۳۱۱ ..... ۲۲۱- سوگند کافران مستکبر
- ۳۱۲ ..... ۲۲۲- سوگند گروههای نُه گانه قوم ثمود
- ۳۱۲ ..... ۲۲۳- سوگند گواهان وصیت
- ۳۱۳ ..... ۲۲۴- سوگند لغو
- ۳۱۶ ..... ۲۲۵- سوگند متخلفان از غزوه تبوک
- ۳۱۶ ..... ۲۲۶- سوگند متخلفان غزوه تبوک
- ۳۱۶ ..... ۲۲۷- سوگند متهمان
- ۳۱۸ ..... ۲۲۸- سوگند محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۳۱۸ ..... ۲۲۹- سوگند مسلمانان
- ۳۱۹ ..... ۲۳۰- سوگند مسیحیان
- ۳۲۰ ..... ۲۳۱- سوگند مشرکان
- ۳۲۰ ..... ۲۳۲- سوگند مشرکان صدر اسلام
- ۳۲۲ ..... ۲۳۳- سوگند مشرکان مکه
- ۳۲۲ ..... ۲۳۴- سوگند مکذبان معاد
- ۳۲۲ ..... ۲۳۵- سوگند منافقان
- ۳۲۳ ..... ۲۳۶- سوگند منافقان صدر اسلام
- ۳۲۴ ..... ۲۳۷- سوگند موسی(ع)
- ۳۲۴ ..... ۲۳۸- سوگند ناپسند
- ۳۲۶ ..... ۲۳۹- سوگند یهود
- ۳۲۶ ..... ۲۴۰- شرایط تنجز سوگند

- ۲۴۱- شرایط وفای به سوگند ..... ۳۲۶
- ۲۴۲- عجز در وفای به سوگند ..... ۳۲۶
- ۲۴۳- عذاب اخروی حنث سوگند ..... ۳۲۸
- ۲۴۴- فرعونیان و سوگند ..... ۳۲۸
- ۲۴۵- فلسفه حنث سوگند ..... ۳۲۸
- ۲۴۶- فلسفه سوگند به انجیر ..... ۳۲۸
- ۲۴۷- فلسفه سوگند به تاریکی شب ..... ۳۳۰
- ۲۴۸- فلسفه سوگند به زیتون ..... ۳۳۰
- ۲۴۹- فلسفه سوگند به سینا ..... ۳۳۰
- ۲۵۰- فلسفه سوگند به کوه طور ..... ۳۳۰
- ۲۵۱- فلسفه سوگند به مکه ..... ۳۳۲
- ۲۵۲- فلسفه سوگند به نور خورشید ..... ۳۳۲
- ۲۵۳- فلسفه سوگند محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۳۲
- ۲۵۴- فلسفه سوگند منافقان ..... ۳۳۲
- ۲۵۵- کفاره حنث سوگند ..... ۳۳۴
- ۲۵۶- کیفر حنث سوگند ..... ۳۳۴
- ۲۵۷- کیفر سوگند دروغ ..... ۳۳۵
- ۲۵۸- کیفیت سوگند در لعان ..... ۳۳۶
- ۲۵۹- کیفیت سوگند در وصیت ..... ۳۳۶
- ۲۶۰- گناه حنث سوگند ..... ۳۳۶
- ۲۶۱- گناه سوگند دروغ ..... ۳۳۸
- ۲۶۲- مکر با سوگند ..... ۳۳۸
- ۲۶۳- ممنوعیت سوگند دروغ ..... ۳۳۸
- ۲۶۴- موانع حنث سوگند ..... ۳۳۹
- ۲۶۵- نقش سوگند در سخن ..... ۳۴۰
- ۲۶۶- نهی از سوگند ..... ۳۴۰

- ۲۶۷- نهی از سوگند به خدا ..... ۳۴۰
- ۲۶۸- وفای به سوگند ..... ۳۴۰
- ۲۶۹- وفای به سوگند ایوب(ع) ..... ۳۴۲
- ۲۷۰- {سوگندشکنان} ..... ۳۴۳
- ۲۷۱- انذار سوگندشکنان ..... ۳۴۴
- ۲۷۲- دنیاطلبی سوگندشکنان ..... ۳۴۴
- ۲۷۳- کوتاه بینی سوگندشکنان ..... ۳۴۴
- ۲۷۴- مؤاخذه اخروی سوگندشکنان ..... ۳۴۴
- ۲۷۵- سوگندهای قرآن ..... ۳۴۶
- ۲۷۶- عاقلان و سوگندهای قرآن ..... ۳۹۴
- ۲۷۷- فلسفه سوگندهای قرآن ..... ۳۹۴
- ۴- سیاحت ..... ۳۹۶
- ۱- آثار سیاحت ..... ۳۹۶
- ۲- اهمیت سیاحت ..... ۳۹۶
- ۳- تشویق به سیاحت ..... ۳۹۶
- ۴- توصیه به سیاحت ..... ۳۹۸
- ۵- دعوت به سیاحت ..... ۳۹۹
- ۶- سیاحت ممنوع ..... ۴۰۰
- ۷- سیاحت مؤمنان ..... ۴۰۰
- ۸- فلسفه سیاحت ..... ۴۰۰
- ۹- ممانعت از سیاحت ..... ۴۰۲
- ۵- سیل ..... ۴۰۲
- ۱- آثار سیل ..... ۴۰۲
- ۲- آثار سیل عرم ..... ۴۰۲
- ۳- سیل عرم ..... ۴۰۲
- ۴- کیفر با سیل ..... ۴۰۵

- ۴۰۵ ..... ۵- نقش سیل
- ۴۰۵ ..... ۶- بخش مفید سیلاب
- ۴۰۶ ..... ۷- تشبیه به سیلاب
- ۴۰۷ ..... ۸- تشبیه به کف سیلاب
- ۴۰۷ ..... ۹- کف سیلاب
- ۴۰۹ ..... ۶- سینا
- ۴۰۹ ..... ۱- امیدواری راهیابی در صحرای سینا
- ۴۰۹ ..... ۲- اهمیت سینا
- ۴۰۹ ..... ۳- بنی اسرائیل در صحرای سینا
- ۴۰۹ ..... ۴- خانواده موسی(ع) در صحرای سینا
- ۴۱۰ ..... ۵- فلسفه سوگند به سینا
- ۴۱۰ ..... ۶- مغرب صحرای سینا
- ۴۱۰ ..... ۷- موسی(ع) در صحرای سینا
- ۴۱۲ ..... ۸- صحرای سینا
- ۴۱۲ ..... ۹- بنی اسرائیل در صحرای سینا
- ۴۱۲ ..... ۱۰- خانواده موسی(ع) در صحرای سینا
- ۴۱۲ ..... ۱۱- مغرب صحرای سینا
- ۴۱۳ ..... ۱۲- موسی(ع) در صحرای سینا
- ۴۱۵ ..... ۷- سینه
- ۴۱۵ ..... ۱- سینه
- ۴۱۵ ..... ۲- استخوانهای سینه زنان
- ۴۱۵ ..... ۳- استخوانهای سینه مردان
- ۴۱۷ ..... ۴- اسرار سینه ها
- ۴۱۷ ..... ۵- پوشش سینه در حجاب
- ۴۱۷ ..... ۶- خروج نطفه از استخوان سینه
- ۴۱۷ ..... ۷- راز سینه ها

- ۴۱۹ ..... ۸- سینه انسان
- ۴۱۹ ..... ۹- نقش سینه
- ۴۲۱ ..... ۱۰- نقش سینه علما
- ۴۲۲ ..... ۸- سیئه
- ۴۲۲ ..... ۱- تبدیل سیئه به حسنه
- ۴۲۲ ..... ۲- مراد از سیئه
- ۴۲۴ ..... ۳- موارد سیئه
- ۴۲۴ ..... ۴- موارد سیئات
- ۴۲۶ ..... ۹- سیاست
- ۴۲۶ ..... ۱- آثار قدرت سیاسی
- ۴۲۶ ..... ۲- دین و سیاست
- ۴۲۸ ..... ۳- عوامل قدرت سیاسی
- ۴۲۸ ..... ۴- هماهنگی دین با سیاست
- ۴۲۸ ..... ۵- {سیاست خارجی}
- ۴۲۹ ..... ۶- آثار قدرت سیاسی
- ۴۳۰ ..... ۷- آثار قدرت سیاسی قوم نوح
- ۴۳۰ ..... ۸- ابعاد سیاسی دین
- ۴۳۰ ..... ۹- اهمیت
- ۴۳۱ ..... ۱۰- اهمیت اطلاعات سیاسی
- ۴۳۲ ..... ۱۱- اهمیت تحلیل سیاسی
- ۴۳۲ ..... ۱۲- بعد سیاسی دین
- ۴۳۲ ..... ۱۳- حقوق سیاسی زن
- ۴۳۳ ..... ۱۴- رهبری سیاسی موسی(ع)
- ۴۳۴ ..... ۱۵- ساختار سیاسی قوم عاد
- ۴۳۴ ..... ۱۶- عوامل قدرت سیاسی
- ۴۳۴ ..... ۱۷- فلسفه سیاسی

- ۴۳۶ ..... ۱۸- قدرت سیاسی فرعون
- ۴۳۶ ..... ۱۹- قدرت سیاسی قوم نوح
- ۴۳۶ ..... ۲۰- مشکلات سیاسی مسلمانان صدراسلام
- ۴۳۶ ..... ۲۱- معاهدات سیاسی
- ۴۳۸ ..... ۲۲- موجبات قدرت سیاسی مسلمانان
- ۴۳۸ ..... ۲۳- موضعگیری سیاسی منافقان
- ۴۳۸ ..... ۲۴- موضعگیری سیاسی مؤمنان
- ۴۴۰ ..... ۲۵- موقعیت سیاسی فرعون
- ۴۴۰ ..... ۲۶- موقعیت سیاسی مدین
- ۴۴۰ ..... ۲۷- نظام سیاسی
- ۴۴۲ ..... ۲۸- نظام سیاسی فرعون
- ۴۴۳ ..... ۲۹- نظام سیاسی مصر باستان
- ۴۴۴ ..... ۳۰- نفاق سیاسی
- ۴۴۵ ..... ۱۰- شاعران
- ۴۴۵ ..... ۱- بی منطقی شاعران گمراه
- ۴۴۵ ..... ۲- تحیر شاعران
- ۴۴۵ ..... ۳- تزیین باطل شاعران گمراه
- ۴۴۶ ..... ۴- تشویق شاعران مؤمن
- ۴۴۶ ..... ۵- تنزیه شاعران مؤمن
- ۴۴۶ ..... ۶- حامی شاعران
- ۴۴۶ ..... ۷- خیال پرداز شاعران
- ۴۴۷ ..... ۸- شاعران مؤمن و خیال پرداز
- ۴۴۸ ..... ۹- شاعران مؤمن و سخن بی عمل
- ۴۴۸ ..... ۱۰- علاقمندان به شاعران گمراه
- ۴۴۸ ..... ۱۱- عمل شاعران
- ۴۴۸ ..... ۱۲- فضایل شاعران ذاکر

- ۴۵۰ ..... ۱۳- فضایل شاعران صالح
- ۴۵۰ ..... ۱۴- فضایل شاعران مؤمن
- ۴۵۰ ..... ۱۵- مراد از شاعران
- ۴۵۰ ..... ۱۶- نقش شاعران
- ۴۵۲ ..... ۱۷- نقش شاعران گمراه
- ۴۵۲ ..... ۱۸- ویژگیهای شاعران گمراه
- ۴۵۳ ..... ۱۱- شاکران
- ۴۵۳ ..... ۱- شاکران
- ۴۵۵ ..... ۲- اجابت دعای شاکران
- ۴۵۶ ..... ۳- ازدیاد نعمت شاکران
- ۴۵۷ ..... ۴- اقلیت شاکران
- ۴۵۷ ..... ۵- برگزیدگی شاکران
- ۴۵۷ ..... ۶- پاداش شاکران
- ۴۵۸ ..... ۷- تشخیص شاکران
- ۴۵۹ ..... ۸- شاکران و آیات خدا
- ۴۵۹ ..... ۹- شاکران و ایام الله
- ۴۵۹ ..... ۱۰- شاکران و قصه قوم سبا
- ۴۵۹ ..... ۱۱- شکرگزاری شاکران
- ۴۶۱ ..... ۱۲- عفو شاکران
- ۴۶۱ ..... ۱۳- فضایل شاکران
- ۴۶۳ ..... ۱۴- قلت شاکران
- ۴۶۳ ..... ۱۵- کمی شاکران
- ۴۶۵ ..... ۱۶- مقام شاکران
- ۴۶۵ ..... ۱۷- مقامات شاکران
- ۴۶۷ ..... ۱۸- نجات شاکران
- ۴۶۷ ..... ۱۹- وعده به شاکران

- ۴۶۸ ..... ۱۲- شامات
- ۴۶۸ ..... ۱- آبادانی شامات
- ۴۶۸ ..... ۲- امنیت در شامات
- ۴۶۸ ..... ۳- امنیت شامات
- ۴۶۸ ..... ۴- برکت شامات
- ۴۷۰ ..... ۵- بنی اسرائیل در سرزمین شامات
- ۴۷۰ ..... ۶- تاریخ شامات
- ۴۷۱ ..... ۷- راههای شامات
- ۴۷۲ ..... ۸- راههای شامات در دوران قوم سبا
- ۴۷۲ ..... ۹- روابط اهل شامات
- ۴۷۲ ..... ۱۰- شامات در دوران قوم سبا
- ۴۷۴ ..... ۱۱- منشأ آبادانی شامات
- ۴۷۴ ..... ۱۲- منشأ برکت شامات
- ۴۷۵ ..... ۱۳- پادشاه
- ۴۷۵ ..... ۱- آبخوری پادشاه مصر
- ۴۷۵ ..... ۲- آگاهی پادشاه مصر
- ۴۷۷ ..... ۳- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر
- ۴۷۷ ..... ۴- ارزش آبخوری پادشاه مصر
- ۴۷۹ ..... ۵- استیزان ساقی پادشاه مصر
- ۴۷۹ ..... ۶- اطمینان پادشاه مصر
- ۴۷۹ ..... ۷- اطمینان ساقی پادشاه مصر
- ۴۷۹ ..... ۸- اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)
- ۴۸۱ ..... ۹- اقرار معبران پادشاه مصر
- ۴۸۱ ..... ۱۰- اوامر پادشاه مصر
- ۴۸۱ ..... ۱۱- اهداف ساقی پادشاه مصر
- ۴۸۲ ..... ۱۲- بازجویی پادشاه مصر



- ۴۸۳ ..... ۱۳- بینش پادشاه مصر
- ۴۸۳ ..... ۱۴- بینش ساقی پادشاه مصر
- ۴۸۴ ..... ۱۵- پادشاه ظالم
- ۴۸۵ ..... ۱۶- پادشاه مصر و اشراف مصر
- ۴۸۵ ..... ۱۷- پادشاه مصر و امینان
- ۴۸۵ ..... ۱۸- پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)
- ۴۸۵ ..... ۱۹- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)
- ۴۸۷ ..... ۲۰- پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)
- ۴۸۷ ..... ۲۱- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر
- ۴۸۷ ..... ۲۲- پادشاه مصر و عقیقان
- ۴۸۸ ..... ۲۳- پادشاه مصر و علما
- ۴۸۹ ..... ۲۴- پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)
- ۴۸۹ ..... ۲۵- پادشاه مصر و معبران
- ۴۸۹ ..... ۲۶- پادشاه مصر و یوسف(ع)
- ۴۹۱ ..... ۲۷- تعبیر رؤیای پادشاه مصر
- ۴۹۳ ..... ۲۸- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر
- ۴۹۵ ..... ۲۹- جنس آبخوری پادشاه مصر
- ۴۹۵ ..... ۳۰- حکمت پادشاه مصر
- ۴۹۵ ..... ۳۱- خواسته های پادشاه مصر
- ۴۹۶ ..... ۳۲- خواسته های ساقی پادشاه مصر
- ۴۹۷ ..... ۳۳- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر
- ۴۹۷ ..... ۳۴- رؤیای پادشاه مصر
- ۵۰۲ ..... ۳۵- زلیخا و پادشاه مصر
- ۵۰۲ ..... ۳۶- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران
- ۵۰۲ ..... ۳۷- ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)
- ۵۰۶ ..... ۳۸- شگفتی رؤیای پادشاه مصر

- ۳۹- شیطان و ساقی پادشاه مصر ..... ۵۰۷
- ۴۰- ظلم پادشاه قصه خضر(ع) ..... ۵۰۷
- ۴۱- عجز معبران پادشاه مصر ..... ۵۰۸
- ۴۲- عدالت پادشاه مصر ..... ۵۰۹
- ۴۳- عقیده پادشاه مصر ..... ۵۰۹
- ۴۴- غارتگری پادشاه قصه خضر(ع) ..... ۵۰۹
- ۴۵- فراموشی ساقی پادشاه مصر ..... ۵۱۱
- ۴۶- فضایل پادشاه مصر ..... ۵۱۱
- ۴۷- فواید آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۱۱
- ۴۸- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۱۳
- ۴۹- گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر ..... ۵۱۳
- ۵۰- گم شدن آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۱۵
- ۵۱- محدوده اختیارات پادشاه مصر ..... ۵۱۷
- ۵۲- مدیریت پادشاه مصر ..... ۵۱۷
- ۵۳- مشاور مخصوص پادشاه مصر ..... ۵۱۷
- ۵۴- معبران پادشاه مصر ..... ۵۱۹
- ۵۵- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۱۹
- ۵۶- ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع) ..... ۵۱۹
- ۵۷- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر ..... ۵۲۰
- ۵۸- نجات ساقی پادشاه مصر ..... ۵۲۱
- ۵۹- نقش ساقی پادشاه مصر ..... ۵۲۱
- ۶۰- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۲۱
- ۶۱- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا ..... ۵۲۱
- ۶۲- همسر پادشاه مصر و یوسف(ع) ..... ۵۲۳
- ۶۳- یوسف(ع) و پادشاه مصر ..... ۵۲۳
- ۶۴- یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر ..... ۵۲۵

- ۶۵- یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر ..... ۵۲۵
- ۶۶- یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر ..... ۵۲۷
- ۶۷- {پادشاه مصر} ..... ۵۲۷
- ۶۸- آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۲۷
- ۶۹- آگاهی پادشاه مصر ..... ۵۲۹
- ۷۰- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر ..... ۵۲۹
- ۷۱- ارزش آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۳۱
- ۷۲- استیذان ساقی پادشاه مصر ..... ۵۳۱
- ۷۳- اطمینان پادشاه مصر ..... ۵۳۱
- ۷۴- اطمینان ساقی پادشاه مصر ..... ۵۳۲
- ۷۵- اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع) ..... ۵۳۳
- ۷۶- اقرار معبران پادشاه مصر ..... ۵۳۳
- ۷۷- اوامر پادشاه مصر ..... ۵۳۴
- ۷۸- اهداف ساقی پادشاه مصر ..... ۵۳۵
- ۷۹- بازجویی پادشاه مصر ..... ۵۳۵
- ۸۰- بینش پادشاه مصر ..... ۵۳۵
- ۸۱- بینش ساقی پادشاه مصر ..... ۵۳۶
- ۸۲- پادشاه مصر و اشراف مصر ..... ۵۳۷
- ۸۳- پادشاه مصر و امینان ..... ۵۳۷
- ۸۴- پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع) ..... ۵۳۷
- ۸۵- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع) ..... ۵۳۸
- ۸۶- پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع) ..... ۵۳۹
- ۸۷- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر ..... ۵۳۹
- ۸۸- پادشاه مصر و عقیقان ..... ۵۳۹
- ۸۹- پادشاه مصر و علما ..... ۵۴۱
- ۹۰- پادشاه مصر و قصه یوسف(ع) ..... ۵۴۱

- ۹۱- پادشاه مصر و معبران ..... ۵۴۱
- ۹۲- پادشاه مصر و یوسف(ع) ..... ۵۴۲
- ۹۳- تعبیر رؤیای پادشاه مصر ..... ۵۴۳
- ۹۴- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۴۶
- ۹۵- جنس آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۴۷
- ۹۶- حکمت پادشاه مصر ..... ۵۴۷
- ۹۷- خواسته های پادشاه مصر ..... ۵۴۷
- ۹۸- خواسته های ساقی پادشاه مصر ..... ۵۴۹
- ۹۹- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر ..... ۵۴۹
- ۱۰۰- رؤیای پادشاه مصر ..... ۵۴۹
- ۱۰۱- زلیخا و پادشاه مصر ..... ۵۵۵
- ۱۰۲- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران ..... ۵۵۵
- ۱۰۳- ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع) ..... ۵۵۵
- ۱۰۴- شگفتی رؤیای پادشاه مصر ..... ۵۵۹
- ۱۰۵- شیطان و ساقی پادشاه مصر ..... ۵۵۹
- ۱۰۶- عجز معبران پادشاه مصر ..... ۵۵۹
- ۱۰۷- عدالت پادشاه مصر ..... ۵۶۱
- ۱۰۸- عقیده پادشاه مصر ..... ۵۶۱
- ۱۰۹- فراموشی ساقی پادشاه مصر ..... ۵۶۱
- ۱۱۰- فضایل پادشاه مصر ..... ۵۶۲
- ۱۱۱- فواید آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۶۳
- ۱۱۲- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۶۳
- ۱۱۳- گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر ..... ۵۶۵
- ۱۱۴- گم شدن آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۶۷
- ۱۱۵- محدوده اختیارات پادشاه مصر ..... ۵۶۷
- ۱۱۶- مدیریت پادشاه مصر ..... ۵۶۷

- ۱۱۷- مشاور مخصوص پادشاه مصر ..... ۵۶۹
- ۱۱۸- معبران پادشاه مصر ..... ۵۶۹
- ۱۱۹- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۶۹
- ۱۲۰- ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع) ..... ۵۷۱
- ۱۲۱- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر ..... ۵۷۱
- ۱۲۲- نجات ساقی پادشاه مصر ..... ۵۷۱
- ۱۲۳- نقش ساقی پادشاه مصر ..... ۵۷۱
- ۱۲۴- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر ..... ۵۷۳
- ۱۲۵- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا ..... ۵۷۳
- ۱۲۶- همسر پادشاه مصر و یوسف(ع) ..... ۵۷۳
- ۱۲۷- یوسف(ع) و پادشاه مصر ..... ۵۷۳
- ۱۲۸- یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر ..... ۵۷۶
- ۱۲۹- یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر ..... ۵۷۷
- ۱۳۰- یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر ..... ۵۷۷
- ۱۳۱- آثار سلطه پادشاهان ..... ۵۷۸
- ۱۳۲- افساد پادشاهان ..... ۵۷۹
- ۱۳۳- دنیاطلبی پادشاهان ..... ۵۷۹
- ۱۳۴- ملکه سبأ و پادشاهان ..... ۵۷۹
- ۱۳۵- نقش پادشاهان ..... ۵۸۰
- ۱۳۶- ویژگیهای پادشاهان ..... ۵۸۱
- ۱۳۷- پادشاهی بزرگ ..... ۵۸۱
- ۱۳۸- حکومت پادشاهی مصر باستان ..... ۵۸۱
- ۱۳۹- ویژگیهای پادشاهی در بهشت ..... ۵۸۱
- ۱۴- شایعه ..... ۵۸۴
- ۱- شایعه ..... ۵۸۴
- ۲- آثار اجتماعی شایعه ..... ۵۸۴

- ۳- آثار شایعه ..... ۵۸۶
- ۴- آثار شایعه پراکنی ..... ۵۸۶
- ۵- آثار شایعه علیه مسلمانان ..... ۵۸۷
- ۶- آواره سازی شایعه پراکنان ..... ۵۸۸
- ۷- آواره سازی شایعه پراکنان مدینه ..... ۵۸۸
- ۸- اجتناب از شایعه پراکنی ..... ۵۸۸
- ۹- استقامت در برابر شایعه ..... ۵۸۸
- ۱۰- اظهار تعجب از شایعه ..... ۵۹۰
- ۱۱- افساد شایعه پراکنان مدینه ..... ۵۹۰
- ۱۲- افشای انگیزه شایعه سازان ..... ۵۹۰
- ۱۳- تکذیب شایعه علیه خانواده محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۵۹۰
- ۱۴- تکذیب شایعه علیه محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۵۹۲
- ۱۵- تکذیب شایعه علیه مؤمنان ..... ۵۹۲
- ۱۶- تهدید شایعه سازان ..... ۵۹۲
- ۱۷- سرزنش استماع شایعه ..... ۵۹۲
- ۱۸- شایعه پراکنان مدینه ..... ۵۹۳
- ۱۹- شایعه پراکنی فاسدان ..... ۵۹۴
- ۲۰- شایعه پراکنی گناهکاران ..... ۵۹۴
- ۲۱- شایعه در جنگ ..... ۵۹۵
- ۲۲- شایعه در صدراسلام ..... ۵۹۶
- ۲۳- شایعه دروغ ..... ۵۹۶
- ۲۴- شایعه دشمنان ..... ۵۹۶
- ۲۵- شایعه سازی منافقان ..... ۵۹۸
- ۲۶- شایعه سازی منافقان صدراسلام ..... ۵۹۸
- ۲۷- شایعه سازی یهود ..... ۵۹۹
- ۲۸- شایعه علیه محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۰۰

- ۲۹- شایعه علیه مؤمنان ..... ۶۰۰
- ۳۰- شایعه علیه همسر محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۰۲
- ۳۱- شایعه مسلمانان صدراسلام ..... ۶۰۲
- ۳۲- شایعه مشرکان ..... ۶۰۲
- ۳۳- شایعه منافقان ..... ۶۰۲
- ۳۴- عذاب شایعه سازان ..... ۶۰۴
- ۳۵- علاقمندان شایعه ..... ۶۰۴
- ۳۶- فرجام شایعه علیه مسلمانان ..... ۶۰۵
- ۳۷- قتل شایعه پراکنان ..... ۶۰۶
- ۳۸- قتل شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۰۶
- ۳۹- کیفر شایعه پراکنی ..... ۶۰۶
- ۴۰- گناه شایعه پراکنی ..... ۶۰۶
- ۴۱- مبارزه با شایعه ..... ۶۰۷
- ۴۲- مبارزه محمد(صلی الله علیه و آله) با شایعه پراکنان ..... ۶۰۸
- ۴۳- محرومیت شایعه سازان ..... ۶۰۸
- ۴۴- موانع تأثیر شایعه ..... ۶۰۸
- ۴۵- موانع شایعه پراکنی ..... ۶۱۰
- ۴۶- نقش شایعه پراکنان ..... ۶۱۰
- ۴۷- هشدار به شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۱۰
- ۴۸- آواره سازی شایعه پراکنان ..... ۶۱۰
- ۴۹- آواره سازی شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۱۱
- ۵۰- افساد شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۱۲
- ۵۱- شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۱۲
- ۵۲- قتل شایعه پراکنان ..... ۶۱۳
- ۵۳- قتل شایعه پراکنان مدینه ..... ۶۱۴
- ۵۴- مبارزه محمد(صلی الله علیه و آله) با شایعه پراکنان ..... ۶۱۴

- ۵۵- نقش شایعه پراکنان ..... ۶۱۴
- ۵۶- آثار شایعه پراکنی ..... ۶۱۵
- ۵۷- اجتناب از شایعه پراکنی ..... ۶۱۶
- ۵۸- شایعه پراکنی فاسدان ..... ۶۱۶
- ۵۹- شایعه پراکنی گناهکاران ..... ۶۱۶
- ۶۰- کیفر شایعه پراکنی ..... ۶۱۸
- ۶۱- گناه شایعه پراکنی ..... ۶۱۸
- ۶۲- موانع شایعه پراکنی ..... ۶۱۸
- ۶۳- افشای انگیزه شایعه سازان ..... ۶۱۸
- ۶۴- تهدید شایعه سازان ..... ۶۲۰
- ۶۵- عذاب شایعه سازان ..... ۶۲۰
- ۶۶- محرومیت شایعه سازان ..... ۶۲۰
- ۱۵- شایستگی ..... ۶۲۱
- ۱- آثار شایستگی ..... ۶۲۱
- ۲- شایستگی انبیا ..... ۶۲۱
- ۳- شایستگی محسنان ..... ۶۲۱
- ۴- شایستگی موسی(ع) ..... ۶۲۱
- ۱۶- شب قدر ..... ۶۲۴
- ۱- شب قدر ..... ۶۲۴
- ۲- آثار نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ..... ۶۲۴
- ۳- آثار نزول قرآن در شب قدر ..... ۶۲۴
- ۴- آثار نزول ملائکه در شب قدر ..... ۶۲۴
- ۵- اهمیت شب قدر ..... ۶۲۶
- ۶- برکت شب قدر ..... ۶۲۷
- ۷- تداوم شب قدر ..... ۶۲۸
- ۸- تداوم فضیلت شب قدر ..... ۶۲۸



- ۹- تداوم نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ..... ۶۲۸
- ۱۰- تداوم نزول ملائکه در شب قدر ..... ۶۲۹
- ۱۱- تشخیص شب قدر ..... ۶۳۰
- ۱۲- تقدیر در شب قدر ..... ۶۳۰
- ۱۳- خیریت شب قدر ..... ۶۳۳
- ۱۴- زمان شب قدر ..... ۶۳۴
- ۱۵- سلامتی شب قدر ..... ۶۳۴
- ۱۶- عظمت شب قدر ..... ۶۳۶
- ۱۷- عمل صالح در شب قدر ..... ۶۳۶
- ۱۸- فضیلت شب قدر ..... ۶۳۶
- ۱۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و شب قدر ..... ۶۳۸
- ۲۰- ملاک تقدیر در شب قدر ..... ۶۳۹
- ۲۱- نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ..... ۶۴۰
- ۲۲- نزول قرآن در شب قدر ..... ۶۴۲
- ۲۳- نزول کتب آسمانی در شب قدر ..... ۶۴۲
- ۲۴- نزول ملائکه در شب قدر ..... ۶۴۲
- ۲۵- نشانه های برکت شب قدر ..... ۶۴۴
- ۲۶- نشانه های فضیلت شب قدر ..... ۶۴۴
- ۲۷- نعمتهای خدا در شب قدر ..... ۶۴۶
- ۲۸- نقش شب قدر ..... ۶۴۶
- ۲۹- وقت شب قدر ..... ۶۴۶
- ۳۰- ویژگیهای شب قدر ..... ۶۴۹
- ۱۷- شب ..... ۶۵۱
- ۱- شب ..... ۶۵۱
- ۲- آثار تاریکی شب ..... ۶۵۱
- ۳- آثار تعقل در باره شب ..... ۶۵۱

- ۴- آثار جایگزینی شب ..... ۶۵۲
- ۵- آثار خلقت شب ..... ۶۵۲
- ۶- آثار گردش شب ..... ۶۵۲
- ۷- آثار نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ..... ۶۵۴
- ۸- آثار نزول قرآن در شب قدر ..... ۶۵۴
- ۹- آثار نزول ملائکه در شب قدر ..... ۶۵۴
- ۱۰- آثار نماز شب ..... ۶۵۴
- ۱۱- آداب نماز شب ..... ۶۵۶
- ۱۲- آرامش در شب ..... ۶۵۶
- ۱۳- آسایش در شب ..... ۶۶۰
- ۱۴- آغاز خلقت شب ..... ۶۶۰
- ۱۵- احکام نماز شب ..... ۶۶۰
- ۱۶- اخلاص در نماز شب ..... ۶۶۲
- ۱۷- ارزش نماز شب ..... ۶۶۲
- ۱۸- استراحت در شب ..... ۶۶۲
- ۱۹- استفاده از شب ..... ۶۶۲
- ۲۰- انشقاق تاریکی شب ..... ۶۶۴
- ۲۱- اهمیت تلاوت قرآن در شب ..... ۶۶۴
- ۲۲- اهمیت حرکت شب ..... ۶۶۴
- ۲۳- اهمیت دعا در شب ..... ۶۶۵
- ۲۴- اهمیت شب ..... ۶۶۶
- ۲۵- اهمیت شب قدر ..... ۶۶۶
- ۲۶- اهمیت گردش شب ..... ۶۶۸
- ۲۷- اهمیت مناجات در شب ..... ۶۶۸
- ۲۸- اهمیت نماز شب ..... ۶۶۸
- ۲۹- اهمیت وضوح ستارگان در شب ..... ۶۷۱

- ۳۰- برکت شب قدر ..... ۶۷۲
- ۳۱- پوشش روز با شب ..... ۶۷۲
- ۳۲- پوشش شب با روز ..... ۶۷۲
- ۳۳- پیدایش تاریکی شب ..... ۶۷۳
- ۳۴- تاریکی شب ..... ۶۷۴
- ۳۵- تتابع شب ..... ۶۷۶
- ۳۶- تتابع شب و روز ..... ۶۷۶
- ۳۷- تداوم تتابع شب و روز ..... ۶۷۸
- ۳۸- تداوم شب ..... ۶۷۸
- ۳۹- تداوم شب قدر ..... ۶۷۸
- ۴۰- تداوم فضیلت شب قدر ..... ۶۸۰
- ۴۱- تداوم نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ..... ۶۸۰
- ۴۲- تداوم نزول ملائکه در شب قدر ..... ۶۸۰
- ۴۳- تسبیح خدا در شب ..... ۶۸۱
- ۴۴- تسبیح در شب ..... ۶۸۲
- ۴۵- تسخیر شب ..... ۶۸۷
- ۴۶- تشبیه به شب تاریک ..... ۶۸۸
- ۴۷- تشبیه شب ..... ۶۸۸
- ۴۸- تشخیص شب قدر ..... ۶۹۰
- ۴۹- تعقل در خلقت شب ..... ۶۹۰
- ۵۰- تعقل در گردش شب و روز ..... ۶۹۰
- ۵۱- تفاوت شب ..... ۶۹۰
- ۵۲- تفاوت شب و روز ..... ۶۹۲
- ۵۳- تفاوت فضیلت شب ها ..... ۶۹۴
- ۵۴- تقدیر در شب قدر ..... ۶۹۴
- ۵۵- تلاوت قرآن در نماز شب ..... ۶۹۷

- ۵۶- توصیه به نماز شب ..... ۶۹۸
- ۵۷- جایگزینی شب ..... ۶۹۸
- ۵۸- چرای چهارپایان در شب ..... ۶۹۸
- ۵۹- حرکت سریع سپاه در شب ..... ۷۰۰
- ۶۰- حمد خدا در شب ..... ۷۰۰
- ۶۱- حمد در شب ..... ۷۰۰
- ۶۲- خالق شب ..... ۷۰۲
- ۶۳- خلقت شب ..... ۷۰۴
- ۶۴- خیریت شب قدر ..... ۷۰۸
- ۶۵- دعا در شب ..... ۷۰۸
- ۶۶- دعا در نماز شب ..... ۷۱۰
- ۶۷- ذکر در شب ..... ۷۱۰
- ۶۸- زمان شب قدر ..... ۷۱۲
- ۶۹- زمینه نماز شب ..... ۷۱۲
- ۷۰- زنبور عسل در شب ..... ۷۱۲
- ۷۱- زوال تاریکی شب ..... ۷۱۲
- ۷۲- سختی اندازه گیری شب ..... ۷۱۴
- ۷۳- سلامتی شب قدر ..... ۷۱۴
- ۷۴- سوگند به آغاز شب ..... ۷۱۴
- ۷۵- سوگند به پایان شب ..... ۷۱۶
- ۷۶- سوگند به تاریکی شب ..... ۷۱۶
- ۷۷- سوگند به حرکت شب ..... ۷۱۸
- ۷۸- سوگند به شب ..... ۷۱۹
- ۷۹- سوگند به شب های دهگانه ..... ۷۲۴
- ۸۰- شب از آیات خدا ..... ۷۲۶
- ۸۱- شب بیست و سوم ماه رمضان ..... ۷۲۷

- ۷۲۸ ..... ۸۲- شب بیست و هفتم ماه رمضان
- ۷۲۸ ..... ۸۳- شب بیست و یکم ماه رمضان
- ۷۲۸ ..... ۸۴- شب بیستوسوم ماه رمضان
- ۷۲۸ ..... ۸۵- شب در بهشت
- ۷۳۰ ..... ۸۶- شب عید قربان
- ۷۳۰ ..... ۸۷- شب نشینیهای مرفهان صدر اسلام
- ۷۳۰ ..... ۸۸- شب نشینیهای مرفهان کافر
- ۷۳۰ ..... ۸۹- شب و توحید ربوبی
- ۷۳۲ ..... ۹۰- شب و روز
- ۷۳۲ ..... ۹۱- شروع شب
- ۷۳۲ ..... ۹۲- شگفتی شب
- ۷۳۳ ..... ۹۳- شگفتی وضوح ستارگان در شب
- ۷۳۴ ..... ۹۴- صداقت در نماز شب
- ۷۳۴ ..... ۹۵- عبادت در اول شب
- ۷۳۴ ..... ۹۶- عبادت در شب
- ۷۳۶ ..... ۹۷- عبرت از خلقت شب
- ۷۳۶ ..... ۹۸- عبرت از گردش شب
- ۷۳۸ ..... ۹۹- عذاب در شب
- ۷۳۹ ..... ۱۰۰- عظمت تاریکی شب
- ۷۴۰ ..... ۱۰۱- عظمت حرکت شب
- ۷۴۰ ..... ۱۰۲- عظمت شب
- ۷۴۲ ..... ۱۰۳- عظمت شب قدر
- ۷۴۲ ..... ۱۰۴- عظمت شب های دهگانه
- ۷۴۲ ..... ۱۰۵- عمل صالح در شب قدر
- ۷۴۲ ..... ۱۰۶- فضیلت شب جمعه
- ۷۴۴ ..... ۱۰۷- فضیلت شب قدر

- ۱۰۸- فضیلت شب معراج ..... ۷۴۶
- ۱۰۹- فضیلت شب های دهگانه ..... ۷۴۶
- ۱۱۰- فضیلت نماز شب ..... ۷۴۶
- ۱۱۱- فلسفه خلقت شب ..... ۷۴۸
- ۱۱۲- فلسفه سوگند به تاریکی شب ..... ۷۴۹
- ۱۱۳- فواید اول شب ..... ۷۵۰
- ۱۱۴- فواید تاریکی شب ..... ۷۵۰
- ۱۱۵- فواید حرکت شب ..... ۷۵۰
- ۱۱۶- فواید شب ..... ۷۵۱
- ۱۱۷- قرآن در نماز شب ..... ۷۵۴
- ۱۱۸- قیام در نماز شب ..... ۷۵۵
- ۱۱۹- گردش سریع شب ..... ۷۵۶
- ۱۲۰- گردش شب ..... ۷۵۶
- ۱۲۱- گردش شب و روز ..... ۷۶۰
- ۱۲۲- گسترش تاریکی شب ..... ۷۶۳
- ۱۲۳- محرومیت از شب ..... ۷۶۴
- ۱۲۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و شب قدر ..... ۷۶۴
- ۱۲۵- مرز شب و روز ..... ۷۶۴
- ۱۲۶- ملاک تقدیر در شب قدر ..... ۷۶۴
- ۱۲۷- مناجات در شب ..... ۷۶۶
- ۱۲۸- منشأ بلندی شب ..... ۷۶۶
- ۱۲۹- منشأ تاریکی شب ..... ۷۶۶
- ۱۳۰- منشأ تغییر مدت شب ..... ۷۶۸
- ۱۳۱- منشأ جایگزینی شب ..... ۷۶۸
- ۱۳۲- منشأ راهیابی در شب ..... ۷۶۸
- ۱۳۳- منشأ شب ..... ۷۶۸

- ۱۳۴- منشأ کوتاهی شب ----- ۷۶۹
- ۱۳۵- منشأ گردش شب ----- ۷۷۰
- ۱۳۶- نزول روح(اسم خاص) در شب قدر ----- ۷۷۰
- ۱۳۷- نزول قرآن در شب قدر ----- ۷۷۲
- ۱۳۸- نزول کتب آسمانی در شب قدر ----- ۷۷۳
- ۱۳۹- نزول ملائکه در شب قدر ----- ۷۷۴
- ۱۴۰- نشانه های برکت شب قدر ----- ۷۷۵
- ۱۴۱- نشانه های فضیلت شب قدر ----- ۷۷۶
- ۱۴۲- نعمت تاریکی شب ----- ۷۷۶
- ۱۴۳- نعمت شب ----- ۷۷۶
- ۱۴۴- نعمت گسترش تاریکی شب ----- ۷۷۹
- ۱۴۵- نعمتهای خدا در شب قدر ----- ۷۸۰
- ۱۴۶- نقش حرکت شب ----- ۷۸۰
- ۱۴۷- نقش شب ----- ۷۸۰
- ۱۴۸- نقش شب قدر ----- ۷۸۲
- ۱۴۹- نماز در اول شب ----- ۷۸۳
- ۱۵۰- نماز شب در صدراسلام ----- ۷۸۴
- ۱۵۱- نماز شب صحابه ----- ۷۸۴
- ۱۵۲- نماز شب محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۷۸۴
- ۱۵۳- نماز شب مسلمانان صدراسلام ----- ۷۸۶
- ۱۵۴- نماز شب مؤمنان ----- ۷۸۶
- ۱۵۵- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در شب معراج ----- ۷۸۸
- ۱۵۶- وقت شب قدر ----- ۷۸۸
- ۱۵۷- وقت نماز شب ----- ۷۹۰
- ۱۵۸- ویژگی شب ----- ۷۹۰
- ۱۵۹- ویژگیهای آغاز شب ----- ۷۹۱

- ۱۶۰- ویژگیهای پایان شب - ۷۹۲
- ۱۶۱- ویژگیهای شب - ۷۹۲
- ۱۶۲- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان - ۷۹۲
- ۱۶۳- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان - ۷۹۴
- ۱۶۴- ویژگیهای شب قدر - ۷۹۴
- ۱۶۵- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان - ۷۹۶
- ۱۶۶- هفت شب - ۷۹۶
- ۱۶۷- {شب و روز} - ۷۹۶
- ۱۶۸- تتابع شب و روز - ۷۹۸
- ۱۶۹- تعقل در گردش شب و روز - ۸۰۰
- ۱۷۰- تفاوت شب و روز - ۸۰۰
- ۱۷۱- شب و روز - ۸۰۲
- ۱۷۲- گردش شب و روز - ۸۰۲
- ۱۷۳- مرز شب و روز - ۸۰۶
- ۱۸- شبیه - ۸۰۷
- ۱- آثار شبیه افکنی در دین - ۸۰۷
- ۲- آثار شبیه افکنی در مسلمانان - ۸۰۷
- ۳- آثار شبیه افکنی کافران مکه - ۸۰۷
- ۴- القای شبیه - ۸۰۷
- ۵- القای شبیه در آیات خدا - ۸۰۹
- ۶- القای شبیه در احکام - ۸۰۹
- ۷- القای شبیه در دین - ۸۰۹
- ۸- القای شبیه در قرآن - ۸۱۱
- ۹- اهمیت شبیه زدایی - ۸۱۱
- ۱۰- اهمیت شبیه زدایی از دین - ۸۱۱
- ۱۱- اهمیت شبیه شناسی - ۸۱۲



- ۱۲- بی تأثیری شبهه افکنی شیطان ..... ۸۱۳
- ۱۳- پاسخ به شبهه ..... ۸۱۳
- ۱۴- تأثیر شبهه افکنی مشرکان ..... ۸۱۳
- ۱۵- ترک شبهه افکنی در معاد ..... ۸۱۵
- ۱۶- تهدید شبهه افکنان در معاد ..... ۸۱۵
- ۱۷- رفع شبهه از حقانیت قرآن ..... ۸۱۵
- ۱۸- رفع شبهه از قرآن ..... ۸۱۶
- ۱۹- رفع شبهه در تبلیغ ..... ۸۱۷
- ۲۰- روش رفع شبهه ..... ۸۱۷
- ۲۱- زمینه شبهه ..... ۸۱۷
- ۲۲- سرزنش شبهه افکنی در آخرت ..... ۸۱۹
- ۲۳- سرزنش شبهه افکنی درباره محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۱۹
- ۲۴- سرزنش شبهه افکنی معاد ..... ۸۱۹
- ۲۵- شبهه افکنان معاد در قیامت ..... ۸۲۰
- ۲۶- شبهه افکنی اقوام پیشین ..... ۸۲۱
- ۲۷- شبهه افکنی امت ها ..... ۸۲۱
- ۲۸- شبهه افکنی حق ستیزان ..... ۸۲۱
- ۲۹- شبهه افکنی در اندازهای لوط(ع) ..... ۸۲۱
- ۳۰- شبهه افکنی در درباره خدا ..... ۸۲۳
- ۳۱- شبهه افکنی در دین ..... ۸۲۳
- ۳۲- شبهه افکنی در قرآن ..... ۸۲۳
- ۳۳- شبهه افکنی در قیامت ..... ۸۲۳
- ۳۴- شبهه افکنی در معاد ..... ۸۲۴
- ۳۵- شبهه افکنی در مؤمنان ..... ۸۲۵
- ۳۶- شبهه افکنی درباره محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۲۶
- ۳۷- شبهه افکنی رهبران ظالم ..... ۸۲۷

- ۳۸- شبیه افکنی شیطان ..... ۸۲۷
- ۳۹- شبیه افکنی علمای یهود ..... ۸۲۸
- ۴۰- شبیه افکنی علیه محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۲۹
- ۴۱- شبیه افکنی فاسدان ..... ۸۲۹
- ۴۲- شبیه افکنی فرعون ..... ۸۲۹
- ۴۳- شبیه افکنی قوم لوط ..... ۸۳۱
- ۴۴- شبیه افکنی کافران ..... ۸۳۱
- ۴۵- شبیه افکنی گناهکاران ..... ۸۳۴
- ۴۶- شبیه افکنی مسیحیان ..... ۸۳۵
- ۴۷- شبیه افکنی مشرکان ..... ۸۳۵
- ۴۸- شبیه افکنی یهود ..... ۸۳۷
- ۴۹- عوامل رفع شبهه ..... ۸۳۷
- ۵۰- عوامل رفع شبهه از قرآن ..... ۸۳۸
- ۵۱- عوامل زوال شبهه در معاد ..... ۸۳۹
- ۵۲- عوامل شبهه ..... ۸۳۹
- ۵۳- عوامل شبهه افکنی در دین ..... ۸۴۱
- ۵۴- فلسفه رفع شبهه از قرآن ..... ۸۴۲
- ۵۵- فلسفه شبهه افکنی مشرکان ..... ۸۴۳
- ۵۶- گناه شبهه افکنی ..... ۸۴۳
- ۵۷- منشأ شبهه افکنی مشرکان ..... ۸۴۳
- ۵۸- نافرجامی شبهه افکنی در توحید ..... ۸۴۴
- ۵۹- نهی از شبهه افکنی در معاد ..... ۸۴۵
- ۶۰- هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی ..... ۸۴۵
- ۶۱- هماهنگی کفر با شبهه افکنی ..... ۸۴۵
- ۶۲- هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی ..... ۸۴۵
- ۶۳- آثار شبهه افکنی در دین ..... ۸۴۷

- ۶۴- آثار شبیه افکنی در مسلمانان ..... ۸۴۷
- ۶۵- آثار شبیه افکنی کافران مکه ..... ۸۴۷
- ۶۶- بی تأثیری شبیه افکنی شیطان ..... ۸۴۷
- ۶۷- تأثیر شبیه افکنی مشرکان ..... ۸۴۹
- ۶۸- ترک شبیه افکنی در معاد ..... ۸۴۹
- ۶۹- سرزنش شبیه افکنی در آخرت ..... ۸۴۹
- ۷۰- سرزنش شبیه افکنی درباره محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۴۹
- ۷۱- سرزنش شبیه افکنی معاد ..... ۸۵۱
- ۷۲- شبیه افکنی اقوام پیشین ..... ۸۵۱
- ۷۳- شبیه افکنی امت ها ..... ۸۵۱
- ۷۴- شبیه افکنی حق ستیزان ..... ۸۵۱
- ۷۵- شبیه افکنی در اندازهای لوط(ع) ..... ۸۵۲
- ۷۶- شبیه افکنی در درباره خدا ..... ۸۵۳
- ۷۷- شبیه افکنی در دین ..... ۸۵۳
- ۷۸- شبیه افکنی در قرآن ..... ۸۵۳
- ۷۹- شبیه افکنی در قیامت ..... ۸۵۳
- ۸۰- شبیه افکنی در معاد ..... ۸۵۵
- ۸۱- شبیه افکنی در مؤمنان ..... ۸۵۵
- ۸۲- شبیه افکنی درباره محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۵۷
- ۸۳- شبیه افکنی رهبران ظالم ..... ۸۵۷
- ۸۴- شبیه افکنی شیطان ..... ۸۵۷
- ۸۵- شبیه افکنی علمای یهود ..... ۸۵۹
- ۸۶- شبیه افکنی علیه محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۵۹
- ۸۷- شبیه افکنی فاسدان ..... ۸۵۹
- ۸۸- شبیه افکنی فرعون ..... ۸۶۰
- ۸۹- شبیه افکنی قوم لوط ..... ۸۶۱

- ۹۰- شبیه افکنی کافران ..... ۸۶۱
- ۹۱- شبیه افکنی گناهکاران ..... ۸۶۴
- ۹۲- شبیه افکنی مسیحیان ..... ۸۶۵
- ۹۳- شبیه افکنی مشرکان ..... ۸۶۵
- ۹۴- شبیه افکنی یهود ..... ۸۶۷
- ۹۵- عوامل شبیه افکنی در دین ..... ۸۶۷
- ۹۶- فلسفه شبیه افکنی مشرکان ..... ۸۶۷
- ۹۷- گناه شبیه افکنی ..... ۸۶۹
- ۹۸- منشأ شبیه افکنی مشرکان ..... ۸۶۹
- ۹۹- نافر جامی شبیه افکنی در توحید ..... ۸۶۹
- ۱۰۰- نهی از شبیه افکنی در معاد ..... ۸۶۹
- ۱۰۱- هماهنگی شبیه افکنی با حق ستیزی ..... ۸۷۰
- ۱۰۲- هماهنگی کفر با شبیه افکنی ..... ۸۷۱
- ۱۰۳- هماهنگی ممانعت از خیر با شبیه افکنی ..... ۸۷۱
- ۱۰۴- القای شبهات در احکام ..... ۸۷۱
- ۱۰۵- القای شبهه در آیات خدا ..... ۸۷۱
- ۱۰۶- القای شبهه در احکام ..... ۸۷۳
- ۱۰۷- القای شبهه در دین ..... ۸۷۳
- ۱۰۸- القای شبهه در قرآن ..... ۸۷۳
- ۱۰۹- انبیا و شبهات کافران ..... ۸۷۴
- ۱۱۰- اهمیت پاسخ به شبهات ..... ۸۷۵
- ۱۱۱- اهمیت پاسخ به شبهات دینی ..... ۸۷۵
- ۱۱۲- اهمیت پاسخ شبهات دین ..... ۸۷۵
- ۱۱۳- اهمیت پاسخ شبهات معاد ..... ۸۷۵
- ۱۱۴- اهمیت شبهه زدایی ..... ۸۷۷
- ۱۱۵- اهمیت شبهه شناسی ..... ۸۷۷

- ۸۷۷ ..... ۱۱۶- پاسخ به شبهات
- ۸۷۹ ..... ۱۱۷- پاسخ به شبهات دینی
- ۸۷۹ ..... ۱۱۸- پاسخ به شبهات کافران
- ۸۷۹ ..... ۱۱۹- پاسخ به شبهات مردم
- ۸۷۹ ..... ۱۲۰- پاسخ به شبهات مشرکان
- ۸۸۱ ..... ۱۲۱- پاسخ به شبهات معاد
- ۸۸۱ ..... ۱۲۲- پاسخ به شبهات مکذبان معاد
- ۸۸۲ ..... ۱۲۳- پاسخ شبهات اسما و صفات
- ۸۸۳ ..... ۱۲۴- پاسخ شبهات قیامت
- ۸۸۳ ..... ۱۲۵- پاسخ شبهات کافران
- ۸۸۳ ..... ۱۲۶- پاسخ شبهات معاد
- ۸۸۵ ..... ۱۲۷- پاسخ شبهات مکذبان قیامت
- ۸۸۵ ..... ۱۲۸- پاسخ شبهات مکذبان معاد
- ۸۸۶ ..... ۱۲۹- رد شبهات نسخ
- ۸۸۷ ..... ۱۳۰- رفع شبهات مجاهدان
- ۸۸۷ ..... ۱۳۱- رفع شبهات معاد
- ۸۸۷ ..... ۱۳۲- روش برخورد با شبهات
- ۸۸۹ ..... ۱۳۳- روش پاسخ به شبهات
- ۸۸۹ ..... ۱۳۴- زمینه پاسخ به شبهات معاد
- ۸۸۹ ..... ۱۳۵- زمینه رفع شبهات معاد
- ۸۹۱ ..... ۱۳۶- زمینه نجات از شبهات
- ۸۹۱ ..... ۱۳۷- شبهات مشرکان
- ۸۹۱ ..... ۱۳۸- شبهات معاد
- ۸۹۳ ..... ۱۳۹- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف
- ۸۹۳ ..... ۱۴۰- عوامل رفع شبهات معاد
- ۸۹۳ ..... ۱۴۱- عوامل رفع شبهه

- ۱۴۲- عوامل زوال شبهه در معاد ..... ۸۹۵
- ۱۴۳- عوامل شبهات ..... ۸۹۵
- ۱۴۴- عوامل شبهه ..... ۸۹۷
- ۱۴۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و شبهات مشرکان ..... ۸۹۹
- ۱۴۶- منشأ پاسخ به شبهات مشرکان ..... ۸۹۹
- ۱۴۷- منشأ شبهات ..... ۸۹۹
- ۱۴۸- منشأ شبهات کافران ..... ۹۰۱
- ۱۴۹- منشأ شبهات معاد ..... ۹۰۱
- ۱۹- شتر ..... ۹۰۲
- ۱- آب آشامیدنی شتر صالح(ع) ..... ۹۰۲
- ۲- آب دهی شتر صالح(ع) ..... ۹۰۲
- ۳- آثار اذیت شتر صالح(ع) ..... ۹۰۴
- ۴- آثار عقر شتر صالح(ع) ..... ۹۰۴
- ۵- آثار قتل شتر صالح(ع) ..... ۹۰۴
- ۶- آداب نحر شتر ..... ۹۰۵
- ۷- آزادی شتر صالح(ع) ..... ۹۰۶
- ۸- احکام شتر ..... ۹۰۶
- ۹- اخلاص در نحر شتر ..... ۹۰۸
- ۱۰- استفاده از شتر ..... ۹۰۹
- ۱۱- اضرار به شتر صالح(ع) ..... ۹۱۰
- ۱۲- اعجاز خلقت شتر صالح(ع) ..... ۹۱۰
- ۱۳- اعجاز شتر صالح(ع) ..... ۹۱۱
- ۱۴- امتحان با شتر صالح(ع) ..... ۹۱۲
- ۱۵- انقیاد شتر ..... ۹۱۲
- ۱۶- اهمیت شتر ..... ۹۱۲
- ۱۷- اهمیت شتر صالح(ع) ..... ۹۱۲

- ۹۱۴ ..... ۱۸- اهمیت شیر شتر
- ۹۱۴ ..... ۱۹- باربری با شتر
- ۹۱۵ ..... ۲۰- بارکشی با شتر
- ۹۱۶ ..... ۲۱- بسمله در نحر شتر
- ۹۱۶ ..... ۲۲- تحریم جنین شتر
- ۹۱۶ ..... ۲۳- تحریم گوشت شتر
- ۹۱۶ ..... ۲۴- تداوم نسل شتر
- ۹۱۸ ..... ۲۵- تسخیر شتر
- ۹۱۸ ..... ۲۶- تشبیه به شتر تشنه
- ۹۱۸ ..... ۲۷- تشبیه به شتر زرد
- ۹۱۸ ..... ۲۸- تشبیه به عبور شتر از سوزن
- ۹۱۹ ..... ۲۹- تعقل در خلقت شتر
- ۹۲۰ ..... ۳۰- توصیه نحر شتر به محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۲۰ ..... ۳۱- جهاد با شتر
- ۹۲۱ ..... ۳۲- چرای شتر صالح(ع)
- ۹۲۳ ..... ۳۳- حلیت جنین شتر
- ۹۲۳ ..... ۳۴- حلیت گوشت شتر
- ۹۲۵ ..... ۳۵- حیات شتر صالح(ع)
- ۹۲۶ ..... ۳۶- خالق شتر
- ۹۲۶ ..... ۳۷- خلقت شتر
- ۹۲۸ ..... ۳۸- خوردن گوشت شتر در صدراسلام
- ۹۲۸ ..... ۳۹- دشمنی با شتر صالح(ع)
- ۹۲۸ ..... ۴۰- دلایل آزادی شتر صالح(ع)
- ۹۲۸ ..... ۴۱- زوجیت شتر
- ۹۳۰ ..... ۴۲- زیان به شتر صالح(ع)
- ۹۳۰ ..... ۴۳- سختی عقر شتر صالح(ع)

- ۹۳۰ ..... ۴۴- سواری از شتر
- ۹۳۲ ..... ۴۵- سهم آب شتر صالح(ع)
- ۹۳۲ ..... ۴۶- شتر باردار ده ماهه
- ۹۳۳ ..... ۴۷- شتر در جاهلیت
- ۹۳۴ ..... ۴۸- شتر در صدراسلام
- ۹۳۴ ..... ۴۹- شتر در کفاره
- ۹۳۵ ..... ۵۰- شتر در مصرباستان
- ۹۳۶ ..... ۵۱- شتر صالح(ع)
- ۹۳۸ ..... ۵۲- شتر قربانی حج
- ۹۴۰ ..... ۵۳- شگفتی خلقت شتر
- ۹۴۰ ..... ۵۴- شیر شتر
- ۹۴۲ ..... ۵۵- شیر شتر از آیات خدا
- ۹۴۲ ..... ۵۶- صفات جسمانی شتر صالح(ع)
- ۹۴۲ ..... ۵۷- عاقر شتر صالح(ع)
- ۹۴۴ ..... ۵۸- عبرت از خروج شیر شتر
- ۹۴۴ ..... ۵۹- عبرت از شتر
- ۹۴۴ ..... ۶۰- عظمت شتر صالح(ع)
- ۹۴۶ ..... ۶۱- عقر شتر صالح(ع)
- ۹۴۹ ..... ۶۲- فلسفه خلقت شتر
- ۹۵۲ ..... ۶۳- فواید پشم شتر
- ۹۵۲ ..... ۶۴- فواید پوست شتر
- ۹۵۲ ..... ۶۵- فواید شتر
- ۹۵۸ ..... ۶۶- فواید شیر شتر
- ۹۵۹ ..... ۶۷- فواید کرک شتر
- ۹۶۰ ..... ۶۸- فواید موی شتر
- ۹۶۰ ..... ۶۹- قتل شتر صالح(ع)



- ۷۰- قداست شتر صالح(ع) ..... ۹۶۳
- ۷۱- قدرت شتر ..... ۹۶۴
- ۷۲- قوم ثمود و شتر صالح(ع) ..... ۹۶۴
- ۷۳- کفاره صید شتر مرغ ..... ۹۶۶
- ۷۴- کیفر اذیت شتر صالح(ع) ..... ۹۶۷
- ۷۵- کیفر اضرار به شتر صالح(ع) ..... ۹۶۸
- ۷۶- کیفر عقر شتر صالح(ع) ..... ۹۶۸
- ۷۷- کیفر قتل شتر صالح(ع) ..... ۹۶۸
- ۷۸- کیفر هلاکت شتر صالح(ع) ..... ۹۶۸
- ۷۹- کیفیت خروج شیر شتر ..... ۹۷۰
- ۸۰- گناه عقر شتر صالح(ع) ..... ۹۷۰
- ۸۱- گوشت شتر ..... ۹۷۰
- ۸۲- مالکیت بر شتر ..... ۹۷۲
- ۸۳- محافظت از شتر صالح(ع) ..... ۹۷۳
- ۸۴- مسافرت با شتر ..... ۹۷۴
- ۸۵- معجزه شتر صالح ..... ۹۷۴
- ۸۶- منافع خلقت شتر ..... ۹۷۴
- ۸۷- منشأ پیدایش شتر ..... ۹۷۶
- ۸۸- منشأ تسخیر شتر ..... ۹۷۶
- ۸۹- منشأ هلاکت شتر صالح(ع) ..... ۹۷۶
- ۹۰- نحر شتر در حج ..... ۹۷۶
- ۹۱- نحر شتر قربانی حج ..... ۹۷۸
- ۹۲- نحر شتر محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۷۸
- ۹۳- نعمت پوست شتر ..... ۹۷۸
- ۹۴- نعمت رام بودن شتر ..... ۹۸۰
- ۹۵- نعمت زوجیت شتر ..... ۹۸۰

- ۹۶- نعمت شتر ..... ۹۸۰
- ۹۷- نقش شتر صالح(ع) ..... ۹۸۲
- ۹۸- نهی از اذیت شتر صالح(ع) ..... ۹۸۳
- ۹۹- نهی از بی‌اعتنایی به شتر صالح(ع) ..... ۹۸۴
- ۱۰۰- ویژگیهای خلقت شتر ..... ۹۸۴
- ۱۰۱- ویژگیهای شتر ..... ۹۸۴
- ۱۰۲- ویژگیهای شتر صالح(ع) ..... ۹۸۵
- ۱۰۳- هجرت با شتر ..... ۹۸۶
- ۱۰۴- هدفداری خلقت شتر ..... ۹۸۶
- ۱۰۵- هلاکت شتر صالح(ع) ..... ۹۸۸
- ۱۰۶- هماهنگی عاقر شتر صالح(ع) و قوم ثمود ..... ۹۸۸
- ۲۰- شجاعت ..... ۹۸۹
- ۱- اهمیت شجاعت ..... ۹۸۹
- ۲- اهمیت شجاعت حاکمان ..... ۹۸۹
- ۳- اهمیت شجاعت رهبری ..... ۹۸۹
- ۴- زمینه شجاعت ..... ۹۹۱
- ۵- شجاعت ابراهیم(ع) ..... ۹۹۱
- ۶- شجاعت انبیا ..... ۹۹۳
- ۷- شجاعت جادوگران فرعون ..... ۹۹۳
- ۸- شجاعت حبیب نجار ..... ۹۹۳
- ۹- شجاعت حزب الله ..... ۹۹۵
- ۱۰- شجاعت خواهر موسی(ع) ..... ۹۹۵
- ۱۱- شجاعت در جنگ ..... ۹۹۵
- ۱۲- شجاعت در جهاد ..... ۹۹۵
- ۱۳- شجاعت علمای یهود ..... ۹۹۵
- ۱۴- شجاعت مجاهدان ..... ۹۹۷

- ۹۹۷ ..... ۱۵- شجاعت محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۹۷ ..... ۱۶- شجاعت موسی(ع)
- ۹۹۹ ..... ۱۷- شجاعت مؤمن آل فرعون
- ۹۹۹ ..... ۱۸- شجاعت مؤمنان
- ۹۹۹ ..... ۱۹- شجاعت هابیل
- ۱۰۰۰ ..... ۲۰- عوامل شجاعت
- ۱۰۰۱ ..... ۲۱- عوامل شجاعت جادوگران فرعون
- ۱۰۰۳ ..... ۲۱- شجره ملعونه
- ۱۰۰۳ ..... ۱- تذکر شجره ملعونه
- ۱۰۰۳ ..... ۲- شجره ملعونه در رؤیای محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۱۰۰۳ ..... ۳- فلسفه شجره ملعونه
- ۱۰۰۴ ..... ۴- مراد از شجره ملعونه
- ۱۰۰۴ ..... ۵- نقش شجره ملعونه
- ۱۰۰۵ ..... ۲۲- شخصیت
- ۱۰۰۵ ..... ۱- آثار شخصیت دنیوی انسان ها
- ۱۰۰۵ ..... ۲- آسیب شناسی شخصیت
- ۱۰۱۳ ..... ۳- ابزار شناخت شخصیت
- ۱۰۱۳ ..... ۴- ابعاد شخصیت محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۱۰۱۳ ..... ۵- ارزش شخصیت
- ۱۰۱۵ ..... ۶- انسان های بی شخصیت
- ۱۰۱۵ ..... ۷- اهمیت حفظ شخصیت
- ۱۰۱۶ ..... ۸- اهمیت حفظ شخصیت مؤمنان
- ۱۰۱۷ ..... ۹- اهمیت شخصیت خداترسان
- ۱۰۱۷ ..... ۱۰- اهمیت شخصیت علمای دینی
- ۱۰۱۷ ..... ۱۱- اهمیت شخصیت متقین
- ۱۰۱۸ ..... ۱۲- اهمیت شخصیت محمد(صلی الله علیه و آله)

- ۱۳- اهمیت شخصیت مؤمنان ..... ۱۰۱۹
- ۱۴- اهمیت شخصیت یتیم ..... ۱۰۲۰
- ۱۵- ترور شخصیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۲۱
- ۱۶- تغییر شخصیت قوم ابراهیم ..... ۱۰۲۱
- ۱۷- حفظ شخصیت ..... ۱۰۲۲
- ۱۸- حفظ شخصیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۲۳
- ۱۹- حفظ شخصیت مستضعفان ..... ۱۰۲۴
- ۲۰- حفظ شخصیت مؤمنان ..... ۱۰۲۵
- ۲۱- حفظ شخصیت نوجوانان ..... ۱۰۲۵
- ۲۲- زمینه بروز شخصیت ..... ۱۰۲۵
- ۲۳- زمینه شخصیت شناسی ..... ۱۰۲۷
- ۲۴- شخصیت آزر ..... ۱۰۲۷
- ۲۵- شخصیت ابراهیم(ع) ..... ۱۰۲۷
- ۲۶- شخصیت اجتماعی ابراهیم(ع) ..... ۱۰۲۹
- ۲۷- شخصیت اجتماعی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۲۹
- ۲۸- شخصیت اجتماعی موسی(ع) ..... ۱۰۲۹
- ۲۹- شخصیت اجتماعی مؤمنان ..... ۱۰۳۰
- ۳۰- شخصیت اخروی انسان ها ..... ۱۰۳۱
- ۳۱- شخصیت اسحاق(ع) ..... ۱۰۳۱
- ۳۲- شخصیت اسماعیل(ع) ..... ۱۰۳۱
- ۳۳- شخصیت اشراف قوم سبأ ..... ۱۰۳۱
- ۳۴- شخصیت امت ها ..... ۱۰۳۳
- ۳۵- شخصیت انسان ..... ۱۰۳۳
- ۳۶- شخصیت اولیاء الله ..... ۱۰۳۵
- ۳۷- شخصیت اهل بصیرت ..... ۱۰۳۶
- ۳۸- شخصیت برده ..... ۱۰۳۷

- ۳۹- شخصیت بیمار ..... ۱۰۳۷
- ۴۰- شخصیت پرستی بنی اسرائیل ..... ۱۰۳۹
- ۴۱- شخصیت جاهلان ..... ۱۰۳۹
- ۴۲- شخصیت جوامع ..... ۱۰۳۹
- ۴۳- شخصیت ذوالقرنین ..... ۱۰۴۱
- ۴۴- شخصیت زن ..... ۱۰۴۱
- ۴۵- شخصیت زنان پلید ..... ۱۰۴۱
- ۴۶- شخصیت زنان عفیف ..... ۱۰۴۳
- ۴۷- شخصیت زنان مؤمن ..... ۱۰۴۵
- ۴۸- شخصیت سازی دروغین ..... ۱۰۴۵
- ۴۹- شخصیت سامری ..... ۱۰۴۵
- ۵۰- شخصیت سلیمان(ع) ..... ۱۰۴۷
- ۵۱- شخصیت علما ..... ۱۰۴۷
- ۵۲- شخصیت عیسی(ع) ..... ۱۰۴۷
- ۵۳- شخصیت فقیر ..... ۱۰۴۹
- ۵۴- شخصیت کافران ..... ۱۰۴۹
- ۵۵- شخصیت کنیز ..... ۱۰۵۱
- ۵۶- شخصیت کور ..... ۱۰۵۲
- ۵۷- شخصیت کوردلان ..... ۱۰۵۳
- ۵۸- شخصیت گمراهان ..... ۱۰۵۳
- ۵۹- شخصیت گناهکاران ..... ۱۰۵۳
- ۶۰- شخصیت لنگ ..... ۱۰۵۳
- ۶۱- شخصیت مبلغان تقوا ..... ۱۰۵۵
- ۶۲- شخصیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۰۵۵
- ۶۳- شخصیت مخالفان نماز ..... ۱۰۵۷
- ۶۴- شخصیت مردان پلید ..... ۱۰۵۷

- ۶۵- شخصیت مردان عقیف ..... ۱۰۵۹
- ۶۶- شخصیت مریم(س) ..... ۱۰۶۱
- ۶۷- شخصیت مریم(س) در یهود ..... ۱۰۶۱
- ۶۸- شخصیت معنوی یحیی(ع) ..... ۱۰۶۱
- ۶۹- شخصیت مکذبان دین ..... ۱۰۶۳
- ۷۰- شخصیت منافقان ..... ۱۰۶۳
- ۷۱- شخصیت موسی(ع) ..... ۱۰۶۴
- ۷۲- شخصیت مؤمنان ..... ۱۰۶۵
- ۷۳- شخصیت مهتدین ..... ۱۰۶۷
- ۷۴- شخصیت نمازگزاران ..... ۱۰۶۷
- ۷۵- شخصیت نوح(ع) ..... ۱۰۶۷
- ۷۶- شخصیت نیاکان مریم(س) در یهود ..... ۱۰۶۹
- ۷۷- شخصیت هابیل ..... ۱۰۶۹
- ۷۸- شخصیت همنشین باغدار متکبر ..... ۱۰۶۹
- ۷۹- شخصیت یتیم ..... ۱۰۶۹
- ۸۰- شخصیت یحیی(ع) ..... ۱۰۷۱
- ۸۱- شخصیت یعقوب(ع) ..... ۱۰۷۱
- ۸۲- شخصیت یوسف(ع) ..... ۱۰۷۱
- ۸۳- شخصیت یوسف(ع) در مصر ..... ۱۰۷۳
- ۸۴- عوامل بروز شخصیت ..... ۱۰۷۳
- ۸۵- عوامل تباهی شخصیت ..... ۱۰۷۳
- ۸۶- عوامل تغییر شخصیت ..... ۱۰۷۵
- ۸۷- عوامل شکل گیری شخصیت ..... ۱۰۷۵
- ۸۸- عوامل ظهور شخصیت ..... ۱۰۸۱
- ۸۹- عوامل مؤثر در شخصیت ..... ۱۰۸۲
- ۹۰- مالکیت شخصیت حقوقی ..... ۱۰۸۳

- ۹۱- محرومان از شخصیت ..... ۱۰۸۳
- ۹۲- مسخ شخصیت ..... ۱۰۸۳
- ۹۳- ملاکهای شخصیت ..... ۱۰۸۳
- ۹۴- نشانه های شخصیت یوسف(ع) ..... ۱۰۸۵
- ۹۵- نقش شخصیت ..... ۱۰۸۵
- ۹۶- نقش شخصیت انسان ها ..... ۱۰۸۵
- ۹۷- هتک شخصیت یعقوب(ع) ..... ۱۰۸۷
- ۹۸- مالکیت شخصیت حقوقی ..... ۱۰۸۷
- درباره مرکز ..... ۱۰۸۸

## مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 60

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

### 1- سوره

#### 1- آثار تلاوت سوره زلزال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 23

23- « عن أبي عبد الله (ع) انه قال : لا تملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها في نوافله لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم يمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره «إذا زلزلت الأرض زلزالها» خسته نشوید؛ زیرا کسی که آن را در نوافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند».

#### 2- آخرین سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 1 - 6

6 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : أوّل ما نزل على رسول الله (صلى الله عليه وآله) « بسم الله الرحمن الرحيم . اقرأ باسم ربك » و آخره » إذا جاء نصر الله ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اولین چیزی که بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نازل گشت «بسم الله الرحمن الرحيم . اقرأ باسم ربك» بود و آخرین آن «إذا جاء نصر الله» بود».

#### 3- آیات سوره انعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2 - آیات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصیل و تبیین خداوند

و کذلک تفصیل الایات

«ذلک» ظاهراً اشاره به آیات سوره انعام است. یعنی ما مانند این آیات با عظمت، آیات خود را بیان می کنیم.

ص: 1

#### 4- آیات سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 1 - 2

2- آیات سوره رعد بخشی از قرآن است .

تلک ءایت الکتب

مشارالیه «تلک» آیات سوره رعد است. بنابراین «تلک آیات ...»؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماسست، آیات این کتاب (قرآن) است.

#### 5- آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 4

4- آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه «تلک» آیات سوره یوسف است. بنابراین «تلک آیات ...»؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماسست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

#### 6- اصطلاح سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 64 - 7

7- واژه «سوره» و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 86 - 1

1 - «سوره» عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإذا أنزلت سورة

## 7- اصطلاح سوره در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 3

ص: 2

3- سوره ، نامی است شناخته شده در زمان نزول قرآن و عصر رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

سوره أنزلنها. .. فیها آیت بیّت

### 8- اعطاء سوره حمد به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 87 - 1

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

### 9- انتخاب عنوان سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 86 - 1

1- «سوره» عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا أنزلت سوره

### 10- اولین سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20- نصر - 110 - 1 - 6

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: أول ما نزل على رسول الله (صلی الله علیه و آله) «بسم الله الرحمن الرحيم». اقرأ باسم ربك» و آخره «إذا جاء نصر الله» ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: اولین چیزی که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل گشت «بسم الله الرحمن الرحيم». اقرأ باسم ربك» بود و آخرین آن «إذا جاء نصر الله» بود.

### 11- اهمیت سوره كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 109 - 9

9- سوره كهف و حقایق و معارف بیان شده در آن ، گوشه ای از کلمات بی پایان خداوند است .

ص: 3

لو كان البحر مداداً لكلمت ربّي لفند البحر قبل أن تنفد كلمت ربّي

طرح بی انتها بودن سخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب کهف و .. یاد شده است، گویای برداشت بالا است.

## 12- اهمیت سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 5

5- سوره نور ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه و والا در قرآن

سوره آنزلنها و فرضنها و أنزلنا فیها آیت بیئت

برداشت فوق با توجه به سه نکته است: 1- اختصاص به ذکر یافتن این سوره از میان دیگر سوره های قرآن؛ 2- تنکیر لفظ «سوره» که دال بر تفخیم است؛ 3- تکرار لفظ «أنزلنا» به صورت فعل متکلم مع الغیر و اسناد آن به اسم جلاله «اللّه».

## 13- بسمله در سوره توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 9

9 - از علی (ع) روایت شده است: « انه لم ينزل بسم الله الرحمن الرحيم على رأس سورة براهه لأن بسم الله للأمان والرحمة ونزلت براهه لرفع الأمان بالسيف »

«بسم الله الرحمن الرحيم» در اول سوره براءت نازل نشده؛ زیرا بسم الله برای امان و رحمت است و سوره براءت برای برداشتن امان به وسیله شمشیر نازل شده است».

## 14- تعالیم سوره قصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 3 - 5

5 - سوره « قصص » دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون

به کارگیری «من» تبعیضیه در «من نبیا» بیانگر آن است که آنچه در سوره «قصص» مطرح شده؛ تنها بخشی از سرگذشت موسی (ع) و فرعون است و نه همه آن.

## 15- تعالیم سوره کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 4

9- سوره كهف و حقايق و معارف بيان شده در آن ، گوشه ای از كلمات بی پایان خداوند است .

لو كان البحر مدادًا لكلمت ربّي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمت ربّي

طرح بی انتها بودن سخنان خداوند در پایان سوره ای که در آن موضوعات عمده ای چون سرگذشت اصحاب كهف و .. یاد شده است، گویای برداشت بالا است.

### 16- تعالیم سوره مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 2 - 2

2- سوره مریم ، بازگوکننده رحمت و الطاف خداوند به زکریا است .

ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

«ذکر» یا خبر است و مبتدای آن اسم اشاره محذوف است؛ یعنی، «هذا المتلوّ ذکر» که مراد از آن، سوره مریم است. و یا این که مبتدا بوده و خبر آن محذوف است؛ یعنی، «ذکر رحمت ... فیما یتلی علیک».

### 17- تعالیم سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 4

4- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره آنزلنها و فرضنها

«فرض» به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

### 18- تعالیم سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 15



15- « عن جعفر بن محمد (ع) انه قال : قال والدي . . . و ما أنزل الله سورة يوسف إلا أمثالاً لكي لا يحسد بعضنا بعضاً كما حسد يوسف إخوته و بغوا عليه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نوزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند».

ص: 5

## 19- تلاوت سوره فلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 5 - 9

9- به زبان آوردن آیات سوره « فلق » ، از آداب استعاذه به خداوند

قل أعوذ ربّ الفلق . . . و من شرّ حاسد إذا حسد

## 20- حقانیت تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 7,8,10

7- سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایق پیراسته از هر گونه باطل

و جاءك في هذه الحق

مشارالیه «هذه» سوره هود و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. «ال» در «الحق» به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین «الحق»؛ یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

8- مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و جاءك في هذه الحق

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذکری

## 21- سوره بندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 23 - 9,10

9- قرآن در همان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

10 - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به « سوره » از ناحیه خداوند بوده است . \*

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 13 - 8

8- قرآن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به بخشهایی به نام « سوره » تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 106 - 1

1- تنظیم ، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن ، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 6

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 1 - 25 - 8

8 - قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا ( آیه و سوره سوره ) بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرود آمد .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. ; مثلاً در آیه 106 «سوره اسراء» آمده است: «و قرآنأً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً».

## 22- سوره در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 64 - 7

7 - واژه «سوره» و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 86 - 1

1 - «سوره» عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند و شناخته شده در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذا أنزلت سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 3

3- «سوره» عنوانی آشنا ، برای مؤمنان عصر نزول

لولا نزلت سوره فإذا أنزلت سوره

از این که مؤمنان درخواست نزول «سوره» ای را داشتند؛ معلوم می شود که آنان با این عنوان آشنا بوده اند و عنوان «سوره» در عصرهای پس

از نزول جعل نشده است.

### 23- سوره های قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 64 - 7

7 - واژه «سوره» و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة

ص: 7

## 24- سوره های متشابه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 5

5- برخی از سوره های قرآن، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید «محکمه»، مطلب بالا استفاده می شود.

## 25- سوره های محکم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 4,5

4- سوره های دربردارنده فرمان جهاد، سوره هایی محکم، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذکر فیها القتال» تفسیرکننده «محکمه» باشد؛ یعنی، سوره از آن جهت «محکم» نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

5- برخی از سوره های قرآن، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید «محکمه»، مطلب بالا استفاده می شود.

## 26- عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 1 - 3

3- آیه های سوره حجر، دارای ارزش، قداست و عظمت

تلک ءایة الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه «تلک» همین سوره حجر باشد و چون «تلک» برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

## **27- عظمت آیات سوره لقمان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 2 - 3

3 - آیه های سوره لقمان ، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است .

ص: 8

تلک ءایت الکتب الحکیم

مراد از «آیات» در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

### 28- عظمت آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 5

5- آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

«تلک» لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

### 29- عظمت سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 1 - 3

3- آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلک ءایت الکتب

«تلک» لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

### 30- فضیلت سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 1,2,6

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد ءاتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.



2- سوره حمد ، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد آتینک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان «کتاب عظیم» استفاده می شود.

6- « عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « ولقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم » قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرحمن الرحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یشئ فی الركعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحیم است و همانا

ص: 9

مثانی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

### 31- فلسفه نزول سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 8

8- بیدارگری و غفلت زدایی ، فلسفه نزول آیات سوره نور

سوره آنزلنها .. فیها آیت بینت لعلکم تذکرون

«تذکر» (مصدر فعل «تذکرون») به معنای به یاد آوردن اندوخته های ذهنی و معلوماتی است که از خاطر رفته و به فراموشی سپرده شده است (برگرفته از لسان العرب). لازمه این معنا، بیداری و هوشیاری است.

### 32- فلسفه نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 15

15- « عن جعفر بن محمد (ع) انه قال : قال والدي . . . و ما أنزل الله سوره يوسف إلا أمثالا لكي لا يحسد بعضنا بعضا كما حسد يوسف إخوته و بغوا عليه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند».

### 33- قصص انبیا در سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 10

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى

### 34- محمد(صلی الله علیه و آله) و سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و جاءك في هذه الحق

ص: 10

### 35- محمد (صلی الله علیه و آله) هنگام نزول سوره بلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، هنگام نازل شدن سوره « بلد » ، در شهر مکه سکونت داشت .

و أنت حلّ بهذا البلد

این احتمال وجود دارد که « حلّ » به معنای اقامت کننده باشد، آن گونه که در البحرالمحیط آمده است. بر این مبنا این کلمه یا مرادف « حالّ » و یا مصدر و به معنای « حلول » است و توصیف پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن، برای مبالغه در استقرار آن حضرت در مکه خواهد بود.

### 36- منشأ نامگذاری اصطلاح سوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 2

2- سوره ، نامی است از سوی خداوند برای دسته ای از آیات به هم پیوسته .

سوره آنزلنها .. فیها آیت بیّنات

### 37- مواعظ سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 10, 11

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

11- تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شده در آن ، برای همگان موعظه و تذکار است. بنابراین لام در «للمؤمنین» لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارات آن سود می جویند.

### 38- مؤمنان و سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 11

11- تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

ص: 11

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شده در آن، برای همگان موعظه و تذکار است. بنابراین لام در «للمؤمنين» لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارات آن سود می جویند.

### 39- نامهای سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 6

6- «عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم » قال : هي سوره الحمد و هي سبع آيات منها بسم الله الرحمن الرحيم و إنما سميت المثاني لأنها يثنى في الركعتين ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق (ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحيم است و همانا مثانی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

### 40- نزول دفعی سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 1

1- سوره نور، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره آنزلنها

«سوره» خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه «هذه» مجموعه آیاتی است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - مؤید برداشت یاد شده است.

### 41- نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 10، 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

تَقْصِّ ... بما أوحينا ... وإن كنت من قبله لمن الغفلين

10- مردم عصر بعثت، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

وإن كنت من قبله لمن الغفلين

«إن» در جمله فوق مخففه است و مراد از «الغافلین» مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله «إن كنت ...» چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم، از داستان یوسف بی خبر بودی.

ص: 12

## 42- ویژگیهای سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 4، 1

1- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره آنزلنها

«سوره» خبر برای ابتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه «هذه» مجموعه آیاتی است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - مؤید برداشت یاد شده است.

4- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره آنزلنها و فرضنها

«فرض» به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

## 43- ویژگیهای سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 5

5- آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

«تلک» لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

سوره انعام

## 44- آیات سوره انعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 55 - 2



2- آیات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصیل و تبیین خداوند

و کذلک تفصیل الآیة

«ذلک» ظاهراً اشاره به آیات سوره انعام است. یعنی ما مانند این آیات با عظمت، آیات خود را بیان می کنیم.

سوره توبه

ص: 13

#### 45- بسمله در سوره توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 9

9 - از علی (ع) روایت شده است: «انه لم ينزل بسم الله الرحمن الرحيم على رأس سوره برائه لأن بسم الله للأمان والرحمه و نزلت برائه لرفع الأمان بالسيف»

«بسم الله الرحمن الرحيم» در اول سوره براءت نازل نشده؛ زیرا بسم الله برای امان و رحمت است و سوره براءت برای برداشتن امان به وسیله شمشیر نازل شده است».

سوره حجر

#### 46- عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 1 - 3

3- آیه های سوره حجر، دارای ارزش، قداست و عظمت

تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه «تلک» همین سوره حجر باشد و چون «تلک» برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

سوره حمد

#### 47- اعطاء سوره حمد به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 1

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد ءاتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که

در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

#### **48- فضیلت سوره حمد**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 6، 2، 1

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک سبعاً من المثانی

ص: 14

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثنائی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

2- سوره حمد، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد آتینک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان «کتاب عظیم» استفاده می شود.

6- «عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « و لقد آتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم » قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرحمن الرحیم و إنما سمیت المثنائی لأنها یشئ فی الركعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحیم است و همانا مثنائی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

#### 49- نامهای سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 6

6- «عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « و لقد آتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم » قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرحمن الرحیم و إنما سمیت المثنائی لأنها یشئ فی الركعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحیم است و همانا مثنائی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

سوره رعد

#### 50- آیات سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 1 - 2

2- آیات سوره رعد بخشی از قرآن است .

مشارالیه «تلک» آیات سوره رعد است. بنابراین «تلک آیات ...» ؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست، آیات این کتاب (قرآن) است.

### 51- عظمت سوره رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 15

3- آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلک ءایت الکتب

«تلک» لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

سوره زلزال

### 52- آثار تلاوت سوره زلزال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 23

23- « عن أبي عبدالله (ع) انه قال : لا تملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها في نافلة لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً ولم يمت بها ولا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره «إذا زلزلت الأرض زلزالها» خسته نشوید ؛ زیرا کسی که آن را در نافلة های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند».

سوره فلق

### 53- تلاوت سوره فلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 5 - 113 - 9

9 - به زبان آوردن آیات سوره « فلق » ، از آداب استعاذه به خداوند

قل أعوذ بربّ الفلق . . . و من شرّ حاسد إذا حسد

سوره قصص

### 54- تعالیم سوره قصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 3 - 5

5 - سوره « قصص » در بردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

تتلوا علیک من نبی موسی و فرعون

به کارگیری «من» تبعیضیه در «من نبی» بیانگر آن است که آنچه در سوره «قصص» مطرح شده؛ تنها بخشی از سرگذشت موسی (ع) و فرعون است و نه همه آن.

ص: 16

### 55- اهميت سوره كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 109 - 9

9- سوره كهف و حقايق و معارف بيان شده در آن ، گوشه اي از كلمات بي پايان خداوند است .

لو كان البحر مدادًا لكلمت ربّي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمت ربّي

طرح بي انتها بودن سخنان خداوند در پايان سوره اي كه در آن موضوعات عمده اي چون سرگذشت اصحاب كهف و .. ياد شده است ، گوياي برداشت بالا است.

### 56- تعاليم سوره كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 109 - 9

9- سوره كهف و حقايق و معارف بيان شده در آن ، گوشه اي از كلمات بي پايان خداوند است .

لو كان البحر مدادًا لكلمت ربّي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمت ربّي

طرح بي انتها بودن سخنان خداوند در پايان سوره اي كه در آن موضوعات عمده اي چون سرگذشت اصحاب كهف و .. ياد شده است ، گوياي برداشت بالا است.

سوره لقمان

### 57- عظمت آيات سوره لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 2 - 3

3 - آيه هاي سوره لقمان ، آيه هاي با عظمت و پر شأن و منزلت است .

تلک ءايت الکتب الحکيم

مراد از «آيات» در اين آيه ، مي تواند آيه هاي سوره لقمان باشد.



**58- تعالیم سوره مریم**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 2 - 2

2- سوره مریم ، بازگوکننده رحمت و الطاف خداوند به زکریا است .

ذکر رحمت ربّك عبده زکریّا

ص: 17

«ذکر» یا خبر است و مبتدای آن اسم اشاره محذوف است؛ یعنی، «هذا المثلّو ذکر» که مراد از آن، سوره مریم است. و یا این که مبتدا بوده و خبر آن محذوف است؛ یعنی، «ذکر رحمت ... فیما یتلی علیک».

سوره نور

### 59- اهمیت سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 5

5- سوره نور، دارای اهمیت و جایگاه ویژه و والا در قرآن

سوره آنزلنها و فرضنها و آنزلنا فیها آیت بیئت

برداشت فوق با توجه به سه نکته است: 1- اختصاص به ذکر یافتن این سوره از میان دیگر سوره های قرآن؛ 2- تنکیر لفظ «سوره» که دال بر تفخیم است؛ 3- تکرار لفظ «آنزلنا» به صورت فعل متکلم مع الغیر و اسناد آن به اسم جلاله «اللّه».

### 60- تعالیم سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 4

4- مجموع آیات سوره نور، شامل دو بخش است: احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر.

سوره آنزلنها و فرضنها

«فرض» به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

### 61- فلسفه نزول سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 8

8- بیدارگری و غفلت زدایی، فلسفه نزول آیات سوره نور

سوره آنزلنها .. فیها آیت بیئت لعلکم تذکرون

«تذکر» (مصدر فعل «تذکرون») به معنای به یاد آوردن اندوخته های ذهنی و معلوماتی است که از خاطر رفته و به فراموشی سپرده شده است (برگرفته از لسان العرب). لازمه این معنا، بیداری و هوشیاری است.

## 62- نزول دفعی سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 18

1- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره آنزلنها

«سوره» خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه «هذه» مجموعه آیاتی است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - مؤید برداشت یاد شده است.

### 63- ویژگیهای سوره نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 1 - 4

1- سوره نور ، به صورت دفعی و یکباره نازل گشت .

سوره آنزلنها

«سوره» خبر برای مبتدای محذوف (هذه) است و مشارالیه «هذه» مجموعه آیاتی است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد. بنابراین لازمه این امر، آن است که این مجموعه، یکباره و به هم پیوسته نازل شده باشد. گفتنی است اشاره شدن این مجموعه با واژه «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - مؤید برداشت یاد شده است.

4- مجموع آیات سوره نور ، شامل دو بخش است : احکام واجب الاجرا و معارف شایان توجه و تذکر .

سوره آنزلنها و فرضنها

«فرض» به معنای ایجاب قطعیت و الزام است (لسان العرب). از این رو مفسران برآنند که فرض کردن سوره، یا به اعتبار وجود احکام لازم الاجرا در این سوره است و یا به اعتبار وجود عقاید و معارف خدشه ناپذیر و شایان توجه در آن می باشد.

سوره هود

### 64- حقایق تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 8، 7

7- سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایقی پیراسته از هر گونه باطل

و جاءك في هذه الحق

مشارالیه «هذه» سوره هود و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. «ال» در «الحق» به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین «الحق»؛ یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

8- مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و جاءك في هذه الحق

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذکری

ص: 19

## 65- قصص انبیا در سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 10

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى

## 66- محمد(صلی الله علیه و آله) و سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 8

8- مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و جاءك في هذه الحق

## 67- مواعظ سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 10,11

10- سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى

11- تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذكرى للمؤمنين

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شده در آن ، برای همگان موعظه و تذکار است. بنابراین لام در «للمؤمنين» لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکارهای آن سود می جویند.

## 68- مؤمنان و سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- تنها مؤمنان از مواعظ سوره هود سود می برند و متذکر حقایق و معارف الهی می شوند .

موعظه و ذکری للمؤمنین

روشن است که سوره هود و داستانهای نقل شده در آن ، برای همگان موعظه و تذکار است. بنابراین لام در «للمؤمنین» لام انتفاع است و حکایت از آن دارد که تنها اهل ایمان از حقایق بیان شده در این سوره بهره می برند و از تذکراهای آن سود می جویند.

ص: 20

### 69- آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 4

4- آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه «تلک» آیات سوره یوسف است. بنابراین «تلک آیات...» ؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماس است ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

### 70- تعالیم سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 15

15- « عن جعفر بن محمد (ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلاّ أمثلاً لکی لا یحسد بعضنا بعضاً كما حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند».

### 71- عظمت آیات سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 5

5- آیات سوره یوسف ، آیاتی است ارجمند و رفیع .

تلک ءایت الکتب المبین

«تلک» لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

### 72- فلسفه نزول سوره یوسف



15- « عن جعفر بن محمد (ع) انه قال : قال والدي . . . و ما أنزل الله سوره يوسف إلا أمثالاً لكي لا يحسد بعضنا بعضاً كما حسد يوسف إخوته و بغوا عليه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی

بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند».

### 73- نزول سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 10، 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت.

نقص... بما أوحینا... و إن كنت من قبله لمن الغفلین

10- مردم عصر بعثت، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلین

«إن» در جمله فوق مخففه است و مراد از «الغافلین» مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله «إن كنت...» چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم، از داستان یوسف بی خبر بودی.

### 74- ویژگیهای سوره یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 1 - 5

5- آیات سوره یوسف، آیاتی است ارجمند و رفیع.

تلك آیت الکتب المبین

«تلك» لفظی است برای اشاره به دور و استعمال آن برای مشارالیه نزدیک، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

ص: 22

## 2- سوزاندن

### 1- پیشنهاد سوزاندن ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 97 - 1

1 - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له نبیناً فألقوه فی الجحیم

### 2- توبه از سوزاندن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 17

17 - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم

### 3- توطئه سوزاندن ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 2

2 - سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیداً فجعلنهم الأسفلین

### 4- تهدید به سوزاندن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 24 - 1

1 - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و ابراهیم إذ قال لقومه .. اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو



## 5- سوزاندن ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 6، 2، 1

1- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّقوه

2- آتشی که ابراهیم (ع) در آن افکنده شد ، آتشی انبوه و شدید بود .

قالوا حرّقوه

«تحریق» (مصدر «حرّقه») و مبالغه در «حرق» (سوزاندن) است؛ یعنی، سوزاندن بسیار و شدید.

6- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّقوه و انصروا الهتکم إن کنتم فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 3

3- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر افکنده شدن در آتش ، با نیرنگ و توطئه دیگری از سوی بت پرستان روبه رو گشت .

و أردوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «کیداً» نیرنگ جدید و غیر از افکندن در آتش باشد؛ زیرا در معنای «کید» محرمانه بودن نهفته است، در حالی که افکندن در آتش کاری علنی بود نه مخفی؛ به علاوه تعبیر «أردوا»؛ یعنی، اراده کردند و خواستند (نه عملی کردن) شاهد این مدعا است. گفتنی است تنوین «کیداً» برای تفخیم و تعظیم باشد که در این صورت بیانگر بزرگی نیرنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 24 - 6، 8، 9، 1

1 - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و ابرهیم إذ قال لقومه .. اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو

6- در بین قوم ابراهیم، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت.

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّقه

«أو» در «أو حرّقه» می تواند برای تنويع و می تواند برای اباحه باشد. بنا بر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

8- قوم ابراهیم، سرانجام تصمیم گرفتند که ابراهیم (ع) را در آتش بسوزانند.

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّقه فأنجيه الله من النار

9- قوم ابراهیم، برای عملی ساختن تصمیم خود، ابراهیم را در آتش پرتاب کردند.

فما كان جواب قومه .. أو حرّقه فأنجيه الله

«فاء» در «فأنجاه» برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن می تواند چنین باشد: «ثم جعلوه في النار»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 5

5 - پیام توحیدی حضرت ابراهیم (ع) پیش و پس از انداخته شدن در آتش ، تفاوتی نداشت .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا... إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ... وَقَالَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 3

3 - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش ، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن ، هجرت کرد .

و إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ... اَعْبُدُوا اللَّهَ... فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا... أَوْ حَرِّقُوهُ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی «قال» حضرت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 97 - 2

2 - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهیم (ع) در آتشی پر حرارت و پرشعله

فَأَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ

«جحیم» (از ماده «جحمه») به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 3

3 - نجات ابراهیم (ع) ، از میان تلی از آتش پرشعله مشرکان

فَأَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ... فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

## 6- سوزاندن با آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 66 - 4

4- لازم است که روزی را که در آن، کافران با آتش جهنم، به سختی عذاب و سوزانده می شوند، به خاطر داشت.

یوم تقلب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب «یوم» به جهت مفعولاً به بودن اش باشد. که باید فعل «أذکر» در تقدیر باشد.

### 7- سوزاندن پشت ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 35 - 3

3- پیشانی، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلاها و نقره های گداخته، داغ خواهند کرد.

ص: 25



فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم

### 8- سوزاندن پهلوی ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 35 - 3

3 - پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره های گداخته ، داغ خواهند کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم

### 9- سوزاندن پیشانی ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 35 - 3

3 - پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره های گداخته ، داغ خواهند کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم

### 10- سوزاندن در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 24 - 4

4 - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال . . . ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حر

### 11- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 7

7 - اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

## 12- سوزاندن صورت بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 26

4- سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فَكَبَّتْ وَجُوهَهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

از تعبیر «هل تجزون..» تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

### 13- سوزاندن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 12 - 7

7- گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است.

فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمُ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ .. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

حرف «إِنَّ»، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

### 14- سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11، 12

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ .. لِنَحْرِقَ ثُمَّ لِنَسْفِثَنَّ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

«تحریق» (مصدر «لِنَحْرِقَ») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثُمَّ لِنَسْفِثَنَّ...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت.

وَانظُرْ .. لِنَحْرِقَ ثُمَّ لِنَسْفِثَنَّ فِي الْيَمِّ

«انظر» فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرقتّه» و «لنسنفنه»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 22

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: « و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم » روایت شده که فرموده است: « فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیمّ قال: فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول اللّٰه: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم »

موسی(ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و

ص: 27

قصه آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشریوا فی قلوبهم العجل بکفرهم».

### 15- سوزاندن مجرم در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 24 - 7

7- قتل یا سوزاندن مخالفان و یا مجرمان ، از مجازات های دوران حضرت ابراهیم (ع)

فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّقه

### 16- سوزاندن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 2,3

2- اصرار و مداومت اصحاب اخدود ، بر مقابله با مؤمنان و آزار دادن و سوزاندن آنان

يفعلون

فعل مضارع، هرگاه درباره کارهای گذشته به کار رود، استمرار را می رساند.

3- در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان مردم ، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود .

ما يفعلون بالمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 4

4- مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّـت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

### 3- سوگند

#### 1- سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 22، 24

22 - حرمت جماع، دروغ، ناسزاگویی و سوگند به « لا والله و بلی والله » در حج

فلا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و «الرفث» الجماع و «الفسوق» الکذب و السباب و «الجدال» قول الرجل لا والله و بلی والله

---

کافی، ج 4، ص 337، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 194، ح 704.

24 - سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است.

ولا جدال فی الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

---

کافی، ج 4، ص 338، ح 4؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 95، ح 258.

#### 2- آثار حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 10

10 - شکستن سوگند و پیمان، دارای بازتاب های ناگوار دنیوی و عذاب بزرگ اخروی

ولا تتخذوا ايمانكم دخلاً .. و تذوقوا السوء بما صدقتم عن سبيل الله و لكم عذاب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «تذوقوا..» اشاره به ناگواریهای دنیوی و «عذاب عظیم» اشاره به عذاب اخروی باشد.

#### 3- آثار سوء استفاده از سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 4,5

ص: 29

4- سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی ، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است .

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «قدم» ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

5- فریب دادن دیگران با سوگند ، زمینه بی اعتبار شدن آنها در روابط اجتماعی است .

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که سست شدن قدمها، کنایه از بی اعتبار شدن اصل سوگند در نظر مردم باشد.

#### 4- آثار سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 11

11 - سوگند به خدا ، امری خطیر و مسؤولیت آفرین .

اقسموا باللّٰه جهد ایمنهم

جمله «اقسموا باللّٰه . . .» می رساند که بخشی از ملامت مؤمنان نسبت به عهدشکنی بیمار دلان بدان جهت بوده است که آنان علی رغم سوگند به خدا بر پیمان خویش با مؤمنان وفادار نماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 9

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و اءاخران من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما . . .» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخران من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «و اءاخران من غیرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



5 - اعراف - 7 - 22 - 7

7 - سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما .. فدلیهما بغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 11

11 - سوگند و پیمان انسان با دیگران ، زمینه آزمایش الهی برای وی

تتخذون أیمانکم .. إنما یبلوکم الله به

ص: 30

## 5- آثار سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 10

10 - سوگند مؤکد به خدا، نشانگر ایمان نیست؛ بلکه فرمان بری نیکو از خدا و رسول او، علامت ایمان است.

و أقسموا باللّٰه جهد أيمانهم .. قل لا تقسموا طاعة معروفه

## 6- آثار سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 77 - 25

25 - کسی که با سوگند دروغ مال مسلمانی را به چنگ آورد، مورد غضب الهی است.

انّ الذّٰین یشترون بعهد اللّٰه .. لهم عذاب الیم

رسول الله (صلی الله علیه و آله): من حلف یمیناً یقتطع بها مال اخیه، لقی الله عز و جل و هو علیه غضبان فانزل الله تصدیق ذلك فی کتابه «ان الذین یشترون ...».

---

امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 368، جزء 12؛ نورالثقلین، ج 1، ص 355، ح 193.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 11

11 - متخلفان از جنگ تبوک (منافقان)، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان، در جهت هلاکت خود گام برداشتند.

سیحلفون باللّٰه .. یهلکون انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 63 - 10

10 - حفظ آبرو در برابر مردم، با سوگند دروغ و بی توجهی به رضایت خدا و رسولش، موجب رسوایی و ذلت انسان در آخرت است.

يحلّفون بالله لكم . . . فان له نار جهنم . . . ذلك الخزي العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3 - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدايند .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - منافقون - 63 - 2 - 4

4 - انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

ص: 31

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

مطلب یاد شده از تفریع «فصدوا..» بر «اتخذوا...» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 16 - 3

3 - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی ( همچون سوگند دروغ، پستی، عیب جویی، سخن چینی، مانع خیر شدن، گناه پیشگی، درشت خوئی و بی تباری )، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلا تطع المكذبین... كل حلاف مهين... عتل بعد ذلك زنيماً... سنسمه على الخرطوم

### 7- اجتناب از سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 12

12 - نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوة فيقسمان بالله

### 8- اجتناب از سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 25

25 - رزق های خدادادی، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و كلوا مما رزقكم الله حللاً طيباً.. كذلك يبين الله لكم آيته لعلكم تشكرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله «كذلك يبين الله لكم آيته» مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و... .

### 9- احکام سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 12، 4، 1

1 - حرمت دستاویز قراردادن نام خداوند در سوگند حتی در سوگند های صادقانه و کار های خیر

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

با توجه به ظهور نهی و با توجه به معنای لغوی «عرضه»، نتیجه این می شود که نباید خدا را در معرض سوگند قرار داد و در هر موقعیتی از نام خدا برای سوگند استفاده کرد.

4 - سوگند بر ترک کار های خیر، تعهدآور نیست .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ص: 32

12 - یکی از مصادیق حرمت سوگند خوردن به خدا بر ترک کار های خیر سوگند بر سخن نگفتن با برادر و با مادر است .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

امام باقر (ع) درباره آیه «و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم» فرمود: یعنی الرجل يحلف ان لا يكلم اخاه و ما اشبه ذلك او لا يكلم امه

---

تفسیر عیاشی، ص 112، ج 339؛ نور الثقلین، ج 1، ص 218، ح 836.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 225 - 2،4

2 - سوگند های لغو و بیهوده ، تعهد آور نیست .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم

4 - ضرورت تعهد و وفاداری نسبت به سوگندهایی که برخاسته از اراده و قصد قلبی است .

و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 226 - 1،2،3،8،9

1 - مرد می تواند تا مدت چهار ماه بر سوگند به ترک آمیزش با همسر خویش ( ایلاء ) باقی بماند .

لذین یؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر

«یؤلون» از «ایلاء» و در لغت به معنای سوگند است. اما در اصطلاح، سوگند مرد بر ترک آمیزش با همسر خویش به مدت بیش از چهار ماه است. مراد آیه نیز معنای اصطلاحی آن است.

2 - جواز سوگند بر ترک آمیزش جنسی با همسران ( ایلاء ) و انعقاد آن

لذین یؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر

3 - شرط تحقق ایلاء و احکام خاص آن ، سوگند بر ترک آمیزش جنسی در بیش از چهار ماه است .

لذین یؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر

از اینکه خداوند می فرماید که ایلاءکننده می تواند چهار ماه منتظر بماند؛ معلوم می شود که ایلاء و احکام خاص آن در صورتی است که سوگند بر ترک آمیزش، یا برای همیشه باشد و یا برای مدتی بیش از چهار ماه.

8 - جواز شکستن سوگند در ایلاء، قبل از گذشتن چهار ماه

لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرِيصَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ

از لام «لَلَّذِينَ» که برای جواز است، هم جواز ترک وطی تا چهار ماه و هم جواز آمیزش پیش از تمام شدن چهار ماه، استفاده می شود.

9 - کسانی که با شکستن سوگند بر ترک آمیزش جنسی به زندگی زناشویی بازگردند، مشمول رحمت و غفران الهی هستند.

لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ... فَاِنْ فَاءُ وَاِنْ فَاِنَّ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 15

15 - جواز سوگند به خداوند

وَ اتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي تَسَاءَلُوْنَ بِهِ

ص: 33

مفهوم «تساءلون به» (تورا به خدا قسم چنین کن)، نوعی از قسم و مورد تأیید قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 29، 28، 23، 9، 8، 7، 4

4 - لزوم وفای به سوگند های برخاسته از قصد و نیت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن

7 - تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرتہ اطعام عشره مسکین . . . اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

8 - شکننده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم ( تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده )

فکفّرتہ اطعام عشره مسکین . . . او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله «فمن لم یجد» بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود «او صیام ثلثه ایام» احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

9 - نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا در کفاره قسم

فکفّرتہ اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از «اوسط ما تطعمون» در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عیالکم من اوسط ذلک . . .

---

کافی، ج 7، ص 454، ح 14؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 495، ح 4.

23 - احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذلک کفره ایمنکم . . . کذلک بین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

28 - سوگند بر تحریم طیبات و لذا ید بر خویشتن ، لغواست و شکستن آن ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمنکم



از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول الله فقد حلفنا علی ذلک فانزل الله تعالی «لا یؤخذکم الله باللغو فی ایمنکم...».

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

29 - اطعام ده مسکین، هر نفر به مقدار یک مُدّ (ده سیر)، کفاره شکستن قسم

فکفرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

امام صادق(ع) در توضیح «اوسط ما تطعمون» در آیه فوق فرمود: هو کما یکون انه یکون فی البیت من یأکل اکثر من المد و منهم من یأکل اقل من المد فبین ذلک . . .

---

کافی، ج 7، ص 453، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 667، ح 333.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 13، 11

11 - اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تجسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

ص: 34

13 - سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 53 - 4

4 - « سوگند به خدا » برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل ای وربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 7,8,9,11,12

7- هنگام سوگند یاد کردن و پیمان بستن با خدا ، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود .

لنأتنتنی به إلا أن يحاط بكم

کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

8- وفا نکردن به عهد و قسم در صورت استثنای موارد عذر و ناتوانی ، پیامدی (عقوبت ، کفاره و . . . ) نخواهد داشت .

لنأتنتنی به إلا أن يحاط بكم . . . قال الله علی ما نقول وکیل

9- استطاعت شرط لزوم وفا به عهد ، قسم و تکالیف الهی است .

إلا أن يحاط بكم

11- مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتى توتون موثقا

12- لزوم پایبندی به عهد و قسم و عمل به مقتضای آن

حتى توتون موثقا من الله لنأتنتنی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 2

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جننا لِنفَسِدِ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 4

4- سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 5

5- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرك إنهم ... یعمهون

ص: 35

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 2

2- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربک لسنلثهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 3,4,5

3- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن ، حرام است .

و لاتنقضوا الایمن بعد توکیدها

4- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

و لاتنقضوا الایمن بعد توکیدها

5- توجه داشتن و جدی بودن در سوگند ، شرط تحقق و تنجز آن

و لاتنقضوا الایمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 3

3- ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لاتکونوا .. تتخذون ایمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 1

1- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه ، حرام است .

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 2

2- سوگند یادکردن با نام مقدس « الله » ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تالله لأکیدنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 3

3 - سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، حرام و وفا نکردن به آن جایز است .

و لایاتلُّ أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

حرمت در برداشت یاد شده از نهی «لایاتل» استفاده شده است.

ص: 36

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 8

8 - سوگند به دروغ ، ممنوع است .

قل لا تقسموا

تردید نیست که سوگند منافقان، سوگندی دروغین بود. بنابراین نهی خداوند از چنین سوگندی، دلیل بر ممنوعیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 3

3 - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القراءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 3 - 7

7 - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلم

و الصفّ - ت صفاً . فالزّجرت زجرًا . فالتّلیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 1 - 5

5 - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القراءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 84 - 5

5 - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 5

5 - « عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول الله عزّ وجلّ : « فلا أقسم بمواقع النجوم » قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزّ وجلّ «فلا أقسم بمواقع النجوم» سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند».

ص: 37

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 6

6 - جواز سوگند برای اثبات حقیقت ، پس از اثر نداشتن دلایل و براهین روشن

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 3

3 - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفّاره

قد فرض الله لكم تحلّه أیمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 34 - 3

3 - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

والقمر . . . و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 6

6 - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و المرسلت عرفاً . . . فالملقیة ذکراً

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 4

4 - « عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) قول الله عزّوجلّ « و الیل إذا یغشی . . . » و ما أشبه ذلك فقال : إنّ لله عزّوجلّ ان



يُقَسِّمَ مِنْ خَلْقِهِ بِمَا شَاءَ وَ لَيْسَ لَخَلْقِهِ أَنْ يُقَسِّمُوا إِلَّا بِهِ ;

از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزوجل «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى . . .» [که در آن به «شب» سوگند یاد شده] و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟] فرمود: برای خدای عزوجل است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند؛ ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او».

## 10- استثناء در سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 7،8

7- هنگام سوگند یاد کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا

ص: 38

شود .

لَتَأْتِنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بَكُمْ

کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

8- وفا نکردن به عهد و قسم در صورت استثنای موارد عذر و ناتوانی ، پیامدی (عقوبت ، کفاره و ... ) نخواهد داشت .

لَتَأْتِنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بَكُمْ . . . قَالَ اللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيْلِ

### 11- اعتبار سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 13، 11

11 - اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ أَنْ اِرْتَبْتُم

13 - سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 6

6 - شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ

### 12- امتحان با وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 10

10- دستور خداوند به رعایت پیمان ها و سوگند ها و پرهیز از نقض عهد و سوگندشکنی ، تنها برای آزمایش انسان است .

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ . . . وَلَا تَكُونُوا . . . تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ . . . إِنَّمَا يَبْلُوكُ

### 13- اهتمام لاوی به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 7

7- فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تفریع جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً» بیان داشت که: با توجه به عهد و

ص: 39

پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

#### 14- اهمیت سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 9

9- سوگند و پیمان، ارزشی است که نباید در معاملات مادی تحت الشعاع قرار گیرد.

دخلاً بینکم أن تكون أمه هی اربی من أمه

#### 15- اهمیت سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 10

10- سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتى توتون موثقاً من الله . . . إلا أن يحاط بكم

#### 16- اهمیت وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 11، 12، 17

11- مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتى توتون موثقاً

12- لزوم پایبندی به عهد و قسم و عمل به مقتضای آن

حتى توتون موثقاً من الله لتأتینی به

17- یعقوب (ع) برای واداشتن فرزندانش به پایبندی به سوگند و پیمانشان، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد.

الله علی ما نقول وکیل

از جمله «الله ..» در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 92 - 14، 5

5- عمل به مفاد سوگند و پیمان ، امری لازم و از اصول مهم در روابط اجتماعی است .

و لاتكونوا كالتی نقضت غزلها .. تتخذون ایمنكم دخلاً بینكم

14- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله .. تتخذون ایمنكم دخلاً ... و لیبینن لكم یوم القیمه ما ک

ص: 40

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 2

2- اهتمام اسلام به پایبند ساختن مردم ، نسبت به سوگند ها و پیمان های خویش

و لاتتقضوا الأیمن بعد توکیدها . . . و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 7

7 - وفای به سوگند ، امری مهم و تخلف ناپذیر

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

«حنث» (مصدر «تحنث») به معنای شکستن سوگند و وفا نکردن به مقتضای آن است. نهی خداوند از چنین کاری، گویای برداشت یاد شده است.

### 17- بزرگترین سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 1

1 - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلا أقسم بموقع النجوم . وإنه لقسّم لو تعلمون عظیم

### 18- بی اعتباری سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 4

4- سوگند و تعهد بر محرومیت خویش از مباحات و حلال ها ، عملی بی اعتبار در نگاه وحی

قد فرض الله لکم تحلّه ایمنکم

### 19- بی اعتنایی به سوگند متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 6

6 - توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

ص: 41

## 20- تأکید سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 3

3- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن ، حرام است .

و لا تتقضوا الأیمن بعد توکیدها

## 21- تاریخ سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 13

13 - رواج سوگند به خداوند در عصر بعثت

و اتقوا الله الذی تساءلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 6

6- سوگند به نام خدا ، دارای سابقه ای طولانی در تاریخ بشر

قالوا تالله إنک لفی ضلک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 5

5- وجود سنت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدر اسلام و پیش از آن

قد فرض الله لکم تحله أیمنکم

## 22- تاریخ سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 5



5- سوگند به نام خدا، دارای پیشینه تاریخی و مجاز در شریعت های گذشته

تالله لقد ائثرک الله علینا

### **23- حتمیت وفای به سوگند**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 7

7- وفای به سوگند، امری مهم و تخلف ناپذیر

ص: 42

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به ولا تحنث

«حنث» (مصدر «تحنث») به معنای شکستن سوگند و وفا نکردن به مقتضای آن است. نهی خداوند از چنین کاری، گویای برداشت یاد شده است.

#### 24- حرمت حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 91 - 3

3- شکستن سوگند به خدا پس از تحکیم آن، حرام است .

ولا تنقضوا الأیمن بعد توکیدها

#### 25- حقیقت سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 91 - 7

7- عهد بستن با خدا و سوگند خوردن به او، در حقیقت ضامن و کفیل گرفتن خداوند بر خویش است .

و أوفوا بعهد الله .. . وقد جعلتم الله علیکم کفیلاً

#### 26- حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 226 - 8,9

8- جواز شکستن سوگند در ایلاء، قبل از گذشتن چهار ماه

لذین یؤلون من نساتهم تربص اربعة اشهر

از لام «لذین» که برای جواز است، هم جواز ترک وطی تا چهار ماه و هم جواز آمیزش پیش از تمام شدن چهار ماه، استفاده می شود.

9- کسانی که با شکستن سوگند بر ترک آمیزش جنسی به زندگی زناشویی بازگردند، مشمول رحمت و غفران الهی هستند .

لذین یؤلون .. . فان فاءو فانّ الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 77 - 20، 2

2 - اهل کتاب ، شکننده قسم های خویش برای رسیدن به اهداف دنیوی

انّ الذین یشترون بعهد اللّٰه وایمانهم ثمناً قليلاً

20 - سوداگران با شکستن عهد الهی و سوگند های خویش از گناهان بزرگ

انّ الذین یشترون . . . و لهم عذاب الیم

ص: 43

کیفر سخت، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 10

10 - نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 28

28 - سوگند بر تحریم طبیات و لذا ید بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لا یؤاخذکم اللّٰه باللغو فی ایمنکم

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطبیات ... فقاموا هولاء فقالوا یا رسول اللّٰه فقد حلفنا علی ذلک فانزل اللّٰه تعالی «لا یؤاخذکم اللّٰه باللغو فی ایمنکم ...».

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نور الثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 8

8 - شکستن عهد و سوگند خود با خدا ، به منزله خیانت به ضمانت الهی است .

ولا تنقضوا الایمن بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً

## 27- حنث سوگند بر ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 11

11 - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع

انسان ها است .

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم . . . وهو العليم الحكيم

## 28- حنث سوگند محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 1

1 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر شکستن سوگند خود درباره محروم شدن از عملی مباح و حلال ، برای جلب رضایت همسران خود

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

ص: 44

## 29- حنث سوگند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 42 - 6,8

6 - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا باللَّهِ .. فلَمَّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

8 - نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا باللَّهِ .. فلَمَّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

## 30- رد خواسته های سوگند خورندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 10 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سوگند خورندگان بی مبالات

و لا تطع کلّ حلاف

«حلاف» صیغه مبالغه است. از این رو می رساند که حلاف کسی است که بسیار سوگند یاد می کند و بر این کار عادت کرده است؛ چه آن که راست و بجا باشد و چه دروغ و بی جا. بدین جهت در برداشت یاد شده، تعبیر بی مبالاتی آمده است.

## 31- زمینه بی اعتباری سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 5

5- فریب دادن دیگران با سوگند ، زمینه بی اعتبار شدن آنها در روابط اجتماعی است .

و لا تتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که سست شدن قدمها، کنایه از بی اعتبار شدن اصل سوگند در نظر مردم باشد.

## 32- زمینه سوگند دروغ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 2

2- دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذلك بأنهم ءامنوا ثم كفروا

ص: 45

«ذلک» می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

### 33- زیان حث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 7

7- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أیمانکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

### 34- سرزنش بی مبالاتی در سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 10 - 3

3 - عادت به سوگند یاد کردن و بی مبالاتی در این امر ، عملی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ حلاف

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که آیه شریفه، در مقام مذمت و محکومیت است.

### 35- سرزنش سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 14 - 12

12 - سوگند دروغ ، امری ناپسند و نکوهیده در بینش الهی

و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون

### 36- سوء استفاده از سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه، حرام است .

و لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 46

2- دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

«ذلک» می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

### 37- سوگند آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 4

4- آزر ، با سوگند بر سنگسار کردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیاً

«ملیاً» به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

### 38- سوگند آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 2

2- بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

### 39- سوگند ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 1

1- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبير کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تالله لأکیدن أصنمکم بعد أن تولوا مدبرین

«کید» به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 93 - 4,5

4 - سوگند ابراهیم (ع)، بر شکستن بت های مشرکان

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «یمین» به معنای قسم باشد. بر این اساس «با» به معنای سببیت است;

ص: 47

یعنی، ابراهیم(ع) به سبب سوگندی که یاد کرده بود، ضربه ای محکم بر بت ها فرود آورد.

5- وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

#### 40- سوگند ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 22 - 3

3- آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه «ذوق» که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 62 - 7، 12

7- سوگند ابلیس برای به دست گرفتن زمام امور و منحرف ساختن فرزندان آدم (ع) - جزاندکی از آنان - در صورت مهلت خداوند به وی تا روز قیامت

لئن أخرجتني إلى يوم القيمة لأحتكن ذرئته إلا قليلاً

12- ابلیس ، علی رغم سوگند و تصمیم قطعی بر گمراه کردن ذریه آدم (ع) ، بر ناتوانی خویش از تسلط بر گروه اندکی از آنان اعتراف کرد

لأحتكن ذرئته إلا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 82 - 1، 2

1 - سوگند ابلیس به عزت پروردگار

قال فبِعزَّتک

2- ابلیس ، برای گمراه کردن انسان ها ، عزمش را جزم نمود و بر آن سوگند یاد کرد .

قال فبِعَزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ

از آمدن آیه شریفه به همراه «با»ی قسم در «فبِعَزَّتِكَ» و نیز آمدن لام قسم و «نون» تأکید در «لَأُغْوِيَنَّهُمْ»، برداشت یاد شده به دست می آید.

#### 41- سوگند اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 55 - 1

1 - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

ص: 48

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود «یخلق ما یشاء» که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

#### 42- سوگند اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3

3 - اشراف کفر پیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

#### 43- سوگند اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذا أقسموا لیصرمنّھا مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 1

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذا أقسموا لیصرمنّھا مصبحین . و لایستنون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لایستنون» عطف بر «لیصرمنّ» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 2

2 - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أَن اِغْدُوا عَلٰی حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰرِمِيْنَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط «اِنْ كُنْتُمْ صٰرِمِيْنَ» برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 2

ص: 49

2 - مشاوره و گفتگوی پنهانی باغداران یمنی ، درباره کیفیت چیدن میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم يتخفتون

«تخافت» (مصدر «یتخافتون») به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت و گوی پنهانی است.

#### 44- سوگند انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 16 - 36 - 1

1 - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

جمله «ربنا يعلم» (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند «شهد الله» و «علم الله») در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

#### 45- سوگند ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 5، 1

1 - سوگند ایوب (ع) به تنبیه کردن همسر خطاکارش

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

مفسران درباره آیه شریفه - براساس روایات وارده - گفته اند: ایوب(ع) به خاطر خطایی که همسرش مرتکب شده بود، سوگند یاد کرد که او را تنبیه کند؛ ولی به خاطر خوبی ها و خدمات همسرش دوست نداشت که او را به نحوی که سوگند یاد کرده تنبیه نماید. از این رو خداوند به خاطر لطف و عنایت به او و همسرش، دستور داد با تهیه دسته ای از گیاه - تنها یک بار - به همسرش بزند تا بدین شکل به سوگند خود عمل کرده باشد.

5 - ایوب (ع) ، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث



توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود؛ به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

#### **46- سوگند بر بی گناهی**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 2

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

ص: 50

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 74 - 6

6- سابقه نيك متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . . . فما جزؤه إن كنتم كذابين

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

#### 47- سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - تحریم - 66 - 2 - 3,5

3 - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفاره

قد فرض الله لكم تحله أيمنكم

5 - وجود سنت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدر اسلام و پیش از آن

قد فرض الله لكم تحله أيمنكم

#### 48- سوگند بر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 3 - 6

6 - سوگند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربی لتأتینکم

#### 49- سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - سوگند خداوند، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَّبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقِّ

در این که مرجع ضمیر در «إِنَّهُ» چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به «ما توعدون» (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

ص: 51

## 50- سوگند بر حقانیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام

إِنك لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

## 51- سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 23 - 1

1 - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و مَا تُوْعَدْنَ . فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقِّ

در این که مرجع ضمیر در «إِنَّهُ» چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به «ما توعدون» (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

## 52- سوگند بر شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 1

1- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبیر کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تَاللّٰهِ لَا كَيْدَ لَأَصْنَمِكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

«کید» به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

## 53- سوگند برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 13، 2

2- یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندان او وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند).

لن أرسله معکم حتی تؤتونا موثقاً من الله

«موثق» به معنای عهد و پیمان است که به دلیل «لام» قسم در «لتأتتینی» عهد و پیمانی است همراه با سوگند. «من الله» بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتونا موثقاً)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

13- فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند.

ص: 52

حتی توتون موثّقاً .. فلما ءاتوه موثّقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 1

1- فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر، سوگند یاد کردند.

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه «لقد علمتم» است؛ ولی در حقیقت «ما جننا ..» مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 3

3- فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند.

أن أباکم قد أخذ علیکم موثّقاً من الله

**54- سوگند برای آمادگی نظامی**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 1

1 - منافقان صدر اسلام، برای اثبات آمادگیشان جهت جهاد کردن، با سخت ترین سوگند ها، به خدا سوگند یاد می کردند.

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

مقصود از خروج در جمله «لیخرجنّ» طبق نظر مفسران و شأن نزول آن، خروج از شهر و دیار خویش و حرکت برای جهاد است.

**55- سوگند برای اثبات حقایق**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 3

3 - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القراءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 3 - 7

7 - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلم

ص: 53

و الصفّت-ت صفّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّليت ذكّرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 1 - 5

5 - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 84 - 38 - 5

5 - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 6

6 - جواز سوگند برای اثبات حقیقت ، پس از اثر نداشتن دلایل و براهین روشن

و إنّ له لقسم لو تعلمون عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 34 - 3

3 - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . . . و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 6 - 5 - 77

6 - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و المرسلت عرفاً .. فالملقیت ذکرًا

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

### **56- سوگند برای اثبات حقوق**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 7 - 3 - 37

ص: 54

7- جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلم

و الصفت-ت صفاً . فالزجرت زجرًا . فالتلّیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

### 57- سوگند برای احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 92 - 2

2- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربک لسننلّهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

### 58- سوگند برای احیای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 2

2- سوگند یادکردن با نام مقدس « الله » ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تالله لأکیدنّ

### 59- سوگند برای تبرئه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 73 - 2، 1

1- فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جننا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه «لقد علمتم» است ؛ ولی در حقیقت «ما جننا . . .» مقسم علیه می

باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

ص: 55

## 60- سوگند به آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 7

7 - « [ فی المجمع ] فی قوله « ووالد و ما ولد » . . . قيل آدم و ما ولد من الأنبياء و الأوصياء و اتباعهم عن أبي عبدالله (ع) ;

[در مجمع البيان] درباره قول خدا «و والد و ما ولد» آمده است: گفته شده که مقصود آدم و فرزندانش از پیامبران و اوصیا و پیروانشان می باشد و این معنا از امام صادق (ع) روایت شده است.

## 61- سوگند به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 7 - 1

1 - سوگند خداوند ، به آسمان تزئین یافته با ستارگان

و السماء ذات الحُبک

«حبیکه» و «حباک» (مفردهای «حُبک») در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته ( آسمان )

و السقف المرفوع

«مرفوع»؛ یعنی، بلند و برافراشته شده. مراد از «سقف مرفوع» ظاهراً آسمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 56

20 - طارق - 86 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق ... إن كل نفس لَمَّا عليها حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 11 - 3

3 - سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجوع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 13 - 2

2 - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء ... و الأرض ... إنه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس ... قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران، به «خورشید و نور آن»، «ماه»، «روز و شب»، «آسمان و زمین»، «نفس انسان» و «ذات خویش» سوگند یاد کرده است.

والشَّمْسِ . . . وقد خاب من دسّیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب. . .»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

ص: 57

## 62- سوگند به آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 1

1 - سوگند خداوند به شب، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسعس

«الیل» عطف بر «الْخُسِّس» است و قسم مؤکد در «لا- أقسم» به آن نیز تعلق دارد. فعل «عسعس» گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تتفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: «عسعسه»؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل «عسعس» هر دو زمان را شامل است.

## 63- سوگند به ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که «والد و ما ولد»، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 3

3 - خداوند، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع)، بر آمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی، تأکید کرده است.

لا أقسم .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

## 64- سوگند به ابره‌های باردار



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 2 - 1

1 - سوگند الهی به ابرهای گرانبار

فالحملت وقرًا

«وَقُرَّ» بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادهای می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

ص: 58

## 65- سوگند به اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحاً

«قدح»، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با «ایراء» (مصدر «موریات») به یک معنا است (تاج العروس). عطف «موریات» بر «عادیات» با حرف «فاء»، بیانگر ارتباط «پیدایش جرقه» با «دویدن اسب ها» است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحاً

«اغاره» (مصدر «مغیرات»)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). «صبحاً» ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعاً

فعل «أثرن»، عطف بر «مغیرات» و بیانگر آثار «اغاره» است؛ بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - برمی گردد. «اثاره» (مصدر «أثرن») به معنای منتشر ساختن است. «نقع»؛ یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدت غبار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعاً

«جمع»، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 7

7 - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیز پای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . . . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

ص: 59

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیز پای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . . . وإِنَّ عَلٰی ذٰلِكَ لَشٰهِيْدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 7

7 - خداوند ، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین ، به مرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . . . وإِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ

### 66- سوگند به اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که «والد و ما ولد»، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، بر آمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لَا اُقْسِمُ . . . لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَبَدٍ

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

## 67- سوگند به اعتدال روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 7 - 3

3 - سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سَوَّيْهَا

حرف «ما» در «ماسواها» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر «و ما

ص: 60

سَوَاهَا» را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات - که نمودار سوگند به مخلوقات است - با احتمال اول مناسب تر است.

### 68- سوگند به الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 2

2 - مشرکان مکه معتقد به «الله» بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 2

2- سوگند یاد کردن با نام مقدس «الله»، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تالله لأکیدن

### 69- سوگند به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 3 - 90 - 7

7- « [ فی المجمع ] فی قوله « ووالد و ما ولد » . . . قيل آدم و ما ولد من الأنبياء والأوصياء واتباعهم عن أبي عبدالله (ع) ;

[در مجمع البيان] درباره قول خدا «ووالد و ما ولد» آمده است: گفته شده که مقصود آدم و فرزندان او و اوصیا و پیروانشان می باشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است».

### 70- سوگند به انجیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تين - 1 - 95 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

والتين و الزیتون

2- انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

والتین و الزیتون

ص: 61

## 71- سوگند به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 6

6 - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه «والد» ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد؛ بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

## 72- سوگند به باد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 1 - 5

5 - سوگند خداوند ، به باد های پیاپی

و المرسلت عرفاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از «مرسلات» بادهای باشد.

## 73- سوگند به بادهای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 2 - 3

3 - سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آستن باران

فالحملت وقرًا

کلمه «حاملات»، می تواند وصفی دیگر برای بادهای باشد. در این صورت مراد از «وَقُرًا» (بار سنگین)، ابر سنگین و باران را خواهد بود که به وسیله بادهای حمل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



18 - ذاریات - 51 - 3 - 4

4 - سوگند الهی ، به باد ها که آرام در آسمان روان اند .

والذريت ذرّوا .. فالجريت يسرا

**74- سوگند به بادهای غباری**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 1

ص: 62

1 - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذرّوا

«ذَرّو» به معنای پاشیدن و پراکندن و «ذاریات» (جمع «ذاریه») به معنای «پراکننده ها» است. مراد از «پراکننده ها» بادهای است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادهای مژده آور باران است.

### 75- سوگند به بادهای مبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 1

1 - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذرّوا

«ذَرّو» به معنای پاشیدن و پراکندن و «ذاریات» (جمع «ذاریه») به معنای «پراکننده ها» است. مراد از «پراکننده ها» بادهای است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادهای مژده آور باران است.

### 76- سوگند به برجهای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

### 77- سوگند به بلندترین ستاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها \*

و الطارق .. النجم الثاقب

«نجم ثاقب»؛ یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

ص: 63

## 78- سوگند به بنای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 3

3 - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف «ما» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به «بناکردن آسمان» است. برخی «ما» را موصول دانسته اند؛ ولی یک نواختی سوگندها - که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است - مؤید مصدری بودن آن است.

## 79- سوگند به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 3,5

3 - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون \*

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از «انجیر» و «زیتون» - به قرینه دو آیه بعد - دو منطقه است که یکی مانند «کوفه» سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند «بیت المقدس» سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است؛ زیرا «نوح» (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

5 - « عن أبي الحسن الاول قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : إنّ الله تبارك و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین . و هذا البلد الامین » فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الامین مکه ؛

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الامین» مکه است.

## 80- سوگند به پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند به شب، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسعس

«الیل» عطف بر «النُّحْس» است و قسم مؤکد در «لا- أقسم» به آن نیز تعلق دارد. فعل «عسعس» گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابیل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: «عسعسه»؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل «عسعس» هر دو زمان را شامل است.

3 - « [ فی المجمع ] « و اللیل إذا عسعس » ای أدبر بظلامه ، عن علیّ ( ع ) ؛

ص: 64

از علی (ع) درباره «و اللیل إذا عسعس» روایت شده که: یعنی [سوگند به شب آن هنگام که] با سیاهی خود پشت کرده [و رو به صبح می رود]».

### 81- سوگند به پیشگامان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 4

4 - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقاً

### 82- سوگند به تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 2,3

2 - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «یغشاهها»، «الشمس» دانسته شده است.

3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 1,2,3

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سحی

«سحی الیل»؛ یعنی، شب با تاریکی خود ساطر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد.  
(مقایس اللغه)

2 - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

3- آرامش موجودات در شب، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

«آرامش یافتن» (یکی از معانی ذکر شده برای «سَجُو») در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

### 83- سوگند به ترک انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 3

3 - سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان، بینوایان و مهاجران، به صرف لغزش گذشته آنان، حرام و وفا نکردن به آن جایز است.

و لا یأتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

حرمت در برداشت یاد شده از نهی «لا یأتل» استفاده شده است.

### 84- سوگند به تعدیل کننده روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 7 - 6

6 - سوگند خداوند، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سوّیها

چنانچه مراد از «ما» در «ما سوّها» خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای «من»، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در «ما» وجود دارد.

### 85- سوگند به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از «طور» در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از «کتاب مسطور»، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

### 86- سوگند به جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

«نفس»، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد - که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند - قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه «نفس» گرچه نکره است؛ ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است؛ زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

ص: 66

## 87- سوگند به حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 4 - 2

2 - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به تقعا

## 88- سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف «ال» در «اللیل»، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از «اللیل» را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. «یسر»؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه «یسری» بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 1,2

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . . . ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم

ص: 67

محدوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

### 89- سوگند به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 84 - 1

1 - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «فالحقّ» مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

### 90- سوگند به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 38 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند، به تمامی پدیده‌ها و حقایق دیدنی و شناختنی جهان هستی

فلا أقسم بما تبصرون

درباره «لا» در «لأقسم» و امثال آن، مفسران توجیهاات چندی ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «أقسم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 39 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند، به تمامی پدیده‌ها و حقایق ناشناخته و دیده نشده جهان هستی

فلا أقسم بما... و ما لا تبصرون

### 91- سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 2، 1

و شاهد و مشهود

شهاده؛ یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ «شاهد و مشهود» - به قرینه سوگند بر آنها- نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

ص: 68

2 - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

### 92- سوگند به خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 5 - 5

5 - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه «ما» در «ما بناها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن «ما» در این موارد - با توجه به این که این کلمه بیش از «من» موصول، ابهام دارد - بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

### 93- سوگند به خالق مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه «ما» در «ما خلق»، می تواند موصول و به معنای «من» باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

### 94- سوگند به خالق مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه «ما» در «ما خلق»، می تواند موصول و به معنای «من» باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

ص: 69

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 204 - 9

9- قَسَم و شاهد گرفتن خداوند ، دستاویز مناققان برای اثبات اظهاراتِ خود

و يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 10، 11، 2

2 - سوگند به خداوند ، نباید مانع انجام کار های نیک ، تقوا و اصلاح میان مردم قرار گیرد .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبرّوا و تتقوا و تصلحوا بین الناس

بنابر اینکه «عرضه» به معنای مانع باشد.

10 - هشدار خداوند به کسانی که او را دستاویز سوگند های خود قرار می دهند .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم .. و الله سمیع علیم

11 - سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ان الله عز و جل يقول: «و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم»

---

کافی، ج 7، ص 434، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 218، ح 834.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 13

13 - رواج سوگند به خداوند در عصر بعثت

و اتقوا الله الذی تساءلون به



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 11

11 - سوگند به خدا ، امری خطیر و مسؤولیت آفرین .

اقسموا باللّٰه جهد ايمنهم

جمله «اقسموا باللّٰه . . .» می رساند که بخشی از ملامت مؤمنان نسبت به عهدشکنی بیمار دلان بدان جهت بوده است که آنان علی رغم سوگند به خدا بر پیمان خویش با مؤمنان وفادار نماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 13

13 - سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فيقسمان باللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 70

6- شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 56 - 1

1 - سوگند دروغ منافقان صدر اسلام به خداوند ، برای اثبات ایمان خویش و همراهی خود با مؤمنان

و یحلفون بالله إنهم لمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 53 - 4

4 - « سوگند به خدا » برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل ای وریبى إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 11

11- مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتى توتون موثقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 2

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 4

4- سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ائرك الله علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 6

6- سوگند به نام خدا ، دارای سابقه ای طولانی در تاریخ بشر

قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 1

1- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

ص: 71

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 9

9- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تالله لتسنلنّ عمّا كنتم تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 4

4- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

و لاتنقضوا الأيمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 3

3 - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 97 - 1

1 - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تالله إن كنا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 6

6 - سوگند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی وربی لتأتینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 16 - 1

1 - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

جمله «ربنا يعلم» (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند «شهد الله» و «علم الله») در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 6

ص: 72

6 - سوگند خداوند به خود

و ما بنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 6 - 6 - 91

6 - سوگند خداوند به خود

و ما طحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 7 - 7 - 91

7 - سوگند خداوند به خود

و ما سوییها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 9 - 9 - 91

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زکیها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 10 - 4 - 91

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 4

4 - « عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) قول الله عز وجل « و الیل إذا یغشی . . . » و ما أشبه ذلك فقال : إن لله عز وجل ان یقسم من خلقه بما شاء و لیس لخلقه أن یقسموا إلا به ;

از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر (ع) عرض کردم: قول خدای عزوجل «و الیل إذا یغشی...» [که در آن به «شب» سوگند یاد شده] و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟] فرمود: برای خدای عزوجل است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند؛ ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 73

20 - لیل - 92 - 3 - 3

3 - سوگند خداوند به خویش

و ما خلق الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 4 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إِنْ سَعِیْکُمْ لَشَتَّى

### 96- سوگند به خدا در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 3

3- سوگند به خداوند ، امری رایج در بین مردم در صدر اسلام

و أقسموا بالله جهد أیمانهم

### 97- سوگند به خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 3

3 - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف «ما» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به «بناکردن آسمان» است. برخی «ما» را موصول دانسته اند؛ ولی یک نواختی سوگندها - که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است - مؤید مصدری بودن آن است.

### 98- سوگند به خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



20 - شمس - 91 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند به خورشید

والشمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

ص: 74

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّيتها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

### 99- سوگند به دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 6 - 1

1 - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

«سجّر» در معانی پرکردن و شعله‌ور کردن به کار می رود. بنابراین «مسجور» یا به معنای «مملو» (پر شده) و یا به معنای شعله‌ور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

### 100- سوگند به دوران محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 1 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و العصر

حرف «ال» در «العصر»، برای عهد حضوری است؛ یعنی، سوگند به این عصر!

2- عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و العصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 2

2 - خداوند، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها، به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کرده است.

و العصر . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ

ص: 75

## 101- سوگند به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 1

1- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربک لئنسلتھم أجمعین

ضمیر جمع غایب «لئنسلتھم» هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به «المقتسمین» اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 0

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 8

8- خداوند با سوگند به ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربک .. ثم لنزعنّ من کلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 10

10- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است .

فوربک .. ثم لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 1

1 - سوگند اکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها ( خاور ها ) و مغرب ها ( باختر ها )

فلا أقسم برّب المشرق و المغرب

درباره «لا» در «لا اُقسم» و امثال آن، مفسران توجیهاًت چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «اُقسم» می باشد.

## 102- سوگند به روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 7 - 2

2- روح ، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

ص: 76

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّيتها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

### 103- سوگند به روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 3 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلیّها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر مفعولی «جلاّها» به «الشمس» برنمی گردد؛ زیرا جلا یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر «الأرض»، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

2 - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلیّها

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

والشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 4 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إنّ سعیکم لشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 8

8 - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إنّ سعیکم لشتی . فأما من أعطی . . . لیسری . و أما من بخل . . . فسنی

### 104- سوگند به روز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 8,9

8 - « عن محمد بن هاشم عن روی عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عزّوجلّ « و شاهد و مشهود » فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزّوجلّ : « ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود » ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «و شاهد و مشهود» سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: «شاهد» روز جمعه و «مشهود» روز عرفه



است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه «شاهد» روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزوجل فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود».

9 - «عن علی (ع) قال: . . . و الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم النحر؛

از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است».

ص: 78

## 105- سوگند به روز عرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 8

8 - « عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عزّوجلّ « و شاهد و مشهود » فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزّوجلّ : « ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود » ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «و شاهد و مشهود» سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: «شاهد» روز جمعه و «مشهود» روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه «شاهد» روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

## 106- سوگند به روزگار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی «عصر» دهر است؛ یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد. (تاج العروس)

## 107- سوگند به روشنایی روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 2 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلّی

2 - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلّی

## 108- سوگند به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 13 - 2

ص: 79

2 - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . . . و الأرض ... إنه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 1

1 - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّيتها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

## 109- سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

والتین و الزیتون

2- انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

والتین و الزیتون

### **110- سوگند به ستارگان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 1

ص: 80

1 - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

«نجم» به معنای ستاره است و «الف و لام» آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، «اقسم بكلّ نجم إذا هوی». «هُویّ» (مصدر «هوی») به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 7

7 - « روی أنّ هارون الرشید أفند إلى موسى بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الكاظم . . . والله تبارك و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم وإنه لقسّم لو تعلمون عظیم . . . »

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم (ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: . . . خدای تبارک و تعالی «نجوم» (ستارگان) را مدح فرموده و به «مواقع النجوم» قسم یاد کرده است. . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 2

1 - سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلا أقسم بالخنس

حرف «لا» در «لأقسم» زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: «لأقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکّد به کار می رود. «خنس» جمع «خانس» است و مصدر آن «خنوس»؛ یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل «خَنَسَ»؛ یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

2 - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر، به نقطه هایی که از آن گذشته اند، باز می گردند .

فلا أقسم بالخنس

برخی از اهل لغت و تفسیر «خُنَسَ» را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخَنَس . الجوار

«جواری» (جمع «جاریه») به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

2 - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكَنَس

«كُنَس» جمع «کانس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «كَنَسَ الظُّبَى» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

ص: 81

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَسْ . . . وَاللَّيْلِ . . . وَالصَّوْبِحِ . . . إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق «برج» بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب ( زهره یا زحل یا ثریا و یا . . . )

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . . . إِنْ كَلَّ نَفْسٌ لِّمَا عَلَيْهَا حَافِظٌ



## 111- سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 7

7 - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

«نجم» بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

ص: 82

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب ( زهره یا زحل یا ثریا و یا . . . )

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرْق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

### 112- سوگند به ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب ( زهره یا زحل یا ثریا و یا . . . )

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرْق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

### 113- سوگند به ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خَنَس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب ( زهره یا زحل یا ثریا و ... )

و الطارق

ص: 83

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

#### 114- سوگند به ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

#### 115- سوگند به ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خَس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

#### 116- سوگند به ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

ص: 84

### 117- سوگند به ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خَنَس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

### 118- سوگند به سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 33 - 1

1 - سوگند خداوند به سحرگاهان

و اللَّيْلِ إِذْ أَدْبِرَ

«إدبار» (مصدر «أدبر») به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغاز سحر است.

### 119- سوگند به شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ . . . و اللَّيْلِ . . . و الصَّبْحِ . . . إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 1

1 - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

واژه «وَسَق» به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند (مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُفْسِمُ بِالشَّفَقِ . . . لِتَرْكِبِنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 85

1 - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف «ال» در «اللیل»، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از «اللیل» را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. «یسر»؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه «یسری» بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

2 - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شیروان در آن سیر می کنند .

و الیل إذا یسر

می توان گفت، «حرکت شب» تعبیری است مانند «شب خوابیده» که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إن ربک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله «إن ربک» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3، 1

1 - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الیل إذا یغشیها

طَبَق و [سرپوش هایی] مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، «غطاء» نام دارد؛ همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی] مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، «غشاء» می گویند (مفردات راغب). بنابراین «یغشها» - که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت «أرض» گرفته شده - به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.



3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زکیها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «کذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

ص: 86

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسبها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب..»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الیل إذا یغشی

2 - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 4 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل .. إن سعیکم لشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 8

8 - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل .. إن سعیکم لشتی . فأما من أعطی ... لیسری . و أمّا من بخل ... فسنی

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجدی

«سجدی الیل»؛ یعنی، شب با تاریکی خود ستر شد و پوشانند (مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد.  
(مقایس اللغه)

ص: 87

## 120- سوگند به شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 2، 1

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إِنَّ رَبِّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله «إِنَّ رَبِّكَ» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

ص: 88

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف «ال» در «الشفع» و «الوتر»، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: «شفع» روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) و «وتر» روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که «شفع»، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از «وتر»، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 1,2

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2- سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إِنَّ رَبِّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله «إِنَّ رَبِّكَ» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

ص: 89

## 122- سوگند به شفق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 16 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فلا أقسم بالشفق

مشهور بین اهل لغت، این است که «شفق» همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف «لا» می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نغی پندار قبل می دانند (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالشفق .. لتركبن طبقاً عن طبق

## 123- سوگند به شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 3

3 - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

## 124- سوگند به شهاب سنگها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 4

4 - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . \*



برخی از مفسران «نجم» را - به قرینه «إذا هوی» (آن گاه که سقوط کند) - به معنای شهاب گرفته اند.

## 125- سوگند به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 34 - 1

1 - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت «سفر الصبح» و یا «أسفر الصبح»، به معنای «أضاء» (روشن شد) و «أشرق» (درخشید) است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 18 - 2، 1

1 - سوگند خداوند به بامداد؛ زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود.

و الصبح إذا تنفس

«تنفس روز» به معنای توسع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

2 - سوگند خداوند به سپیده دم؛ زمانی که نفس تازه کند.

و الصبح إذا تنفس

از معنای «تنفس» وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است؛ به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالخنس ... و الیل ... و الصبح ... إنه لقول رسول کریم

## 126- سوگند به صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و «اندکی پس از بالا آمدن روز» (قاموس) به کار می رود.

2 - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الضحی

ص: 91

## 127- سوگند به صحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 40 - 1

1 - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّ لقول رسول کریم

## 128- سوگند به صداقت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 40 - 2

2 - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

إنّ لقول رسول کریم

## 129- سوگند به طلاق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 18

18 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: « ان من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و النذور فی المعاصی و کل یمین بغیر الله ؛

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد».

## 130- سوگند به طلوع ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4، 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تلیها

«إذا» در «إذا تلیها»، سوگند به ماه را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد «إذا» را ظرف برای «کائناً» به شمار می آورند

که محذوف است و حال مقدره برای «القمر» به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این زمان خاص، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

2 - سوگند خداوند، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تليها

«تَلَوَّ» (مصدر «تلى»)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از «إذا تلاها»، فقط همان شب ها است.

ص: 92

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

### 131- سوگند به طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفت عصفًا

«عاصفه» (مفرد «عاصفات») به معنای باد شدید و طوفان است.

### 132- سوگند به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 82 - 1

1 - سوگند ابلیس به عزت پروردگار

قال فبِعزَّتک

### 133- سوگند به عزت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 6

6 - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

وقالوا بعزّه فرعون

### 134- سوگند به عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 1 - 4

4 - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن \*

و العصر

چنانچه «عصر» به معنای «عشی» (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مضموف، مراد نماز عصر است.

ص: 93

### 135- سوگند به عید قربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 9

9- «عن علی (ع) قال: . . . و الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم النحر;

از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است».

### 136- سوگند به غبار اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 4 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعاً

فعل «أثرن»، عطف بر «مغیرات» و بیانگر آثار «اغاره» است؛ بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - برمی گردد. «اثاره» (مصدر «أثرن») به معنای منتشر ساختن است. «نقع»؛ یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدت غبار دلالت دارد.

2 - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعاً

### 137- سوگند به غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 2

2- سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «یغشاه»، «الشمس» دانسته شده است.

### 138- سوگند به غیر خدا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 5

5- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرك إنهم . . . یعمهون

ص: 94

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 1 - 1 - 89

1 - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 5 - 1, 2 - 89

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 6 - 8 - 89

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتمنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إِنَّ رَبِّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله «إِنَّ رَبِّكَ» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

ص: 95

## 140- سوگند به فرزندان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 6

6 - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه «والد» ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد؛ بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

## 141- سوگند به قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 3 - 1,3

1 - سوگند خداوند، به فرشتگان تلاوت گر وحی الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتَّالِیَاتِ ذِكْرًا

مراد از «ذکر» وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

3 - سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن کریم

فالتَّالِیَاتِ ذِكْرًا

## 142- سوگند به قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 6

6 - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

## 143- سوگند به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند به قرآن

والقرءان

ص: 96

«واو» در «والقرآن» برای قسم است؛ یعنی، «أقسم بالقرآن الحكيم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 1 - 3

1 - سوگند خداوند به قرآن

و القراءن

«واو» در «والقرآن» برای قسم است؛ یعنی، «أقسم بالقرآن...».

3 - سوگند خداوند به قرآن، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و القراءن

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القراءن) - به قرینه آیات مشابه مانند «و القرآن الحكيم \* إِيَّاكَ لَمَنِ الْمُرْسَلِينَ» در سوره «یس» و... - مربوط به رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است و تقدیر آن چنین می باشد: «و القراءن ذی الذکر إِيَّاكَ لَمَنِ الْمُرْسَلِينَ يَا إِيَّاكَ صَادِق».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 2 - 4

4 - سوگند خداوند به قرآن

و الكتب المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند، به قرآن مجید

ق و القراءن المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 5

5 - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن \*

و النجم إذا هوى

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از «نجم» - چنان که برخی از مفسران گفته اند - قرآن باشد؛ زیرا آیات قرآن «نجوماً» (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

#### 144- سوگند به قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

ص: 97

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامت - 75 - 1 - 1

1 - سوگند اکید خداوند ، به روز قیامت

لأقسم بيوم القيمة

مفسران درباره «لا» در «لأقسم» و امثال آن، توجیحات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «أقسم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 2 - 3

3 - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و اليوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 10، 8

8 - « عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عزّوجلّ « و شاهد و مشهود » فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزّوجلّ : « ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود »

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «و شاهد و مشهود» سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: «شاهد» روز جمعه و «مشهود» روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه «شاهد» روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: «ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

10 - « روى عن الحسن بن على (ع) و هو يُحدّث عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) فقليل له أخيرنى عن « شاهد و مشهود » فقال : أمّا الشاهد فمحمد و أمّا المشهود فيوم القيامة . أما سمعته سبحانه يقول : « يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً » و قال : « ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود »

از امام حسن(ع) روایت شده که از رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمد(صلی الله علیه و آله) است و امّا مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: «یا



أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» و فرموده: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

#### 146- سوگند به کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 98

1 - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده ( تورات )

و کتب مسطور

مراد از «طور» در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از «کتاب مسطور»، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند ، به کتاب ها و نوشته ها

و ما یسطرون

### 147- سوگند به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

«ما» در «ما یسطرون» یا مصدریه (یعنی «و سطرهم») و یا موصوله (یعنی «الذی یسطرونه») است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

### 148- سوگند به کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجریٓت یسرًا

«یسر» نقطه مقابل «عسر» و به معنای سهولت و آسانی است. مراد از «جاریات» کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت

می کنند.

### 149- سوگند به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کعبه

و البيت المعمور

ص: 99

«واو» در «و البیت. . .» برای قسم و مقصود از «بیت معمور» (خانه آباد) کعبه است.

### 150- سوگند به کوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 3.5

3 - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون \*

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از «انجیر» و «زیتون» - به قرینه دو آیه بعد - دو منطقه است که یکی مانند «کوفه» سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند «بیت المقدس» سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است؛ زیرا «نوح» (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

5 - «عن أبي الحسن الأوّل قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): إنّ الله تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ: «و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین» فالتین المدینة ، و الزیتون بیت المقدس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکه؛

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: «والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الأمین» مکه است.»

### 151- سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور

و الطّور

«طور» در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

«سینین»، در اصل نام نوعی درخت است که به آن «سَیْنَاء» نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، «سَیْنَاء» یا «سینین» گفته شود و کوه طور - که در آن سرزمین است - به «طور سینین» یا «طور سَیْنَاء» مشهور گردد.

2 - «طور» ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

ص: 100

### 152- سوگند به کوهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 5

5 - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطّور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مراد از «طور» مطلق کوه باشد.

### 153- سوگند به گستراننده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 5

5 - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه «ما» در «و ماطحاهها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. «طحو» (مصدر «طحاهها») مانند «دحو» است؛ یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

### 154- سوگند به گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 3

3 - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

«ما» در «ماطحاهها» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی «ما» را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات - که سوگند به مخلوقات است - سازگارتر است.

### 155- سوگند به گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 4

4 - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

ص: 101

### 156- سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 6

6 - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد؛ نه مشاهده و نظارت، کلمه «مشهود» نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد «مشهود به» است.

### 157- سوگند به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 3

3- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «لعمرك . . .» ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط (ع) باشد.

### 158- سوگند به ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 2

2 - سوگند خداوند به ماه

و القمر

### 159- سوگند به ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 1



1 - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتّسق

«اتساق قمر»، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 102

3 - خداوند، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان، به شفق، شب، موجودات زمینی و ماه، سوگند یاد کرده است.

فلا أقسم بالشفق... لتركبن طبقاً عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 4

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران، به «خورشید و نور آن»، «ماه»، «روز و شب»، «آسمان و زمین»، «نفس انسان» و «ذات خویش» سوگند یاد کرده است.

و الشمس... وقد خاب من دسيها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

### 160 - سوگند به ماه (قمری)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه، به «خورشید و نور آن»، «ماه»، «روز و شب»، «آسمان و زمین»، «روح» و «ذات خویش»، سوگند یاد کرده است.

و الشمس... قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح...» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

### 161 - سوگند به مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 1 - 4

4 - سوگند خداوند ، به مجاهدان صف بسته و سخت کوش

و الصفّ - ت صفّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 2 - 4

4 - سوگند خداوند ، به مجاهدان بازدارنده دشمنان و فریادزننده بر سر آنان

ص: 103

«زجر» به معنای «منع» و «بازداشتن» است. واژه «زجره» (مفرد «زاجرات») نیز معادل «صیحه» و به معنای فریاد می باشد که در برداشت یاد شده هر دو استعمال ملاحظه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 3 - 3

3 - سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن کریم

فالتَّالِيَةِ ذِكْرًا

### 162- سوگند به محبوبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 5

5- سوگند به جان افراد عزیز و ارزشمند برای اثبات حق و حقیقت ، امری مشروع و جایز

لعمرك إنهم ... يعمهون

### 163- سوگند به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 1

1- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

برداشت فوق بنابرین مبناست که مخاطب جمله «لعمرك» - به قرینه آیات 49 و 51 پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (تبیء عبادی ... و تبئهم ...) - پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 10

10 - « روى عن الحسن بن على (ع) و هو يُحدِّث عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) ف قيل له أخبرنى عن « شاهد و مشهود » فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أمّا المشهود فيوم القيامة . أمّا سمعته سبحانه يقول : « يا أيّها النبى إنّنا أرسلناك شاهداً و مبشّراً و نذيراً » و قال : « ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود »

از امام حسن(ع) روايت شده كه از رسول خدا نقل حديث مى كرد، به او عرض شد: مرا از [تفسير] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمّد(صلى الله عليه و آله) است و امّا مشهود روز قيامت است. آيا كلام خداى سبحان را نشنیده اى كه مى فرمايد: «يا أيّها النبى إنّنا أرسلناك شاهداً و مبشّراً و نذيراً» و فرموده: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

ص: 104

## 164- سوگند به مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 5

5 - « عن أبي الحسن الاوّل قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : إنّ الله تبارك و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین » فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الامین مکّه ;

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الامین» مکه است.»

## 165- سوگند به مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف «ما» مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت «مذکر» و «مؤنث» است. این احتمال نیز وجود دارد که «ما» موصول باشد؛ ولی مصدریه بودن آن - که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود؛ نه خالق - با سوگند به «لیل» و «نهار» تناسب بیشتری دارد.

## 166- سوگند به مغرب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند به محل افول و غروب ستارگان

فلا أقسم بموقع النجوم

«موقع» (مفرد «مواقع») می تواند اسم مکان و به دو معنا آمده است: محل استقرار و محل سقوط، برداشت بالا بر پایه معنای دوم است.

## 167- سوگند به مقدسات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 3

3 - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

ص: 105

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنّ

### 168- سوگند به مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 3,5

3 - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلا أقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که «مواقع» به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

5 - « عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول الله عز وجلّ : « فلا أقسم بمواقع النجوم » قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزوجلّ «فلا أقسم بمواقع النجوم» سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 1,3

1 - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلا أقسم بموقع النجوم . وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

3 - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم ( کیهان شناسی )

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «لو تعلمون» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لو تعلمون احوال مواقع النجوم».

### 169- سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 1 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند به شهر مکه



حرف «لا» در «لا أقسم»، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: «لا أقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤکد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

ص: 106

لا أقسم .. لقد خلقنا الإنسان في كبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 5

5 - « عن أبي الحسن الأول قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : إنَّ الله تبارك و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزَّوجلَّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین » فالتین المدینة ، و الزیتون بیت المقدس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکة ؛

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الأمین» مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 1, 2, 4

1 - سوگند خداوند ، به شهر مکه

و هذا البلد الأمین

2 - « مکه » ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و هذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه «هذا» دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره - به جای ذکر نام - یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

4 - امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و هذا البلد الأمین

**170- سوگند به ملائکه**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان صف در صف و منظم

و الصفّ - ت صفّاً

«واو» در «و الصافات ..» برای قسم است و در این که مقصود و مصداق این آیه و دو آیه بعد چیست؛ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد، از جمله: 1- فرشتگان، 2- مجاهدان راه خدا. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان نهی کننده و سخت بازدارنده

فالزّجرت زجرّاً

ص: 107

«زجر» به معنای منع و بازداشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 1

1 - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 2

2 - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشطت نشطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 4

4 - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 5 - 5

5 - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 3

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

ص: 108

## 171- سوگند به ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزع غرقاً

## 172- سوگند به ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحی الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتلّیت ذکرًا

مراد از «ذکر» وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفاً

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: 1- تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به «بادها و طوفان ها» است؛ 2- همه سوگندها، اشاره به «فرشتگان وحی» است؛ 3- سوگند اول و دوم ناظر به مسأله «بادها و طوفان ها» و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله «واو» است؛ در حالی که بقیه به وسیله «فاء» به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است؛ از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 2 - 3

3 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

ص: 109

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیة ذکرًا

### 173- سوگند به موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 4

4 - « عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) قول الله عز وجل « و الیل إذا یغشی . . . » و ما أشبه ذلك فقال : إن لله عز وجل ان یقسم من خلقه بما شاء و لیس لخلقه أن یقسموا إلا به ;

از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر (ع) عرض کردم: قول خدای عزوجل «و الیل إذا یغشی. . .» [که در آن به «شب» سوگند یاد شده] و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟] فرمود: برای خدای عزوجل است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند؛ ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او».

### 174- سوگند به موجودات در تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 2، 1

1 - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الیل و ما وسق

واژه «وَسَق» به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند (مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی



شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

2- سوگند خداوند، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد.\*

و ما وسق

«ما» در «ما وسق»، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق «ما وسق»، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

ص: 110

### 175- سوگند به موجودات زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالشفق .. لتركبن طبقاً عن طبق

### 176- سوگند به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 7

7 - « [ فی المجمع ] فی قوله « ووالد و ما ولد » . . . قيل آدم و ما ولد من الأنبياء و الأوصياء و اتباعهم عن أبي عبد الله (ع) ;

[در مجمع البيان] درباره قول خدا «ووالد و ما ولد» آمده است: گفته شده که مقصود آدم و فرزندانش از پیامبران و اوصیا و پیروانشان می باشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.»

### 177- سوگند به مؤمنان سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 7

7 - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب «اخذود» - که پس از این آیه مطرح شده است - به ویژه آیه «و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود» قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق «مشهود» گفته شده است. در این نظر تقدیر آن «مشهود علیهم» است.

### 178- سوگند به مؤمنان شکنجه شده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 7

7 - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

داستان اصحاب «اخذود» - که پس از این آیه مطرح شده است - به ویژه آیه «و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود» قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق «مشهود» گفته شده است. در این نظر تقدیر آن «مشهود علیهم» است.

## 179- سوگند به مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف «ما» مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت «مذکر» و «مؤنث» است. این احتمال نیز وجود دارد که «ما» موصول باشد؛ ولی مصدریه بودن آن - که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود؛ نه خالق - با سوگند به «لیل» و «نهار» تناسب بیشتری دارد.

## 180- سوگند به ناظران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده؛ یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ «شاهد و مشهود» - به قرینه سوگند بر آنها- نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

2- ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

## 181- سوگند به نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 2 - 5

5 - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

برخی از مفسران مراد از «کتاب مسطور» را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

### **182- سوگند به نفس اسب مجاهدان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

ص: 112

«عاديات»، از ریشه «عَدُو» (دویدن) است و به قرینه آیات بعد - که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است - مراد، اسبان دونده است. «ضبح»؛ یعنی، صدای نفس های اسب که به «ضُبْح» (صدای رویاه) تشبیه شده است (مفردات). جمله «فأثرن...» در آیات بعد - که خبر از گذشته می دهد - بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه «ذات السلاسل» بوده است.

### 183- سوگند به نفس لوامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 2 - 1

1 - سوگند اکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لا أقسم بالنفس اللوامة

### 184- سوگند به نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 1 - 4

4 - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن \*

و العصر

چنانچه «عصر» به معنای «عشی» (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

### 185- سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

وضحیها

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن «ضحی» به ضمیری که به خورشید بر می گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین »

ص: 113

« روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسّيتها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب. . .»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و «اندکی پس از بالا آمدن روز» (قاموس) به کار می رود.

2 - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الضحی

### 186- سوگند به وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به جفت و تاق



حرف «ال» در «الشفع» و «الوتر»، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: «شفع» روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) و «وتر» روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که «شفع»، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از «وتر»، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 2، 1

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

ص: 114

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. إن ربک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله «إن ربک» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

## 187- سوگند به و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 40 - 1

1 - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

**188- سوگند بہشتیان**

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 14

14 - بہشتیان حقانیت رسالت و وعدہ های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

ص: 115

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 56 - 3

3 - سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در دنیا

قال تالله إن كدت لتردين

«ارداء» (مصدر «تردین») به معنای نابودکردن است.

### 189- سوگند ثروتمندان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 1

1 - خداوند، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان، بینویان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان، بر حذر داشت

ولا يأتل أولوا الفضل منكم والسعه أن يؤتوا أولى القربى والمسكين والمهجرين

«إيتلاء» (مصدر «يأتل») می تواند مشتق از «الو» به معنای «تقصیر و منع» باشد. هم چنین می تواند از «الیّه» به معنای «حلف» و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای «حلف» باشد، «یؤتوا» منفی به «لا» ی محذوف است؛ یعنی، «لا يحلفوا أن لا يؤتوا...» درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: 1- آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای «افک»، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. 2- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای «افک»، از انفاق به «مسطح بن اثاثه» - که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود - امتناع ورزید.

### 190- سوگند جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 6

6 - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

وقالوا بعزّه فرعون

### 191- سوگند جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 53 - 4

4 - « سوگند به خدا » برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

ص: 116

قل ای و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 2

2- جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جننا لفسد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 4

4- سوگند به نام خداوند ، امری مجاز و مشروع است .

تالله لقد ائثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 2

2- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوریک لسنئلهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 4

4- سوگند خوردن به خداوند ، جایز است .

ولا تنقضوا الأیمن بعد توکیدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 2

2- سوگند یادکردن با نام مقدس « الله » ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تالله لأكيدنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 3

3 - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القراءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 1 - 5

5 - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

ص: 117

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 34 - 3

3 - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . . . و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

### 192- سوگند جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 97 - 1

1 - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تالله إن کنا لفی ضلل مبین

### 193- سوگند حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 3

3- ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لا تکنوا . . . تتخذون أیمنکم دخلاً بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 1

1- وسیله قرار دادن سوگند در پیشبرد مقاصد فریبکارانه ، حرام است .

و لا تتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 3

3 - سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، حرام و وفا نکردن به آن جایز است .

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

حرمت در برداشت یاد شده از نهی «لا یأتل» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 118

5 - « عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول الله عز وجل : « فلا أقسم بمواقع النجوم » قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزوجل «فلا أقسم بمواقع النجوم» سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند».

### 194- سوگند خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 65 - 1, 2

1 - تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی که حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در اختلافات پذیرند .

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم

2 - سوگند خداوند به ربوبیت خویش نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فلا وربك

### 195- سوگند دادن موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 6

6 - فرعونیان، موسی (ع) را به منزلش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند .

ادع لنا ربك بما عهد عندك

«باء» در «بما عهد» در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

### 196- سوگند در آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 10

10- سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتى توتون موثقا من الله . . . إلا أن يحاط بكم

### 197- سوگند در اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 53 - 4

ص: 119

4- « سوگند به خدا » برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل ای وریبینه لحق

### 198- سوگند در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 11

11- مشروعیت سوگند به خدا و پیمان بستن با او در ادیان گذشته و لزوم پایبندی به آنها

حتى توتون موتقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 5

5- سوگند به نام خدا ، دارای پیشینه تاریخی و مجاز در شریعت های گذشته

تالله لقد اترك الله علينا

### 199- سوگند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 9

9- سُنّت سوگند بر ترک کار های خیر در عصر جاهلیت

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبرّوا و تتقوا

### 200- سوگند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 22,24

22- حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به « لا والله و بلی والله » در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و «الرّفث» الجماع و «الفُسوق» الكذب و السباب و «الجدال» قول الرجل لا والله و بلى والله

---

کافی، ج 4، ص 337، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 194، ح 704.

24 - سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحجّ

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

---

ص: 120

کافی، ج 4، ص 338، ح 4؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 95، ج 258.

### 201- سوگند در دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 10

10- سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتی توتون موثقاً من الله... إلا أن يحاط بكم

### 202- سوگند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 5

5 - وجود سنت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدر اسلام و پیش از آن

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

### 203- سوگند در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 2

2- شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش، از ارائه شاهدان ناتوان باشد، باید چهار بار سوگند یاد کند.

والذين يرمون أزواجهم ولم يكن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

### 204- سوگند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 11

11 - کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

والله ربنا ما كنا مشركين... قالوا بلى وربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 55 - 1

1 - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

ص: 121

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود «یخلق ما یشاء» که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

### 205- سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 3

3 - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله «و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم» استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: «مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند». مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 1

1 - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

والخمسه أن لعنت الله علیه إن كان من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 2,4

2 - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت بالله إته لمن الكذبین

الف ولام «العذاب» ذکری و اشاره به «مأته جلده» است که در آیه دوم آمده بود.



4- « خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است » متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ

### 206- سوگند در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 92 - 9

ص: 122

9- سوگند و پیمان ، ارزشی است که نباید در معاملات مادی تحت الشعاع قرار گیرد .

دخلاً بینکم أن تكون أمّه هی اربی من أمّه

### 207- سوگند در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 10،14،15،16

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او اءاخران من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

14 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در «به» به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در «کان» به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

15 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . . . و لانکتّم شهده اللّه

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . . . إنا اذا لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 7،8

7 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّٰه لشهدتنا احق من شهدتهما

«احق» افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله «فان عشر...» دلالت بر این تفسیر دارد.

8 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّٰه .. ما اعتدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 108 - 2, 1

1 - قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ... ) بهترین قوانین و شرایط

ص: 123

برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذکر ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

2- توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در «یخافوا» و «ایمنهم» به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین «ترد ایمن» بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین «او یخافوا ان ترد...» یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

### 208- سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 15

15 - « روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه یقتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره «باطل» در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است)».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 11

11 - سوگند صادقانه به خدا، گناه است و دروغ آن، کفر عملی .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ان الله عز و جل یقول: «و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم»

---

کافی، ج 7، ص 434، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 218، ح 834.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 10

10 - شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنا إذا لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 10

10 - خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عشر علی انهما استحقا . . . و الله لایهدی القوم الفسقیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 3

ص: 124

3 - سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

وقاسمهما إني لكما لمن النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 8،12

8 - إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

وسيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم

12 - علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سيحلفون بالله .. و الله يعلم انهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 1،11

1 - سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون بالله لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

11 - تخلف از جهاد و سوگند دروغ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

يعتذرون إليكم ... سيحلفون بالله ... إنهم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 96 - 1،2،5

1 - سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

يحلفون لكم لترضوا عنهم

2 - خداوند، مؤمنان را از تأثیرپذیری در برابر ریاکاری و سوگند های دروغین منافقان هشدار داد .

فإن رضوا عنهم فإن الله لا يرضى عن القوم الفسقين

5 - روی آوری به سوگند های دروغ، از روش های منافقان برای دستیابی به هدف های خویش

## 209- سوگند دروغ ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 1

1 - شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما .. فدلیهما بغرور

«تدلیه»، مصدر «دلی»، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه «غرور» می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

ص: 125

## 210- سوگند دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 23 - 3

3 - سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

والله ربنا ما كنا مشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 5

5 - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فيحلفون له

## 211- سوگند دروغ در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 3

3 - زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصدقين

## 212- سوگند دروغ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 1

1 - شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

وقاسمهما إني لكما لمن الناصحين

به کارگیری فعل «قاسم» از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

## 213- سوگند دروغ منافقان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 11

11 - متخلفان از جنگ تبوک ( منافقان ) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون بالله ... یهلکون أنفسهم

ص: 126

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 57 - 2

2 - عدم امکان گریز از جامعه اسلامی برای منافقان صدر اسلام ، عامل رو آوردن آنان به سوگند دروغ برای مؤمن جلوه دادن خود

و يحلفون بالله إنهم لمنكم . . . لو يجدون ملجئاً . . . لولوا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 62 - 1،4

1 - سوگند های دروغ منافقان به خداوند نزد مؤمنان ، برای جلب رضایت آنان

يحلفون بالله لكم ليرضوكم

4 - هشدار خداوند به مؤمنان در مورد سوگند های دروغ منافقان

يحلفون بالله لكم ليرضوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 1

1 - روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

يحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 14 - 10،11

10 - منافقان ، آگاهانه متوسل به سوگند های دروغ می شدند .

و يحلفون على الكذب و هم يعلمون

11 - توسل به سوگند دروغ ، از نشانه های نفاق و از ترفند های منافقان برای پوشش دادن نفاق و دورویی خویش .

و يحلفون على الكذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

8- منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له . . . و یحسبون أنَّهم علی شیء

کلمه «شیء» در «أنَّهم علی شیء» موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن «علی شیء نافع» می باشد؛ یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 2 - 4,7

ص: 127

4- انحرافات منافقان ، نتیجه سوگند های دروغ آنان

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

مطلب یاد شده از تفریع «فصدوا..» بر «اتخذوا...» به دست می آید.

7- هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

### 214- سوگند زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 5

5- زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استتکاف یوسف (ع) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم يفعل ما أمره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

«لام» در «لئن» گویای قسم است. «یکوناً= یکونن» فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

### 215- سوگند شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 119 - 1,2

1- سوگند و عزم راسخ شیطان بر گمراه کردن مردم

و لاضلنهم

لام قسم و نون تأکید در فعل «لاضلنهم»، دلالت بر تصمیم قطعی شیطان دارد.

2- سوگند و عزم راسخ شیطان بر سرگرم کردن مردم به آرزوهای پوچ

و لامنینهم

«امنین» از مصدر «تمنیه» به معنای القای آرزوهای موهوم و خیالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 44 - 9

9- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا .. أولم تكونوا أقسمتم من قبل ما لكم من زوال

ص: 128

## 217- سوگند فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 124 - 1

1 - فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . . . ثم لأصلبنکم

حرف «لام» در «لأقطعن» در «لأصلبن» لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

## 218- سوگند فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 10

10 - فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل

## 219- سوگند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 11

11 - کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّٰه ربنا ما كنا مشرکین . . . قالوا بلی وربنا

## 220- سوگند کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3

3 - اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

## 221- سوگند کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 49 - 1

ص: 129

1 - کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

کلمه «رحمه» نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از «رحمت»، رحمت‌های اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع «لا ينال» و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

## 222- سوگند گروههای نه گانه قوم نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 49 - 1

1 - توطئه و هم قسمی گروه های نه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون .. قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله

«تقاسم» (مصدر «تقاسموا») به مشارکت کردن در قسم و «تبییت» (مصدر «نبیتن») به سوء قصد شبانه گفته می شود.

## 223- سوگند گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 16، 11، 9

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

اوءاخران من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما ..» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخران من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «ءاخران من غیرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

11 - اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .



فَيَقْسَمَانِ بِاللَّهِ .. إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْإِثْمِينَ

## 224- سوگند لغو

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2 - بقرہ - 2 - 224 - 4

4 - سوگند بر ترک کارهای خیر، تعہد آور نیست .

و لا تجعلوا اللہ عرضہ لایمانکم

ص: 130

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 225 - 1,2,5,8

1 - خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند .

لا یؤاخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند لغو، سوگندهایی است که معمولاً به خاطر عادت بر زبان جاری می شود؛ بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله «بالغو» با «بما کسبت قلوبکم» به دست می آید.

2 - سوگند های لغو و بیهوده، تعهدآور نیست .

لا یؤاخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم

5 - ناپسندی سوگند های بیهوده و لغو \*

لا یؤاخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم . . . و اللہ غفور حلیم

از آیه مزبور استفاده می شود که یادکننده سوگندهای بیهوده، استحقاق مؤاخذه را دارد؛ ولی خداوند تفضلاً او را مؤاخذه نمی کند. این برداشت، مخصوصاً با تکیه بر صفت «غفور» که در پایان آیه آمده است، استفاده می شود.

8 - عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو، جلوه ای از مغفرت و حلم پروردگار

لا یؤاخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم . . . و اللہ غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به «لا یؤاخذ» است؛ نه «یؤاخذکم». چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است؛ نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 1,2,27,28

1 - سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذه ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لا یؤاخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم

«ایمان» جمع یمین (قسم) و «فی ایمانکم» متعلق به «اللغو» می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

2 - تفضل الهی بر اهل ایمان با برداشتن مؤاخذه و بازخواست از سوگند های لغو و بی هدف .

لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

لحن امتتانی جمله «لا يؤاخذكم» می رساند که عدم مؤاخذة نسبت به سوگندهای لغو و بی هدف، برخاسته از تفضل و لطف خدا به مؤمنان است.

27 - سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

امام صادق(ع) در توضیح معنی «لغو» در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل «لا والله» و «بلى والله» و لا يعقد على شيء.

---

کافی، ج 7، ص 443، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 323.

28 - سوگند بر تحریم طیبیات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات . . . فقاموا هولاء فقالوا يا رسول الله فقد حلفنا على ذلك فانزل الله تعالى «لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم...».

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

### 225- سوگند متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 11، 12، 8

8 - إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم

11 - متخلفان از جنگ تبوک ( منافقان )، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون بالله .. یهلکون انفسهم

12 - علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

سیحلفون بالله .. و الله یعلم انهم لکذبون

### 226- سوگند متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 1

1 - سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سیحلفون بالله لکم إذا انقلبتم إلیهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 96 - 1

1 - سوگند توانمندان متخلف از جنگ تبوک، به منظور جلب رضایت مؤمنان مجاهد

یحلفون لکم لترضوا عنهم

### 227- سوگند متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . . . فما جزؤه إن كنتم كذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

ص: 132

## 228- سوگند محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 6

6 - سوگند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پروردگار، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی وربی لتأتینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 11

11 - « عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى: « يا أيها النبي لِمَ تحَرَّمَ ما أحلَّ الله لك » قال: « إطلعت عائشة و حفصه على النبي و هو مع ماريه فقال النبي (صلی الله علیه و آله): و الله ما أقربها، فأمره الله أن يكفّر [ عن ] يمينه ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند تعالی: «يا أيها النبي لِمَ تحَرَّمَ ما أحلَّ الله لك» روایت شده که فرمود: عایشه و حفصه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ظاهر شدند در حالی که آن حضرت با ماریه بود. پس فرمود: به خدا سوگند با او نزدیک نمی شوم. پس خداوند او را امر کرد تا برای سوگند خود کفاره دهد [و حلال خدا را با قسم بر خود حرام نکند]».

## 229- سوگند مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 6,9

6 - تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

برداشت فوق بر این مبناست که «اهولاء» اشاره به بیمار دلان و خطاب در «معكم» متوجه یهود و نصارا باشد.

9 - تعهد دروغین مسلمانان ضعیف الايمان بر یاری مؤمنان با سوگندهایی مؤکد

و يقول الذين ءامنوا اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

برداشت فوق بر این مبناست که خطاب در «معكم» متوجه مؤمنان واقعی باشد؛ یعنی برخی از مؤمنان - پس از فتح و پیروزی - به برخی دیگر چنین گفتند: «اهولاء...» در این صورت مشارالیه «اهولاء»، بیمار دلان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 1

1 - سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «هولاء»، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در «لمعکم» همان بیمار دلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه «جهد» مفعول مطلق برای «اقسموا» می باشد؛ یعنی سوگند یاد کردند

ص: 133

در بالاترین درجه سوگند.

### 231- سوگند مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 2،7

2 - مشرکان مکه معتقد به «الله» بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

7 - ترفندها و سوگند دروغین مشرکان مبنی بر ایمان آوردن در صورت نزول آیات، در برخی مؤمنان مؤثر بوده است.

و ما يشعركم أنها إذا جاءت لا يؤمنون

«کم» خطاب به مؤمنین است و از این خطاب چنین بر می آید که احتمالاً برخی از مؤمنان تحت تأثیر خواسته مشرکان بودند و خواهان عملی شدن خواسته‌های آنان می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 1

1- سوگند مشرکان به خدا، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 4

4 - « روی عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام أنّ مواقع النجوم رجوما للشياطين فكان المشركون يقسمون بها . . . »

از امام باقر و صادق (علیهما السلام) روایت شده که «مواقع نجوم» رجم شیاطین است که به وسیله ستارگان انجام می شود و مشرکان به آن قسم یاد می کردند».

### 232- سوگند مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 2



2- شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 13 - 5

5- شرک پیشگان صدر اسلام ، بر پیمان خود با مسلمانان سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

قوماً نكثوا أيمانهم

ص: 134

### 233- سوگند مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 1

1 - مشرکان مکه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

### 234- سوگند مكدبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 4

4 - منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

ولو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا

### 235- سوگند منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 6

6 - دروغ ، سوگند به خدا ، توجیه اعمال ناروا و عذر تراشی ، از شگرد های منافقان

يصدّون عنك صدوداً .. ثمّ يحلفون بالله ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

به دلیل «یصدّون عنک» معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذر تراشی برای اعمال ناروایشان بوده است ؛ نه پی بردن به اشتباه و عذر خواهی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 96 - 5, 2

2 - خداوند ، مؤمنان را از تأثیر پذیری در برابر ریاکاری و سوگند های دروغین منافقان هشدار داد .

فإن ترضوا عنهم فإن الله لا يرضى عن القوم الفسقين

5- روی آوری به سوگند های دروغ ، از روش های منافقان برای دستیابی به هدف های خویش

سیحلفون بالله .. یحلفون لكم

### 236- سوگند منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 56 - 1

ص: 135

1 - سوگند دروغ منافقان صدر اسلام به خداوند ، برای اثبات ایمان خویش و همراهی خود با مؤمنان

و يحلفون بالله إنهم لمنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 1

1 - سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلفون بالله لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 11

11 - تمسک منافقان به سوگند دروغ برای اثبات حسن نیت خویش در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى

**237- سوگند موسی (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 17 - 4

4 - سوگند موسی به قدرت دشمن شکن و خدادادی خویش

قال ربّ بما أنعمت علیّ

درباره «با» در «بما أنعمت» دو دیدگاه از سوی مفسران ارائه شده است برخی آن را سببیه و برخی هم قسم دانسته اند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

**238- سوگند ناپسند**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 4

4 - مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه 89 می توان گفت مراد از «لاتحرموا . . .» نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 13

13 - روی عن أبي جعفر و أبي عبدالله(ع): إن من خطوات الشيطان الحلف بالطلاق و النذور في المعاصي و كل يمين بغير الله تعالى.

از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است: سوگند بر مطلقه شدن همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی به غیر نام خدای

ص: 136

تعالی، پیروی از گامهای شیطان است.

### 239- سوگند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 1

1 - سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «هولاء»، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در «لمعکم» همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه «جهد» مفعول مطلق برای «اقسموا» می باشد؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

### 240- شرایط تنجز سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 5

5- توجه داشتن و جدّی بودن در سوگند، شرط تحقق و تنجز آن

و لا تنقضوا الأیمن بعد توکیدها

### 241- شرایط وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 9

9- استطاعت شرط لزوم وفا به عهد، قسم و تکالیف الهی است .

إلا أن يحاط بکم

### 242- عجز در وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 7,8

7- هنگام سوگند یاد کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

لَتَأْتُنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ

کردن و پیمان بستن با خدا، شایسته است صورت ناتوانی از پایبند بودن به پیمان و سوگند استثنا شود.

ص: 137

8- وفا نکردن به عهد و قسم در صورت استثنای موارد عذر و ناتوانی، پیامدی (عقوبت، کفاره و...) نخواهد داشت.

لَتَأْتُنَّيْ بِهٖ اِلَّا اَنْ يَّحَاطَ بِكُمْ . . . قَالَ اللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُولُ وَكَيْلٍ

### 243- عذاب اخروی حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 10

10- شکستن سوگند و پیمان، دارای بازتاب های ناگوار دنیوی و عذاب بزرگ اخروی

و لَاتَتَّخِذُوا اٰیْمٰنِكُمْ دَخَلًا . . . وَ تَذُوْقُوا السُّوْءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «تذوقوا..» اشاره به ناگواریهای دنیوی و «عذاب عظیم» اشاره به عذاب اخروی باشد.

### 244- فرعونیان و سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 6

6 - فرعونیان، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند.

ادع لنا ربك بما عهد عندك

«باء» در «بما عهد» در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

### 245- فلسفه حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 11

11 - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت از مباحات و حلال ها، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است.

قد فرض اللّٰهُ لَكُمْ تَحَلُّهٖ اٰیْمٰنِكُمْ . . . وَ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ

### 246- فلسفه سوگند به انجیر



4- برخورداری انسان از خلقت برتر، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر، زیتون، طور سینا و شهر مکه، بیان

داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین . . . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### **247- فلسفه سوگند به تاریکی شب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 7

7- خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه ، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود .

### **248- فلسفه سوگند به زیتون**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4- برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین . . . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### **249- فلسفه سوگند به سینا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4- برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین . . . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### **250- فلسفه سوگند به کوه طور**

4 - برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتى است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین . . . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### 251- فلسفه سوگند به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4 - برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین . . . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### 252- فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 7

7 - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

### 253- فلسفه سوگند محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 2

2 - سوگند پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بر محروم کردن خود از عملی مباح و حلال ، به خاطر جلب رضایت برخی از همسران

قد فرض الله لکم تحلّه ایمنکم

### 254- فلسفه سوگند منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 16 - 1

1 - منافقان ، زیر سپر سوگند ، نفاقشان را پنهان می کردند .

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 140

1 - منافقان ، زیر سپر سوگند ، نفاقشان را پنهان می داشتند .

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً

7 - هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

### 255- کفاره حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 3

3 - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفاره

قد فرض الله لكم تحلّه أيمانكم

### 256- کیفر حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 89 - 5 - 3

3 - سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

ولكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمان

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذه بر سوگند و لزوم کفاره تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند به آن وفادار نماند (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 15

15- یعقوب (ع) فرزندان را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله على ما نقول وكيل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزندانش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

### 257- کیفر سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 77 - 24

24 - کسانی که قسم دروغ می خورند ، در آخرت نصیبی نداشته و عذابی دردناک در انتظار آنان است .

انّ الذّین . . . وایمانهم ثمناً قليلاً

ص: 141

امام صادق (ع)، در ضمن شمارش گناهان کبیره فرمود: و اليمين الغموس؛ لأن الله عز وجل يقول «ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمنا قليلا اولئك لا خلاق لهم في الاخره . . .».

عيون اخبارالرضا (ع)، ج 1، ص 287، ح 33؛ نورالثقلين، ج 1، ص 355، ح 195.

### 258- کیفیت سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 5

5- « خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم » ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذين يرمون أزواجهم .. فشهده أحدهم أربع شهادات بالله إنه لمن الصادقين

### 259- کیفیت سوگند در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 11

11 - اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله ان ارتبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 9

9 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فيقسمان بالله إنا اذا لمن الظلمين

### 260- گناه حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



6 - شكستن سوگند گناه و پرداخت كفاره موجب بخشايش آن است .

و لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمن فكفرتة . . . ذلك كفّره ايمنكم

مؤاخذة سوگندشکنان دليل عصيانگري آنان است و کلمه كفاره که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه - در پی پرداخت كفاره - دارد.

ص: 142

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 16

16- شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی ، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است .

الله علی ما نقول وکیل

### 261- گناه سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 2

2 - شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عشر علی انهما استحقا اثماً

مراد از «اثماً» - به قرینه «انا اذا لمن الاثمین» - شهادتهای دروغین است.

### 262- مکر با سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 3

3- ممنوعیت استفاده از سوگند به عنوان وسیله ای برای فریب دیگران

و لاتکونوا . . . تتخذون ایمنکم دخلاً بینکم

### 263- ممنوعیت سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 8

8 - سوگند به دروغ ، ممنوع است .

قل لاتقسموا

تردید نیست که سوگند منافقان، سوگندی دروغین بود. بنابراین نهی خداوند از چنین سوگندی، دلیل بر ممنوعیت آن است.

## 264- موانع حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 91 - 10

10- توجه انسان به احاطه علمی خداوند بر رفتارش ، مانع شکستن عهد و سوگند است .

ص: 143

و أوفوا... و لاتتقضوا... إن الله يعلم ما تعلقون

### 265- نقش سوگند در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 10

10 - سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

### 266- نهی از سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 6

6 - منافقان صدراسلام ، از هر گونه سوگند خوردن برای حسن نیت خود و آمادگی برای جهاد ، بر حذر شدند .

و أقسموا باللّه .. لئن أمرتهم لیخرجنّ قل لاتقسموا

### 267- نهی از سوگند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 7

7 - منافقان ، حق سوگند یاد کردن به خدا را ، برای اثبات حسن نیت خویش نداشته و از آنان پذیرفته نیست .

و أقسموا باللّه .. لئن أمرتهم لیخرجنّ قل لاتقسموا

### 268- وفای به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 49

49 - وفاکنندگان به سوگند ، راستگویان در گفتار و دارندگان استقامت قلب و عفت در شکم و شهوت ، از راسخان در علم هستند .

و الراسخون فی العلم

رسول الله (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از مفهوم راسخان در علم فرمود: من برّت یمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و من عفت بطنه و فرجه فذلک من الراسخین فی العلم

ص: 144

---

الدر المنثور، ج 2، ص 151.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 18، 19، 4

4 - لزوم وفای به سوگند های برخاسته از قصد و نیت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمن

18 - لزوم وفاداری و پایبندی به سوگند های خویش

و احفظوا ایمنکم

19 - تعیین کفاره برای قسم نبایستی دستاویزی برای شکستن سوگند قرار گیرد .

ذلک کفره ایمنکم إذا حلفتم و احفظوا ایمنکم

فرمان وفاداری به سوگند (و احفظوا ایمنکم) پس از بیان کفارات قسم اشاره به این دارد که اگر چه پرداخت کفاره موجب بخشایش گناه آن می شود ولی مکلف نباید آن را مجوز شکستن سوگند خویش بپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 93 - 5

5 - وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

**269- وفای به سوگند ایوب (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 3، 2

2 - تنبیه همسر با دسته ای از گیاه خشک و تر - آن هم یک بار ، توصیه خداوند به ایوب (ع) برای ادای سوگندش

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

«ضغث» به یک دسته از گیاه خشک و تر گویند.

3- چاره جویی خداوند برای ایوب (ع) در مشکل ادای سوگندش به تنبیه همسرش

خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

سوگندشکنان

**270- {سوگندشکنان}**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 8

8- نقض کنندگان سوگند ، بازدارندگان مردم از راه خدایند .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً... بما صدقتم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم

ص: 145

## 271- انذار سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 14

14- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله .. تتخذون أيمانكم دخلاً ... وليبينن لكم يوم القيمة ما ك

## 272- دنیاطلبی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 4

4- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیاپرست ، کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم .. ولا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

از تعبیر «ثمناً قليلاً» (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود؛ زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

## 273- کوتاه بینی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 4

4- پیمان شکنان و نقض کنندگان سوگند و عهد الهی ، مردمی دنیاپرست ، کوتاه نگر و دون همتند .

لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم .. ولا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

از تعبیر «ثمناً قليلاً» (بهای کم و ناچیز) کوتاه نظری و دون همتی استفاده می شود؛ زیرا هیچ عاقل و صاحب فکری، کالایش را به بهای کم و ناچیز و کمتر از ارزش واقعی آن نمی فروشد.

## 274- مؤاخذه اخروی سوگندشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 14



14- هشدار خداوند به نقض کنندگان عهد و سوگندشکنان ، مبنی بر مؤاخذه شدن آنان در قیامت

و أوفوا بعهد الله . . . تتخذون أيمانكم دخلاً . . . وليبيننّ لكم يوم القيمة ما ك

ص: 146

## 275- سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 1

1- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربک لئنسئلنهم أجمعین

ضمیر جمع غایب «لئنسئلنهم» هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به «المقتسمین» اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 9

9- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تالله لتسئلنَّ عَمَّا كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 1

1- سوگند خداوند به خویش ، مبنی بر ارسال پیامبرانی به سوی امت های مختلف ، پیش از ظهور اسلام

تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 1

1- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر ختمی بودن احضار منکران معاد و شیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربک لنحشرنهم والشیطنین

ضمیر مفعولی در «لنحشرنهم» به «انسان» در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند.

«حشر»؛ یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 8

8- خداوند با سوگند به ربوبیت خود، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت، تأکید کرده است.

فوربک .. ثم لنزعنّ من كلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 10

10- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است.

ص: 147

فوربک . . . ثمّ لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 13 - 6

6 - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّي لأملأنّ جهنّم من الجنّه والناس

لام در «لأملأنّ» برای قسم است و حکایت از آن دارد که «القول» در فراز قبلی، سوگند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند به قرآن

و القراءن

«واو» در «والقرآن» برای قسم است؛ یعنی، «أقسم بالقرآن الحكيم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام

إنک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 1 - 3

1 - سوگند خداوند به قرآن

و القراءن

«واو» در «و القرآن» برای قسم است؛ یعنی، «أقسم بالقرآن...».

3 - سوگند خداوند به قرآن، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرآن) - به قرینه آیات مشابه مانند «و القرآن الحکیم \* إِنَّكَ لَمِنَ المرسلین» در سوره «یس» و .. - مربوط به رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است و تقدیر آن چنین می باشد: «و القرآن ذی الذکر إِنَّكَ لَمِنَ المرسلین یا إِنَّكَ صادق».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 84 - 1

1 - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «فالحقّ» مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 148

17 - زخرف - 43 - 2 - 4

4 - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 1

1 - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذرّوا

«ذَرَّو» به معنای پاشیدن و پراکندن و «ذاریات» (جمع «ذاریه») به معنای «پراکننده ها» است. مراد از «پراکننده ها» بادهای است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادهای مژده آور باران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 2 - 3, 1

1 - سوگند الهی به ابر های گرانباز

فالحملت وقرّا

«وَقَرَّ» بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادهای می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

3 - سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آبستن باران

فالحملت وقرّا

کلمه «حاملات»، می تواند وصفی دیگر برای بادهای باشد. در این صورت مراد از «وَقْر» (بار سنگین)، ابر سنگین و باران را خواهد بود که به وسیله بادهای حمل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 3 - 4، 1

1 - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجريت يسراً

«يسر» نقطه مقابل «عسر» و به معنای سهولت و آسانی است. مراد از «جاریات» کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

4 - سوگند الهی ، به بادهای که آرام در آسمان روان اند .

والذريت ذرّواً .. فالجريت يسراً

ص: 149

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 1

1 - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 7 - 1

1 - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السّماء ذات الحبک

«حبیکه» و «حباک» (مفردهای «حُبُک») در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 23 - 1

1 - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَبِّ السّماء و الأرض إنّهُ لحقّ

در این که مرجع ضمیر در «إنّه» چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به «ما توعدون» (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 5، 1

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور

و الطّور

«طور» در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.



5 - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مراد از «طور» مطلق کوه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 2 - 1,5

1 - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده ( تورات )

و کتب مسطور

مراد از «طور» در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از «کتاب مسطور»، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

5 - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

ص: 150

برخی از مفسران مراد از «کتاب مسطور» را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

«واو» در «و البیت..» برای قسم و مقصود از «بیت معمور» (خانه آباد) کعبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته (آسمان)

و السقف المرفوع

«مرفوع»؛ یعنی، بلند و برافراشته شده. مراد از «سقف مرفوع» ظاهراً آسمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 6 - 1

1 - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

«سجور» در معانی پرکردن و شعلهور کردن به کار می رود. بنابراین «مسجور» یا به معنای «مملو» (پر شده) و یا به معنای شعلهور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 4,5,7

1 - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

## و النجم إذا هوى

«نجم» به معنای ستاره است و «الف و لام» آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، «اقسم بكلّ نجم إذا هوى». «هُوِيَّ» (مصدر «هوى») به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

4 - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . \*

## و النجم إذا هوى

برخی از مفسران «نجم» را - به قرینه «إذا هوى» (آن گاه که سقوط کند) - به معنای شهاب گرفته اند.

5 - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن \*

## و النجم إذا هوى

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از «نجم» - چنان که برخی از مفسران گفته اند - قرآن باشد؛ زیرا آیات قرآن «نجوماً» (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

7 - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

## و النجم إذا هوى

ص: 151

«نجم» بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 3

3 - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلا أقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که «مواقع» به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

2 - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

«ما» در «ما یسطرون» یا مصدریه (یعنی «و سطرهم») و یا موصوله (یعنی «الذی یسطرونه») است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 40 - 2

1 - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنه لقول رسول کریم

2 - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

إنه لقول رسول کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند اُکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها ( خاور ها ) و مغرب ها ( باختر ها )

فلا أُقسم برِّبِّ المشرق و المغرب

درباره «لا» در «لا أُقسم» و امثال آن، مفسران توجیهاات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «اُقسم» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 32 - 2

2 - سوگند خداوند به ماه

و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 152

19 - مدثر - 74 - 33 - 1

1 - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الیل إذ أدبر

«إدبار» (مصدر «أدبر») به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغازِ سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 34 - 1

1 - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت «سفر الصبح» و یا «أسفر الصبح»، به معنای «أضاء» (روشن شد) و «أشرق» (درخشید) است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 1 - 1

1 - سوگند اکید خداوند ، به روز قیامت

لأقسم بيوم القيمة

مفسران درباره «لا» در «لأقسم» و امثال آن، توجیهاات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «أقسم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 2 - 1

1 - سوگند اکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لأقسم بالنفس اللوامة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 1 - 5، 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: 1- تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به «بادها و طوفان ها» است؛ 2- همه سوگندها، اشاره به «فرشتگان وحی» است؛ 3- سوگند اول و دوم ناظر به مسأله «بادها و طوفان ها» و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله «واو» است؛ در حالی که بقیه به وسیله «فاء» به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است؛ از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

5- سوگند خداوند ، به باد های پیاپی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از «مرسلات» بادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 2 - 3، 1

1 - سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفت عصفاً

«عاصفه» (مفرد «عاصفات») به معنای باد شدید و طوفان است.

3 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 5 - 1

1 - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 3



3 - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 2 - 2

2 - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشاطت نشطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبحاً

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 4 - 4 - 79

4 - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 5 - 5 - 79

5 - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبر

فالمدرت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 3 - 9 - 79

3 - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 15 - 81 - 1,2,3

1 - سوگند مؤکد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلا أقسم بالخنس

حرف «لا» در «لأقسم» زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: «لأقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. «خنس» جمع «خانس» است و مصدر آن «خنوس»؛ یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل «خنس»؛ یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

2 - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر، به نقطه‌هایی که از آن گذشته اند، باز می‌گردند.

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ

برخی از اهل لغت و تفسیر «خُنُس» را به معنای رجوع کنندگان می‌دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

3 - سوگند خداوند به سیاره‌های زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خُنُس» را عنوان ستارگان یاد شده می‌دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 2، 1

1 - سوگند خداوند، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می‌یابند.

ص: 155

«جواری» (جمع «جاریه») به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

2 - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

### الجوار الكُنس

«کُنس» جمع «کانس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «کُنَسَ الظبی» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 1

1 - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

### و الیل إذا عسعس

«اللیل» عطف بر «الخُنس» است و قسم مؤکد در «لا- أقسم» به آن نیز تعلق دارد. فعل «عسعس» گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: «عسعسه»؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل «عسعس» هر دو زمان را شامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 18 - 1,2

1 - سوگند خداوند به بامداد ؛ زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

### و الصبح إذا تنفس

«تنفس روز» به معنای توسع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

2 - سوگند خداوند به سپیده دم ؛ زمانی که نفس تازه کند .

### و الصبح إذا تنفس

از معانی «تنفس» وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است؛ به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَمْسِ . . . وَاللَّيْلِ . . . وَالصَّوْبِحِ . . . إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 16 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

ص: 156

مشهور بین اهل لغت، این است که «شفق» همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف «لا» می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفی پندار قبل می دانند (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 2، 1

1 - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الیل و ما وسق

واژه «وَسَقٌ» به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند (مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

2 - سوگند خداوند ، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد . \*

و ما وسق

«ما» در «ما وسق»، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق «ما وسق»، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 18 - 1

1 - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتسق

«اتساق قمر»، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالشفق .. لتركبن طبقاً عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 1 - 2,3

2 - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

3 - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق «برج» بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 157

3 - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 1,2,4,6,7,8,9,10

1 - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهادت: یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ «شاهد و مشهود» - به قرینه سوگند بر آنها- نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

2 - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

4 - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

6 - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد؛ نه مشاهده و نظارت، کلمه «مشهود» نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد «مشهود به» است.

7 - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملاء عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب «اخذود» - که پس از این آیه مطرح شده است - به ویژه آیه «و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود» قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق «مشهود» گفته شده است. در این نظر تقدیر آن «مشهود علیهم» است.



8 - « عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبى عن قول الله عزوجل « و شاهد و مشهود » فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزوجل : « ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود » ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و شاهد و مشهود» سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: «شاهد» روز جمعه و «مشهود» روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه «شاهد» روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزوجل فرموده است: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

9 - « عن عليّ (ع) قال : . . . و الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم النحر ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است».

10 - « روى عن الحسن بن عليّ (ع) و هو يُحدِّثُ عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) ف قيل له أخبرني عن « شاهد و مشهود » فقال : أمّا الشاهد فمحمد و أمّا المشهود فيوم القيامة . أمّا سمعته سبحانه يقول : « يا أيّها النبي إنّنا أرسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً

« وقال : « ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود »

از امام حسن (ع) روایت شده که از رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: اَمَّا شَاهِدٌ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) است و اَمَّا مَشْهُودٌ رَوْزُ قِيَامَتٍ است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» و فرموده: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا یا ...)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَقَ» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند، به مرتفع ترین ستاره ها \*

و الطارق .. النجم الثاقب

«نجم ثاقب»؛ یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 4 - 3

3 - خداوند، با سوگند به آسمان و ستارگان، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او، تأکید ورزیده است.

و السماء و الطارق .. إن كل نفس لَمَّا عليها حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 11 - 3

3 - سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجوع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 3

3 - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

ص: 159

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 13 - 2

2 - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء .. و الأرض ... إله لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف «ال» در «الشفع» و «الوتر»، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: «شفع» روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) و «وتر» روز عرفه است و برخی آن دورا بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که «شفع»، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از «وتر»، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف «ال» در «الّیل»، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از «الّیل» را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. «یسر»؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه «یسری» بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

2 - سوگند خداوند، به پاس هایی از شب که شیروان در آن سیر می کنند.

و الّیل إذا یسر

می توان گفت، «حرکت شب» تعبیری است مانند «شب خوابیده» که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در

ص: 160

آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إن ربك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله «إن ربك» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 1 - 1

1 - سوگند مؤگد خداوند به شهر مکه

لا أقسم بهذا البلد

حرف «لا» در «لا أقسم»، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: «لا أقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤگد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 3 - 1,6

1 - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که «والد و ما ولد»، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

6 - سوگند خداوند به انسان تولید مثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه «والد» ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد؛ بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی مؤنثی که در تولید مثل

نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لَا أُقْسِمُ .. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 1 - 1,2

1 - سوگند خداوند به خورشید

و الشمس

2 - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن «ضحی» به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 2 - 1,2,4

1 - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تلیها

«إذا» در «إذا تلیها»، سوگند به ماه را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد «إذا» را ظرف برای «کائناً» به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره برای «القمر» به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این زمان خاص، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

2 - سوگند خداوند ، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تلیها

«تَلَوْ» (مصدر «تلی»)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از «إذا تلاها»، فقط همان شب ها است.

4 - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و القمر إذا تلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلیها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر مفعولی «جلاها» به «الشمس» برنمی گردد؛ زیرا جلا یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر «الأرض»، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

2 - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3، 2، 1

ص: 162

1 - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الیل إذا یغشیها

طبق و [سرپوش هایی] مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، «غطاء» نام دارد؛ همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی] مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، «غشاء» می گویند (مفردات راغب). بنابراین «یغشاهها» - که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت «أرض» گرفته شده - به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

2 - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «یغشاهها»، «الشمس» دانسته شده است.

3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 6, 5, 3, 1

1 - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

3 - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف «ما» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به «بناکردن آسمان» است. برخی «ما» را موصول دانسته اند؛ ولی یک نواختی سوگندها - که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است - مؤید مصدری بودن آن است.

5 - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه «ما» در «ما بناها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن «ما» در این موارد - با توجه به این که این کلمه بیش از «من» موصول، ابهام دارد - بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

6 - سوگند خداوند به خود

و ما بنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 5, 6, 3, 1

1 - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

3 - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

«ما» در «ماطحاها» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی «ما» را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات - که سوگند به مخلوقات است - سازگارتر است.

5 - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه «ما» در «و ماطحاها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. «طحو» (مصدر «طحاها») مانند «دحو»

ص: 163

است؛ یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

6 - سوگند خداوند به خود

و ما طحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 7 - 6, 7, 3, 2, 1

1 - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

«نفس»، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد - که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند - قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه «نفس» گرچه نکره است؛ ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است؛ زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

2 - روح ، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

3 - سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سوّیها

حرف «ما» در «ماسوّها» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر «و ما سوّها» را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات - که نمودار سوگند به مخلوقات است - با احتمال اول مناسب تر است.

6 - سوگند خداوند ، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سوّیها

چنانچه مراد از «ما» در «ما سوّها» خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای «من»، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در «ما» وجود دارد.

7 - سوگند خداوند به خود

و ما سوّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

والشمس . . . قد أفلح من زكّيتها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذّبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 1,2,4

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

واللیل إذا يغشى

2 - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

ص: 164

4 - « عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) قول الله عزوجل « و الیل إذا یغشی . . . » و ما أشبه ذلك فقال : إن لله عزوجل ان یقسم من خلقه بما شاء و لیس لخلقه أن یقسموا إلا به ;

از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزوجل «و الیل إذا یغشی. . .» [که در آن به «شب» سوگند یاد شده] و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟] فرمود: برای خدای عزوجل است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند؛ ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 2 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلی

2 - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 1، 2، 3

1 - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأنثی

حرف «ما» مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت «مذکر» و «مؤنث» است. این احتمال نیز وجود دارد که «ما» موصول باشد؛ ولی مصدریه بودن آن - که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود؛ نه خالق - با سوگند به «لیل» و «نهار» تناسب بیشتری دارد.

2 - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأنثی

کلمه «ما» در «ما خلق» می تواند موصول و به معنای «من» باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

3 - سوگند خداوند به خویش

و ما خلق الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 4 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الّیل . . . إنّ سعیکم لشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 8

ص: 165

8 - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إِنْ سَعَيْكُمْ لَشَتَّى . فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى ... لَيْسِرَى . وَأَمَّا مَنْ بَخَلَ ... فَسَنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 21 - 4

4 - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گران با تقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . \*

و لسوف یرضی

«لام» در «لسوف»، لام قسم و یا لام ابتدا است؛ برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

«ضحی» در معانی گسترش نور خورشید و «پهناور شدن روز» (مفردات راغب) و «اندکی پس از بالا آمدن روز» (قاموس) به کار می رود.

2 - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الضحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 3 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجدی

«سجدی الیل»؛ یعنی، شب با تاریکی خود ستر شد و پوشاند (مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد.  
(مقایس اللغه)



2 - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الیل إذا سجدی

3 - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الیل إذا سجدی

«آرامش یافتن» (یکی از معانی ذکر شده برای «سَجُو») در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 7

7 - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

ص: 166

و الضحی . و الیل إذا سجدی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 2,3,5

1 - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

2 - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

3 - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون \*

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از «انجیر» و «زیتون» - به قرینه دو آیه بعد - دو منطقه است که یکی مانند «کوفه» سرزمین انجیر خیز و دیگری مانند «بیت المقدس» سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است؛ زیرا «نوح»(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در طور سینا و پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

5 - « عن أبي الحسن الأوّل قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : إنّ الله تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین » فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکه ؛

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الأمین» مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

«سینین»، در اصل نام نوعی درخت است که به آن «سَیْنَاء» نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، «سَیْنَاء» یا «سینین» گفته شود و کوه طور - که در آن سرزمین است - به «طور سینین» یا «طور سَیْنَاء» مشهور گردد.

2- «طور»، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 3 - 4، 2، 1

1 - سوگند خداوند، به شهر مکه

و هذا البلد الأمين

2- «مکه»، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

ص: 167

و هذا البلد الأمين

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه «هذا» دانسته می شود؛ زیرا آوردن اشاره - به جای ذکر نام - یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

4 - امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و هذا البلد الأمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4 - برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین .. . لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 15 - 6

6 - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لسنفعا بالناصیه

«لام» در «لئن...» لام قسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العدیت ضبجًا

«عادیات»، از ریشه «عَدُو» (دویدن) است و به قرینه آیات بعد - که از جرعه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است - مراد، اسبان دونده است. «ضبج»؛ یعنی، صدای نفس های اسب که به «ضُبُج» (صدای رویاه) تشبیه شده است (مفردات). جمله «فأثرن...» در آیات بعد - که خبر از گذشته می دهد - بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه «ذات السلاسل» بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحًا

«قدح»، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با «ایراء» (مصدر «موریات») به یک معنا است (تاج العروس). عطف «موریات» بر «عادیات» با حرف «فاء»، بیانگر ارتباط «پیدایش جرقه» با «دویدن اسب ها» است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 3 - 1

ص: 168

1 - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحاً

«اِغَارَه» (مصدر «مغیرات»)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). «صبحاً» ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 4 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به تقعاً

فعل «أثرن»، عطف بر «مغیرات» و بیانگر آثار «اِغَارَه» است؛ بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - برمی گردد. «اِثَارَه» (مصدر «أثرن») به معنای منتشر ساختن است. «تقع»؛ یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدت غبار دلالت دارد.

2 - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

فأثرن به تقعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 5 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعاً

«جمع»، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - بازمی گردد.

2 - آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

والعدیت . . . وإِنَّ عَلِيَّ ذَلِكُ لِشَهِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین ، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

والعدیت . . . وإِنَّ لِحَبِّ الْخَيْرِ لِشَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 6 - 2

2 - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله «لترونّ...» یا جواب «لو» است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 7 - 2

2 - سوگند مکرّر خداوند، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 1 - 1,2,3,4

1 - سوگند خداوند، به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و العصر

حرف «ال» در «العصر»، برای عهد حضوری است؛ یعنی، سوگند به این عصر!

2 - عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و العصر

3 - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی «عصر» دهر است؛ یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد. (تاج العروس)

4 - سوگند خداوند، به عصر هر روز و نماز فریضه آن \*

و العصر



چنانچه «عصر» به معنای «عشی» (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 4

4 - سوگند خداوند ، در تأکید برافکننده شدن دوزخیان در آتش جهنم

لِينبِذَنَّ

حرف «لام» در «لینبذَنَّ»، نشانگر قسم محذوف است.

ص: 170

## 276- عاقلان و سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 2, 1

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...» ، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

## 277- فلسفه سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به «خورشید و نور آن» ، «ماه» «روز و شب» ، «آسمان و زمین» ، «نفس انسان» و «ذات خویش» سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسئها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب. . .»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 7

7 - خداوند، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها، به اسبان تیز پای مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت . . . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

ص: 171

## 4- سیاحت

### 1- آثار سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 5

5 - سیاحت در زمین و تأمل در پیدایش موجودات ، بر طرف کننده تردید انسان در امکان تحقق معاد است .

سيروا فى الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشأه الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 82 - 1

1 - تشویق جهان گردی و سیر در زمین از سوی خدا ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جای مانده از تمدن و قدرت آنان

أفلم یسیروا فى الأرض فینظروا كيف كان عقبه الذین من قبلهم

### 2- اهمیت سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 10 - 2

2- لزوم سیر در زمین و بررسی تاریخ ملت ها ، برای عبرت آموزی

أفلم یسیروا فى الأرض فینظروا

### 3- تشویق به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 11 - 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مأمور ترغیب مردم به سیر در زمین و تدبر در سرانجام تکذیب کنندگان پیامبران الهی

قل سیروا فى الأرض ثم انظروا كيف كان عقبه المکذبین



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 9

9- خداوند ، فراخوان مردم به گشت و گذار در مناطق زمین برای مشاهده عاقبت و فرجام تکذیب کنندگان پیامبران

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به تشویق مردم برای سیر و سفر در زمین ، جهت مطالعه در سرگذشت پیشینیان

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 21 - 1

1 - جهان گردی و سیر در زمین ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جامانده از تمدن و قدرت آنان ، مورد تشویق خداوند

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم

#### 4- توصیه به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 2

2 - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 1,2

1 - خداوند ، مشرکان را به سیر در زمین و مطالعه سرگذشت اقوام نیرومند گذشته فرامی خواند .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

2- سیر در زمین و کاوش در سرگذشت پیشینیان ، مورد تشویق و ترغیب خداوند

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

## 5- دعوت به سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بود تا پیام خداوند را مبنی بر سیر در زمین و مطالعه در پدیده های آفرینش ، ابلاغ کند .

ص: 173

## 6- سیاحت ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 7,8

7 - دستور آزادی مشرکان ( آنانی که به خاطر تخلف از فرمان منع سیر و سیاحت در غیر ماه های حرام اسیر می شدند ) در صورت پذیرش توحید و گرایش آنان به اسلام

و خذوهم .. . فإن تابوا وأقاموا الصلوه ... فخلّوا سبیلهم

8 - فرمان رفع حصر از مشرکان محاصره شده ( آنان که به علت نقض فرمان منع رفت و آمد در غیر ماه های حرام محاصره می شدند ) در صورت قبول اسلام و ترک شرک

و احصروهم .. . فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

## 7- سیاحت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 5,6

5 - مؤمنان راستین ، دارای حرکت و جنب و جوش در راستای بندگی خدا و نه مردمی راكد و زمین گیر

السّحون

گاهی واژه «السائح» درباره آبی به کار می رود که همواره در گذرگاهی جاری باشد، توصیف اهل ایمان به این صفت می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

6 - مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

السّحون

«سبح و سیاحت» (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

## 8 - فلسفه سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9- خداوند ، فراخوان مردم به گشت و گذار در مناطق زمین برای مشاهده عاقبت و فرجام تکذیب کنندگان پیامبران

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 4

ص: 174

4- سیر و سفر در زمین ، به منظور عبرت آموزی از سرگذشت پیشینیان ، کاری بایسته و لازم است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

### 9- ممانعت از سیاحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 5 - 3

3- جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلكم الأشهر الحرم فاقتلوا

ص: 175

## 5- سیل

### 1- آثار سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 16 - 9

9 - سیلاب بنیان کن ، عامل درهم کوبیده شدن امکانات رفاهی و آسایش

فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم جنّتين ذواتی اُكل خمط و اثل

### 2- آثار سیل عرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 16 - 2,6

2- به دنبال تمرد قوم سبا از شکرگزاری به درگاه خداوند ، سیل بنیان کنی با شکستن سد مأرب به راه افتاد و باغ های آنان را درهم کوبید .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم جنّتين ذواتی اُكل خمط

«عرم» در لغت به معنای «مسناه» است (مفردات راغب) که اسم آلت بوده و به محلی گفته می شود که آب در پشت آن جمع شده باشد. و در اصطلاح به آن سد گفته می شود.

6 - دو باغ دل نواز قوم سبا ، در پی جاری شدن سیل به باغ هایی از درختانی با میوه های ناگوار و گز تبدیل شدند .

فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم جنّتين ذواتی اُكل خمط و اثل

«خمط» در لغت به درختی گفته می شود که خار ندارد و نیز گفته شده که درخت گز است (مفردات راغب) هم چنین به معنای میوه ترش مزه یک درخت آمده است (عمده الحفاظ). «اثل» به درخت شوره گز گفته می شود.

### 3- سیل عرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 7,13

7- مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . . و مزّقنهم کلّ ممزّق



«مزق» در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

13 - ماجرای برخورداری اهل سبأ از نعمت های فراوان و امنیت و جاری شدن سیل در میان آنان و پراکندگی و متلاشی شدنشان ، آیات متعددی از خدا در خود دارد .

لقد كان لسبأ في مسكنهم آية جنتان .. بلده طيبة و ربّ غفور ... فأرسلنا عليهم س

#### 4- کیفر با سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 1

1 - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبأ ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّناهم بجنّتهم .. ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش ، احتمال دارد مراد از «كفروا» کفران باشد.

#### 5- نقش سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 4

4 - کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی ( همانند سیلی بنیان کن ) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا عليهم سيل العرم .. ذلك جزينهم

سیلاب

#### 6- بخش مفید سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 12

12- کف های سیلاب ها و فلزات گداخته شده دور ریخته و نیست می شوند و آب ها و فلزات سودمند باقی می مانند .

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض

«جَفَاء» به معنای دور شدن از چیزی است و «جُفَاء» به چیزی که دور ریخته می شود اطلاق می گردد، در لسان العرب آمده است «جَفَاء السیل یعنی کفها و چیزهای پلید و مانند اینها که سیلاب آنها را به کناری می اندازد».

### 7- تشبیه به سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 7

ص: 177

7- حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا . . . كَذَلِكَ يَضْرِبُ

### 8- تشبیه به کف سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 22، 4، 7

4- فلزات گداخته شده در کوره های آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار . . . زبد مثله

«من» در «مما یوقدون» نشویه است. «ایقاد» (مصدر یوقدون) به معنای شعله‌ور ساختن آتش می باشد. مراد از «ما» به قرینه «حلیه» و «متاع» فلزاتی نظیر طلا، نقره، مس و ... است. «فی النار» حال مؤکده می باشد. بنابراین «یوقدون...» ; یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

7- حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا . . . كَذَلِكَ يَضْرِبُ

22- همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

كذالك يضرب الله الحق و البطل . . . كذالك يضرب الله الأمثال

### 9- کف سیلاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 12، 3

3- سیل های جاری در رودها ، بر روی خویش کف های پف کرده را به همراه می برند .

فاحتمل السيل زبداً رابياً

«احتمال» (مصدر احتمال) به معنای حمل کردن است. «السَّيْلُ» بر آب فراوانی که جریان دارد گفته می شود. «زَبَدًا» به معنای کف می باشد و از معانی «رَبُّو» (مصدر رابياً) انتفاخ و باد کردن است.

12- کف های سیلاب ها و فلزات گداخته شده دور ریخته و نیست می شوند و آب ها و فلزات سودمند باقی می مانند .

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض

«جَفَاء» به معنای دور شدن از چیزی است و «جُفَاء» به چیزی که دور ریخته می شود اطلاق می گردد، در لسان العرب آمده است «جفاء السيل یعنی کفها و چیزهای پلید و مانند اینها که سیلاب آنها را به کناری می اندازد».

ص: 178



### 1- امیدواری راهیابی در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 10

10 - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکتوا .. لعلى آتیکم منها بخبر

### 2- اهمیت سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

«سینین»، در اصل نام نوعی درخت است که به آن «سَیناء» نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، «سَیناء» یا «سینین» گفته شود و کوه طور - که در آن سرزمین است - به «طور سینین» یا «طور سَیناء» مشهور گردد.

### 3- بنی اسرائیل در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 10

10 - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های رویدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

### 4- خانواده موسی (ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی آتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

### 5- فلسفه سوگند به سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4- برخورداری انسان از خلقت برتر، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر، زیتون، طور سینا و شهر مکه، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است.

و التین... لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

### 6- مغرب صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 44 - 1

1- بخش غربی وادی طور، محل نزول تورات بر موسی (ع)

و ما كنت بجانب الغربي إذ قضينا إلى موسى الأمر

مراد از «أمر مقضی» تورات است که خداوند در کوه طور به موسی (ع) عطا فرمود.

### 7- موسی (ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 3,9

3- ورود موسی (ع) به صحرای سینا در مهاجرت از مدین

ءانس من جانب الطور نارا

«طور» معادل «جبل» (کوه) است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

9- تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی آتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

ص: 180

## 8- صحرای سینا

امیدواری راهیابی در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 10

10 - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکتوا .. لعلی آتیکم منها بخبر

## 9- بنی اسرائیل در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 10

10 - قوم موسی در صحرای سینا از غذا های رویدنی زمین بی بهره بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

## 10- خانواده موسی (ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 9

9- تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی آتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

## 11- مغرب صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 44 - 1

1 - بخش غربی وادی طور ، محل نزول تورات بر موسی (ع)

و ما كنت بجانب الغربي إذ قضينا إلى موسى الأمر

مراد از «أمر مقضى» تورات است که خداوند در کوه طور به موسی (ع) عطا فرمود.

## **12- موسی (ع) در صحرای سینا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 181

3- ورود موسی (ع) به صحرای سینا در مهاجرت از مدین

ءانس من جانب الطور نارا

«طور» معادل «جبل» (کوه) است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

9- تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی آتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

## 7- سینه

### 1- سینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 119 - 20

20 - سینه آدمی کانون محبت ها و نفرتها

قل موتوا بغيظكم انّ الله علیم بذات الصدور

### 2- استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2

2- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . \*

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

### 3- استخوانهای سینه مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2، 1

1 - محل پیدایش نطفه مرد ( منی ) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

«صلب»؛ استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است(قاموس). «تربه» (مفرد «ترائب»); یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند(قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

2- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . \*

ص: 183



يخرج من بين الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

#### 4- اسرار سینه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 12

12 - خداوند آگاه به راز های نهفته در سینه ها

إنه علیم بذات الصدور

#### 5- پوشش سینه در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 15

15 - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

«خمار» نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و «جیب» به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را پوشاند (مصباح المنیر).

#### 6- خروج نطفه از استخوان سینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 4

4 - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد از « معاد » است .

يخرج من بين الصلب و الترائب

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

#### 7- راز سینه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 19 - 3

3 - آگاهی خداوند به اسرار پنهان شده در سینه ها

يعلم... ما تخفى الصدور

ص: 184

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 1

1 - اسرار سینه ها ( ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار ) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

«تحصیل» به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است؛ مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، «محصّل» می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

### 8- سینه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 20

20 - سینه آدمی ، کانون محبت ها و نفرتها

و ما تخفی صدورهم اکبر

### 9- نقش سینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 10

10 - سینه ، جایگاه قلب آدمیان

فتكون لهم قلوب . . . و لكن تعمى القلوب التي في الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 69 - 3

3 - سینه ها ، مخزن اسرار آدمیان

ما تكن صدورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 49 - 7

7- سينه وقلب آدمى ، جاىگاه علم و آگاهى است .

بل هو . . . فى صدور الذين أوتوا العلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حديد - 57 - 6 - 4

4- سينه مردمان ، صندوق اسرار آنان است .

و هو عليم بذات الصدور

ص: 185

## 10- نقش سینه علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 49 - 3

3 - جایگاه آیات روشن الهی ، سینه برخورداران از علم است .

بل هو ایت بیئت فی صدور الذین اوتوا العلم

ص: 186

1- تبدیل سینه به حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 70 - 10، 4، 6

4 - کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبذل الله سيئ

در این که مقصود از تبدیل «سینات» به «حسنات» چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: 1- تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای «سینه»، «حسنة» نوشته شود. 2- تبدیل آثار و پیامدهای «سینات» - که عقاب است - به آثار و پیامدهای «حسنات» - که ثواب است - . گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

6 - توبه، ایمان و عمل صالح، موجب محو شدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلا من تاب و ءامن و عمل عملاً صلحاً فأولئك يبذل الله سيئاتهم حسنت

10 - تبدیل بدی های مردم توبه کار، مؤمن و نیکوکار به خوبی ها و جایگزین کردن ثواب به جای عقاب آنان، برخاسته از غفران و مهربانی خداوند

إلا من تاب .. فأولئك يبذل الله سيئاتهم حسنت و كان الله غفوراً رحيمًا

یادآوری دو صفت غفران و رحمت خداوند، پس از وعده تبدیل بدی های مؤمنان به خوبی ها، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

2- مراد از سینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 81 - 10

10 - ابن ابی عمیر می گوید، از امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود: « لا ینخلد الله فی النار إلا أهل الكفر و الجحود و أهل الضلال و الشرك »؛

خداوند غیر از کافران، معاندان، گمراهان و مشرکان، هیچ کس را منخلد در آتش نمی گرداند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 160 - 9

9 - عن علی (ع) فی قوله تعالی . . . «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها»، الحسنه حینا اهل البیت و السیئه بغضنا . . .

از امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه «من جاء بالحسنه . . .» روایت شده است: «حسنه» دوستی ما اهل بیت و «سیئه» دشمنی ماست . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 8

8 - «عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال الحسنه التقیه و السیئه الإذاعه . و قوله عزّوجلّ «ادفع بالتی هی أحسن السیئه» قال : التی هی أحسن التقیه . . .»

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «حسنه» تقیه است و «سیئه» شایع کردن [اسرار] است. [در باره] قول خدای - عزّوجلّ - نیز «ادفع بالتی هی أحسن السیئه» فرمود: آنکه احسن است، همان تقیه می باشد . . .»

### 3- موارد سیئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 81 - 8

8 - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب . . . من کسب سیئه . . . هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای «سیئه» به دلیل «فویل للذین . . .» بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

سیئات

### 4- موارد سیئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 160 - 4

4 - پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.



إن الذين فرقوا دينهم . . من جاء بالحسنة ... و من جاء بالسيئه

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای «الحسنه» ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق «السيئه» تفرقه در دین است.

ص: 188

## 9- سیاست

### 1- آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 14، 9، 6

6 - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد.

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

9 - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

14 - قدرت اقتصادی، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی \*

مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

تقدیم ذکری «ماله» بر «ولده»، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

### 2- دین و سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 22

22 - ارتباط عمیق میان فلسفه سیاسی و اعتقادی اسلام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ... فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ

چون اطاعت از رسول (صلی الله علیه و آله) و اولوالامر، که یک مسأله سیاسی است، مترتب به ایمان، که یک مسأله اعتقادی است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 6

6 - رابطه دین با سیاست، رابطه ای تنگاتنگ و جدایی ناپذیر است.

قالوا أجتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء فى الأرض

ص: 189

### 3- عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 10

10 - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها \*

فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

در صورتی که «کفّ..» مترتب بر فتح خیبر و غنایم آن (عَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ) باشد و نتیجه آن شمرده شود؛ از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

### 4- هماهنگی دین با سیاست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 20 - 5

5 - دین از سیاست و اجتماع جدا نیست ؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است .

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 8

8 - جدا بودن دین از سیاست ، معیشت و تدبیر امور جامعه

يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

انتخاب داوود(ع) از سوی خداوند برای تدبیر کلیه امور جامعه بشری و مأموریت او برای داوری میان مردم در کلیه نزاع ها و اختلاف ها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

سیاست خارجی

### 5- {سیاست خارجی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 104 - 4

4- ضرورت پرهیز از گفتار و اعمالی که سوء استفاده دشمنان را در پی داشته باشد .

لا تقولوا رعنا و قولوا انظرنا

سیاسی

## 6- آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 190

19 - نوح - 71 - 21 - 14، 9، 6

6 - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد.

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

9 - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

14 - قدرت اقتصادی، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی \*

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری «ماله» بر «ولده»، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

### 7- آثار قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 13

13 - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برداشت.

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

### 8- ابعاد سیاسی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 38 - 15

15 - فراگیری دستورات الهی، نسبت به مسائل فردی و اجتماعی، عبادی، سیاسی و اقتصادی

و أقاموا الصلوة و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

### 9- اهمیت

تحولات سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداوند ، برحذر دارنده مسلمانان از تحلیل و برخورد سطحی با رخداد های سیاسی و توطئه های دشمنان

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ.. عَصَبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم

### 10- اهمیت اطلاعات سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 191

4- ضرورت ایجاد تشکیلات اطلاعاتی ، برای تأمین اطلاعات سیاسی و نظامی مسلمانان در جنگ \*

يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا .. فتبينوا

بنابر اینکه متعلق «فتبّینوا»، مطلق امور مربوط به جنگ باشد، برای تحقق چنین امری نیاز به تشکیلات اطلاعاتی خواهد بود.

### 11- اهمیت تحلیل سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 9 - 2

2 - ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

### 12- بعد سیاسی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 17

17- دین الهی ، ناظر بر همه شؤون زندگی و دربردارنده پیام های اجتماعی ، سیاسی و معنوی

أشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم ركعاً سجداً

تعبیر «أشداء..» «ترسیمگر خط سیاسی، «رحماء بينهم» بیانگر اخلاق اجتماعی و «تراهم ركعاً...» بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی است.

### 13- حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 5

5- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

يا أيها النبي إذا جاءك المؤمنت يبایعنك .. فبایعهنّ



از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

#### **14- رهبری سیاسی موسی (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 142 - 12

ص: 192

12 - موسی (ع)، علاوه بر مقام نبوت، منصب امامت و رهبری سیاسی بنی اسرائیل را نیز عهده دار بود.

وقال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

### 15- ساختار سیاسی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 9

9- نظام حاکم بر قوم عاد، نظامی ظالمانه و استبدادی

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

### 16- عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 10

10 - نقش اساسی قدرت اقتصادی، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها \*

فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

در صورتی که «کف» مترتب بر فتح خبیر و غنایم آن (عجل لکم هذه) باشد و نتیجه آن شمرده شود؛ از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

### 17- فلسفه سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 27، 8

8 - اعمال رهبری بر جامعه، در گرو وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن

ابعث لنا ملکا نقاتل

با توجه به اینکه حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معین نکرد؛ با اینکه ضرورت آن روشن بود.

27 - فقدان زمامدار الهی در یک جامعه، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلط اجانب بر آنان \*

من بعد موسی . . . وقد أُخرجنا من ديارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 18

ص: 193

18 - دانایی گسترده خداوند نسبت به شایستگی افراد و سعه وجودی او ، منشأ اعطای حکومت به آنان طبق مشیت خویش

ان الله اصطفیه علیکم . . . و الله واسع علیم

### 18- قدرت سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 10 - 5

5- فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

«أوتاد» (جمع «وتد») به معنای میخ ها است. توصیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از استحکام قدرت او است؛ همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه استحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

### 19- قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 12

12 - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إثمهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

### 20- مشکلات سیاسی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 9

9- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروا بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

### 21- معاهدات سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی)، که موجب سلطه کافران گردد، نامشروع و باطل است.

ص: 194

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

## 22- موجبات قدرت سیاسی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 9

9- فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

«هذه» اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و «كفّ..» مترتب بر آن می باشد؛ به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

## 23- موضعگیری سیاسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 51 - 5

5 - منافقان ، از نظر رفتار و مواضع سیاسی و اجتماعی در قطب مخالف مؤمنان قرار دارند .

و يقولون ءامنّا.. و اطعنا ثمّ يتولّون... فريق منهم معرضون... إنّما كان قول الم

«داوری» از مهم ترین مسائل اجتماعی است و در آیات پیشین، منافقان به عنوان مخالفان داوری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و متمردان از حکم آن حضرت معرفی شدند؛ ولی در آیه یاد شده، مؤمنان به عنوان انسان های مطیع و تن دهنده به حکم و داوری پیامبر(صلی الله علیه و آله) شناسانده شدند. بنابراین می توان استفاده کرد که مؤمنان و منافقان، در مواضع اجتماعی در جهت مخالف هم قرار دارند.

## 24- موضعگیری سیاسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 51 - 5

5 - منافقان ، از نظر رفتار و مواضع سیاسی و اجتماعی در قطب مخالف مؤمنان قرار دارند .

و يقولون ءامنّا.. و اطعنا ثمّ يتولّون... فريق منهم معرضون... إنّما كان قول الم

«داوری» از مهم ترین مسائل اجتماعی است و در آیات پیشین، منافقان به عنوان مخالفان داوری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و متمردان از

حکم آن حضرت معرفی شدند؛ ولی در آیه یاد شده، مؤمنان به عنوان انسان های مطیع و تن دهنده به حکم و داوری پیامبر(صلی الله علیه و آله) شناسانده شدند اند. بنابراین می توان استفاده کرد که مؤمنان و منافقان، در مواضع اجتماعی در جهت مخالف هم قرار دارند.

ص: 195

## 25- موقعیت سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 22 - 3

3 - مدین ، سرزمین بیرون از قلمرو حکومت فرعون

و لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدِينٍ

انتخاب مدین به عنوان پناهگاه، نشانگر آن است که آن سرزمین از محدوده حکومت فرعون بیرون بوده است.

## 26- موقعیت سیاسی مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 25 - 10

10 - مدین ، سرزمینی خارج از قلمرو حکومت فرعون

لَا تَخْفَ نَجْوَتِ مَنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

## 27- نظام سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 27، 18، 12، 8

8 - اِعمال رهبری بر جامعه ، در گرو وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن

ابعث لنا ملكاً نقاتل

با توجه به اینکه حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معین نکرد؛ با اینکه ضرورت آن روشن بود.

12 - لزوم پیمان گرفتن رهبری جامعه از مردم ، برای پایبندی بر تبعیت از وی در جنگ و غیر آن

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال اَلَّا تقاتلوا

18 - پیکار در راه خداوند ، عزت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا اَلَّا نقاتل فی سبیل اللّٰه و قد اُخرجنا من ديارنا و ابنائنا



27 - فقدان زمامدار الهی در یک جامعه ، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلط اجانب بر آنان \*

من بعد موسی . . . وقد أخرجنا من ديارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 8

8 - تقدم برگزیدگان الهی بر دیگران ، در حکومت و زمامداری

نحن احقّ بالملك منه . . . قال ان الله اصطفيه عليكم

ص: 196

## 28- نظام سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 110 - 6

6 - فرعون برای اداره امور مملکتی از مشورت با دیگران ابایی نداشت .

یرید أن یخرجکم من أرضکم فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 112 - 1

1 - فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

یأتوک بکل سحر علیم

فعل «یأتوک» جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرین یأتوک بکل ساحر علیم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 12

12 - نظام فرعونى ، نظامى استمارگر

و نستحى نساءهم

چون مجرد زنده نگهداشتن زنان کیفر محسوب نمی شود و فرعون با جمله «سنقتل . . . و نستحى نساءهم» در صدد بیان مجازات قوم موسی بوده است، می توان گفت هدف از بیان این معنا استعمار زنان بنی اسرائیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 16

16- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بردن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه «ذلکم» شکنجه های فرعونیان باشد.

## 29- نظام سیاسی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 8

8- وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر \*

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

ص: 197

### 30- نفاق سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 12

12 - نفاق سیاسی ، نشأت یافته از نفاق عقیدتی و نشانه آن است .

أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً

ص: 198

1- بی منطقی شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 2

2 - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

2- تحیر شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 1

1 - شاعران ، ترسیم گر حیرت و سرگردانی خویش

ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

«هیمان» (مصدر «یهیمون») به معنای حیرت و سرگردانی است.

3- تزیین باطل شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 2

2 - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

#### 4- تشویق شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 12

12 - تشویق شاعران مسلمان از سوی خداوند به مقابله به مثل کردن با شاعران کفرپیشه هجوگو

و انتصروا من بعد ما ظلموا

#### 5- تنزیه شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 3

3 - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

#### 6- حامی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 224 - 2

2 - ویژگی شاعران خیال پرداز ، هواداری گمراهان و فاسدان از آنان است .

و الشعراء یتبعهم الغاوان

#### 7- خیال پردازی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 2

2 - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را

زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

## **8- شاعران مؤمن و خیال پردازی**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 3

3 - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

ص: 200

و الشعراء.. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

### 9- شاعران مؤمن و سخن بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 3

3 - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

### 10- علاقمندان به شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 4

4 - گمراهان ، دوستدار مطالب سست ، بی بنیاد و خیال انگیز

و الشعراء یتبعهم الغاوان . ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

### 11- عمل شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 226 - 1

1 - گفتار بدون عمل ، از ویژگی های شاعران گزافه گوی منحرف

و الشعراء.. .. فی کلّ واد یهیمون . و أنّهم یقولون ما لایفعلون

### 12- فضایل شاعران ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 2

2 - ارجمندی شاعران مؤمن و نیک کردار پیوند خورده با یاد خدا ، در پیشگاه پروردگار



وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . . . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

ص: 201

### 13- فضایل شاعران صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 2

2 - ارجمندی شاعران مؤمن و نیک کردار پیوند خورده با یاد خدا ، در پیشگاه پروردگار

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين آمنوا... و ذكروا الله كثيراً

### 14- فضایل شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 2

2 - ارجمندی شاعران مؤمن و نیک کردار پیوند خورده با یاد خدا ، در پیشگاه پروردگار

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين آمنوا... و ذكروا الله كثيراً

### 15- مراد از شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 224 - 5,6,7

5- « عن أبي جعفر (ع) في قول الله عز وجل الشعراء يتبعهم الغاوان » قال : . . . هم قوم تفقهوا لغير الدين فضلوا وأضلوا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل «الشعراء يتبعهم الغاوان» روایت شده که فرمود: .. آنان گروهی هستند که فقه را برای غیر دین آموخته اند؛ هم خود گمراه گشته اند و هم دیگران را گمراه کرده اند».

6- « و سئل الصادق (ع) عن قول الله عز وجل « و الشعراء يتبعهم الغاوان » قال : هم القصاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «والشعراء ..» سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند».

7- « عن أبي عبد الله (ع) [ في قوله ] « و الشعراء يتبعهم الغاوان » قال هم قوم تعلموا و تفقهوا بغير علم فضلوا و أضلوا ;

از امام صادق(ع) [درباره قول خدا] «و الشعراء يتبعهم الغاوان» روایت شده که فرمود: آنان گروهی اند که علم و فقه را [به طور سطحی] آموخته اند، بدون این که دانش و بصیرت لازم را داشته باشند. پس خود گمراه شده و دیگران را هم گمراه کرده اند».

### 16- نقش شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 1

1 - شاعران ، ترسیم گر حیرت و سرگردانی خویش

ألم تر أنّهم في كلّ واد يهيمون

«هیمان» (مصدر «یهیمون») به معنای حیرت و سرگردانی است.

ص: 202

## 17- نقش شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 6

6 - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائنات شیطانی

تنزل علی کل آفاک . . . و الشعراء یتبعهم... فی کلّ واد یهیمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است؛ نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

## 18- ویژگیهای شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 226 - 1

1 - گفتار بدون عمل ، از ویژگی های شاعران گزافه گوی منحرف

و الشعراء . . . فی کلّ واد یهیمون . و أنّهم یقولون ما لایفعلون

ص: 203

## 11- شاکران

### 1- شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 10، 12

10 - خداوند، آگاهتر از هر کس به سپاسگزاران نعمتهای خویش است.

أليس الله بأعلم بالشكرين

12 - مؤمنان با ایمان خویش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أهؤلاء من الله عليهم .. أليس الله بأعلم بالشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 9

9 - خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاکران شود.

اصطفيتك على الناس برسلتى و بكلمى .. و كن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 13

13 - آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند.

دعوا لله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 11 - 2

2- صابران دارای اعمال صالح، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند.

لئن أذقنا الإنسن منا رحمة .. إنه ليئوس كفور. إلا الذين صبروا

در برداشت فوق، این احتمال منظور شده است که «کفور» از کفران (ناسپاسی) باشد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 18

ص: 204

18- یوسف (ع)، معتقد به توحید افعالی، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربی حقاً و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 14، 2

2 - انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند : سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إمّا شاکراً و إمّا کفوراً

14 - « عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : كل مولود يولد على الفطرة حتى يعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاکراً و إمّا کفوراً . . . » ;

از جابر بن عبدالله [انصاری] روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید] متولد می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر].».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 8

8 - رزمندگان مجاهد ، سپاسگزار خداوند و پذیرای ربوبیت او هستند .

و العدیت . . . إنّ الإنسان لربّه لکنود

تمجید مجاهدان از یک سو و نکوهش ناسپاسان از سویی دیگر، بیانگر آن است که مجاهدان ناسپاس نیستند.

## 2- اجابت دعای شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 4

4- دعای شکرگزاران تائب و تسلیم در برابر حق ، مورد استجابت خداوند \*

قال ربّ أوزعنی أن أشکر . . . نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

از ارتباط این آیه با آیه پیشین، چنین استفاده می شود که «نتقبّل» پاسخی است برای دعا و التجای انسان به رشد رسیده ای که می گوید:

«رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ...».

### 3- ازدياد نعمت شاكران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9- ابراهيم - 14 - 7 - 21

ص: 205



#### 4- اقلیت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 8

8 - همواره سپاسگزاران و شاکران رزق و فضل خداوند ، در اقلیتند .

إن الله لذو فضل علی الناس و لكن اکثرهم لایشکرون

#### 5- برگزیدگی شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 16

16- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلك لآیت لکل صبار شکور

#### 6- پاداش شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 18

18 - وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی الله الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 12

12 - علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامنتم و کان الله شاکراً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

## 7- تشخیص شاكران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 16

16 - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

ص: 206

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً... بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس‌گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت‌های الهی، می‌تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

### 8- شاکران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 12

12 - تنها قدرشناسان و شکرگزاران بهره‌مند از بیان‌های گوناگون آیات الهی هستند.

کذلک نصرف الأیت لقوم یشکرون

بدیهی است تبیین آیات به صورتهای گوناگون برای همگان است. بنابراین تقیید آن به «لقوم یشکرون» حاکی از این است که تنها شاکران از آن بهره‌می‌گیرند.

### 9- شاکران و ایام الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 14

14- ایام الله و رویداد‌های آن، دربردارنده نشانه‌ها و آیات الهی برای مردمان صبرپیشه و شکرگزار

إن فی ذلک لآیت لکلّ صَبَّارٍ شکور

مشارالیه «ذلک»، «ذکر» و متعلق «ذکر»، «ایام الله» است و این حکایت از آن دارد که «ایام الله» حاوی آیات خداوندی است.

### 10- شاکران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 12

12 - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت‌های الهی، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است.

إنّ فی ذلک لآیت لکلّ صَبَّارٍ شکور

### 11- شکرگزاری شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 7

ص: 207

7- آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یدرّ أو أراد شکورًا

## 12- عفو شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سیئاتهم

## 13- فضایل شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 12

12 - تنها قدرشناسان و شکرگزاران بهره مند از بیان های گوناگون آیات الهی هستند .

کذلک نصرّف الّایت لقوم یشکرون

بدیهی است تبیین آیات به صورت های گوناگون برای همگان است. بنابراین تقیید آن به «لقوم یشکرون» حاکی از این است که تنها شاکران از آن بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 16

16- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لآیت لکلّ صبار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 33 - 6

6- انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من آیته . . . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که لام در «لَکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ» لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 8

8- انسان های خردمند و روی آورده به خدا ، با روحیه شکر و توبه و تسلیم ، دارای ارج و منزلت

و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعني أن أشكر . . . إني تبت إليك وإني من المسلمين .

«بلغ أربعين» اشاره به رسیدن به سن خردمندی است و «أولئك» بیانگر نوعی تعظیم و ارجمندی است که با تعابیر «نتقبّل» و «نتجاوز» و «فی أصحاب الجنّه» تأکید شده است.

ص: 208

## 14- قلت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 11

11 - تنها اندکی از مردمان شکرگزار نعمتهای خداوند هستند.

قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 9

9 - تنها گروهی از انسانها سپاسگزار خداوند بوده و از تزویر و فریب ابلیس رهایی می یابند.

و لاتجد اکثرهم شکرین

## 15- کمی شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 73 - 7

7 - جامعه بشری ، دارای اقلیتی شاکر و سپاسگزار خداوند

ولکن اکثرهم لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 11

11 - بسیاری از مردم ، کم شکرگزار می کنند .

و قلیل من عبادی الشکور

«شکور» صیغه مبالغه است و دلالت بر کثرت می کند. بنابراین، معنای عبارت «و قلیل من...» چنین می شود: کم هستند از بندگان من که زیاد سپاس گزاری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 12

12 - شاکران و سپاس گزاران نعمت ها و احسان های خداوند ، گروهی اندک و در اقلیت اند .

ولکن أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 11

11 - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إمّا شاکراً وإمّا کفوراً

ص: 209



طبق باور برخی از مفسران، آمدن «شاکر» به صورت اسم فاعل و «کفوراً» به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

## 16- مقام شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 123 - 19

19 - شاکران ، دارای مقامی والاتر از تقوایندگان

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ

اگر «لعلّ»، بیان و غایت «فَاتَّقُوا اللَّهَ» باشد، شکر، هدف و غایت تقواینگی خواهد بود.

## 17- مقامات شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 9

9 - گناهان بزرگ ، مانع پدید آمدن زمینه های سپاسگزاری به درگاه خدا و رسیدن به منزلت شاکران

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 56 - 4

4 - رسیدن به مرتبه و منزلت شاکران ، از وظایف اساسی انسان و هدف از خلقت اوست .

ثم بعثنکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون

به نظر می رسد سپاسگزاری - که به عنوان هدف از «بعثناکم» بیان شده - در برابر خصوص حیات دوباره نباشد، بلکه به عنوان هدف برای اصل حیات و زندگی مطرح باشد؛ یعنی، خداوند صاعقه زدگان بنی اسرائیل را حیات بخشید و هدف آن بود که در حیات دنیوی سپاسگزار باشند و به منزلت شاکران نایل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 - شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقيم . . . لاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 16

16 - شاکران نعمت های خدا، دارای مقامی بس والا در پیشگاه او

و کن من الشکرین

فرمان خداوند به پیامبری بزرگ چون موسی مبنی بر اینکه از شاکران باشد، حکایت از مقام بلند شاکران دارد.

ص: 210

## 18- نجات شاكران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذلك نجزي من شكر

## 19- وعده به شاكران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - احقاف - 46 - 16 - 11

11- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

ص: 211

## 12- شامات

### 1- آبادانی شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 3

3 - سرزمین شامات در عصر سباییان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التى برکنا فیها

### 2- امنیت در شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 7

7 - منطقه بین یمن ( محل زندگی قوم سبا ) تا شامات در عصر سباییان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . . . ءامنین

### 3- امنیت شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 8

8 - مردم سبا ، می توانستند از یمن تا شام را در هر وقت که بخواهند ( شب یا روز ) با امنیت کامل سفر کنند .

وقدّرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و آیامًا ءامنین

### 4- برکت شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 3

3 - سرزمین شامات در عصر سباییان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التى برکنا فیها



## 5- بنی اسرائیل در سرزمین شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 104 - 1,4,9

1- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان ( شام یا مصر ) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض

4- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر ( یا شام ) پس از هلاکت فرعون \*

اسكنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از «اسکنوا» استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از «الأرض» سرزمین شام [و یا مصر] باشد.

9- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جننا بكم لفيماً

برداشت فوق بدان احتمال است که «وعد الأخره» اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه 4) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

## 6- تاریخ شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 3,4,5

3- سرزمین شامات در عصر سباییان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بين القرى التي برکنا فيها

4- بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بينهم و بين القرى التي برکنا فيها قرى ظهره و قدرنا فيها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا، این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

5- بین مردم شام و یمن در دوران قوم سبا ، ارتباط های گوناگونی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التى برکنا فیها . . . وقدّرنا فیها السیر سیروا فیها

## 7- راههای شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 18 - 2

ص: 213

2- اتصال سرزمین سبایان به سرزمین شامات از طریق وجود شهرها و روستاها نعمتی برای آنان بود.

لقد كان لسبأ في مسكنهم آية جنتان .. و جعلنا بينهم وبين القرى التي برکنا فی

آیه در ادامه قصه قوم سبأ و ذکر نعمت هایی است که خداوند به آنان اعطا کرده بود و از آنان خواسته بود که در قبال آنها شکرگزاری کنند.

### 8- راههای شامات در دوران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 4، 1

1 - در فاصله بین سرزمین سبأ و سرزمین شام، مراکز و اماکنی نزدیک به هم وجود داشت که از یکدیگر قابل مشاهده بودند.

و جعلنا بينهم و بین القرى التي برکنا فیها قرى ظهره

مراد از «القرى التي برکنا فیها» طبق گفته نوع مفسران، سرزمین شام است. گفتنی است که مراد از «قرى ظاهره» مراکزی نزدیک به هم است که امکان مشاهده محلی از محل دیگر وجود داشته است.

4 - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ، تناسب یکسانی وجود داشت.

و جعلنا بينهم و بین القرى التي برکنا فیها قرى ظهره و قدّرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا، این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

### 9- روابط اهل شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 5

5 - بین مردم شام و یمن در دوران قوم سبأ، ارتباط های گوناگونی وجود داشت.

و جعلنا بينهم و بین القرى التي برکنا فیها .. و قدّرنا فیها السیر سیروا فیها

### 10- شامات در دوران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 3، 4، 7



3 - سرزمین شامات در عصر سباییان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التى برکنا فیها

4 - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التى برکنا فیها قرى ظهره و قدرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا ، این است که در بین راه ، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار

ص: 214

گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

7- منطقه بین یمن ( محل زندگی قوم سبا ) تا شامات در عصر سباییان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها .. ءامنین

### **11- منشأ آبادانی شامات**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 18 - 6

6- برکت و آبادانی سرزمین شامات ، از ناحیه خداوند بود .

القرى التى برکنا فیها

### **12- منشأ برکت شامات**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 18 - 6

6- برکت و آبادانی سرزمین شامات ، از ناحیه خداوند بود .

القرى التى برکنا فیها

ص: 215

1- آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 3

3- یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

«سقایه» به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. «ال» تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 5

5- گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جو یا شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

«كذلك» اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات 70 تا 75 بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 1

1- برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

2- آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

ص: 216

«إذ» بدل اشتمال برای «خطبکن» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکن...»  
یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از  
یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 2

2- آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از  
زنان اشراف

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

چنان چه «ذلک لیعلم...» کلام یوسف (ع) باشد، مشارالیه «ذلک» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف  
است. ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال  
نخست است. بنابراین «ذلک لیعلم...»؛ یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در  
نهران به او خیانتی نکردم.

### 3- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 6

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . . . لعلی أرجع إلی الناس

### 4- ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 8

8- جام پنهان شده در محموله بنیامین، ظرفی قیمتی و با ارزش بود.

جعل السقایه . . . أذن مؤذن أیتها العیر إنکم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند،

همچنین از اینکه یوسف(ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 6

6- پیمانۀ مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نفقۀ صواع الملک و لمن جاء به حمل بعیر

از این که برای یابنده پیمانۀ دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ،

ص: 217

معلوم می شود پیمانۀ مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

### 5- استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

### 6- اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 2

2- پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

وقال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف (ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف (ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

### 7- اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 5

5- ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنَبِّئُكُمْ بتأویله فأرسلون

ترکیب «أنا أُنَبِّئُكُمْ» دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف (ع) از تعبیر رؤیاهاست.

### 8- اعتماد پادشاه مصر به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «کلمه» به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنک...»

ص: 218



مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگویی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: «إنك الیوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

### 9- اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 3, 2

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن...» ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله «و ما نحن...» این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

### 10- اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 4

4- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

وقال الملک ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

### 11- اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 6, 7

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنأ فی سبع بقرت . . . لعلی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلی الناس

ص: 219

## 12- بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3، 2، 1

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . قال ما خطبکَنّ

## 13- بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

## 14- بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 8

8- ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلى الناس لعلّهم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 14

14 - روی عن أبي عبدالله (ع) إنه قال: معنى «عذابا من فوقكم» السلطان الجائر «و من تحت أرجلكم» السفله و من لاخير فيه .. «و يذيق بعضكم بأس بعض» قال: سوء الجوار.

امام صادق (ع) فرمود: معنای «عذابا من فوقکم»، سلطان ستمگر و معنای «و من تحت ارجلکم»، زيردستان و افراد بی خیر و معنای «و یذیق بعضکم بأس بعض»، بد رفتاری همسایگان است.

ص: 220

## 16- پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونی

«ملاً» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

## 17- پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

## 18- پادشاه مصر و بردگی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 12

12- الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر \*

اثنونی به استخلصه .. قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

جمله «استخلصه لنفسی» و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف (ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

## 19- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 14

14- پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع)، او را از زندان آزاد می کرد .

فأَنسِيَه الشَّيْطَانُ ذَكَرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنين

«لبث» به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق، از تفریع جمله «لبث...» بر جمله قبل معلوم می شود؛ یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

ص: 221

## 20- پادشاه مصر و خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 1

1- پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . . . و کذلک مکتّٰ لیوسف فی الأرض

## 21- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,4

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکتنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکتنّ...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

## 22- پادشاه مصر و عفیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

### 23- پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

ص: 222



فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

## 24- پادشاه مصر و قصه يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان يوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكن إذ رودتن يوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

## 25- پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 43 - 6,7

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك انى ارى . . . ياأيها الملاء افتونى

«ملاء» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

7- پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونى فى رءىى إن كنتم للراءىا تعبرون

برداشت فوق ، از «إن» شرطیه در جمله «إن كنتم . . .» استفاده می شود.

## 26- پادشاه مصر و يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 50 - 3

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور يوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك اتتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3,4

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . قال ما خطبکن

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

ص: 223

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشتغال برای «خطبکَنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکَنّ...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2، 1

1- پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه . . . و قال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «أستخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «أستخلصه لنفسى» ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

## 27- تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 4، 1

1- هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنین دأباً

«هفت سال با جدیت زراعت کنید» گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از «سبع بقرات سمان» استفاده کرده بود.

4- خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فى سنبله

جمله «تزرعون...» هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه «فدروه...» در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین «تزرعون...»؛ یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه «فدروه فی سنبله» - کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از «سبع سنبلات خضر...» استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 6، 1

1- وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یاتی من بعد ذلک سبع شداد

«شداد» (جمع شدید) از مصدر «شده» (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از «سبع شداد» هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه «ذلک» هفت سال آبادانی می باشد.

ص: 224

6- گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

يَا كَلْهَانَ سَبْعَ عَجَافٍ . . . ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 1

1- یوسف (ع) فرارسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ

فعل «یغاث» ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «یغاث الناس» ؛ یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنای بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وَقَالَ الْمَلِكُ اَتُونِي بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 1

1- پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . . ) را فرا گرفت .

و جاء إخوة يوسف فدخلوا عليه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار - که «منع منا الكيل» در آیه 63 حاکی از آن است - دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

## 28- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

7- یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده \*

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از «أنا» در «و أنا به زعیم» یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

ص: 225

## 29- جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبي عبد الله (ع) في قوله: « صواع الملك » قال: كان قدحاً من ذهب وقال: كان صواع يوسف إذ كيل به قال: لعن الله الخوآن لا تخونوا به بصوت حسن؛

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند «صواع الملك» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید».

## 30- حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

## 31- خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى . . . يأبها الملاً أفتوني

«ملاً» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 3

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك اتتوني به

### 32- خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 7

ص: 226



7- ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جو یا شود.

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون»؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 5

5- ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

### 33- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 5

5- ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

### 34- رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 2,3,5,8

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود.

إنی أرى سبع بقرت سمان... و آخر یابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل، «بقرات» است؛ یعنی: یا کلهنّ سبع بقرات عجاف.

3- ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

ینی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی «رأیت» (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع «أری» (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

5- گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

ینی أری سبع بقرت . . . و سبع سنبلت خضر

ص: 227

برداشت فوق، از تکرار نشدن «أری» در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل «أری» در «سبع سنبلات...» تکرار می شد. مفرد آوردن «رؤیای» در جمله «أفتونی فی رؤیای» نیز حکایت از این معنا دارد.

8- پادشاه مصر، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا - علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره - گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست.

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

(افتاء) (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 4

4- ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 3,5,6,7

2- رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأباً

جمله «تزرعون سبع سنین دأباً» (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله «ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد» در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله «ثم یأتی من بعد ذلک عام ..» گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

3- رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر این است که یوسف (ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

5- لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

«دأب» مصدر و به معنای تلاش کردن است و «دأباً» در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل «تزرعون» می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

6- خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

وَأُخِرْ يَابِسَتْ .. فَمَا حَصَدْتُمْ فَذُرُوهْ فِي سَنِبَلِهِ

از آن جا که دستور فوق (ذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت «أُخِرْ يَابِسَتْ» دستور فوق را استنباط کرده بود.

7- لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فَمَا حَصَدْتُمْ فَذُرُوهْ فِي سَنِبَلِهِ إِلَّا قَلِيلاً مِّمَّا تَأْكُلُونَ

«حصاد» (مصدر حصدتم) به معنای درو کردن است و «ذروا» فعل امر و به معنای «رها سازید» می باشد. «من» در

«مما» بیانیه و «إلا قليلاً» استثنا از «ما» در «ما حصدتم...» است، بنابراین مفاد جمله «فما حصدتم...» چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 3,5,2

2- رؤیای پادشاه، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود.

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

3- استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمم لهنّ

ضمیر در «یا کلن» و «لهنّ» به «سبع شداد» باز می گردد و مراد از «ما قدمم لهنّ» (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین «یا کلن...»؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

5- لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمم لهنّ إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع «یا کلهنّ» در نقل رؤیای پادشاه (آیه 46) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی «اکلهنّ» به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 2

2- خواب پادشاه، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند، دریافت که پس از گذشت هفت سال، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فروریزد، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 4

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

ص: 229

### 35- زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 18

18- زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

وإنه لمن الصديقين

### 36- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 3

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

«ادّکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «اذتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی، «ادّکر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

### 37- ساقی پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2,3,4,6,7

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن «أمّه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

«ادّکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «اذتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی، «ادّکر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

4- ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد.

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

6- ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد.

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

ص: 230



تفریع جمله «أرسلون» به وسیله حرف «فاء» بر جمله «أنا أنبئکم بتأویله» می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

7- ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جو یا شود .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون» ؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1,2,3,4,5,6,7

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

2- ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب « صدیق » او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

3- ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیها الصدیق

4- ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلى الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 5

5- ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاء الرسول

«ال» در «الرسول» عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه 45 معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

### 38- شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 231

1- پادشاه مصر، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع)، رؤیایی شگفت دید.

وقال الملك إني أرى سبع بقرة سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود.

إني أرى سبع بقرة سمان .. وأخر يابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل، «بقرات» است؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

4- پادشاه مصر، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد.

يأبها الملاً أفتوني في رءيي إن كنتم للرءيا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

### 39- شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسيه الشيطان ذكر ربه

### 40- ظلم پادشاه قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 7، 8

7- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع)، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است.

وكان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبًا

«وراء» به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

8- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع)، پادشاهی، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه، مصادره می کرد.

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از «کلّ سفینه» - به قرینه «أن أعيبها» «کلّ سفینه صالحه» بوده است.

#### **41- عجز معبران پادشاه مصر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 232

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن ...» ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله «و ما نحن ..» این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

#### 42- عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 2

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

#### 43- عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9- پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

#### 44- غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- هدف خضر (ع) از اقدام به معيوب ساختن كشتى ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفينه . . فأردت أن أعيبها ... يأخذ كل سفينه غصبًا

ص: 233

## 45- فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 8

8- ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد.

فأنسى الشيطان ذكر ربه

«انساء» (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در «أنساه» و «ربه» به «الذی» - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله «فأنساه...» چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف (ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

وقال الذی نجا منهما وادكر بعد أمه

نکره آوردن «أمه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

## 46- فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9,10

9- پادشاه مصر در عصر یوسف، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

10- پادشاه مصر در عصر یوسف، دوستدار پاکدامنان، دانشمندان و درستکاران امین بود.

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

## 47- فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- جام شاهی ، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه في رحل أخيه . . . نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به «سقایه» (جام) و «صواع» (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

ص: 234



## 48- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 1, 2

1- کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

2- کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در «جزاؤه» به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 75 - 1, 6

1- فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه... قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله «فهو جزؤه» این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در «مجمع البیان» آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

6- «عن علی بن موسی الرضا (ع): كانت الحكومة فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به،... فقال لهم یوسف: ما جزاء من وجد فی رحله؟ قالوا: هو جزؤه...»

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد... پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است... [که باید به بردگی گرفته شود].

## 49- گفتگوی یوسف (ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 4, 5

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملک اتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «کلمه» به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنک...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: «إنک الیوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

ص: 235

1- یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از «مرا بر گنجینه های زمین بگمار» این است که امور یاد شده را به من بسیار ؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

3- یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إني حفيظ عليهم

جمله «إني حفيظ عليهم» تعلیل برای «اجعلنی...» است.

16- «عن علی بن موسی الرضا (ع) : ... ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضرورة إلى تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض...».

18- «عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد ویدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التّقشّف . . . أخبرونی این أنتم عن . . . یوسف النبی (ع) حیث قال لملك مصر : « اجعلنی علی خزائن الأرض . . . » فكان من أمره الذی كان أن اختار مملکة الملك و ما حولها إلى الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . . . فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض...»؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...».

## 50- گم شدن آبخوری پادشاه مصر

9- «عن أبي عبدالله عليه السلام . . . قال : إنهم سرقوا يوسف من أبيه ألا ترى أنه قال لهم حين قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملك ، و لم يقولوا : سرقتم صواع الملك ، إنما عني أنكم سرقتم يوسف من أبيه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از «إنکم لسارقون» پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: «پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم» و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 1

ص: 236

1- گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

«صواع» به معنای پیمان‌ه است.

### 51- محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 12

12- وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

### 52- مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

### 53- مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2,4

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «استخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «استخلصه لنفسی» ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به

گفت و گو پرداختند .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

ص: 237

## 54- معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 1

1- خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

«ضغث» (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

## 55- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 3

3- یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در «استخرجها» به «صواع» و یا «سقایه» باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل «استخرج» (بیرون آورد) به جای «وجد» (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

## 56- ملاقات پادشاه مصر با یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 8

8- پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد «مکین» گفته می شود. «آمین» نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در

امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

### 57- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

ص: 238



## 58- نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 1

1- یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

وقال الذی نجا منهما

## 59- نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملک ائتونی به

## 60- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : « صواع الملک » قال : کان قدحاً من ذهب وقال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوآن لانتخونوا به بصوت حسن ؛

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند «صواع الملک» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید».

## 61- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم انی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخته» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذلک لیعلم . . .» معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

ص: 239

## 62- همسر پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذلک لیعلم . . .» معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

## 63- یوسف (ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 2

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع)، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنى عند ربک

از اینکه یوسف (ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند، معلوم می شود یوسف (ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1,7,14,16,17,18

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

7- بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربک فسنله ما بال النسوه الّ-تی قطعن أیدیهنّ

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهٔ علیم

16- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان‌ها معرفی کرد.

إن ربی بکیدهٔ علیم

17- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد.

فستله ما بال النسوه .. إن ربی بکیدهٔ علیم

18- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد.

إن ربی بکیدهٔ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 240

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

12- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد.

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدى کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت «أن الله لایهدى ...» عطف بر «أنى ...» است؛ یعنی: «ذلک لیعلم أن الله ...». این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

13- تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدى کید الخائنین

### 64- یوسف (ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 1

1- یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله «ذلک لیعلم ...» تا آخر آیه بعد کلام یوسف (ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: 1- ظاهر این است که «أن الله ...» عطف بر «أنى لم أخنه ...» باشد؛ یعنی: «ذلک لیعلم ... أن الله لایهدى ...». این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. 2- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا - که در سلک مشرکان است - بر نمی آید.

### 65- یوسف (ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 1

1- یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناجٍ منہما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 6

6- یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئلہ ما بال النسوہ

ص: 241

«بال» به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

### 66- یوسف (ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

پادشاه مصر

### 67- {پادشاه مصر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 13

13- یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما کان لیأخذ أخواه فی دین الملک

### 68- آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 3

3- یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

«سقایه» به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. «ال» تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جو یا شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

«کذلک» اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات 70 تا 75 بیانگر آن بود.

ص: 242



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 1

1- برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در ائاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

### 69- آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف ( ع ) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکتن إذ رودتن یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکتن» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکتن...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 2

2- آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف ( ع ) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف ( ع ) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

چنان چه «ذلک لیعلم . . .» کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه «ذلک» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین «ذلک لیعلم...» ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

### 70- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . . . لعلی أرجع إلی الناس

ص: 243

## 71- ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 8

8- جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقايه .. اذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف (ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 6

6- پیمانه مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

از این که برای یابنده پیمانه دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانه مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

## 72- استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. يوسف أيتها الصديق أفتنا

## 73- اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 2

2- پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

وقال الملك ائتوني به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

#### **74- اطمینان ساقی پادشاه مصر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 244

5- ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

ترکیب «أنا أنبئكم» دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

### 75- اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «کلمه» به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنك...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: «إنك اليوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

### 76- اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأويل الأحلم بعلمین

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن...» ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاهای را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأويل الأحلم بعلمین

مفاد جمله «و ما نحن . . .» این است که این گونه رؤیایها، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

## 77- اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 4

4- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد.

و قال الملك ائتونی به . . . قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر

ص: 245

احضار او (انتونی به) احضار اجباری نبوده است؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

### 78- اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 6,7

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلی الناس

### 79- بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,3

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد.

قال ما خطبکّن

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود.

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکّن

### 80- بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکّن إذ روتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

### 81- بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 246



8 - یوسف - 12 - 46 - 8

8- ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلی أرجع إلى الناس لعلهم يعلمون

### 82- پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونی

«ملاً» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

### 83- پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

### 84- پادشاه مصر و بردگی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 12

12- الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر \*

ائتونی به أستخلصه .. قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

جمله «أستخلصه لنفسی» و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف (ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

## 85- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 14

14- پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع)، او را از زندان آزاد می کرد.

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

ص: 247

«لبث» به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق، از تفریع جمله «لبث...» بر جمله قبل معلوم می شود؛ یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

### 86- پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 1

1- پادشاه مصر، پیشنهاد یوسف(ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض... و کذلک مکتا لیوسف فی الأرض

### 87- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,4

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف(ع) آنان را احضار کرد.

قال ما خطبکتنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف(ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکتنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکتنّ...»؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

### 88- پادشاه مصر و عقیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلَّمَهُ قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ص: 248

## 89- پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

## 90- پادشاه مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکین إذ رودتن یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

## 91- پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6,7

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملک انی اری . . . یاأیها الملأ أفتونی

«ملأ» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

7- پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءبی ان کنتم للراءیا تعبرون

برداشت فوق ، از «ان» شرطیه در جمله «ان کنتم . . .» استفاده می شود.

## 92- پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 3

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3,4

ص: 249

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فَسئله ما بال النسوه . . . قال ما خطبكنّ

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبكنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرابی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبكنّ...» یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2، 1

1- پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه . . . وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «أستخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «أستخلصه لنفسی» ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

### 93- تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 4، 1

1- هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنین دأباً

«هفت سال با جدیت زراعت کنید» گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از «سبع بقرات سمان»

استفاده کرده بود.

4- خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله «تزرعون . . .» هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه «فذروه ...» در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین «تزرعون ...»؛ یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه «فذروه فی سنبله» - کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از «سبع سنبلات خضر ...» استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 6، 1

ص: 250



1- وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

«شداد» (جمع شدید) از مصدر «شده» (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از «سبع شداد» هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه «ذلک» هفت سال آبادانی می باشد.

6- گاو های لاغر در رؤیا، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یا کلهنّ سبع عجاف . . . ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 1

1- یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل «یغاث» ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «یغاث الناس»؛ یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 1

1- پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعان...) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار - که «منع منا الکیل» در آیه 63 حاکی از آن است - دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

#### 94- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 5,7

5- یک بار شتر غلّه، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

7- یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده \*

ص: 251

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از «أنا» در «و أنا به زعيم» یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

### 95- جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبي عبدالله (ع) في قوله : « صواع الملك » قال : كان قدحاً من ذهب وقال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوآن لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند «صواع الملك» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید».

### 96- حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

### 97- خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى ... يأبها الملاء أفتوني

«ملاء» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونی به

ص: 252

## 98- خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 7

7- ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون»؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 5

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

## 99- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 5

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

## 100- رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 2,3,5,8

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر

بود .

إني أرى سبع بقرت سمان .. وأخر يابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل ، «بقرات» است ؛ یعنی: يأكلهن سبع بقرات عجاف.

3- ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

إني أرى سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی «رأیت» (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع «أرى» (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که

ص: 253

گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

5- گاوهای چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه.

ینی آری سبع بقرت... و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن «آری» در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل «آری» در «سبع سنبلات...» تکرار می شد. مفرد آوردن «رؤیای» در جمله «أفتونی فی رؤیای» نیز حکایت از این معنا دارد.

8- پادشاه مصر، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا - علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره - گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست.

أفتونی فی رؤیای این کنتم للرءیا تعبرون

«افتاء» (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 4

4- ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

ینی آری سبع بقرت... أفتنا فی سبع بقرت... و آخر یابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 4, 5, 6, 7, 3

2- رؤیای پادشاه مصر در بردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأباً

جمله «تزرعون سبع سنین دأباً» (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله «ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد» در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله «ثم یأتی من بعد ذلک عام...» گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

3- رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورات عملی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

5- لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

«دأب» مصدر و به معنای تلاش کردن است و «دأباً» در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل «تزرعون» می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

6- خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

وَأُخْرُ يَابِسَتْ .. فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ

از آن جا که دستور فوق (فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت «أُخْرُ يَابِسَات» دستور فوق را استنباط کرده بود.

ص: 254



7- لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلا قليلاً مما تأکلون

«حصاد» (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و «ذروا» فعل امر و به معنای «رها سازید» می باشد. «من» در «مما» بیانیه و «إلا قليلاً» استثنا از «ما» در «ما حصدم...» است، بنابراین مفاد جمله «فما حصدم...» چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 2,3,5

2- رؤیای پادشاه ، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

3- استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ضمیر در «یا کلن» و «لهنّ» به «سبع شداد» باز می گردد و مراد از «ما قدمتم لهنّ» (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین «یا کلن...» ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

5- لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمتم لهنّ إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع «یا کلهنّ» در نقل رؤیای پادشاه (آیه 46) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی «اکلهنّ» به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 2

2- خواب پادشاه، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتتا .. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند، دریافت که پس از گذشت هفت سال، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فروریزد، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 4

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

ص: 255

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

### 101- زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 18

18- زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

وإنه لمن الصديقين

### 102- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 3

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

وقال الذی نجا منهما وادّكر بعد أمّه

«ادّكر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «اذتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی، «ادّكر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

### 103- ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2,3,4,6,7

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

وقال الذی نجا منهما وادّكر بعد أمّه

نکره آوردن «أمّه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر

رؤیا را به یاد آورد .

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

«ادّکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «اذتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی ، «ادّکر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

4- ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

ص: 256

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

6- ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله «أرسلون» به وسیله حرف «فاء» بر جمله «أنا أنبئكم بتأويله» می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

7- ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون» ؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1,2,3,4,5,6,7

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أيها الصديق أفتنا

2- ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب « صديق » او را مخاطب قرار داد .

یوسف أيها الصديق

3- ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أيها الصديق

4- ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إني أرى سبع بقرت .. أفتنا في سبع بقرت ... وأخر يابست

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا في سبع بقرت سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر وأخر يابست

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . . . لعلی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 5

5- ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

«ال» در «الرسول» عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه 45 معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

ص: 257

## 104- شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 1, 2, 4

1- پادشاه مصر، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع)، رؤیایی شگفت دید.

وقال الملك انى ارى سبع بقرت سمان .. ان كنتم للرءيا تعبرون

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود.

انى ارى سبع بقرت سمان .. و آخر يابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل، «بقرات» است؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

4- پادشاه مصر، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد.

يايها الملاً أفتونى فى رءىى ان كنتم للرءيا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

## 105- شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسىه الشیطن ذکر ربه

## 106- عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 2, 3

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن ...» ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله «و ما نحن . . .» این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

ص: 258



## 107- عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 2

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

## 108- عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9- پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

## 109- فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 8

8- ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) ( یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

«انساء» (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در «أنساه» و «ربه» به «الذی» - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله «فأنساه...» چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

وقال الذي نجا منهما وادكر بعد أمّه

نكره آوردن «أمّه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

### 110- فضائل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 259

8 - یوسف - 12 - 54 - 10، 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

### 111- فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 3

3- جام شاهی ، وسیله پیمانانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه فی رحل أخيه . . . نققد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به «سقایه» (جام) و «صواع» (پیمانانه) گویای این است که پیمانانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

### 112- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 1، 2

1- کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

2- کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در «جزاؤه» به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله «فهو جزؤه» این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در «مجمع البیان» آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

6- «عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او

ص: 260

جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]».

### 113- گفتگوی یوسف (ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 4,5

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف (ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است .

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مکین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «کلمه» به یوسف (ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنك...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف (ع) با وی اظهار داشت: «إنك الیوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف (ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 16,18,3

1- یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف (ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از «مرا بر گنجینه های زمین بگمار» این است که امور یاد شده را به من بسپار ؛ یعنی ، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

3- یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله «إني حفيظ عليهم» تعلیل برای «اجعلنی...» است.

16- «عن علی بن موسی الرضا (ع): ... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلى تولی خزائن العزیز قال: اجعلنی علی خزائن الأرض ...»؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: ... هنگامی که ضرورت ایجاب کرد، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض...».

18- «عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممن ینظرون الزهد ویدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشف ... أخبرونی این أنتم عن ... یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر: «اجعلنی علی خزائن الأرض ...» فكان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملك و ما حولها إلى الیمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه ...»؛

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را

ص: 261

بر خود سخت گیرند... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض...»؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...».

#### 114- گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 9

9- «عن أبي عبدالله عليه السلام... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه ألا ترى أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عني أنكم سرقتم يوسف من أبيه؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از «انکم لسارقون» پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: «پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم» و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 1

1- گم شدن جام آبخوری پادشاه، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

«صواع» به معنای پیمانۀ است.

#### 115- محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 12

12- وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع)، در اختیار پادشاه بود.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

#### 116- مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

ص: 262



## 117- مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2،4

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت.

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «استخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «استخلصه لنفسی»؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

## 118- معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 1

1- خواب گزاران دربار، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص، قلمداد کردند.

قالوا أضغث أحلم

«ضغث» (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

## 119- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در «استخرجها» به «صواع» و یا «سقایه» باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل «استخرج» (بیرون آورد) به جای «وجد» (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ص: 263

## 120- ملاقات پادشاه مصر با یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 8

8- پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد «مکین» گفته می شود. «أمین» نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

## 121- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

## 122- نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 1

1- یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد.

وقال الذی نجا منهما

## 123- نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

ص: 264

## 124- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبي عبد الله (ع) في قوله: « صواع الملك » قال: كان قدحاً من ذهب وقال: كان صواع يوسف إذ كيل به قال: لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن؛

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند «صواع الملك» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید».

## 125- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخته بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخته» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذلک لیعلم . . .» معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بردند.

## 126- همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخته بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخته» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذلک لیعلم . . .» معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بردند.

## 127- یوسف(ع) و پادشاه مصر

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

ص: 265

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1,7,14,16,17,18

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

7- بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع الی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن ایدیهنّ

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

16- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

17- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسنله ما بال النسوه . . . إن ربی بکیدهنّ علیم

18- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3,12,13

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

12- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی در صدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی‌رسند و مکرشان فرجامی ندارد.

ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

چنانچه گذشت عبارت «أن الله لایهدی . . .» عطف بر «أنی . . .» است؛ یعنی: «ذلک لیعلم أن الله . . .». این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی‌نشانند.

13- تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین‌کننده سنن و اراده الهی در شکل‌گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

### **128- یوسف (ع) و رد دعوت پادشاه مصر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 266



1- یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله «ذلک لیعلم ..» تا آخر آیه بعد کلام یوسف (ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: 1- ظاهر این است که «أن الله ...» عطف بر «أنی لم أخنه ...» باشد؛ یعنی: «ذلک لیعلم ... أن الله لایهدی ...». این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. 2- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا - که در سلک مشرکان است - بر نمی آید.

### 129- یوسف (ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 1

1- یوسف (ع) از هم بند خویش، ساقی پادشاه، خواست تا پس از رهایی، داستان او را برای پادشاه بیان کند.

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 6

6- یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند.

قال ارجع إلی ربک فسله ما بال النسوه

«بال» به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه، ماجرا و داستان می باشد.

### 130- یوسف (ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، در صدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذلك ليعلم أنى لم أئخنه بالغيب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «يعلم» و «لم أئخنه» به «ملك» باز گردد.

پادشاهان

### 131- آثار سلطه پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 4, 3

ص: 267

3- ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذْلًا

4- تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الْمُلُوكَ . . . وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

### 132- افساد پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 3، 4

3- ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذْلًا

4- تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الْمُلُوكَ . . . وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

### 133- دنیاطلبی پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 11

11 - تنها پادشاهان و دنیامداران، فریفته مال و مکنّت دنیایند، نه مردان الهی و خداجوی .

بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

### 134- ملکه سبا و پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 3

3- اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

وإني مرسله إليهم بهديّة فناظره بم يرجع المرسلون

## 135- نقش پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 9

9- سلاطين و اشراف ، تشكيل دهنده جبهه اصلى مخالفت با پيامبران الهى

إلى فرعون و ملأيه . . . إذا هم منها يضحكون

ص: 268

### 136- ویژگیهای پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 3

3 - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

وإتی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره بم یرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 11

11 - تنها پادشاهان و دنیامداران ، فریفته مال و مکنّت دنیایند ، نه مردان الهی و خداجوی .

بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

پادشاهی

### 137- پادشاهی بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 3

3 - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعمیّا و ملکًا کبیرًا

### 138- حکومت پادشاهی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 11

11- مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

### 139- ویژگیهای پادشاهی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 5,6

5 - « عن الصادق (ع) : « وملكاً كبيراً » لا يزول ولا يفنى ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که [مراد از] «ملكاً كبيراً» ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود».

ص: 269

6 - « عباس بن یزید قال : قلت لأبي عبد الله (ع) . . . أخبرني عن قول الله عز وجل « وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً » ما هذا الملك الذي كثره الله حتى سمّاه كبيراً ؟ قال : فقال لي : إذا أدخل الله أهل الجنة ، الجنة أرسل رسولاً إلى ولي من أوليائه فيجد الحجة على بابه ، فيقول له : قف حتى نستأذن لك فما يصل إليه رسول ربّه إلا يأذن ، فهو قوله عز وجل « وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً » ؛

عباس بن یزید گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . . . مراد از سخن خداوند عزوجل «وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً» آگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جایی که خود آن را «ملک کبیر» (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکي را به سوی دوستي از اولياء خود می فرستد، آن پیک نگهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند؛ نگهبان به پیک خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخواهم. پیک پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این سخن خدای عزوجل است «وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً».

1- شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 175 - 10،11،15

10 - تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان ، به هنگام دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (انّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)، ولی از «یخوّف اولیاءه» استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین «یخوّف اولیاءه»، حاکی از فعلیت و تحقق این ترس در عده ای از مؤمنان است.

11 - هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

انّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

15 - لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ... اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله «فلا تخافوهم و خافون»، در صدد خشی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیاموزد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

2- آثار اجتماعی شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 4،5

4 - جامعه اسلامی صدراسلام ، در برابر شایعات آسیب پذیر بود .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ... لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا

5 - شایعات و پخش خبر های دروغ ، از میان برنده اعتماد متقابل و حسن ظن افراد جامعه نسبت به یکدیگر



لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خيراً وقالوا هذا إفك مبين

ص: 271

### 3- آثار شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 4

4 - تزلزل روحیه برخی از پیکارگران احد ، بر اثر شایعه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 176 - 5

5 - شایعه پراکنانی که در صدد تضعیف روحیه مجاهدان اسلام هستند ، شتابگران در کفرند . \*

و لا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل ، جمله «الذین یسارعون فی الکفر» می تواند اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء و شایعات ترس آفرین ، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 83 - 14، 16

14 - شایعات و اخبار گمراه کننده ، تأثیرگذار در افشار وسیعی از جامعه و زمینه ساز گمراهی آنان

اذاغوا به .. لو لا فضل الله علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الا قلیلا

16 - تنها عده قلیلی از مردم تحت تأثیر شایعات و اخبار گمراه کننده قرار نمی گیرند .

اذاغوا به .. لو لا فضل الله علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الا قلیلا

### 4- آثار شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3

3 - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته... والمرجفون... لتغريبنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً. م

## 5- آثار شایعه علیه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 9

9- شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود؛ ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد.

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا نَحْسِبُهُمْ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

ص: 272

## 6- آواره سازی شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3

3 - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته ... والمرجفون ... لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً . م

## 7- آواره سازی شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 19

19 - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً

«لایجاورونک فیها إلا قلیلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

## 8- اجتناب از شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 17 - 1

1 - پرهیز از تأثیرپذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران و بازی با حیثیت آنان ، اندرزی الهی به مؤمنان

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

## 9- استقامت در برابر شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 17 - 1

1 - پرهیز از تأثیرپذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران و بازی با حیثیت آنان ، اندرزی الهی به

مؤمنان

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

ص: 273

## 10- اظهار تعجب از شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 16 - 8

8 - مسلمانان ، موظف اند در برابر شایعه ها و تهمت های بی دلیل جنسی علیه دیگر مسلمانان ، اظهار شگفتی کرده و آنها را بهتانی بزرگ بشمارند .

و لولا إذ سمعتموه قلمم . . . سبحنک هذا بهتن عظیم

جمله «سبحانک» و یا «سبحان الله» در دو مورد به کار می رود: 1- آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود. 2- آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروا شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اظهار تنفر و انزجار کند و واکنشی منفی از خود نشان دهد. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

## 11- افساد شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 19

19 - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغریتنک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاً قليلاً

«لایجاورونک فیها إلاً قليلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

## 12- افشای انگیزه شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 9

9 - شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی ، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ؛ ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان ، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لا تحسبوه شرّاً لکم بل هو خیر لکم

## 13- تکذیب شایعه علیه خانواده محمد (صلی الله علیه و آله)

2- مؤمنان صدراسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون والمؤمنات بأنفسهم خيراً وقالوا هذا إفك مبين

#### 14- تکذیب شایعه علیه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 2

2 - مؤمنان صدر اسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفک مبين

#### 15- تکذیب شایعه علیه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 3

3 - مؤمنان ، وظیفه دار تکذیب صریح شایعه ها و تهمت های جنسی بی اساس علیه دیگر مؤمنان

لولا إذ سمعتموه .. و قالوا هذا إفک مبين

#### 16- تهدید شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 22

22 - تهدید شدن شایعه سازان و افترا زندگان ، به این که خداوند بر سخنان پنهانی و راز های درونی آنان آگاه است .

إنّ الذين جاءوا بالإفك .. و لولا إذ سمعتموه قلتُم ما يكون لنا أن نتكلّم بهذا ..

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل - که درباره شایعه و ماجرای «افک» بود - به دست آمده است.

#### 17- سرزنش استماع شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 8

8 - رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للكذب اكلون للسحت



## 18- شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 5

ص: 275

5- در مدینه، در عصر پیامبر، افرادی شایعه پراکن وجود داشت.

لئن لم ینته... المرصفون

«رَجْف» (مصدر ثلاثی مجرد «مرصفون») به معنای «اضطراب شدید» است (مفردات راغب). در آیه، به تناسب معنای لغوی، منظور از آن کسانی اند که با پخش سخنان بیهوده، آرامش مردم را سلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 5

5- شایعه پراکنان در مدینه، در صورت ادامه شایعه پراکنی، محکوم به قتل بودند.

لئن لم ینته... و المرصفون فی المدینه... اینما تقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

### 19- شایعه پراکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3- تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باورهای دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَّاكَ أَثِيمٍ . یلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به «كَلَّ أَفَّاكَ» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «یلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم علی الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فیما یلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

### 20- شایعه پراکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3- تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باورهای دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَّاكَ أَثِيمٍ . یلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به «كَلَّ أَفَّاكَ» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «یلقى هؤلاء

المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أن أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

## 21- شایعه در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 2

2 - شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

ص: 276

قال لهم النَّاس انَّ النَّاس قد جمعوا لكم . . . انما ذلكم الشَّيْطَان يخوِّف اولياءه

بنابر اینکه «ذلکم»، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترساندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 174 - 8

8 - کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قال لهم النَّاس . . . فانقلبوا بنعمه من الله وفضل

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکت در نبرد حرکت کردند.

## 22- شایعه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 15 - 4

4 - تأثیر پذیری مسلمانان عصر بعثت در برابر شایعه ها

إذ تلقونهم بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس لكم به علم

## 23- شایعه دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 12

12 - اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

## 24- شایعه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نفوذ عوامل دشمن در بین مسلمانان و ایجاد جنگ روانی برای تضعیف روحیه آنان، پس از جنگ احد

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

برخی برآنند که مراد از «النَّاس» در «قَالَ لَهُمُ النَّاسُ»، منافقانی هستند که برای دشمنان دین جاسوسی می کردند. برخی دیگر گفته اند منظور افرادی از دشمن هستند که در بین مسلمانان ایجاد رعب می کردند.

4 - وجود افرادی در میان مسلمانان که در صدد شایعه پراکنی و ترساندن آنها از مشرکان بودند .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

8 - اظهار توکل و اعتماد به خداوند ، عکس العمل مؤمنان در برابر شایعه حمله دشمن ، پس از نبرد احد

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ . . . وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 15، 11

11 - هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ . . . إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

15 - لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ . . . إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله «فلا تخافوهم و خافون»، در صدد خنثی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیاموزد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

## 25- شایعه سازی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 17

17 - شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اندوه بر کفرورزی آنان

لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يَسْرَعُونَ . . . سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ سَمْعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ

## 26- شایعه سازی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 2

2 - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

## 27- شایعه سازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 17

17 - شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون . . . سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

ص: 278

## 28- شایعه علیه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 1

1 - هم دستی و تشکل تنی چند از مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برخی از مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ

«عصبه» در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل «مجیء» به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه - براساس تاریخ و شأن نزول آن - در باره خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 15 - 1

1 - مسلمانان عصر بعثت ، پذیرای شایعه های ناروای بدخواهان علیه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و منتشر کننده آنها ، بدون توجه به پیامد های ناروا و درستی و نادرستی آنها

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالْقَوْلِ «أَلَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ»

## 29- شایعه علیه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 1

1 - هم دستی و تشکل تنی چند از مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برخی از مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ

«عصبه» در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل «مجیء» به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه - براساس تاریخ و شأن نزول آن - در باره خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.



8 - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلْقَوْنَ بِالْاَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُنَّ... تحسبونه هيئاً و هو عند الله عظيم

### 30- شایعه علیه همسر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 2

2- هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

### 31- شایعه مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 15 - 1

1 - مسلمانان عصر بعثت ، پذیرای شایعه های ناروای بدخواهان علیه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و منتشر کننده آنها ، بدون

توجه به پیامد های ناروا و درستی و نادرستی آنها

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ

### 32- شایعه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 10

10 - تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان ، به هنگام دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شرکت در غزوه

حمراء الاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)، ولی از «يَخُوفُ

اولیاءه» استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین «يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ»، حاکی از فعلیّت و تحقق این ترس در عده ای از مؤمنان

است.

### 33- شایعه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 10.11

10 - تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان ، به هنگام دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

ص: 280

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ . . . ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (انّ النَّاسِ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)، ولی از «یخوف اولیاء» استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین «یخوف اولیاء»، حاکی از فعلیت و تحقق این ترس در عده ای از مؤمنان است.

11 - هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

انّ النَّاسِ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ . . . انّما ذلكم الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

### 34- عذاب شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 14 - 6

6 - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا - جدا از فضل و رحمت خداوند - مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته . . . لمسكم في ما أفضتم فيه عذاب عظيم

### 35- علاقمندان شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 13، 12

12 - اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

13 - رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

سمعون للكذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنک) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از «کذب» دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ساخته شده بود.

### 36- فرجام شایعه علیه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 9

9- شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی ، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ؛ ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان ، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تحسبوه شراً لكم بل هو خیر لكم

ص: 281

### 37- قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 5

5 - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته . . . و المرجفون فی المدینه ... اینما تقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

### 38- قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 62 - 4

4 - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

اینما تقفوا أخذوا و قتلوا . . سنّه الله ... ولن تجد لسنّه الله تبدیلاً

### 39- کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 20

20 - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم ، کیفری سخت دارد .

و المرجفون فی المدینه لنغریبک بهم ثم لایجاورونک فیها الاً قلیلاً

### 40- گناه شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 15 - 8

8 - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری خطیر و

گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إذ تلقونه بألسنتکم و تقولون . . تحسبونه هیئاً و هو عند الله عظیم

## 41- مبارزه با شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 16 - 9

ص: 282

9 - اظهار تنفر و نشان دادن واکنش منفی ، وظیفه مسلمانان در برابر شایعه ها و تهمت های بی دلیل جنسی علیه دیگر مسلمانان

و لولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا أن نتكلم بهذا سبحنك هذا بهتن عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 15

15 - لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ... إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله «فلا تخافوهم و خافون»، در صدد خنثی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیاموزد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

#### 42- مبارزه محمد(صلی الله علیه و آله) با شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3

3 - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته... و المرجفون... لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قليلاً . م

#### 43- محرومیت شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 14 - 6

6 - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا - جدا از فضل و رحمت خداوند - مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته... لمسکم فی ما أفضتم فیہ عذاب عظیم

#### 44- موانع تأثیر شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 83 - 15



15 - فضل و رحمت الهی ، مانع از تأثیر اخبار و شایعات گمراه کننده در میان مسلمانان

لولا فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا

ص: 283

#### 45- موانع شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 17 - 2

2 - ایمان ، بازدارنده انسان از دامن زدن به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه یکدیگر

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

پیام و مفهوم جمله «این کنتم مؤمنین؛ اگر مؤمن هستید» در آیه شریفه - که مربوط به ماجرای «افک» است - این می باشد که: اگر ایمان راستین در فردی وجود داشته باشد او هرگز دست به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه کسی نخواهد زد.

#### 46- نقش شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 12

12 - شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ينته المنافقون و... المرجفون في المدينة لئغريتنك بهم

#### 47- هشدار به شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 6

6 - هشدار شدید خداوند ، به شایعه پراکنان مدینه ، برای پایان دادن به کار شایعه پراکنی .

لئن لم ينته... المرجفون في المدينة لئغريتنك بهم

شایعه پراکنان

#### 48- آواره سازی شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3

3- ادامه شایعه پراکنی، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه، آواره شدن همراه با لعن بود.

لئن لم ينته... والمرجفون... لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً. م

#### 49- آواره سازی شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 19

ص: 284

19 - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغریئک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

«لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

### 50- افساد شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 19

19 - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغریئک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

«لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً» کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که «قلیلاً» صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

### 51- شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 5

5 - در مدینه ، در عصر پیامبر ، افرادی شایعه پراکن وجود داشت .

لئن لم ینته ... المرچفون

«رَجْف» (مصدر ثلاثی مجرد «مرچفون») به معنای «اضطراب شدید» است (مفردات راغب). در آیه، به تناسب معنای لغوی، منظور از آن کسانی اند که با پخش سخنان بیهوده، آرامش مردم را سلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 5

5 - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته ... والمرچفون فی المدینه ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

## 52- قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 5

5 - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

ص: 285

لئن لم ينته .. و المرجفون في المدينة ... أينما تقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً

### 53- قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 62 - 4

4- فرمان مهذورالدم بودن منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أينما تقفوا أخذوا وقتلوا ... سنّه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

### 54- مبارزه محمد (صلی الله علیه و آله) با شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3

3- ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته .. و المرجفون ... لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الاّ قليلاً . م

### 55- نقش شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 12

12- شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ينته المنفقون و ... المرجفون في المدينة لنغرینک بهم

هشدار به شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 6

6- هشدار شدید خداوند ، به شایعه پراکنان مدینه ، برای پایان دادن به کار شایعه پراکنی .

لئن لم ينته .. المرجفون في المدينة لنغرینک بهم

شایعه پراکنی

## 56- آثار شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 286

3 - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته ... و المرجفون ... لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً . م

### 57- اجتناب از شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 17 - 1

1 - پرهیز از تأثیرپذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران و بازی با حیثیت آنان ، اندرزی الهی به مؤمنان

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

### 58- شایعه پراکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3 - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كلّ أفاك أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به «كلّ أفاك» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

### 59- شایعه پراکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3 - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كلّ أفاك أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون



ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می‌توانند به «کَلِّ أَفَّاك» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «یلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم علی الناس و الحال أنّ اکثرهم کاذبون فیما یلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده‌های خود را در میان مردم می‌پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی‌دهند».

ص: 287

## 60- کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 20

20 - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم، کیفری سخت دارد.

و المرجفون فی المدینه لنغریتنک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

## 61- گناه شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 15 - 8

8 - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إذ تلقونہ بألسنتکم و تقولون .. تحسبونه هیئتاً و هو عند اللّٰه عظیم

## 62- موانع شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 17 - 2

2 - ایمان، بازدارنده انسان از دامن زدن به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه یکدیگر

یعظکم اللّٰه أن تعودوا لمثله أبداً إن کنتم مؤمنین

پیام و مفهوم جمله «إن کنتم مؤمنین؛ اگر مؤمن هستید» در آیه شریفه - که مربوط به ماجرای «افک» است - این می باشد که: اگر ایمان راستین در فردی وجود داشته باشد او هرگز دست به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه کسی نخواهد زد.

شایعه سازان

## 63- افشای انگیزه شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 9

9 - شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی ، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ؛ ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان ، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

ص: 288

#### 64- تهدید شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 22

22 - تهدید شدن شایعه سازان و افترا زندگان ، به این که خداوند بر سخنان پنهانی و راز های درونی آنان آگاه است .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. . وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا ..

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل - که درباره شایعه و ماجرای «افک» بود - به دست آمده است.

#### 65- عذاب شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 14 - 6

6 - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا - جدا از فضل و رحمت خداوند - مستحق عذاب الهی اند .

و لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ .. . لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

#### 66- محرومیت شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 14 - 6

6 - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا - جدا از فضل و رحمت خداوند - مستحق عذاب الهی اند .

و لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ .. . لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ص: 289

## 15- شایستگی

### 1- آثار شایستگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 7

7 - لیاقت و شایستگی برخی انسان ها ، موجب گزینش آنان به رسالت و پیامبری از سوی خدا

قال یموسیٰ اِنیٰ اصطفیتک علی الناس برسلتی

### 2- شایستگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 181 - 4

4 - رسولان الهی ، شایسته سلام و تحیت

و سلم علی المرسلین

### 3- شایستگی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 56 - 7,8

7 - نیکوکاران مستعد دریافت رحمت الهی هستند .

إن رحمت اللّٰه قریب من المحسنین

8 - دعا و نیایش محسنان به درگاه خدا مایه به فعلیت رسیدن استعداد آنان برای دستیابی به رحمت خاص الهی است .

و ادعوه . . . إن رحمت اللّٰه قریب من المحسنین

### 4- شایستگی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 144 - 9



9 - خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاکران شود.

اصطفیتک علی الناس برسلی و بکلمی . . . و کن من الشکرین

ص: 291

## 16- شب قدر

### 1- شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 55 - 20

20 - بیست و یکم رمضان ، شب عروج عیسی (ع) به سوی خداوند

اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي

امام باقر (ع): ... و ليله احدى وعشرين (من شهر رمضان) ... وفيها رفع عيسى بن مريم ...

---

خصال صدوق، ص 508، ح 1، باب السبعة عشر؛ نورالثقلین، ج 1، ص 346، ح 155.

### 2- آثار نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 4 - 4 - 97

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائكة و الروح فيها

### 3- آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 5 - 97 - 7

7 - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إنّا أنزلناه فى ليلة القدر . . سلم هي

### 4- آثار نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش





4- نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فيها

### 5- اهمیت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 3,6,8

3- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر ، متوجه امور مهم و زیربنایی

فیها یفرق کلّ امر حکیم

برداشت بالا بدان احتمال که مراد از «حکیم»، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

6- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ امر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف «مبارکه» در آیه قبل، مؤید آن است.

8- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ... فیها یفرق کلّ امر حکیم

تطبیق کلی «فیها یفرق کلّ امر حکیم» بر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 3,6

3- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

فیها یفرق کلّ امر حکیم . أمراً من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) «أمرًا» حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین «أمرًا» دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) «من عندنا» در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

6- شب قدر، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران \*

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت «إِنَّا كُنَّا ..» به مجموع «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ» نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

### 6- برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 2، 1

1- نزول قرآن از سوی خداوند، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

ص: 293

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

2- « شب قدر » ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبارکه

با توجه به این که مفسران «لیله مبارکه» را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

### 7- تداوم شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزّل

فعل «تنزّل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

### 8- تداوم فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 4

4 - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

### 9- تداوم نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزّل

فعل «تنزّل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

## 10- تداوم نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

ص: 294

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 6

6- در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر، وقفه ای پدید نمی آید.

تنزل الملكة و الروح فيها .. حتى مطلع الفجر

حرف «حتی»، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

### 11- تشخیص شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 1

1- ابزار شناخت ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست.

و ما أدريك ما ليلة القدر

مخاطب در «ما أدراک»، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

### 12- تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 8, 5, 4, 3, 1

1- شب قدر، شب تقدیر، تدبیر و تثبیت امور هستی

فيها يفرق كل امر حكيم

واژه «يفرق» ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

3- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر، متوجه امور مهم و زیربنایی

فيها يفرق كل امر حكيم

برداشت بالا بدان احتمال که مراد از «حکیم»، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری

آمده است.

4- پایداری و خلل ناپذیری امور، پس از تقدیر در شب قدر \*

فیها یفرق کلّ امر حکیم

مراد از «امر حکیم»، ممکن است امور مستحکمی باشد که در نتیجه تفریق و تقدیر، تحقق آن حتمی شده و بی چون و چرا صورت خواهد گرفت.

5- تقدیر امور هستی در شب قدر، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ... فیها یفرق کلّ امر حکیم

8- نزول قرآن در شب قدر، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ... فیها یفرق کلّ امر حکیم

تطبیق کلی «فیها یفرق کلّ امر حکیم» بر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 295

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 3

3- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است.

فیها یفرق کلّ امر حکیم . امرًا من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) «امرًا» حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین «امرًا» دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) «من عندنا» در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 5,9

5 - مشخصات امور جهان در شب قدر، تعیین می شود.

لیله القدر

«قدر» در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله «تقدیر» (مصباح)؛ «تدبیر امور» (قاموس)؛ «تقسیم ارزاق»، «شرف» و «عظمت» (تاج العروس) و ... برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه «قدر»، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و «من کلّ امر» (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

9 - «عن الرضا (ع) لیله القدر یقدر الله عزوجل فیها ما یكون من السنه إلى السنه من حیاه أو موت أو خیر أو شرّ أو رزق فما قدره فی تلك اللیله فهو من المحتوم»

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 9,12

9 - تقدیر امور جهان در شب قدر، وابسته به نزول ملائکه و روح به زمین است.

تنزل .. من کلّ امر

«امر»، ممکن است مفرد «امور» باشد. در این صورت مراد اموری خواهد بود که در شب قدر، تقدیر می شود و ملائکه و روح برای تدبیر آن امور، به زمین نازل می شوند. حرف «من» در این احتمال، برای بیان علّت غائی است؛ یعنی، «لأجل کلّ امر أراد الله فضائه».



12 - « عن محمد بن عليّ (ع) أنّه قال في قول الله تعالى « تنزل الملائكة و الروح فيها » قال : تنزل في ها الملائكة و الكتبه إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنه من امور ما يصيب العباد . . . » ;

از امام باقر(ع) روايت شده كه درباره سخن خداى تعالى «تنزل الملائكة و الروح فيها» فرمود: فرشتگان و نويسندگان [اعمال] به نزديك ترين آسمان نازل مى شوند و آنچه را در طول سال [آينده] به وجود خواهد آمد، از امورى كه به بندگان مى رسد، مى نويسند».

### 13- خيريت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 296

2- « شب قدر » ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبارکه

با توجه به این که مفسران «لیله مبارکه» را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 1

1 - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

«سلام»؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، «سلام»، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شرّ» اصالت ندارد.

#### 14- زمان شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 4

4 - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

#### 15- سلامتی شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 1,2,5

1 - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

«سلام»؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی

است. علاوه بر این، «سلام»، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شرّ» اصالت ندارد.

2 - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . . . سلم هی

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی، تا پایان سپیده دم ادامه دارد.

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

ص: 297

## 16- عظمت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 3,2

2 - عظمت شب قدر، فراتر از حد بیان است.

و ما أدريک ما ليله القدر

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدريک ما ليله القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

## 17- عمل صالح در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 5

5 - « عن حُمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزّوجلّ «... ليله القدر خير من ألف شهر» أيّ شيء عنى بذلك، فقال العمل الصالح فيها من الصلاه و الزكاه و أنواع الخير خير من العمل في ألف شهر ليس فيها ليله القدر؛

از حمران روایت شده که از امام باقر (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ «... ليله القدر خير من ألف شهر» سؤال کرد که مقصود از این [بهتری بر هزار ماه] چیست؟ حضرت فرمود: عمل صالح در شب قدر، از قبیل نماز و زکات و انواع کارهای خوب، بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.

## 18- فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 1,11

1- نزول قرآن از سوی خداوند، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

11 - « عن حُمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزّوجلّ « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ » قال : نعم هي ليله القدر و هي في كلّ سنه في

شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا في ليلة القدر . . . ;

از حمزان روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ» سؤال کرد؛ حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 6

ص: 298

6 - شب قدر ، شبی با عظمت در پیشگاه خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 1,4

1 - فضیلت شب قدر ، از هزار ماه خالی از آن ، افزون تر است .

لیله القدر خیر من ألف شهر

4 - « عن ابن عباس قال : ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) رجل من بني اسرائيل أنه حمل السلاح على عاتقه في سبيل الله تعالى ألف شهر فعجب من ذلك رسول الله (صلى الله عليه وآله) عجباً شديداً و تمنى أن يكون ذلك في أمته . . . فأعطاه الله ليله القدر و قال : ليله القدر خير من ألف شهر الذي حمل الإسرائيلي السلاح في سبيل الله لك و لأمتك من بعدك إلى يوم القيامة في كل رمضان ;

از ابن عباس روایت شده که برای رسول خدا(صلى الله عليه وآله) ذکر مردی از بنی اسرائیل به میان آمد که او در راه خدا هزار ماه شمشیر خود را بر شانه اش حمل نموده [و آماده جهاد در راه خدا بود]. رسول خدا(صلى الله عليه وآله) از این جریان سخت تعجب نمود و آرزو کرد که این فضیلت در امتش باشد ... پس خداوند [در مقابل] به آن حضرت شب قدر را عطا کرد و فرمود: شب قدر، بهتر از هزار ماهی است که آن مرد بنی اسرائیلی در راه خدا سلاح حمل کرد [این شب قدر] برای تو و امتت بعد از تو، تا روز قیامت در هر ماه رمضان خواهد بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 5

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هي حتى مطلع الفجر

حرف «حتى» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

### 19- محمد(صلى الله عليه وآله) و شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 3

3 - پیامبر (صلى الله عليه وآله) ، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدريک ما ليله القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

## 20- ملاک تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 6 - 6

6- تقدیر و تثبیت امور در شب قدر، براساس رحمت پروردگار به خلق

فيها يفرق كلّ امر حكيم . . . رحمه من ربك

ص: 299

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «رحمه..» در مقام بیان دلیل «یفرق...» باشد؛ یعنی، تقدیر و تثبیت امور مهم، برای رحمت رسانی است.

## 21- نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 2,3,4,5,8,10

2 - روح نازل شونده در شب قدر، هم ردیف فرشتگان نبوده و موجودی برتر از آنان است.

تنزل الملائکه و الروح فیها

«عطف» نشانه تغایر است و می تواند از قبیل ذکر خاص، بعد از عام و نشانه عظمت باشد. برداشت یاد شده به هر دو احتمال نظر دارد.

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست.

تنزل

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

5 - فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است.

تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم

8 - فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است.

باذن ربهم

واژه «رب»، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - فرمان های خداوند، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزل .. من کلّ امر

حرف «من» - که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است - بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول



ملانکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «امر» - که در این برداشت، مفرد «أوامر» گرفته شده است - فرمانی است که آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 6

6 - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر، وقفه ای پدید نمی آید .

تنزّل الملائکة و الروح فیها . . . حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی»، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

ص: 300

## 22- نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 4، 1

1- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند ( شب قدر )

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

4- نزول قرآن در شبی مبارک ، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 8

8- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ . . . فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی «فیهما یفرق کلّ امر حکیم» بر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

## 23- نزول کتب آسمانی در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 6

6- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران \*

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ . . . إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت «إِنَّا كُنَّا . . .» به مجموع «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ» نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

## 24- نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 5,8,10,12,13

5 - فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است .

تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم

8 - فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

بإذن ربهم

واژه «رب»، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - فرمان های خداوند، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزل... من كلّ امر

حرف «من» - که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است - بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و

ص: 301

دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «امر» - که در این برداشت، مفرد «أوامر» گرفته شده است - فرمانی است که آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

12 - « عن محمد بن عليّ (ع) أنّه قال في قول الله تعالى « تنزل الملائكة و الروح فيها » قال : تنزل فيها الملائكة و الكتبه إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنة من امور ما يصيب العباد . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی «تنزل الملائکه و الروح فیها» فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

13 - « عن النبيّ (صلى الله عليه و آله) أنّه قال : إذا كان ليله القدر تنزل الملائكة الذين هم سكان سدره المنتهى و منهم جبرئيل فينزل جبرئيل (ع) و معه الويّه ينصب لواء منها على قبرى و لواء على بيت المقدس و لواء فى المسجد الحرام و لواء على طور سيناء و لا يدع فيها مؤمناً و لا مؤمنة إلاّ سلم عليه ;

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن «سدره المنتهی» - که از جمله آنان جبرئیل است - نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند».

## 25- نشانه های برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 5

5- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ . . . فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

## 26- نشانه های فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 4

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائكة و الروح فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 2

2 - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند ، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . . . سلم هی

ص: 302

## 27- نعمتهای خدا در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 3

3 - نعمت های نازل شده از سوی خداوند در شب های قدر ، ارجمندتر از نعمت های عطا شده در ماه هایی بی شمار است .

لیله القدر خیر من ألف شهر

فضیلت زمان ها، به ارزشمندی مظلوف آن بستگی دارد که در آغاز سوره نمونه ای از آن (نزول قرآن) مطرح شد و جمله «سلام هی» (در آیات بعد) بیانگر ارزشمندی سایر اموری است که در شب قدر تحقق می یابد. عدد «ألف» (هزار)، در برخی آیات دیگر؛ نظیر «لویعمر ألف سنه» (بقره، آیه 96) در معنای کثرت به کار رفته است و احتمال اراده آن معنا، در این آیه نیز وجود دارد.

## 28- نقش شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 3

3 - قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 1

1 - شب قدر ، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است .

تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل «تَنْزَلُ» - که در اصل تَنْزَلُ بوده و به جهت تخفیف یکی از «تاء»های آن حذف شده است - فرود آمدن به زمین است.

## 29- وقت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 37

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: « فان قال: فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله فيه القرآن وفيه فرق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل « شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان » وفيه نبيء محمد (صلى الله عليه وآله) وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر ... »؛

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان». در این ماه حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

ص: 303

9- « عن أبي عبدالله (ع) : . . . إذا كانت ليلة ثلاث و عشرين ( من رمضان ) « فيها يفرق كلّ أمر حكيم » . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد» . . .

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبدالله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليلة النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلّا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنّ في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كلّ أمر حكيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: «خیر من ألف شهر».

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع و عشرين ؛

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید».

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .



حرف «حتی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

### 30- ویژگیهای شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 2، 1

1- شب قدر، شب تقدیر، تدبّر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ امر حکیم

واژه «یفرق» ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

ص: 304

2- شب قدر، شب ترسیم تفصیلی امور مجمل و حقایق بسیط

فیها یفرق کلّ امر حکیم

برداشت یاد شده بنابراین که نکته است که از واژه «یفرق»، معنای تجزیه و تفصیل اراده شده باشد؛ زیرا امور این جهان دارای دو مرحله است: مرحله اجمال و ابهام که از آن تعبیر به «حکیم» شده و مرحله تفصیل و بسط که از آن تعبیر به «یفرق» شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 1

1 - ابزار شناخت و ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در «ما أدراک»، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

ص: 305

1- شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 3,4

3 - نظم شب و روز، از آیات الهی

انّ فی ... و اختلاف الّیل و النّهار لایات

4 - آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز، در بردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملک السّموات ... انّ فی خلق السّموات ... لایات

جمله «انّ فی ...» می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد که در آیه قبل (و لله ملک السّموات ... ) مطرح شد.

2- آثار تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 3

3 - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران، شگفت و با عظمت است .

و الّیل و ما وسق

3- آثار تعقل در باره شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 4

4 - اندیشیدن درباره ماهیت شب و ویژگی های آن، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون ... و جعلنا الّیل لباسًا

#### 4- آثار جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 3, 2

2- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر، تنها به قدرت خدا است.

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. 2- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

3- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر، از نشانه های قدرت خدا است.

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

#### 5- آثار خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 6

6- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان، سپاس برانگیز است.

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

«شکور» مصدر و مرادف واژه «شکر» است.

#### 6- آثار گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 7

7- آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلاف الّیل و النهار

ذکر «اختلاف شب و روز» پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

14 - آمدن روز از پی شب ، گواه امکان آمدن رستاخیز از پی مرگ \*

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

یکی از آیاتی که از تعاقب شب و روز می توان استفاده کرد، روشنی پس از تاریکی، حیات پس از مرگ و حرکت پس از سکون است و این نشان می دهد که خدای توانا بر آوردن روز از پی شب، قادر است که حیات را دوباره از پی مرگ پدید آورد.

ص: 307

## 7- آثار نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 4

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

## 8- آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 7

7 - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إنا أنزلناه فی لیلہ القدر . . سلم هی

## 9- آثار نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 4

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

## 10- آثار نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 125 - 15

15 - اطعام مردم و نماز شب ، موجب برگزیده شدن ابراهیم (ع) به عنوان خلیل ، از سوی خداوند

و اتخذ الله ابرهیم خلیلا

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): ما اتخذ الله ابرهیم خلیلا الا لاطعامه الطعام و صلوته باللیل و الناس نیام.

---

علل الشرايع، ص 35، ح 4، ب 32; نورالثقلين، ج 1، ص 555، ح 586.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 15

15- « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : « إن الحسنات يذهبن السيئات » قال : صلاه المؤمن بالليل تذهب بما

ص: 308

عمل من ذنب بالنهار ؛

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا که فرموده: «إن الحسنات يذهبن السيئات» روایت شده است که فرمود: نماز مؤمن در شب هر گناهی را که در روز انجام داده از بین می برد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 13

13- مقام ارجمند حاصل آمده از نماز شب ، جایگاهی مورد ستایش و تمجید همگان

عسی أن يبعثك ربك مقامًا محمودًا

به صورت مطلق آورده شدن «مقاماً محموداً» می تواند مشعر به این باشد که: مقام محمود، جایگاهی است مورد تمجید همه خلائق.

### 11- آداب نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 9

9- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الّیل فتهجّد به .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی منخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تهجّد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

### 12- آرامش در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 9

9 - قرار دادن شب برای آرامش انسان ها و روشنایی روز برای تلاش آنان ، از نشانه های توحید ربوبی است .

هو الذی جعل لکم الّیل .. إن فی ذلک لآیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 6,5



5- گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه ، در راستای تأمین نیازها و منافع انسان ها و هماهنگی با آنها است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت فوق، از لام «لکم» - که برای انتفاع است - به دست می آید.

6- گردش شب و روز و آرامش در شب و روز پر تلاش ، نشانه ربوبیت خداوند

الم تر إلی ربّک . . . و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 309

5- آرامش بخشی شب به تن خسته آدمیان ، از حکمت های الهی در پدید آوردن آن

جعلنا الیل لیسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 2، 1

1 - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

2- شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 3

3- آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

«آرامش یافتن» (یکی از معانی ذکر شده برای «سَجُو») در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 9

9- خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف «توفی» شب است و ظرف «جرحتم» روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 2،5

2 - خداوند شب را هنگام آرامش و روز را زمان تلاش و کار قرار داده است.

فالق الإصباح و جعل الیل سکنا

ذکر صبح قبل از بیان سکون بودن شب، اشاره ای لطیف به تفاوت روز و شب دارد، که در حقیقت روز نقطه مقابل شب و برای کار و تلاش قرار داده شده است.

5 - شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلک تقدیر العزیز العظیم

ص: 310

### 13- آسایش در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 10،15

10 - خداوند ، شب را برای آسایش و استراحت قرار داده است .

من إله غير الله يأتیکم بليل تسکونون فيه

15 - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أریتم إن جعل الله علیکم الیل سرمداً .. إن جعل الله علیکم النهار سرمداً .

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

### 14- آغاز خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4 - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلک دحیها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

### 15- احکام نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 2

2- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی «نافله» که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص «لک» نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 6

6 - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

«ناشئه الليل»، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

ص: 311

## 16- اخلاص در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 2

2 - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدّ وطءاً و أقوم قیلاً

ضمیر «هی» به «ناشئه» باز می گردد. «أشدّ» معادل «أثبت» (با ثبات تر، استوارتر) و «وطیء» مرادف «قیام» (ایستادن) است (لسان العرب). «أقوم» نیز به معنای «أسدّ» (محکم تر) و «قیلاً» همتای «مقال» (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

## 17- ارزش نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 7

7 - نماز، بهترین عبادت در سحرگاهان و ارزشمندترین عمل در شب زنده داری

و الذین یتتوّن لربّهم سجّداً و قیماً

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن نماز از میان دیگر اعمال عبادی به دست می آید.

## 18- استراحت در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 5

5 - شب، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

## 19- استفاده از شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

6- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سَخَّرَ لَكُمْ .. . الشَّمْسَ ... وَالنَّجُومَ مَسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ «سَخَّرَ لَكُمْ» را به کار برد، ولی برای تسخیر

ستارگان لفظ «مسحرات بأمرة» را بدون لفظ «لکم» آورد، مطلب فوق به دست می آید.

## 20- انشاق تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 3 - 3

3 - قدرت خداوند بر شکافتن تاریکی شب به وسیله سپیده صبح، دلیل توانمندی او بر خنثی ساختن تهدیدهای پوشیده و توطئه های سرّی و شبانه دشمن

قل أعوذ ربّ الفلق . . . و من شرّ غاسق إذا وقب

آیات بعد، قرینه بر این است که مراد از خطرهای شبانه، برنامه ریزی های کاملاً محرمانه دشمن در شب است.

## 21- اهمیت تلاوت قرآن در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 13، 12

12 - نماز و خواندن قرآن، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . فاقراءوا ما تیسّر من القرآن

13 - شب هنگام، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . فاقراءوا ما تیسّر من القرآن

## 22- اهمیت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 14

14- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

وجعلنا الیل والنهار آیتین . . . و کلّ شیء فصلّنه تفصیلاً

یکی از مصادیق «کلّ شیء . . .» به قرینه جمله «وجعلنا الیل والنهار آیتین» می تواند گردش شب و روز باشد.



## 23- اهمیت دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 8

8 - دعا و نیایش در تاریکی شب ، امری بایسته و پسندیده است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

ص: 313

## 24- اهمیت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 18 - 4

4- تحوّل روز به شب و شب به روز ، تحوّل بزرگ در نظام جهان

و الیل إذا عسعس . و الصبح إذا تنفّس

## 25- اهمیت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 8، 6، 3

3- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر ، متوجه امور مهم و زیربنایی

فیها یفرق کلّ امر حکیم

برداشت بالا بدان احتمال که مراد از «حکیم»، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

6- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ امر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف «مبارکه» در آیه قبل، مؤید آن است.

8- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إنا أنزلناه فی لیلہ مبارکہ . . . فیها یفرق کلّ امر حکیم

تطبیق کلی «فیها یفرق کلّ امر حکیم» بر «إنا أنزلناه فی لیلہ مبارکہ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 3، 6

3- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

فيها يفرق كل امر حكيم . أمراً من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) «أمراً» حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین «أمراً» دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) «من عندنا» در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

6- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران \*

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت «إِنَّا كُنَّا ..» به مجموع «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ» نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

ص: 314

## 26- اهمیت گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 5

5- گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه، در راستای تأمین نیازها و منافع انسانها و هماهنگی با آنها است.

وهو الذى جعل لكم اليل لباساً والنوم سباتاً وجعل النهار نشوراً

برداشت فوق، از لام «لکم» - که برای انتفاع است - به دست می آید.

## 27- اهمیت مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 8

8- دعا و نیایش در تاریکی شب، امری بایسته و پسندیده است.

تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

## 28- اهمیت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 22

22- «عن زراره عن أبى جعفر (ع) قال: قلت له: «آناء الليل ساجداً وقائماً...» قال: يعنى صلاة الليل...»

زراره می گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: مراد از «آناء الليل ساجداً وقائماً» چیست؟ فرمود: مراد نماز شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 22

22- «عن أبى الحسن (ع) فى قوله عزّوجلّ: «ورهبانيته ابتدعوها ما كتبناها عليهم إلا ابتغاء رضوان الله» قال: صلاة الليل;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ که فرموده: «... إلا ابتغاء رضوان الله» روایت شده که مراد نماز شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - « عن أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام) إنهما قالا : هي القيام في آخر الليل إلى صلاة الليل ;

از امام باقر و امام صادق (عليهما السلام) روایت شده که فرموده اند: [مراد از] آن [«ناشئه الليل»] برخاستن در آخر شب برای نماز شب است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

ص: 315

تقوم أدنى من ثلثي الليل . . . فاقراءوا ما تيسر من القرآن

13 - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنى من ثلثي الليل . . . فاقراءوا ما تيسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 25 - 6

6 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه - بنابر نظر مفسران - ممکن است نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 12، 13، 7، 2

2 - اقامه نماز در پاره ای از شب ، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و من الیل فأسجد له

مقصود از «سجده» - چنان که مفسران گفته اند - ممکن است نماز باشد.

7 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سبّحه لیلاً طویلاً

یکی از معانی «تسبیح»، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

12 - « روی عن الرضا (ع) أنه سأله احمد بن محمد عن هذه الآية وقال : ما ذلك التسبيح ، قال : صلاة الليل ؛

از ایشان روایت شده است که احمد بن محمد [بزنطی] درباره آیه «و من الیل فأسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً» سؤال کرد و گفت: این

تسبیح چیست؟ آن حضرت فرمود: نماز شب است.».

13 - « و عنه (ع) أنه قال فی قوله عزّوجلّ « و من الیل فأسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً » قال : أمره أن یصلی فی ساعات من الیل ففعل

(صلی الله علیه و آله) . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت درباره سخن خدای عزوجل «و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً» فرمود: خداوند به [رسولش] دستور داده که در ساعاتی از شب، نماز گزارد. سپس آن حضرت این مأموریت را انجام داد...».

## 29- اهمیت وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 3

3 - آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

و السماء و الطارق

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

ص: 316

### 30- برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 2، 1

1- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند ( شب قدر )

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ

2- « شب قدر » ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبرکه

با توجه به این که مفسران «لیله مبارکه» را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

### 31- پوشش روز با شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 4

4 - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

يَكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ

«تکویر» (مصدر «یکوّر») در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر); ولی به کارگیری «علی» نشان می دهد که «تکویر» در این آیه، به معنای «وضع الشیء علی الشیء» است.

### 32- پوشش شب با روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 4

4 - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

يَكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ

«تکویر» (مصدر «یکوّر») در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر); ولی به کارگیری «علی» نشان می دهد که «تکویر» در این آیه، به معنای «وضع الشیء علی الشیء» است.



### 33- پیدایش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

4 - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق، تاریکی شب و نور ماه)، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

ص: 317

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

### 34- تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 1

1 - خداوند شکافنده صبح از دل تیره شب است.

فالق الإصباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 2

2 - خداوند شب را تاریک و روز را، روشن قرار داده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 5

5- خداوند، پیوسته تاریکی شب را بر چهره روز می پوشاند .

یغشی الیل النهار

«اغشاء» (مصدر یغشی) به معنای پوشانیدن و ساتر قرار دادن است. آوردن فعل «یغشی» به صیغه مضارع در مقابل آوردن «مدّ» و «جعل» به صیغه ماضی، برای رساندن استمرار پوشانیدن شب بر چهره روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 10 - 4

4- خداوند به همگان - آنان که در تاریکی های شب کاملاً پنهانند و یا در روز روشن آشکارند - آگاه است .

و من هو مستخف بالليل و سارب بالنهار

«استخفاء» (مصدر مستخف) و «خفاء» هر دو به معنای پنهان بودن است، با این تفاوت که «استخفاء» حاکی از تأکید می باشد. «سَرَب» به معنای راه است و «سارب» به کسی که راه را می پیماید گفته می شود و از آن جا که راه و طی کننده آن معمولاً بر انسانها مخفی نیست - خصوصاً که در روز باشد - می توان گفت: «سارب» در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با «مستخف» کنایه از «آشکار» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 15، 5

5- انسان ، در پرتو روشنی روز - در پی تاریکی شب - از روزی و فضل خداوند بهره مند می شود .

فمحونا ءایه الیل و جعلنا ءایه النهار مبصره لتبتغوا فضلاً من ربکم

ص: 318

15- « یزیدبن سلام . . . سأل رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال له : . . . فما بال الشمس والقمر لا يستويان في الضوء والنور ، قال : . . . أمر الله تعالى جبرئيل : أن يمحو ضوء القمر فمحاها . . . و ذلك قول الله عزوجلّ : « وجعلنا الليل والنهار آيتين فمحونا آية الليل وجعلنا آية النهار مبصره . . . » . . . » ;

یزیدبن سلام از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سؤال کرد، پس به حضرت گفت:.. چگونه است که خورشید و ماه در نور و روشنایی با هم مساوی نیستند؟ حضرت جواب فرمود:.. خداوند تعالی به جبرئیل فرمان داد تا نور ماه را محو کند، پس او نور ماه را محو کرد ... و آن همان سخن خدا است که فرمود: «وجعلنا الليل والنهار آيتين فمحونا آية الليل وجعلنا آية النهار مبصره...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 71 - 5

5- توانایی خدا بر تاریک قرار دادن زمین و محروم ساختن مردم از روشنایی روز تا برپایی قیامت

أرءيتم إن جعل الله عليكم الليل سرمداً إلى يوم القيمة

### 35- تتابع شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 10

10 - « عن عنبسه العابد ، قال : سألت أبا عبد الله (ع) : عن قول الله عزوجلّ : « و هو الذي جعل الليل والنهار خلفه لمن أراد أن يدّكر أو أراد شكوراً » قال : قضاء صلاه الليل بالنهار و قضاء صلاه النهار بالليل ;

امام صادق در باره آیه یاد شده فرمود: مراد قضای نمازهای شب در روز و قضای نمازهای روز در شب است». توضیح: با توجه به روایات قبل از حدیث یاد شده، در تهذیب و روایت صفحه 116 از تفسیر قمی به نظر می رسد، قضای نماز نافله مقصود است.

### 36- تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 37 - 3

3- نظام حاکم بر شب و روز و توالی نور و ظلمت بر زندگی اهل زمین ، به تقدیر و تدبیر خدا است .

و ایه لهم اللیل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی ، از نعمت های الهی برای بشر است .

لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک یسبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

6- توالی شب و روز و نور و تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم الّیل . . . لا الشمس ينبغي لها أن تدرک القمر و لا الّیل سابق النهار ..

ص: 319

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه 37 نیز به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل والنهار و... آیت لقوم یعقلون

«اختلاف...» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

### 37- تداوم تنابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 40 - 2

2 - توالی شب و روز و نظام حاکم بر آنها، تا قیامت باقی خواهد بود.

و لا الیل سابق النهار

مقصود از پیشی نگرفتن شب از روز (و لا اللیل سابق النهار)، پیشی گرفتن از نظر سیر و حرکت نیست؛ بلکه مراد مسخر خدا بودن ماه و خورشید و بقای نظم موجود بر روز و شب و نیز تغییرناپذیری حرکت ماه و خورشید است.

### 38- تداوم شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 6

6- زمین و گسترش آن، کوه های ثابت و استوار، رودخانه ها، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است.

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

### 39- تداوم شب قدر

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

ص: 320

#### 40- تداوم فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 4

4 - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتی مطلع الفجر

#### 41- تداوم نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

#### 42- تداوم نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 3

3 - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 6

6 - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر ، وقفه ای پدید نمی آید .

تنزل الملائکه و الروح فیها .. حتی مطلع الفجر



حرف «حتّی»، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

### 43- تسبیح خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 12،15

12- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند پردازند .

ص: 321

فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة وعشيًا

«بکره» به فاصله بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب). «عشیًا» یا به معنای «ظهر تا غروب» است و یا «آخر روز» و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

15- سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أن سبحوا بكرة وعشيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 12، 7

7 - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و من آتای الیل فسبح و أطراف النهار

«آناء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من آناء اللیل»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

12 - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من آتای الیل فسبح و أطراف النهار

مراد از «اطراف روز» آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با «آناء اللیل» است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

#### 44- تسبیح در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 20 - 1

1- تسبیح مداوم و شبانه روزی مقربان درگاه الهی

و من عنده ... یسبحون الیل والنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . یسبح له فیها بالغدو و الأصال

13 - صبح و شب ، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبح له فیها بالغدو و الأصال

قید «بالغدو و الأصال» برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 17 - 3،4

ص: 322

3 - تسبیح و تنزیه خداوند ، در هر صبح و شام ، لازم است .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که «سبحان» بدل از فعل امر باشد.

4 - صبح گاهان و شام گاهان ، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 2

2 - تسبیح خداوند به هنگام شام گاه و نیم روز ، لازم است .

فسبحن الله ... و عشیاً و حین تطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 42 - 3، 1

1 - مؤمنان ، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام اند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... وَ سَبِّحُوهُ بَكْرَةً وَأَصِيلاً

3 - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذكروا الله ... وَ سَبِّحُوهُ بَكْرَةً وَأَصِيلاً

بنابراین که «بکره» و «أصیلاً» به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 6، 2

2 - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

6 - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16، 12

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشّیّ و الإبکر

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشّیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 4

4 - فرشتگان و بندگان مخلص حق ، در شب و روز همواره تسبیح گوی خداوند هستند .

فَالذِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ يَسْبَحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

تعبیر «باللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» کنایه از استمرار و تداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 8,9

8 - مؤمنان ، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام

و تَسْبِيحُوهُ بَكْرَهُ وَأَصْيَالًا

9 - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تَسْبِيحُوهُ بَكْرَهُ وَأَصْيَالًا

اختصاص یافتن «بکره» و «أصیالاً» به ذکر ، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به عبادت و تسبیح پروردگار در بخشی از شب

و مِنْ أَيْلٍ فَسَبِّحْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 10، 4

4 - فرمان الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر شب زنده داری و تسبیح خداوند در بیشتر اوقات شب

و سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

10 - شب هنگام ، وقت مناسب برای عبادت ، تسبیح و ستایش خداوند

و من الّیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً

#### 45- تسخیر شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 33 - 3,4,5

3- خداوند ، رام سازنده شب و روز برای بهره‌وری انسان

و سخّـر لکم الّیل و النهار

4- رام کردن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق . . . و سخّـر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّـر لکم الّیل و النهار

5- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

ص: 324

الله الذی خلق . . . و سخّر لكم الشمس و القمر دائبین و سخّر لكم الیل و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوّق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إن الإنسان لظلوم کفّار» در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 7، 2، 1

1- خداوند شب، روز، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است.

هو الذی . . . و سخّر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر

2- رام و مسخر بودن خورشید، ماه، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است.

و سخّر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر

7- رام و مسخر بودن شب، روز، خورشید، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست.

و سخّر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر . . . إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

#### 46- تشبیه به شب تاریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 27 - 8

8 - چهره مردمان زشت کار در قیامت، مانند پاره ای از شب دیجور، سیاه خواهد بود.

و الذین کسبوا السیئات . . . كأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الیل مظلماً

#### 47- تشبیه شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 1

1 - آفرینش شب، همچون لباس و پوشش، تنها به قدرت خدا است.

و هو الذی جعل لكم الیل لباساً



جمله «و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً» برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 1

1 - تاریکی شب - بسان لباسی پوشیده بر موجودات - با مستور ساختن آنها از دید انسان، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است.

و جعلنا الیل لباساً

تقابل این آیه و آیه بعد - که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است - بیانگر برداشت یاد شده است.

ص: 325

#### 48- تشخیص شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 1

1 - ابزار شناخت ویژگی های شب قدر ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در «ما أدراک»، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

#### 49- تعقل در خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 4

4 - تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

«تذکر» (مصدر «یدّکر») از نظر لغت به معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب); ولی این واژه در آیه شریفه - به گفته بیشتر مفسران - به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

#### 50- تعقل در گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 10

10 - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت ... أفلا تعقلون

#### 51- تفاوت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 3, 2, 1

1 - نوسان مدام شب و روز در طول سال ، نشانه ای از قدرت خداوند است .

ألم تر أن الله يولج الليل في النهار

«ولج» ریشه «یولج» به معنای «دخول» است (مفردات راغب) و داخل شدن شب در روز، به معنای کاسته شدن از مدت روز است و داخل شدن روز در شب نیز، کم شدن از مدت شب است. لازم به ذکر است که فعل مضارع «یولج» دلالت بر استمرار دارد.

2 - بی توجهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ص: 326

ألم تر أن الله يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل

«ألم تر» در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

3- تبدیل شدن تدریجی قسمتی از روز و شب به هم، به قدرت خدا است.

يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل

«يولج..» به معنای افزوده شدن بخشی از شب به روز و برعکس آمده است (مفردات راغب).

## 52- تفاوت شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 5

5- اختلاف شب و روز (تفاوت آنها در کوتاهی و بلندی و...) از نشانه های توحید و بیانگر رحمانیت و رحیمیت خداست.

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في ... اختلف الليل والنهار ... لأيت

برداشت فوق مبتنی بر این اساس است که کلمه «اختلاف» در آیه شریفه به معنای عدم تساوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 6 - 10 - 2

2- اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت

خدا نسبت به اهل زمین است.

إن في اختلف الليل والنهار ... لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 13

13- لحظه ها و اوقات شبانه روز، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر نیستند.

و سبّح بحمد ربك قبل طلوع .. ءانآي الليل فسبّح و أطراف النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نوسانات مستمر ساعات شب و روز ( کوتاهی و بلندی آنها ) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

ص: 327

و اختلف الیل والنهار و... آیت لقوم یعقلون

«اختلاف..» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

### 53- تفاوت فضیلت شب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 2 - 2

2 - تفاوت شب ها در فضیلت

و لیال عشر

نکره آمدن «لیال» و سوگند به آن ده شب خاص، بیانگر عظمت آنها در بین شب های سال است.

### 54- تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 8, 5, 4, 3, 1

1- شب قدر، شب تقدیر، تدبیر و تثبیت امور هستی

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

واژه «یفرق» ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

3- برنامه ها و تقدیرهای الهی در شب قدر، متوجه امور مهم و زیربنایی

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

برداشت بالا بدان احتمال که مراد از «حکیم»، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

4- پایداری و خلل ناپذیری امور، پس از تقدیر در شب قدر\*

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

مراد از «امر حکیم»، ممکن است امور مستحکمی باشد که در نتیجه تفریق و تقدیر، تحقق آن حتمی شده و بی چون و چرا صورت خواهد

گرفت.

5- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

8- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی «فیها یفرق کلّ امر حکیم» بر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 3

3- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

ص: 328

فيها يفرق كل أمر حكيم . أمراً من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) «أمرأ» حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین «أمرأ» دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) «من عندنا» در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 5,9

5 - مشخصات امور جهان در شب قدر ، تعیین می شود .

لیله القدر

«قدر» در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله «تقدیر» (مصباح)؛ «تدبیر امور» (قاموس)؛ «تقسیم ارزاق»، «شرف» و «عظمت» (تاج العروس) و ... . برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه «قدر»، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و «من کلّ أمر» (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

9 - «عن الرضا (ع) ليله القدر يقدر الله عزوجل فيها ما يكون من السنه إلى السنه من حياه أو موت أو خير أو شرّ أو رزق فما قدره في تلك الليله فهو من المحتوم»

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 4 - 97 - 9,12

9 - تقدیر امور جهان در شب قدر ، وابسته به نزول ملائکه و روح به زمین است .

تنزّل . . . من کلّ أمر

«أمر»، ممکن است مفرد «أمور» باشد. در این صورت مراد اموری خواهد بود که در شب قدر، تقدیر می شود و ملائکه و روح برای تدبیر آن امور، به زمین نازل می شوند. حرف «من» در این احتمال، برای بیان علّت غائی است؛ یعنی، «لأجل کلّ أمر أراد الله قضائه».

12 - «عن محمد بن عليّ (ع) أنّه قال في قول الله تعالى «تنزّل الملائكة و الروح فيها» قال : تنزّل في ها الملائكة و الكتبه إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنه من امور ما يصيب العباد . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی «تنزّل الملائكة و الروح فيها» فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.



## 55- تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 4 - 5

5- فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الّیل . . . ورتّل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن

ص: 329

در حین نماز؛ زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

### 56- توصیه به نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 5

5- تهجد (شب زنده داری همراه با اقامه نماز) ، مورد تشویق و توصیه خدا است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّداً و قیماً

### 57- جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 4

4- تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

«تذکر» (مصدر «یدّکر») از نظر لغت به معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب)؛ ولی این واژه در آیه شریفه - به گفته بیشتر مفسران - به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 1

1- در پی هم آمدن شب و روز و جایگزینی مستمر یکی جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا و یکتایی او

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

«ایلاج» (مصدر «یولج») به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را تدریجاً به جای روز و روز را به تدریج در جای شب قرار می دهد.

### 58- چراى چهارپایان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 6 - 3,1

1- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

3- زیبایی و جمال دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان بر می گردند و ترتیب ذکری معمولاً مناسب با ترتیب

ص: 330

خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکر بر خلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه «حین» تکرار شده و آهنگ لفظ «تريحون» و «تسرحون» با آیات قبل و بعد سازگار است.

### 59- حرکت سریع سپاه در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 3 - 2

2 - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحاً

### 60- حمد خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 7،12

7 - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

«آناء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من آناء اللیل»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

12 - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

مراد از «اطراف روز» آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با «آناء اللیل» است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

### 61- حمد در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 12،16

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبح بحمد ربك بالعشيّ و الإبر

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبح بحمد ربك بالعشيّ و الإبر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

ص: 331

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 1

1 - آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً

جمله «و هو الذی جعل لکم الیل لباساً» برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتمی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 4

4- نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أننا جعلنا الیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

تعبیر «ألم یروا..» لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8- عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 2

2 - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الّیل لباسًا

ص: 332

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلك» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین - به قرینه آیات بعد - آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

### 63- خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . . . کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 7، 3، 2

2- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. 2- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

3- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

7- آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 8

8 - ناتوانی غیر خدا، بر ایجاد شب، در صورت اراده خدا بر ثابت قرار دادن روز

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمدًا . . من إله غیر اللّٰه یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10، 5

5 - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

ص: 333

## یکوَر الیل علی النهار و یکوَر النهار علی الیل

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . . . کلّ یجری لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

خواب در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 3,5

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الیل» ؛ و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

5 - شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 2,3,11

2 - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابر این که «و النهار» عطف به «اللیل» باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

3 - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و «النهار» مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به «إبتغاء» و «باللیل» متعلق به «منامکم» باشد،

نکته فوق استفاده می شود.

11 - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی، برای دارندگان گوش شنوا، قابل درک است.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 9، 1

1 - تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم باللیل

«توفی» در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به «توفی» تعبیر شده است.

9 - خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جر حتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

ص: 334

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف «توفی» شب است و ظرف «جرحتم» روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 10 - 5

5- شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

### 64- خیریت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 2

2- «شب قدر» ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبارکه

با توجه به این که مفسران «لیله مبارکه» را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 1

1 - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

«سلام»؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صاح). خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، «سلام»، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شر» اصالت ندارد.

### 65- دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 3, 1

1 - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب ، برای نیایش خدا ، نشان مؤمنان راستین است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ .. تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

«تتجافی» از ریشه «جفی» به معنای «ملازم نبودن با مکان و جا» است (المنجد) لازم به ذکر است که «تتجافی» حال برای «الذین» در آیه پیش است.

3 - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب ، همراه با بیم و امید است .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا

ص: 335

## 66- دعا در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 9، 7

7- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الیل فتهجّد به نافله لک . . . و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

9- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجّد به . . . و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تهجّد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

## 67- ذکر در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 42 - 3

3 - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله . . . و سبحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که «بکره» و «أصیلاً» به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و اذکر اسم ربّک بکره و اُصیلاً

«بکره»، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب). «اُصیلاً» به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). «ذکر» هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

5 - سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم ربّک بکره و اُصیلاً

ص: 336

### 68- زمان شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 4

4 - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتی مطلع الفجر

### 69- زمینه نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 6

6 - اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

والذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

آمدن قید «لربهم» و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

### 70- زنبور عسل در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 5

5- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می گیرند . \*

و أوحی ربک إلى النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و ممّا یعرشون

واژه «بیت» در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به «بیت»، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

### 71- زوال تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2- از میان رفتن تاریکی شب با آمدن روشنایی روز، نشانه ای از تدبیر خداوند است .

فمحنوا ءایه الیل و جعلنا ءایه النهار مبصره

ص: 337

## 72- سختی اندازه گیری شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 6

6 - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) میسر و آسان نبود .

علم أن لن تحصوه

## 73- سلامتی شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 1,2,5

1 - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

«سلام» یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، «سلام»، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شر» اصالت ندارد.

2 - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . . سلم هی

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتی مطلع الفجر

حرف «حتی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

## 74- سوگند به آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 1

1 - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

«الَّيْلِ» عطف بر «الْحُنُسِ» است و قسم مؤکد در «لَا-أُقْسِمُ» به آن نیز تعلق دارد. فعل «عَسْعَسَ» گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابلی این آیه با آیه بعد (و الصَّحِيحُ إِذَا تَنَفَّسَ) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: «عَسْعَسَهُ»؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل «عَسْعَسَ» هر دو زمان را شامل است.

## 75- سوگند به پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 3، 1

1 - سوگند خداوند به شب، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسعس

«الیل» عطف بر «الخُتس» است و قسم مؤکد در «لا- أقسم» به آن نیز تعلق دارد. فعل «عسعس» گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تتفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: «عسعسه»؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل «عسعس» هر دو زمان را شامل است.

3- « [ فی المجمع ] « و اللیل إذا عسعس » ای أدبر بظلامه ، عن علیّ ( ع ) ؛

از علی (ع) درباره «و اللیل إذا عسعس» روایت شده که: یعنی [سوگند به شب آن هنگام که] با سیاهی خود پشت کرده [و رو به صبح می رود].

## 76- سوگند به تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3، 2

2- سوگند خداوند، به هنگامی که شب، خورشید را می پوشاند.

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «یغشاه»، «الشمس» دانسته شده است.

3- پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است.

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 3، 1، 2

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجی

«سجی الیل»؛ یعنی، شب با تاریکی خود ستر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد.  
(مقایس اللغه)

2 - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

3 - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

«آرامش یافتن» (یکی از معانی ذکر شده برای «سَجُو») در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

ص: 339

## 77- سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 4 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف «ال» در «الّیل»، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از «الّیل» را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. «یسر»؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه «یسری» بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 1,2

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در «هل فی ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . . . ألم تر کیف فعل ربّک بعد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب

قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

### **78- سوگند به شب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

ص: 340

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ . . . وَاللَّيْلِ . . . وَالصَّبْحِ . . . إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 1

1 - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ

واژه «وَسَقَ» به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند (مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ . . . لِتَرْكِبِنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 4 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ

حرف «ال» در «الَّيْلِ»، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از «الَّيْلِ» را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. «یسر»؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه «یسری» بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

2 - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ



می توان گفت، «حرکت شب» تعبیری است مانند «شب خوابیده» که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . . . إِنَّ رَبِّكَ لَبِالْمُرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله «إِنَّ رَبِّكَ» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

ص: 341

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3

1 - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الیل إذا یغشیها

طَبَق و [سرپوش هایی] مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، «غطاء» نام دارد؛ همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی] مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، «غشاء» می گویند (مفردات راغب). بنابراین «یغشاها» - که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت «أرض» گرفته شده - به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زکیها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «کذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « نفس انسان » و « ذات خویش » سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . وقد خاب من دسیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب...»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 2، 1

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الیل إذا یغشی

2 - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 4 - 2

2 - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إنّ سعیکم لشتی

ص: 342

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 8

8 - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل ... إنَّ سعیکم لشتی . فأما من أعطی ... لیسری . و أمّا من بخل ... فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجدی

«سجی الیل»؛ یعنی، شب با تاریکی خود ستر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد.  
(مقایس اللغه)

### 79- سوگند به شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 2 - 1

1 - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 2,1

1 - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

2 - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل في ذلک قسم لذي حجر

استفهام در «هل في ذلک...»، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 8

8 - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

ص: 343

و الفجر . .. ألم تر كيف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 8

8 - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إن ربك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله «إن ربك» می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

### 80- شب از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 1

1- خداوند ، شب و روز را دو نشانه از نشانه ها و آیات خویش قرار داده است .

و جعلنا الليل والنهار آیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 37 - 1

1 - شب ، آن گاه که روشنایی روز از آن رفته باشد ، از آیات بزرگ خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و آیه لهم الليل نسلخ منه النهار

«سلخ» (مصدر «نسلخ») در اصل به معنای ازاله پوست حیوان است و در آیه شریفه، کنایه از اخراج و ازاله روشنایی روز از شب است. جمله «نسلخ منه...» یا استتلاف بیانی است و یا حال برای «اللیل» می باشد. گفتنی است تنکیر «آیه» بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- « شب و روز » و « خورشید و ماه » ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من ءایته الّیل و النهار و الشمس و القمر

### **81- شب بیست و سوم ماه رمضان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 344

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

### 82- شب بیست و هفتم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع وعشرين ؛

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید».

### 83- شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

### 84- شب بیستوسوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . إذا كانت ليلة ثلاث وعشرين (من رمضان) « فيها يفرق كل أمر حكيم » . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرارسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد» . . .

### 85- شب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



7- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان ( بامداد و پسين ) وجود دارد .

لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

ص: 345

## 86- شب عید قربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 6

6 - « عن النبيّ (صلى الله عليه وآله) أنّه سُئِلَ عن الشفَعِ والوتر فقال : يومان و ليلة يوم عرفه و يوم النحر ، و الوتر ليلة النحر ليلة جُمع ;

از پیامبر (صلى الله عليه وآله) از شفَع و وتر سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است».

## 87- شب نشینیهای مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 67 - 3

3 - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (صلى الله عليه وآله) در محفل های شبانه شان

سمرّاً تهجرون

«سمر» (مصدر «سامر»); یعنی، گفت وگو و تشکیل محفل شبانه. «سامر» اسم جمع است مانند: «حاج»، «حاضر» و «حامل». «سامراً» حال دیگر برای ضمیر فاعل «تنكصون» است. «تهجرون» - به تقدیر تهجرون به - مشتق از «هُجِر» (بدگویی) و یا «هَجِر» (هزیان و یاوه گویی) است. جمله «تهجرون» (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای «سامراً» می باشد؛ یعنی، «در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید».

## 88- شب نشینیهای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 67 - 4

4 - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصیلت رفاه زدگان کافر

سمرّاً تهجرون

## 89- شب و توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - شب و روز ، دارای نشانه های فراوان توحید ربوبی برای شنوایان حق پذیر

هو الذی جعل لکم الّیل . . . و النهار . . . إن فی ذلک لآیت لقوم یسمعون

ص: 346

## 90- شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 1

1 - مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

وله ما سكن فی الیل والنهار

«سکن»، از ماده «سکنی» (به معنی مسکن گزید): و «ما سکن ..»، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 6,7

6 - روز، پیوسته با پوششی از شب نهان می شود.

یغشی الیل النهار

7 - نهان گشتن روز با پوشش شب، از تدابیر خداوند در جهان هستی

ثم استوی علی العرش یغشی الیل النهار

«یغشی الیل ..» بیان مصداقی است از جمله «استوی علی العرش».

## 91- شروع شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 38

38 - «عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله تعالی «أتموا الصیام إلی اللیل» قال : سقوط الشفق ;

از امام صادق (ع) در معنای «لیل» در آیه «أتموا الصیام إلی اللیل» روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود».

## 92- شگفتی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 3

3 - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

والیل و ما وستق

### 93- شگفتی وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 3

3 - آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

ص: 347

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

#### 94- صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 2

2 - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشد و طءا و اقوم قیلاً

ضمیر «هی» به «ناشئه» باز می گردد. «أشدّ» معادل «أثبت» (با ثبات تر، استوارتر) و «وطیء» مرادف «قیام» (ایستادن) است (لسان العرب). «اقوم» نیز به معنای «أشدّ» (محکم تر) و «قیلاً» همتای «مقال» (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

#### 95- عبادت در اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 7

7 - بخش نخست شب، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إنّ ناشئه الیل هی اشدّ و طءا

یکی از معانی «ناشئه اللیل»، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

#### 96- عبادت در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 5

5 - ظهر و عشا، لحظه هایی مناسب و ممتاز برای عبادت خداوند است .

فسبحن الله .. و له الحمد ... و عشیاً و حین تطهرون

در صورتی که مراد از «حین تطهرون» همان لحظه های خاص عصرگاه و نیم روز باشد، این برداشت قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 3

3 - شب هنگام ، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

ص: 348

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 1

1 - شب، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

«سبح» در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ»، تعلیل دیگری برای «قم الليل» است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 10

10 - شب هنگام، وقت مناسب برای عبادت، تسبیح و ستایش خداوند

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

### 97- عبرت از خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 5

5 - درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ

آمدن فعل «أراد» در جمله «لَمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ» - که در این جمله به منزله قید است - می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

### 98- عبرت از گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2- گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن ، درس عبرتی است برای صاحبان بصیرت و روشن دلی .

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

4- طبیعت ( گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن و . . . ) بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

ص: 349

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 99 - 2

2- فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

آن یأتیهم بأسنا بیئا . . . ضحی و هم یلعبون. أفأمنوا مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 67 - 9

9- کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . \*

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

چنان چه «أصبحوا» به معنای «دخلوا فی الصباح» باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش

- به قرینه فاء در «فأصبحوا» - پیش از صبح; یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 94 - 13

13- کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

«أصبحوا» می تواند به معنای «دخلوا فی الصباح» (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای «صاروا» (شدند و گشتند) باشد. بر

اساس معنای نخست، جمله «فأصبحوا» دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش - به قرینه

«فاء» در «فأصبحوا» - پیش از صبح; یعنی، در شب تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 37 - 4

4- زلزله مدین ، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا فی دارهم جثمین

احتمال دارد که «أصبحوا» به معنای «دخلوا فی الصبح» باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

### 100- عظمت تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3

3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 350

20 - لیل - 92 - 1 - 2

2 - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

### 101- عظمت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 4 - 3

3 - گذشت شب ، پدیده ای با عظمت در جهان طبیعت

و الیل إذا یسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 3

3 - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن «حجر» استفاده شده است.

### 102- عظمت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 3

3 - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 3

3 - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 2

2- پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

ص: 351

### 103 - عظمت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 3

2 - عظمت شب قدر، فراتر از حد بیان است.

و ما أدريک ما ليله القدر

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدريک ما ليله القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

### 104 - عظمت شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 3

3 - عظمت سپیده دم، شب های ده گانه، جفت، تاق و گذشت شب، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن «حجر» استفاده شده است.

### 105 - عمل صالح در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 5

5 - «عن حمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عز وجل «... ليله القدر خير من ألف شهر» أي شيء عنى بذلك، فقال العمل الصالح فيها من الصلاة والزكاة وأنواع الخير خير من العمل في ألف شهر ليس فيها ليله القدر؛

از حمران روایت شده که از امام باقر (ع) درباره سخن خدای عزوجل «... ليله القدر خير من ألف شهر» سؤال کرد که مقصود از این [بهتری بر هزار ماه] چیست؟ حضرت فرمود: عمل صالح در شب قدر، از قبیل نماز و زکات و انواع کارهای خوب، بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 18

18- « عن أبي عبدالله (ع) : في قول يعقوب لبنيه « سوف أستغفر لكم ربي » قال : أخرها إلى السحر ليلة الجمعة ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول يعقوب که گفت: «سوف أستغفر لكم ربي» روایت شده است که فرمود: يعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.».

ص: 352

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 11، 1

1- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند ( شب قدر )

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

11- « عَنْ حُمْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ » قَالَ : نَعَمْ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَهِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ فَلَمْ يَنْزَلِ الْقُرْآنُ إِلَّا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ . . . » ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ» سؤال کرد؛ حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 6

6 - شب قدر ، شبی با عظمت در پیشگاه خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 4، 1

1 - فضیلت شب قدر ، از هزار ماه خالی از آن ، افزون تر است .

لیله القدر خیر من ألف شهر

4 - « عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ حَمَلَ السَّلَاحَ عَلَى عَاتِقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَلْفَ شَهْرٍ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَجَبًا شَدِيدًا وَتَمَنَّى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي أُمَّتِهِ . . . فَأَعْطَاهُ اللَّهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَقَالَ : لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الَّذِي حَمَلَ الْإِسْرَائِيلِيُّ السَّلَاحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ رَمَضَانَ ;

از ابن عباس روایت شده که برای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ذکر مردی از بنی اسرائیل به میان آمد که او در راه خدا هزار ماه شمشیر خود را بر شانه اش حمل نموده [و آماده جهاد در راه خدا بود]. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از این جریان سخت تعجب نمود و آرزو کرد که این فضیلت در امتش باشد ... پس خداوند [در مقابل] به آن حضرت شب قدر را عطا کرد و فرمود: شب قدر، بهتر از هزار ماهی



است که آن مرد بنی اسرائیلی در راه خدا سلاح حمل کرد [این شب قدر] برای تو و امتت بعد از تو، تا روز قیامت در هر ماه رمضان خواهد بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 5

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

ص: 353

## 108- فضیلت شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 6

6- شب سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی، شبی با عظمت و بزرگ بود.

أسری بعبده لیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که تنکیر «لیلاً» برای تفخیم و تعظیم باشد.

## 109- فضیلت شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 2 - 3

3- وجود ده شب با فضیلت، به صورت پیاپی در بین شب های هر سال

و لیال عشر

درباره مراد از شب های ده گانه، اقوال و روایات گوناگونی وجود دارد. مشهورترین آنها این است که مراد، شب های دهه اول ذی الحجه است. برخی آن را بر دهه آخر ماه رمضان و یا دهه اول ماه محرم تطبیق داده اند.

## 110- فضیلت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 2,3

2- ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت

شبانه

هی أشدّ وطءاً و أقوم قیلاً

ضمیر «هی» به «ناشئه» باز می گردد. «أشدّ» معادل «أثبت» (با ثبات تر، استوارتر) و «وطء» مرادف «قیام» (ایستادن) است (لسان العرب). «أقوم» نیز به معنای «أشدّ» (محکم تر) و «قیلاً» همتای «مقال» (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

در صورتی که اضافه «ناشئه اللیل» ظرفیه باشد؛ مقصود از پدیده، عبادت شبانه بوده و معنای «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ» چنین خواهد بود: «به راستی پدیده ای (عبادتی) که در شب واقع می شود...». گفتنی است که آیه شریفه در مقام تمجید و ستایش از عبادت شبانه است.

ص: 354

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 3، 1

1 - خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الّیل» ; و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 73 - 3

3 - تأمین نیاز انسان ( نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه ) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لکم الّیل . . . لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 10، 7، 1

1 - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه

7 - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعه لآتیة . . . اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

10 - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ . . . إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

## 112- فلسفه سوگند به تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 7

7 - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجدی . ما ودّع ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

ص: 355

### 113- فواید اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 7

7 - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا

یکی از معانی «ناشئه اللیل»، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

### 114- فواید تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 3

3 - نقش سازنده تاریکی شب ، در آرامش یافتن انسان ها

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

در جمله «اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ ..» - به قرینه آمدن «مبصراً» در «والنهار مبصراً» - کلمه «مظلماً» محذوف است؛ یعنی، «جعل اللیل مظلماً لتسکنوا». براین اساس گفتن این نکته که شب را تاریک قرار دادیم - با آن که این نکته ای روشن است - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 3

3- فراهم شدن زمینه استراحت برای انسان ، در اثر ناپیدا بودن موجودات در تاریکی شب ، از نعمت های خداوند به او است .

و جعلنا اللیل لباساً

### 115- فواید حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 9

9- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آية النهار .. لتعلموا عدد السنين والحساب

## 116- فواید شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 10

10- لحظات آرام و تیره شب ، لحظاتی مناسب برای ارتباط با خدا و اوج گرفتن در مقامات معنوی

و من الیل فتهجد به .. عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً

ص: 356

هر چند عبادت در همه حالات مناسب است، اما اختصاص به ذکر شب از میان سایر اوقات بخصوص با لفظ «تهجد» - که بیدار شدن از خواب را دربردارد - می تواند بر نکته فوق دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 2

2- شب، وسیله ای است برای پوشش هر آنچه بشر به مخفی بودنش نیاز دارد.

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا

در تشبیه شب به لباس، همان گونه که لباس بدن انسان را می پوشاند، شب نیز بسیاری از چیزهایی که بشر به مخفی بودنش نیاز و علاقه دارد، می پوشاند و چون آیه شریفه در مقام بر شمردن نعمت های الهی و امتنان بر بندگان است، می تواند مؤید همین مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 5

5- آرامش بخشی شب به تن خسته آدمیان، از حکمت های الهی در پدید آوردن آن

جعلنا الیل لیسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 73 - 2

2- شب، بستری مناسب برای سکون و آرامش انسان

جعل لکم الیل... لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 2

2- شب، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



6 - شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی

كانوا قليلاً من الّيل ما يهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 1

1 - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الّيل . . . إنّ ناشئه الّيل ... و أقوم قیلاً

«ناشئه» مشتق از «نُشَأُ» (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه «ناشئه» به «اللیل»، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای «قم اللیل...» می باشد؛

ص: 357

یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 1

1 - شب، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

«سبح» در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ»، تعلیل دیگری برای «قم الليل» است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 13

13 - شب هنگام، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنى من ثلثي الليل... فاقروا ما تيسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان، شب، روز، زمین، آب، گیاه و کوه ها برای انسان و دام، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است.

متعاً لكم ولأنعمكم

«متعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، «تمتعاً لكم».

## 117- قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 4

4- اهمیت قرائت قرآن، در نماز شب

و قرآن الفجر . . و من الیل فتهجد به نافله لک

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «قرآن»، نماز مشتمل بر قراءت قرآن باشد.

### **118- قیام در نماز شب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 2

2- ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته

ص: 358

هی اشدّ وطاً و اقوم قیلاً

ضمیر «هی» به «ناشئه» باز می گردد. «اشدّ» معادل «أثبت» (با ثبات تر، استوارتر) و «وطیء» مرادف «قیام» (ایستادن) است (لسان العرب). «اقوم» نیز به معنای «أسدّ» (محکم تر) و «قیلاً» همتای «مقال» (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

### 119- گردش سریع شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 8

8 - شب با پوشش و شتابی سریع، برای پوشاندن روز، به دنبال آن در حرکت است.

یطلبه حیثاً

ضمیر فاعلی در «یطلبه» می تواند به «اللیل» بازگردانده و طبعاً ضمیر مفعولی به «النهار» بر می گردد. عکس این معنا نیز محتمل است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

### 120- گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 1

1 - خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

و الله علی کلّ شیء قدير. انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار ل

جمله «انّ فی ..» می تواند بیانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (و الله علی کلّ شیء قدير) باشد که در آیه قبل مطرح شد. بنابراین مراد از «لایات»، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 9

9 - روز، پیوسته با حرکتی سریع در تکاپوی شب است.

و يطلبه حثيثاً

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در «یطلبه» به «النهار» برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 6 - 1

1 - آمد و رفت شب و روز ، از آیات و نشانه های روشن ربوبیت خداست .

إن ربکم اللّٰه . . . إن فی اختلاف الّیّٰل و النهار . . . لأیت

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 8

8 - گردش شب و روز و پیدایش فصل های مختلف ، یکی دیگر از جلوه های تدبیر و ربوبیت بی شریک خداوند

و له اختلف الیل والنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 6

6 - گردش شب و روز و آرامش در شب و روز پر تلاش ، نشانه ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک . . . و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 71 - 9

9 - نظام توالی شب و روز ویژه عالم دنیا است .

إن جعل الله علیکم الیل سرمداً إلی یوم القیمه

برداشت یاد شده با توجه به تقیید «سرمداً» به قید «إلی یوم القیامه» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 12

12 - نظام توالی شب و روز ، مخصوص عالم دنیا است .

إن جعل الله علیکم النهار سرمداً إلی یوم القیمه

با توجه به مقید شدن «سرمداً» به قید «إلی یوم القیامه»، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 73 - 1

1 - نظام توالی شب و روز ، جلوه ای از رحمت خدا بر خلق است .

و من رحمته جعل لكم الليل والنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 20، 10، 4

4 - گردش شب و روز به قدرت خداوند ، دلیل توان مندی او بر آسان زنده کردن مجدد انسان ها پس از مرگ است .

ما خلقکم و لابعثکم إلا کنفس وحده . . . ألم تر أنّ الله یولج الیل فی النهار

10 - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص - و نه پدیده ای تصادفی - است .

یولج الیل . . . و سخر الشمس و القمر کلّ یجری إلى أجل مسمّی

20 - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

الم تر . . . و أنّ الله بما تعملون خبیر

«أنّ الله بما..» عطف بر «أنّ الله یولج...» است. بنابراین، ارتباط «أنّ الله...» با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است

ص: 360

که هر کس چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 2، 1

1 - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه، برخاسته از حق محض بودن خداوند است.

ألم تر أنّ الله يولج الليل . . . ذلك بأنّ الله هو الحقّ

2 - نوسان های مداوم شب و روز، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها، بر حق محض بودن او دلالت دارد.

ألم تر أنّ الله يولج الليل . . . ويولج النهار . . . وسخّر الشمس و... وأنّ اللّ

«ذلك بأنّ الله..» می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

## 121- گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 4

4 - آمد و شد شب و روز، حاوی نشانه های توحید و دلیلی بر رحمانیت و رحیمیت خداوند است.

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في ... اختلاف الليل والنهار ... لأيت

«اختلاف» به معنای تردد (رفت و شد) و نیز به معنای جایگزین شدن چیزی یا کسی به جای دیگری است. همچنین به معنای عدم تساوی آمده است. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 6 - 2

2 - آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هریک به جای دیگر، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل

مراد از «يولج الليل في النهار..» می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب را می برد و روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.



1 - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش ، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

2 - در پی هم آوردن شب و روز و جای گزینی مستمر یکی به جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا

بأنَّ الله يولج الليل في النهار و يولج النهار في الليل

«ایلاج» (مصدر «یولج») به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را به تدریجاً جای روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می دهد. هم چنین می تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

3 - نوسانات مستمر ساعات شب و روز ( کوتاهی و بلندی آنها ) در طول سال ، نشان از قدرت بی نهایت خداوند دارد .

ذلك بأنَّ الله يولج الليل في النهار و يولج النهار في الليل

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 1,4

1 - جابه جایی مستمر شب و روز در پرتو قدرت خدا ، نشانه ای گویا از تدبیر و ربوبیت او است .

بأنَّ الله يولج الليل في النهار .. ذلك بأنَّ الله هو الحقّ

آیه پیش در بیان یکی از جلوه های قدرت و توانایی مطلق خدا بود؛ یعنی، جابه جا کردن شب و روز که با آن نظام زندگی انسان ها سامان می یابد. در این آیه می فرماید: این که خداوند خود تدبیر نظام جهان را در اختیار گرفت، بدان سبب است که در تمام هستی، تنها او است که اله و معبود به حق است و هر چه غیر او - که معبود پنداشته می شوند - پوچ، باطل و موهوم اند و بلند مرتبگی و بزرگی، تنها برازنده او است و نه غیر او.

4 - گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا ، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بأنَّ الله يولج الليل في النهار .. وأنَّ ما يدعون من دونه هو البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الليل و النهار .. ءآیت لقوم يعقلون

«اختلاف..» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می

کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

## **122- گسترش تاریکی شب**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 2

2- پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

ص: 362

### 123- محرومیت از شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 5

5 - توانایی خدا بر ثابت نگه داشتن روشنایی روز و محروم ساختن اهل آن از نعمت شب تا روز قیامت

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم النهار سرمدًا إلی یوم القیمه

### 124- محمد (صلی الله علیه و آله) و شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدریک ما لیله القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

### 125- مرز شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 23

23 - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم لیله الصیام .. کلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض

«ایاماً معدودات» در آیه 184، روزه را مخصوص روز می داند و «حتی یتبین ..» شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز

در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

### 126- ملاک تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 6 - 6

6- تقدیر و تثبیت امور در شب قدر ، براساس رحمت پروردگار به خلق

فيها يفرق كلّ امر حكيم . . . رحمه من ربك

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «رحمه. .» در مقام بیان دلیل «یفرق...» باشد؛ یعنی، تقدیر و تثبیت امور مهم، برای رحمت رسانی است.

ص: 363

## 127- مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 5,9

5 - حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ يريدون وجهه

9 - بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 1,3

1 - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب، برای نیایش خدا، نشان مؤمنان راستین است.

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ... تتجافى جنوبهم عن المضاجع

«تتجافی» از ریشه «جفی» به معنای «ملازم نبودن با مکان و جا» است (المنجد) لازم به ذکر است که «تتجافی» حال برای «الذین» در آیه پیش است.

3 - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب، همراه با بیم و امید است.

يدعون ربّهم خوفاً وطمعاً

## 128- منشأ بلندی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 5

5 - بلندی و کوتاهی شب و روز، به تقدیر و اندازه گیری خداوند است.

والله يقدر الليل والنهار

## 129- منشأ تاریکی شب

1 - تاریک ساختن شب در فضای آسمان ، کار خداوند و نشانه قدرت او است .

و أغطش ليلها

«أغطش»؛ یعنی، تاریک ساخت (مفردات راغب). ارجاع ضمیر «لیلها» به آسمان، به این جهت است که منشأ پیدایش شب، وضعیت اجرام آسمانی است.

ص: 364

### 130- منشأ تغییر مدت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 6 - 1

1 - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

«ایلاج» (مصدر «یولج») به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از «یولج الیل فی النهار» (شب را در روز داخل می کند)، این باشد که او از مقدار شب می کاهد و بر مقدار روز می افزاید و مقصود از «یولج النهار فی الیل» (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

### 131- منشأ جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 1

1 - خداوند ، شب و روز را جانشین و از پی یکدیگر قرار داد .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه

«خلفه» در لغت، قرار گرفتن و جایگزینی دو چیز به جای یکدیگر است (مفردات راغب).

### 132- منشأ راهیابی در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 63 - 1

1 - راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أمن یتهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر

### 133- منشأ شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 29 - 3



3 - توانمندی خداوند بر ایجاد شب و روز ، نشانه قدرت او بر احیای دوباره انسان است .

ءأنتم أشدّ .. و أغطش لیلها و أخرج ضحیها

### 134- منشأ کوناهی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 365

5- بلندی و کوتاهی شب و روز، به تقدیر و اندازه گیری خداوند است.

والله یقدر الیل و النهار

### 135- منشأ گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 5

5- گردش و آمد و شد شب و روز، تنها به اراده خداوند

وله اختلف الیل و النهار

حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 44 - 1

1- گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن به دست خدا است.

یقلم الله الیل و النهار

«تقلیب» به معنای تغییر شیء از حالی به حال دیگر و هیأتی به هیأتی ضد آن است. تقلیب شب و روز به معنای جابه جایی آن دو و یا ناظر به کوتاه و بلند شدن و تحولات ناشی از آن است.

### 136- نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 2,3,4,5,8,10

2- روح نازل شونده در شب قدر، هم ردیف فرشتگان نبوده و موجودی برتر از آنان است.

تنزل الملائکه و الروح فیها

«عطف» نشانه تغایر است و می تواند از قبیل ذکر خاص، بعد از عام و نشانه عظمت باشد. برداشت یاد شده به هر دو احتمال نظر دارد.

3- شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل «تنزل»، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

4- نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائكة و الروح فيها

5- فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر ، با اذن خداوند و رخصت او است .

تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم

8- فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر ، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

باذن ربهم

ص: 366

واژه «ربّ»، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - فرمان های خداوند ، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزّل . . من کلّ امر

حرف «من» - که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است - بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «امر» - که در این برداشت، مفرد «أوامر» گرفته شده است - فرمانی است که آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 6

6 - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر ، وقفه ای پدید نمی آید .

تنزّل الملائکه و الروح فیها . . حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی»، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

### 137- نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 4، 1

1- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

4- نزول قرآن در شبی مبارک ، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 8

8- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی «فیها یفرق کلّ امر حکیم» بر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ»، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 138- نزول کتب آسمانی در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 5 - 6

6- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران \*

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

ص: 367

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت «إِنَّا كُنَّا..» به مجموع «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ» نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

### 139- نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 5,8,10,12,13

5 - فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر ، با اذن خداوند و رخصت او است .

تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم

8 - فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر ، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

بیاذن ربهم

واژه «رب» ، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - فرمان های خداوند ، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزل . . . من کلّ أمر

حرف «من» - که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است - بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از «أمر» - که در این برداشت، مفرد «أوامر» گرفته شده است - فرمانی است که آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، آیه 82)، ناظر به آن است.

12 - «عن محمد بن عليّ (ع) أنّه قال في قول الله تعالى «تنزل الملائكة و الروح فيها» قال : تنزل فيها الملائكة و الكتبه إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنة من امور ما يصيب العباد . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی «تنزل الملائكة و الروح فيها» فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

13 - «عن النبيّ (صلى الله عليه و آله) أنّه قال : إذا كان ليلة القدر تنزل الملائكة الذين هم سكان سدره المنتهى و منهم جبرئيل فينزل جبرئيل (ع) و معه ألوية ينصب لواء منها على قبرى و لواء على بيت المقدس و لواء فى المسجد الحرام و لواء على طور سيناء و لا يدع فيها مؤمناً و لا مؤمنة إلا سلم عليه ;

از پیامبر(صلى الله عليه و آله) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن «سدره المنتهى» - که از جمله آنان

جبرئیل است - نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند».

#### **140- نشانه های برکت شب قدر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 5

5- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

ص: 368

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

### 141- نشانه های فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 4

4 - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 2

2 - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند ، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر .. سلم هی

### 142- نعمت تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 4 - 4

4 - تاریک شدن زمین در شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها

و الیل إذا یغشیها

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 2 - 2

2 - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

### 143- نعمت شب



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 4

4 - شب و روز ، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 369

7 - آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا و النوم سباتًا و جعل النهار نشورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الیل . . . لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گزاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم الیل سرمداً . . . إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمداً .

توحید ربوبی و برشمردن نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

8 - لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و روز برای منافع انسان ها

جعل لکم الیل و النهار . . . و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - شب آرامش دهنده و روز روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصرًا .. و لکنّ اکثر الناس لای

### 144- نعمت گسترش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 1 - 3

3 - گستردگی تاریکی شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و الّیل إذا یغشی

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

ص: 370

## 145- نعمتهای خدا در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 3 - 3

3- نعمت های نازل شده از سوی خداوند در شب های قدر، ارجمندتر از نعمت های عطا شده در ماه هایی بی شمار است.

لیله القدر خیر من ألف شهر

فضیلت زمان ها، به ارزشمندی مظلوف آن بستگی دارد که در آغاز سوره نمونه ای از آن (نزول قرآن) مطرح شد و جمله «سلام هی» (در آیات بعد) بیانگر ارزشمندی سایر اموری است که در شب قدر تحقق می یابد. عدد «ألف» (هزار)، در برخی آیات دیگر؛ نظیر «لویعمر ألف سنه» (بقره، آیه 96) در معنای کثرت به کار رفته است و احتمال اراده آن معنا، در این آیه نیز وجود دارد.

## 146- نقش حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 14

14- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل والنهار آیتین... و کلّ شیء فصلّنه تفصیلاً

یکی از مصادیق «کلّ شیء...» به قرینه جمله «و جعلنا اللیل والنهار آیتین» می تواند گردش شب و روز باشد.

## 147- نقش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 9

9- خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف «توفی» شب است و ظرف «جرحتم» روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- دریاها، رودخانه‌ها، خورشید، ماه و شب و روز، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیازهای انسان

و سخّر لکم الفلک... و سخّر لکم الأنهر. و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و

ص: 371

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 2,8

2- نادیده گرفتن اهمیت نقش شب و روز در زندگی انسان ، نمونه ای از تکذیب جاهلانه آیات الهی

أَكذَّبْتُمْ بآيَاتِي وَلَمْ تحيطوا بها علمًا .. ألم يروا أننا جعلنا الليل ... و النهار

«ألم يروا..» به اصطلاح ذکر خاص بعد از عام و یادآوری نمونه ای از آیات الهی است که از سوی کافران مورد تکذیب قرار گرفته است.

8- وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إنّ في ذلك لآيت لقوم يؤمنون

عبارت «قوم يؤمنون»؛ یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 9

9- شب ، بهترین و مناسب ترین زمان برای استراحت و آسایش

يأتیکم بليل تسکونون فيه

تصریح خداوند به این که شب را برای آسایش و استراحت بشر قرار داده است، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

### 148- نقش شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 3

3- قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إنّا أنزلنه في ليله القدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 4 - 1

1- شب قدر ، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است .

تنزّل الملائکة و الروح فیها

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل «تنزّل» - که در اصل تنزّل بوده و به جهت تخفیف یکی از «تاء»های آن حذف شده است - فرود آمدن به زمین است.

### 149- نماز در اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 7

7- بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا

ص: 372

یکی از معانی «ناشئه الليل»، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

### 150- نماز شب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 7

7 - مؤمنان و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک . . . علم أن لن تحصوه

### 151- نماز شب صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 11

11 - مؤمنان و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . فافرقوا ما تیسّر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

### 152- نماز شب محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 18، 2، 1

1- فرمان الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد بیدار شدن در بخشی از شب ، برای اقامه نافله شب

و من الیل فتهجد به نافله لک

2- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی «نافله» که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص «لک» نکته یاد شده قابل استفاده



18- « عن عمار الساباطی قال : کنا جلوساً عند أبي عبدالله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فريضه قال : ففزعنا و فرع الرجل ، فقال : أبو عبدالله (ع) : إنما أعنی صلاه اللیل علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) ان الله يقول : « و من اللیل فتهجد نافلة لك » ;

عمار ساباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافلة ها چه می گوئید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشتیم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من اللیل فتهجد به نافلة لك».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 2 - 6

6- « عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال : سألتُه عن قول الله : « قم الليل إلا قليلاً » قال : أمره الله أن يصلي كلَّ ليلة إلا أن يأتي عليه ليلة في الليالي لا يصلي فيها شيئاً ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: «قم الليل إلا قليلاً» سؤال کردم، فرمود: خداوند به او (رسول الله) دستور داده که هر شب نماز [شب] بخواند؛ مگر این که شبی از شب ها بیاید که در آن نتواند نمازی بخواند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 7

7- فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً

یکی از معانی «تسبیح»، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

### 153- نماز شب مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 11

11 - مؤمنان و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنى من ثلثي الليل . . . فافرقوا ما تيسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

### 154- نماز شب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 50

50- « سأله [ الصادق (ع) ] عبدالله بن سنان ، عن قول الله عز وجل « سيماهم في وجوههم من أثر السجود » قال : هو السَّهَرُ في الصلاة

عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «سِماهم فی وجوههم من أثر السجود» پرسید، آن حضرت فرمود:  
منظور [اثر] شب زنده داری با نماز است».

ص: 374

## 155- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 24

24- « عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (صلی الله علیه و آله) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبياء و صلی بها و رده . . . » ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. . .».

## 156- وقت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 37

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : « فان قال : فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور ؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل الله فيه القرآن و فيه فرق بين الحق و الباطل كما قال الله عز و جل « شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان » و فيه نبیء محمد (صلی الله علیه و آله) و فيه ليله القدر التي هي خير من ألف شهر . . . » ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». در این ماه حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 9

9- « عن أبی عبدالله (ع) : . . . إذا كانت ليله ثلاث و عشرين (من رمضان) « فيها يفرق كل أمر حكيم » . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرارسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد. . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 10،11،12

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا والله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه

ص: 375

خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع وعشرين ;

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 5

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

### 157- وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 6

6 - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إنّ ناشئه الّیل

«ناشئه اللیل»، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

### 158- ویژگی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 2

2 - خداوند شب را هنگام آرامش و روز را زمان تلاش و کار قرار داده است.

فالق الإصباح و جعل الّیل سکنا

ذکر صبح قبل از بیان سکون بودن شب، اشاره ای لطیف به تفاوت روز و شب دارد، که در حقیقت روز نقطه مقابل شب و برای کار و تلاش قرار داده شده است.

### 159- ویژگیهای آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 2

2 - لحظه آغاز و پایان شب، لحظاتی برجسته در ساعات و مواقع شب

ص: 376

و الّیل إذا عسعس

«إذا» در «إذا عسعس»، قسم به شب را به حالت خاصی از شب اختصاص می دهد. در این موارد «إذا» را ظرف برای «کائناً» به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدّمه برای «اللیل» به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این حالت از شب، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است.

### 160- ویژگیهای پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 17 - 2

2 - لحظه آغاز و پایان شب، لحظاتی برجسته در ساعات و مواقع شب

و الّیل إذا عسعس

«إذا» در «إذا عسعس»، قسم به شب را به حالت خاصی از شب اختصاص می دهد. در این موارد «إذا» را ظرف برای «کائناً» به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدّمه برای «اللیل» به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این حالت از شب، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است.

### 161- ویژگیهای شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 3

3- شب هنگام، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أمن هو قنت ءاناء الیل

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

### 162- ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 10

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلّا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنّ في ليله تسع عشره يلتقي الجمعان و في



لیله احدی و عشرین یفرق کلّ أمر حکیم و فی لیله ثلاث و عشرین یمضی ما أراد الله جلّ جلاله ذلک و هی لیله القدر التی قال الله : «  
خیر من ألف شهر» ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه

ص: 377

خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

### 163- ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 10

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلاّ في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خیر من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

### 164- ویژگیهای شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 4 - 44 - 1,2

1- شب قدر ، شب تقدیر ، تدبّر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ امر حکیم

واژه «یفرق» ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

2- شب قدر ، شب ترسیم تفصیلی امور مجمل و حقایق بسیط

فیها یفرق کلّ امر حکیم

برداشت یاد شده بنابراین که نکته است که از واژه «یفرق»، معنای تجزیه و تفصیل اراده شده باشد؛ زیرا امور این جهان دارای دو مرحله است: مرحله اجمال و ابهام که از آن تعبیر به «حکیم» شده و مرحله تفصیل و بسط که از آن تعبیر به «یفرق» شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ابزار شناخت ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست.

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در «ما أدراک»، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

ص: 378

## 165- ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 10

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول وناس يسألونه ويقولون إن الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا والله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان واحدى وعشرين و ثلاث وعشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى وعشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث وعشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

## 166- هفت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 7 - 1

1 - خداوند ، بادی سرد و توفنده را هفت شب و هشت روز پی در پی ، بر قوم عاد مسلط کرد .

بریح صرصر عاتیه . سخرها عليهم سبع ليال و ثمنیه ایام حسوماً

«حسوم» به معنای شوم و یا تداوم در عمل است (قاموس المحيط). در این آیه هر دو معنا، می تواند مراد باشد؛ زیرا در سوره های دیگر (فصلت و قمر) به این دو معنا اشاره شده است.

شب و روز

## 167- {شب و روز}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 27 - 3، 2، 1

1 - نوسان در مدت شب و روز (تنظیم گردش ایام) ، از مظاهر قدرت الهی

انك على كل شيء قدير. تولج الليل في النهار و تولج النهار في الليل

«تولج النهار . . .»، به معنای داخل کردن شب در روز و به عکس می باشد که بیانگر کاسته شدن از یکی و افزوده شدن به دیگری است.  
«تولج»، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار این معنا دارد.

2- نوسان در مدت شب و روز، دربردارنده خیر و مصالح انسان

ص: 379

بیدک الخیر . . . تولج الیل فی النهار

3- تبدیل تدریجی شب و روز، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

اتک علی کل شیء قدیر. تولج الیل فی النهار

بنابراینکه «ولوج» به معنای تبدیل تدریجی باشد.

### 168- تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و . . . آیت لقوم یعقلون

«اختلاف. . .» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 37 - 3

3- نظام حاکم بر شب و روز و توالی نور و ظلمت بر زندگی اهل زمین، به تقدیر و تدبیر خدا است.

و آیه لهم الیل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 5,6

5- توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی، از نعمت های الهی برای بشر است.

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . . . و کلّ فی فلک ینسبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

6- توالی شب و روز و نور و تاریکی در زندگی انسان، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است.

وَأَيُّهُمُ اللَّيْلُ . . . لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقَ النَّهَارِ ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه 37 نیز به آن تصریح شده است.

تداوم تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 2

2- توالی شب و روز و نظام حاکم بر آنها ، تا قیامت باقی خواهد بود .

و لَا اللَّيْلُ سَابِقَ النَّهَارِ

مقصود از پیشی نگرفتن شب از روز (و لَا اللَّيْلُ سَابِقَ النَّهَارِ)، پیشی گرفتن از نظر سیر و حرکت نیست؛ بلکه مراد مسخر خدا

ص: 380

بودن ماه و خورشید و بقای نظم موجود بر روز و شب و نیز تغییرناپذیری حرکت ماه و خورشید است.

### 169- تعقل در گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 10

10 - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت .. أفلا تعقلون

### 170- تفاوت شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و .. آیت لقوم یعقلون

«اختلاف..» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 5

5 - اختلاف شب و روز ( تفاوت آنها در کوتاهی و بلندی و ... ) از نشانه های توحید و بیانگر رحمانیت و رحیمیت خداست .

لا إله إلا هو الرحمن الرحیم. إن فی ... اختلف اللیل و النهار ... لأیت

برداشت فوق مبتنی بر این اساس است که کلمه «اختلاف» در آیه شریفه به معنای عدم تساوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 6 - 2

2 - اختلاف شب و روز ( کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال ) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .



إن فی اختلاف الیل و النهار . . . لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 13

13 - لحظه ها و اوقات شبانه روز ، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر نیستند .

و سیح بحمد ربک قبل طلوع . . . ءانآی الیل فسح و اطراف النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 381

2 - نوسانات مستمر ساعات شب و روز ( کوتاهی و بلندی آنها ) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

### 171- شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 13 - 1

1 - مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سکن فی الیل و النهار

«سکن»، از ماده «سکنی» (به معنی مسکن گزید): و «ما سکن . . .»، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 6,7

6 - روز ، پیوسته با پوششی از شب نهان می شود .

یغشی الیل النهار

7 - نهان گشتن روز با پوشش شب ، از تدابیر خداوند در جهان هستی

ثم استوی علی العرش یغشی الیل النهار

«یغشی الیل . . .» بیان مصداقی است از جمله «استوی علی العرش».

### 172- گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 1,2,3

1 - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

2 - در پی هم آوردن شب و روز و جای گزینی مستمر یکی به جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا

بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

ص: 382

«ایلاج» (مصدر «یولج») به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را به تدریجاً جای روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می دهد. هم چنین می تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

3- نوسانات مستمر ساعات شب و روز ( کوتاهی و بلندی آنها ) در طول سال ، نشان از قدرت بی نهایت خداوند دارد .

ذلک بأنّ اللّٰه یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 4، 1

1 - جابه جایی مستمر شب و روز در پرتو قدرت خدا ، نشانه ای گویا از تدبیر و ربوبیت او است .

بأنّ اللّٰه یولج الّیل فی النهار .. ذلک بأنّ اللّٰه هو الحقّ

آیه پیش در بیان یکی از جلوه های قدرت و توانایی مطلق خدا بود؛ یعنی، جابه جا کردن شب و روز که با آن نظام زندگی انسان ها سامان می یابد. در این آیه می فرماید: این که خداوند خود تدبیر نظام جهان را در اختیار گرفت، بدان سبب است که در تمام هستی، تنها او است که اله و معبود به حق است و هر چه غیر او - که معبود پنداشته می شوند - پوچ، باطل و موهوم اند و بلند مرتبگی و بزرگی، تنها برازنده او است و نه غیر او.

4- گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا ، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بأنّ اللّٰه یولج الّیل فی النهار .. و أنّ ما یدعون من دونه هو البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الّیل و النهار و .. آیت لقوم یعقلون

«اختلاف..» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 4

4- آمد و شد شب و روز ، حاوی نشانه های توحید و دلیلی بر رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في ... اختلف الليل والنهار ... لأيت

«اختلاف» به معنای تردد (رفت و شد) و نیز به معنای جایگزین شدن چیزی یا کسی به جای دیگری است. همچنین به معنای عدم تساوی آمده است. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 6 - 2

2- آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هریک به جای دیگر ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

يُولجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ

ص: 383

مراد از «یولج اللیل فی النهار. .» می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب را می برد و روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

### 173- مرز شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 23

23 - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليلة الصيام .. . كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

«أياماً معدودات» در آیه 184، روزه را مخصوص روز می داند و «حتى يتبين .. .» شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

ص: 384

### 1- آثار شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 13

13 - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذين يحاجون في الله .. عليهم غضب و لهم عذاب شديد

### 2- آثار شبهه افکنی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 13

13 - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذين يحاجون في الله .. عليهم غضب و لهم عذاب شديد

### 3- آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 9 - 3

3 - تأثیر پذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکار آمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفي قول مختلف . يؤفک عنه من أفک

ضمیر در «عنه» می تواند به «قول مختلف» بازگردد. در این صورت «عن» تعلیلیه بوده و جمله «یؤفک...» صفت برای «قول» می باشد؛ یعنی ، «یؤفک بسببه...».

### 4- القای شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 11، 6





6- اشراف کفرییشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند.

قال الملائة .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

11- تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح، تلاشی بی ثمر بود.

قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

### 5- القای شبهه در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخليط في المفروضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبيين». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

### 6- القای شبهه در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 8

8 - القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت‌های شیاطین است.

إن الشيطان ليوحون إلى أوليائهم

### 7- القای شبهه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 1، 11

1 - فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنت‌های زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما يحكمون. و كذلك زين لكثير من المشركين قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به «شركاء» نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

11 - شریکان موهوم خداوند با تزیین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلیسوا علیهم دینهم

«ردی» به معنای هلاکت و «لیس» به معنای اشتباه است.

ص: 386

## 8- القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبیین». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

## 9- اهمیت شبهه زدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 3

3- لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

## 10- اهمیت شبهه زدایی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 78 - 12

12 - زدودن خیالات و توهمات واهی درباره مسائل دینی، شرط اساسی برای ایجاد زمینه های ایمان واقعی در مردم

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا أمانی

جمله های فوق (أفتطمعون . . .) حاوی این معناست که تا مردم به خیالات واهی، به عنوان مسائل دینی دل خوش کرده اند، انتظار ایمان از آنان نا به جاست. بنابراین آیات یاد شده اشاره به این نکته دارد که: داعیان اسلام و قرآن باید تلاش کنند خیالات واهی را از مردم بزدایند تا زمینه ایمان در آنان فراهم شود.

## 11- اهمیت شبهه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 8

8 - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

ص: 387

سیقول . . . ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق والمغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

## 12- بی تأثیری شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 1

1 - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر، به آن ایمان بیاورند.

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخت له قلوبهم

ضمیر در «أنته الحق» به قرآن باز می گردد که در آیه 52 از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. «إخبات» (مصدر «تخت») مشتق از «خَبْتُ» است. «خَبْتُ» به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. «قلب مخبت»؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله «فینسخ الله ما یلقى الشیطن...» است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

## 13- پاسخ به شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 34

34 - لزوم پاسخگویی به تبلیغات و شبهات دشمن و مقابله مناسب در برابر آنان

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیہ قل قتال فیہ کبیر

وقوع قتل از سوی مسلمانان در ماه حرام، موجب اعتراض و تبلیغات دشمنان دین گردید. قرآن در عین تحریم قتل در ماه حرام، با بیان اعمال خلاف مشرکان، تبلیغات دشمن را خنثی کرد.

## 14- تأثیر شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فکلوا مما ذکر اسم الله .. و ما لکم الا تأکلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

ص: 388

## 15- ترک شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 2

2 - لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثم کلاً

## 16- تهدید شبهه افکنان در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 6

6 - صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیت آن

عمّ یتساءلون . . . إنّ یوم الفصل کان میقتاً

## 17- رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 15, 17

15- لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در «منه» قرآن است و مخاطب جمله «فلاتک . . .» تک تک انسانهاست.

17- درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بینه . . . فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله «فلاتک فی مریه منه» (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

## 18- رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 6,8

6 - زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فینسخ الله ما یلقى الشیطن ثم ینحکم الله ءایته

ص: 389



«نسخ» (مصدر «ینسخ») به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. «ما» (مفعول «ینسخ») کنایه از شبهه‌ای است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می‌نهد. «احکام» نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می‌شود: آن‌گاه خداوند شبهات شیطانی را می‌زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می‌ساخت.

8 - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه‌ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان... والله عليم حكيم

### 19- رفع شبهه در تبليغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 6

6 - ارائه راه حق و تفسیر حقیقت، در برابر سخنان باطل و شبهه‌انگیز، شیوه‌پسندیده در تبلیغ و ارائه تعالیم دین

ولا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ وأحسن تفسیراً

### 20- روش رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 66 - 3

3 - بیان شبهه و القای آن، جهت آمادگی برای ابطال و رفع شبهه، مجاز است.

قال بل ألقوا فإذا

موسی(ع) می‌توانست با انتخاب شروع، بساط کار ساحران را برچیده و اساساً اجازه کار را به آنان ندهد؛ ولی رخصت او در اعمال سحر ساحران، بدان جهت بود تا شبهه‌ای را که فرعون القا کرده بود (فلنأتینک..)) ابطال کند و حقانیت خود را نشان دهد. این اجازه، نشانگر این نکته است که اجازه بیان شبهات برای پاسخ‌گویی به آن اشکالی ندارد؛ بلکه مطلوب است.

### 21- زمینه شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 60 - 6

6 - کیفیت خلقت عیسی و دروغ‌پردازی‌های نصارا در مورد آن، زمینه ایجاد شبهه

آنچه می تواند برای مخاطبین قرآن در مورد حضرت مسیح، تردید ایجاد کند، همان خلقت استثنایی آن حضرت است که با توجه به «انّ مثل . . .»، این شبهه از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

28 - خلقت ویژه حضرت مسیح (ع)، نباید موجب پیدایش شبهه الوهیت در مورد وی گردد.

لقد كفر الذين .. يخلق ما يشاء

گویا جمله «یخلق ما يشاء»، در رد پندار کسانی است که به خاطر نحوه خاص آفرینش حضرت مسیح(ع)، قائل به الوهیت وی شدند.

## 22- سرزنش شبهه افکنی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 2 - 4

4 - « سؤال برانگیز » جلوه دادن حوادث جهان آخرت ، کاری ناشایست است .

عمّ يتساءلون . عن النبأ العظيم

## 23- سرزنش شبهه افکنی درباره محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 2

2- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت . . . و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

«سَيِّئَاتٍ» (جمع سَيِّئَة) به معنای هر عمل زشت است و مراد از «السَيِّئَاتِ» در آیه - به قرینه «فأصابهم سيئات ما عملوا» - می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

## 24- سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 2

2- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت . . . و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

«سَيِّئَات» (جمع سَيِّئَة) به معنای هر عمل زشت است و مراد از «السَّيِّئَات» در آیه - به قرینه «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَّا عَمَلُوا» - می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

## 25- شبهه افکنان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 391

5- شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . . . ثم کلاً سیعلمون

### 26- شبهه افکنی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 10 - 28

28- اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبههاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن ( معجزه ) بودند .

إن أنتم إلا بشر مثلنا . . . فأتونا بسلطن مبین

### 27- شبهه افکنی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4 - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم . . . فتماروا بالئذیر

### 28- شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4 - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم . . . فتماروا بالئذیر

### 29- شبهه افکنی در انذارهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 2

2- روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها ؛ بجای حق پذیری

و لقد انذرهم .. فتماروا بالنذر

ص: 392

### 30- شبهه افکنی در درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

### 31- شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4- تشکیک در حقایق الهی، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالئذیر

### 32- شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 8

8- آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقی الشیطن . . . و اللّٰه علیم حکیم

### 33- شبهه افکنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 8

8- تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذين يمارون في الساعة لفي ضلل بعيد

#### **34- شبهه افکنی در معاد**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 393



9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 2

2- کافران عصر بعثت، وعده معاد را، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

### 35- شبهه افکنی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 5

5 - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر «إن کنتم صادقین» به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر (صلی الله علیه و آله). بنابراین بیان این سوالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 5

5 - تلاش کافران، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

تعبیر «إن كنتم صادقین» - به صیغه جمع - نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است؛ نه صرفاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

### 36- شبهه افکنی درباره محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

ص: 394

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

### 37- شبهه افکنی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 12

12 - القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أکبر مجرمیها لیمکروا .. لن نؤمن حتی نؤتی ... بما کانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهای سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

### 38- شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 4،7،8

4 - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران برای مردم

و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لانبی إلا إذا تمّنی ألقى الشیطن فی أُمّنیته

7 - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أُمّنیته

8 - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشیطن .. و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها . . . و لایصدتکم الشیطن

### 39- شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 395

16 - « و قيل كتابتهم بأيديهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبي (صلى الله عليه و آله) ليوقعوا الشك بذلك للمستضعفين من اليهود و هو المروى عن ابى جعفر (ع) . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: «علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند».

#### 40- شبهه افکنی علیه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 2

2- کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(صلی الله علیه و آله) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائانه است.

#### 41- شبهه افکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3- تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كلّ أفاك أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به «كلّ أفاك» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

#### 42- شبهه افکنی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون ، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد .

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ .. أُوْحَىٰ إِلَيْنَا ... فَمَنْ رَبُّكُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 396

2- فرعون با مطرح ساختن شرک ربوبی اقوام گذشته، برای موسی (ع) به استبعاد و القای شبهه در مورد توحید ربوبی پرداخت.

قال فما بال القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 2

2- فرعون، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد.

وقال فرعون... ما علمت لكم من إله غيري

### 43- شبهه افکنی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 2

2- روی آوردن قوم لوط، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم... فتماروا بالآندر

### 44- شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 3

3- لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنیها و فشارهای کافران

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 5

5- تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر «إن کنتم صادقین» به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر (صلی الله علیه و آله).

بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 9 - 1

1- حمایت خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 397



2 - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 49 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّاء لمبعوثون .. قل إنّ الأوّلین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 5

5 - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و یقولون متی هذا الوعد إنّ کنتم صدقین

تعبیر «إن کنتم صادقین» - به صیغه جمع - نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است؛ نه صرفاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 2

2 - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3 - تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَّاكٌ أَتِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به «كَلَّ أَفَّاكٌ» باز گردد و «السَّمْعَ» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أن أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده

ص: 398

های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

#### 46- شبهه افکنی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... و قد کثیر من أهل الکتاب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

#### 47- شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبین». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 7

7 - مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

«ممارات» (مصدر «یمارون») به معنای اصرار بر جدال است.

4- موحدان راستین ، همواره مواجه با تردید ها و تشکیک های عوامل شرک

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

از ملاحظه نسبت میان «قالوا ربنا الله» و «ثم استقاموا»، استفاده می شود که اقرار و اعتراف به توحید، همواره مواجه با ضدیت هایی است که شخص یکتاپرست باید با آنها مبارزه کرده و استقامت ورزد. آن عوامل ضد توحیدی، یا اعتقادی است که منتهی به «شرک» می شود و یا عملی است که منتهی به گناه می گردد.

ص: 399

## 48- شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما ننسخ من آیه... أم تریدون أن تسئلوا رسولکم... وکثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

## 49- عوامل رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 87 - 11

11 - توجه به راستگویی مطلق خداوند، برطرف کننده هرگونه تردید در تحقق قیامت

لیجمعنکم الی یوم القیمه لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 6

6- توجه و باور به قدرت مطلق خدا، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قذیر

هدف از بیان قدرت خداوند، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت - که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است - تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 12

12- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو عليّ هين وقد خلقتك من قبل ولم تك شيئاً

## 50- عوامل رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 68 - 3

3 - تأمل در آیات قرآن، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم يدبروا القول

ص: 400

## 51- عوامل زوال شبهه در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 13

13 - باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او ، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذي خلق ... و هو بكل شيء علیم

جمله «هو الذی . . . سبع سماوات» اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله «و هو بكل شیء علیم» حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم يحييكم ثم إليه ترجعون) - بر طرف کردن هرگونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

## 52- عوامل شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 42 - 1

1 - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه باطل ها ، حق را بر مردم مشتبه نکنند .

ولا تلبسوا الحق بالباطل

«لبس» (مصدر لا تلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول «باء» در «الباطل» برای تعدیه و بر اساس معنای دوم «با»ی استعانت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 11

11 - ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دل‌های مردم بوده است.

والذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق فلا تكونن من الممترین

ظاهراً آیه شریفه در مقام رفع تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دل‌های برخی ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه بوده است.

وإن تطع أكثر من فی الأرض . . . فکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 401



5 - انعام - 6 - 119 - 2،15

2 - برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فکلوا مما ذکر اسم الله .. و ما لکم ألا تأکلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

15 - هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لکم ألا تأکلوا .. و إن کثیرا لیضلون بأهوائهم بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 8

8 - القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیتهای شیاطین است.

إن الشیطین لیوحون إلی أولیائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 10

10 - تزیین اعمال زشت، از ترفندهای گمراهگران برای به هلاکت افکندن مردم و به اشتباه انداختن آنها در دین

و کذلک زین .. لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

### 53- عوامل شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 9

9 - تردیدافکندن در باور های دینی ، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون

با توجه به معنای «یمارون» (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 1

1 - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم . . . فتخبت له قلوبهم

ضمیر در «أنته الحق» به قرآن باز می گردد که در آیه 52 از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. «إخبات» (مصدر «تخبت») مشتق از «خَبَّت» است. «خَبَّت» به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. «قلب مخبت»؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله «فینسخ الله ما یلقى الشیطن...» است؛

ص: 402

یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

### 55- فلسفه شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

### 56- گناه شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 3

3- مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی، از گناهان بزرگ است.

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا . . . و الذین یجتنبون کبیر الإثم

### 57- منشأ شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 29 - 7

7- زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان، ناشی از جهل آنان بوده است.

و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون . و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده بنابر عطف «یقولون» بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است؛ یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و [به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

## 58- نافرjami شبهه افکنی در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 11

11 - کوشش تردیدافکنان در باور های توحیدی مردمان ، کوششی نافرجام

ص: 403

و الذین یحاجّون فی اللّٰه . . . حجّتهم داحضه عند ربّهم

### 59- نهی از شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 2

2- خداوند ، منکران معاد را از شبهه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون . . . مختلفون . کلاً سیعلمون

### 60- هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

### 61- هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

### 62- هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

شبهه افکنی

ص: 404

### 63- آثار شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 13

13 - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

### 64- آثار شبهه افکنی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 13

13 - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

### 65- آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 9 - 3

3 - تأثیر پذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکار آمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أفک

ضمیر در «عنه» می تواند به «قول مختلف» بازگردد. در این صورت «عن» تعلیلیه بوده و جمله «یؤفک...» صفت برای «قول» می باشد؛ یعنی، «یؤفک بسببه...».

### 66- بی تأثیری شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 1

1 - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّٰه ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در «أَنَّهُ الْحَقُّ» به قرآن باز می‌گردد که در آیه 52 از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. «إِخْبَات» (مصدر «تخبت») مشتق از «خَبَّت» است. «خَبَّت» به زمین وسیع و همواری گفته می‌شود که بی‌فراز و نشیب است. «قلب مخبت»؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی‌اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله «فینسخ اللّٰه ما یلقى الشیطان...» است؛ یعنی، خداوند شبهه‌های شیطان را از آیات وحی می‌زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل‌هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

ص: 405



## 67- تأثیر شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 2

2 - برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذكر اسم الله .. و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

## 68- ترک شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 2

2 - لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثمّ کلاً

## 69- سرزنش شبهه افکنی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 2 - 4

4 - « سؤال برانگیز » جلوه دادن حوادث جهان آخرت ، کاری ناشایست است .

عمّ یتساءلون . عن النبأ العظیم

## 70- سرزنش شبهه افکنی درباره محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 2

2- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لايبعث الله من يموت . . . و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

«سَيِّئَات» (جمع سَيِّئَة) به معنای هر عمل زشت است و مراد از «السَيِّئَات» در آیه - به قرینه «فأصابهم سيئات ما عملوا» - می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

ص: 406

## 71- سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 2

2- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت . . . و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

«سینات» (جمع سینّه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از «السینات» در آیه - به قرینه «فأصابهم سینات ما عملوا» - می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

## 72- شبهه افکنی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 28

28- اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن (معجزه) بودند .

إن أتمم إلا بشر مثلنا . . . فأتونا بسلطن مبین

## 73- شبهه افکنی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4 - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم . . . فتماروا بالّنذر

## 74- شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4 - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالتندر

### 75- شبهه افکنی در اندازهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 2

ص: 407

2- روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار ها ؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالّنذر

### 76- شبهه افکنی در درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء .. و أقسموا بالله ... لایبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده ، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا ، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

### 77- شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 4

4- تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالّنذر

### 78- شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 8

8- آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألّقی الشیطن .. و اللّٰه علیم حکیم

### 79- شبهه افکنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 8

8 - تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

ص: 408

## 80- شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سیئات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 2

2- کافران عصر بعثت، وعده معاد را، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

## 81- شبهه افکنی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 5

5- تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر «إن کنتم صادقین» به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر (صلی الله علیه و آله). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تلاش كافرين ، براي ايجاد شبهه و ترديد در باور هاي مؤمنان

و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين

تعبير «ان كنتم صادقين» - به صيغه جمع - نشان مي دهد كه روي سخن كافرين، با مؤمنان بوده است؛ نه صرفاً پيامبر اسلام (صلى الله عليه و آله). بنابراین طرح اين پرسش ها، مي تواند براي به بن بست كشاندن اهل ايمان و ايجاد تهديد در باورهاي آنان صورت گرفته باشد.

ص: 409



## 82- شبهه افکنی درباره محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء .. و أقسموا بالله ... لا یبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

## 83- شبهه افکنی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 12

12 - القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أکبر مجرمیها لیمکروا .. لن تؤمن حتی تؤتی ... بما کانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهای سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

## 84- شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 52 - 4,7,8

4 - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران برای مردم

و ما أرسلنا من قبلک من رسول و لانبی إلا إذا تمنى ألقى الشیطن فی أُمّیه

7 - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أُمّیه

8 - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تشبیه آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و

حکمت خداوند

ألقي الشيطان . . . والله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 62 - 2

2 - تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها . . . ولا یصدنکم الشیطن

ص: 410

## 85- شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 16

16 - « و قيل كتابتهم بأيديهم انهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبي (صلى الله عليه و آله) ليوقعوا الشك بذلك للمستضعفين من اليهود و هو المروى عن ابى جعفر (ع) . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: «علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند».

## 86- شبهه افکنی علیه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 2

2 - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(صلی الله علیه و آله) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائانه است.

## 87- شبهه افکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 223 - 3

3 - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كلّ أفاك أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به «كلّ أفاك» باز گردد و «السمع» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

## 88- شهبه افكنى فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 49 - 4

ص: 411

4- فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد.

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ .. أُوْحَىٰ إِلَيْنَا ... فَمَنْ رَبِّكُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 51 - 2

2- فرعون با مطرح ساختن شرک ربوبی اقوام گذشته، برای موسی (ع) به استبعاد و القای شبهه در مورد توحید ربوبی پرداخت.

قال فما بال القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 2

2- فرعون، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد.

وقال فرعون .. ما علمت لكم من إله غيري

### 89- شبهه افکنی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 36 - 2

2- روی آوردن قوم لوط، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها؛ بجای حق پذیری

ولقد أنذرهم .. فتماروا بالتندر

### 90- شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 3

3- لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشارهای کافران

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين

تعبیر «ان كنتم صادقين» به صیغه جمع، نشان می دهد كه روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر (صلی الله علیه و آله). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 412

1- حمایت خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه .. قل ما کنت بدعاً من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 42 - 2

2 - کافران، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 49 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءتآ لمبعوثون .. قل إن الأولین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 5

5 - تلاش کافران، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر «إن کنتم صادقین» - به صیغه جمع - نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است؛ نه صرفاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 2

2- کافران عصر بعثت، وعده معاد را، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش‌ها و شبهه‌هایی بر سر زبان‌ها می‌انداختند.

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می‌کند که هدف آنان از پرسش‌ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

### 91- شبهه افکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 413



3 - تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَاكُ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به «كَلَّ أَفَاكُ» باز گردد و «السَّمْعَ» نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، «يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أن أكثرهم كاذبون فيما يلقونه؛ این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند».

## 92- شبهه افکنی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما نسخ من آیه .. أم تريدون أن تسئلوا رسولكم ... و د كثير من أهل الكتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

## 93- شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخليط في المفروضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبيين». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

«ممارات» (مصدر «یمارون») به معنای اصرار بر جدال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 4

4- موحدان راستین ، همواره مواجه با تردید ها و تشکیک های عوامل شرک

ص: 414

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

از ملاحظه نسبت میان «قالوا ربنا الله» و «ثم استقاموا»، استفاده می شود که اقرار و اعتراف به توحید، همواره مواجه با ضدیت هایی است که شخص یکتاپرست باید با آنها مبارزه کرده و استقامت ورزد. آن عوامل ضد توحیدی، یا اعتقادی است که منتهی به «شرك» می شود و یا عملی است که منتهی به گناه می گردد.

#### 94- شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما ننسخ من آیه... أم تریدون أن تسئلوا رسولکم... وکثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

#### 95- عوامل شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 9

9 - تردیدافکندن در باور های دینی، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ

با توجه به معنای «یمارون» (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

#### 96- فلسفه شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء . . . وأقسموا بالله ... لا يبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سینات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

ص: 415

## 97- گناه شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 3

3 - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و يعلم الذین یجدلون فی ءایتنا . . . و الذین یجتنبون کثیر الإثم

## 98- منشأ شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 29 - 7

7 - زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان ، ناشی از جهل آنان بوده است .

و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون . و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده بنابر عطف «یقولون» بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است؛ یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و [به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

## 99- نافرجامی شبهه افکنی در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 11

11 - کوشش تردیدافکنان در باور های توحیدی مردمان ، کوششی نافرجام

و الذین یحاجّون فی الله . . . حجّتهم داخصه عند ربّهم

## 100- نهی از شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 4 - 2

2 - خداوند ، منکران معاد را از شبهه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون .. مختلفون . کلاً سیعلمون

### 101- هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

ص: 416

فی جهنم کلّ کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

### 102- هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کلّ کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

### 103- هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 25 - 2

2- کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کلّ کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

شبهات

### 104- القای شبهات در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 15

15 - هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لکم الا تأکلوا .. و ان کثیرا لیضلون بأهوائهم بغیر علم

### 105- القای شبهه در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات

الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفہم و التبیین». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

ص: 417



## 106- القای شبهه در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 8

8 - القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیتهای شیاطین است.

إن الشیطین لیوحون إلی أولیائهم

## 107- القای شبهه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 1،11

1 - فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به «شركاء» نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

11 - شریکان موهوم خداوند با تزیین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

«ردی» به معنای هلاکت و «لبس» به معنای اشتباه است.

## 108- القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبین». یعنی

خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

## 109- انبیا و شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 11 - 16

ص: 418

16- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا كفرنا .. إنا لفي شكّ ممّا تدعوننا ... قالت رسلهم أفي الله شكّ ... قا

### 110- اهمیت پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 139 - 9

9- لزوم پاسخگویی به شبهات القا شده از سوی مخالفان دین

قل أتجاجوننا في الله و هو ربنا و ربكم

### 111- اهمیت پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 11 - 17

17- لزوم پاسخ گویی منطقی به شبهات دینی

قالت لهم رسلهم ... و علی الله فلیتوکل المؤمنون

از اینکه خداوند سیر برخورد منطقی انبیا را با مخالفان در این آیات بیان می کند، می تواند به خاطر ارائه الگویی باشد برای برخورد با شبهات دینی.

### 112- اهمیت پاسخ شبهات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 3

3- پاسخ گویی به شبهات منکران تعالیم دینی ، امری لازم و ضروری است .

قالوا أءذا كنا عظمًا و رفثًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

دستور خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای پاسخ گویی به شبهات منکران معاد به عنوان یکی از ارکان عقیده دینی و نیز آموزش شیوه پاسخ گویی به آن حضرت، دلالت می کند بر اهمیت جواب گویی به شبهات یاد شده.

### 113- اهمیت پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 2

2- پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

ص: 419

## 114- اهمیت شبهه زدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 3

3 - لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

## 115- اهمیت شبهه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 8

8 - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سیقول ... ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق والمغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

## 116- پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 7,8

7 - خداوند ، پاسخ معترضان تغییر قبله را - پیش از عنوان کردن آن - به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعلیم داد .

سیقول ... قل لله المشرق والمغرب

8 - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سیقول ... ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق والمغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 28

28 - لزوم پاسخگویی به شبهات الغاشیه علیه دین، در عین پرهیز از بحث و مجادله بی ثمر

إذ قالوا ما أنزل الله . . . قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

ص: 420

### 117- پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به ابلاغ پیام الهی به مردم و پاسخگویی به شبهه های مطرح شده است .

قل یتوفیکم ملک الموت

### 118- پاسخ به شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 49 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّاء لمبعوثون .. قل إنّ الأوّلین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 26 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متى هذا الوعد .. قل إنّما العلم عند الله

### 119- پاسخ به شبهات مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 85 - 7

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پاسخ گویی سوالات مردم بر اساس آنچه بر او وحی شده بود .

یسئلونک عن الروح قل الروح من أمر ربّی

### 120- پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 20، 7

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به پاسخ گویی به مشرکان، درباره پدید آورنده رستاخیز است.

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أول مره

20- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد.

ص: 421



متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

### 121- پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 7

7- پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، بر اساس آگاهی او است.

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ الله سمیع بصیر

ذکر «إنّ الله سمیع...» در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 49 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون .. قل إنّ الأوّلین و الآخرین

### 122- پاسخ به شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 26 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد .. قل إنّما العلم عند الله

### 123- پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

ص: 422

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

### 124- پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 30 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

### 125- پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة قل بلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 79 - 2

2 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحيى العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مره

### 126- پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 1,2

1- خداوند ، شیوه پاسخ گویی به شبهات منکران معاد را ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قل كونوا حجاره أو حديدًا

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 13

13- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و

ص: 423

آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

### 127- پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

### 128- پاسخ شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 18، 15، 5

5- خداوند، پیشاپیش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد که منکران معاد، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد.

فسیقولون من یعیدنا

15- منکران معاد، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند.

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

18- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد، روی آوردند.

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- پیامبر اسلام (صلی اللہ علیہ وآلہ)، مأمور پاسخ گویی به شبہات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحيى العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مره

### 129- رد شبہات نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 424

7- توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها . . . ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله «ألم تعلم أن الله على . . .» و «ألم تعلم أن الله له ...» بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

### 130- رفع شبهات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- لزوم توجیه فکری و روانی مجاهدان و برطرف ساختن شبهات آنان درباره مسائل شرعی و قانونی جنگ

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه

تفریع جمله «فمن اعتدى . . .» به وسیله «فاء» بر دو جمله سابق، می نمایند که که مضمون آن دو جمله، مطرح شده تا با بیان یک قانون کلی و شامل، شبهه و توهمی که از لزوم جهاد در نواحی مسجد الحرام (فإن قاتلوكم) در ذهن مسلمانان پدید آمده و یا خواهد آمد، رفع گردد.

### 131- رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لقد خلقنا الإنسن . . . ثم إنکم يوم القیمه تبعثون

### 132- روش برخورد با شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فیء ایتنا فأعرض عنهم

ص: 425



### 133- روش پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 80 - 11

11 - خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه استدلال کردن و پاسخ گفتن به ادعا های واهی

قل أتخذتم عند الله عهداً .. أم تقولون على الله ما لا تعلمون

برداشت فوق از کلمه «قل» استفاده شده است.

### 134- زمینه پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 11

11- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

### 135- زمینه رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 18، 9

9- سرگذشت اصحاب كهف ، دلیل حقایق معاد و از میان برنده زمینه های تردید در آن

و كذلك أعرنا عليهم ليعلموا .. أن الساعه لاریب فیها

«ساعه» یعنی «پاره ای از وقت» و این که از قیامت به «ساعه» تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است؛ زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب كهف را از خواب بیدار کرد .

أعرنا عليهم .. إذ یتزعون بینهم أمرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 4

4- توجه به علم گسترده الهی ، زداینده شبهات انسان در امکان معاد

ذلک رجع بعید . قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

از این که خداوند، در قبال شبهه کافران نسبت به معاد، علم ازلی خود را یاد آور شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 11

11- توجه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت ، زداینده هر شک در امکان معاد

ص: 426

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم .. أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنيناها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: 1- علم، 2- قدرت، 3- نمودهای رستاخیز در طبیعت.

### 136- زمینه نجات از شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 17

17 - « عن ابن عباس قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) في قوله « و من يتق الله يجعل له مخرجاً » قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «و من يتق الله يجعل له مخرجاً» فرمود: [خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد».

### 137- شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 30 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعة

### 138- شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 1

1 - خداوند ، هدایت کننده مؤمنان ، از ظلمت شبهات معاد به نور علم و یقین

الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور .. او كالذی مر ... فلم

داستان مورد بحث در آیه، مثال و ارائه نمونه ای برای ولایت الهی و نتیجه آن است؛ یعنی هدایت مؤمنان به نور پس از خارج ساختن آنان از ظلمت و تاریکی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- انبوهی مردگان نسل های پیشین و زنده نشدن آنان با گذشت عصر ها ، دلیل کافران بر انکار معاد و واقعیت نداشتن حیات دوباره انسان

أتعداننی أن أخرج وقد خلت القرون من قبلی

مفاد «وقد خلت القرون..» این است که: نسل های فراوانی پیش از من مرده اند و برای آنان معادی صورت نگرفته است؛

ص: 427

حال چگونه می توان باور کرد که برای من معادی باشد؟!.

### 139- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 17، 18

17- کاشفان جایگاه اصحاب کهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

«إذ» ظرف است برای «أعثرنا» لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه «أن الساعة لاریب فیها» برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در «أمرهم» همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

### 140- عوامل رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 5

5- توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هرگونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لكم السمع . . . و هو الذی یحی و یمیت ... أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

### 141- عوامل رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 12

12- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیّ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه و من اصدق من الله حديثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 428

6- توجه و باور به قدرت مطلق خدا، زداينده هرگونه شبهه درباره معاد و برپايي قيامت

إلى الله مرجعكم و هو على كل شيء قدير

هدف از بيان قدرت خداوند، پس از طرح مسأله معاد و روز قيامت، اين است كه انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا كند تا مبدا در تحقق يافتن قيامت - كه پذيرش آن براي نوع انسانها مشكل است - ترديد كنند.

### 142- عوامل زوال شبهه در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 29 - 13

13 - باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او، زایل کننده هرگونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذي خلق... و هو بكل شيء عليم

جمله «هو الذی... سبع سماوات» اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله «و هو بكل شيء عليم» حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم يحييكم ثم إليه ترجعون) - بر طرف کردن هرگونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

### 143- عوامل شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 109 - 12

12 - يهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما نسخ من آيه... أم تريدون أن تسئلوا رسولكم... و كثير من أهل الكتب

بيان تلاش اهل كتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بيان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل كتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - تلاش های تبلیغی اهل کتاب ( یهود و نصارا ) بر ضد احکام اسلام ، ایجاد کننده زمینه های شک و تردید در اذهان مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربك فلا تكونن من الممترین

بر حذر داشتن مسلمانان از شک و تردید، با فعل «فلا تكونن» - که مقرون به نون تأکید است - گویای این معناست که: زمینه های شک و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این تردیدها بوده است.

ص: 429



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 42 - 1

1 - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه باطل ها ، حق را بر مردم مشتبه نکنند .

و لا تلبسوا الحق بالباطل

«لبس» (مصدر لا تلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول «باء» در «الباطل» برای تعدیه و بر اساس معنای دوم «با» ی استعانت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 11

11 - ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دل‌های مردم بوده است.

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترین

ظاهراً آیه شریفه در مقام تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دل‌های برخی ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 118 - 7

7 - تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه بوده است.

وإن تطع أكثر من فی الأرض .. فكلوا مما ذكر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 2، 15

2 - برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذكر اسم الله .. و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

15 - هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لکم الا تأکلوا .. و إن کثیرا لیضلون بأهوائهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 8

8 - القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت‌های شیاطین است.

إن الشیطان لیوحون إلی أولیائهم

ص: 430

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 10

10 - تزیین اعمال زشت، از ترفندهای گمراهگران برای به هلاکت افکندن مردم و به اشتباه انداختن آنها در دین

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

### 145- محمد (صلی الله علیه و آله) و شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پاسخ گویی به شبهه های مشرکان، متکی به رهنمود های خدا بود.

قل لو کان فی الأرض

### 146- منشأ پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 95 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پاسخ گویی به شبهه های مشرکان، متکی به رهنمود های خدا بود.

قل لو کان فی الأرض

### 147- منشأ شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 7

7 - شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما . . . أو تکونا من الخلدین

برخی جمله «ما نهاکما ربکما . . .» را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

13- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

أولم يروا أن الله الذي .. قادر على أن يخلق مثلهم

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

## 148- منشأ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 5 - 1

1- شبهات کافران درباره معاد، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است؛ نه نامعقول بودن آن.

بل کذبوا بالحقّ لَمّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از «الحقّ»، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد؛ یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

## 149- منشأ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 7

7- هواهای نفسانی، ریشه اشکال تراشی در عقیده به معاد و مجازات های الهی در آخرت است.

فلا یصدّک عنها من .. اتبع هویه

ص: 432

## 1- آب آشامیدنی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 4

4 - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

«شرب» به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: «لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم؛ نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 156 - 3

3 - اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان \*

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . ولاتمسّوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش ، احتمال می رود که تقسیم آب ، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان ، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و «لاتمسّوها» هشدار می دهد به این موضع گیری است.

## 2- آب دهی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 5

5 - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

«سَقَى» و «سَقَّيَا»، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و «سَقَّيَا» اسم مصدر برای «سَقَى» می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر «ناقه» و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.



### 3- آثار اذیت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 6

6- صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

### 4- آثار عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 31 - 1

1 - نزول عذاب بر قوم ثمود ، پس از پی کردن ناقه صالح

فتعاطی فعقر . . . إنا أرسلنا علیهم صیحه وحده

### 5- آثار قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 2,3

2- قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

3- قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 2

2- ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین



«فاء» در «فأصبحوا» فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است: «ففقروها فأوأ اشراط العذاب فأصبحوا نادمین؛ ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند».

## 6- آداب نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 8،9

8 - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذكرو اسم الله علیها صواف

ص: 434

«صوفاً» جمع «صافه» حال از ضمیر «علیها» و از مصدر «صفت» (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند ببرید.

9- لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذكروا اسم الله علیها صوفاً

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند «صوفاً» را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

## 7- آزادی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 9

9- آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأكل فی أرض الله ولا تمسوها بسوء

تهدید شدن قوم ثمود به عذاب در صورت بازداری ناقه از چریدن، نشان می دهد که سلامتی ناقه از سوی آنان، در خطر بود و آنها آزادی ناقه را برای چرا، به سود خویش نمی دیدند.

## 8- احکام شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 103 - 1,2,4,5,7,12,13

1 - خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و ... به قرینه «قالوا حسبنا ما وجدنا...» در آیه بعد، نفی تشریح احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

2 - کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله ... و لكن الذین كفروا یفترون علی الله الكذب

4 - احکام ویژه بحیره ( ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد ) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند .

ما جعل الله من بحیره . . . و لكن الذين كفروا يفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

5 - لزوم آزاد سازی سائبه ( شتری که ده ماده شتر زاییده باشد ) از اندیشه های خرافی و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه . . . و لكن الذين كفروا يفترون

ص: 435

معنای ذکر شده برای سائبه در قاموس المحيط آمده و حکم آن از نظر مردم جاهلی همانند احکام بحیره بوده است. امام صادق(ع) در توضیح معنای «سائبه» در آیه فوق فرمود: ان اهل الجاهلیه كانوا ... اذا ولدت (الناقه) عشرًا جعلوها سائبه و لا یستحلون ظهرها و لا اکلها ...

---

معانی الاخبار، ص 148، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 683، ح 410.

7- احکام ویژه حامی ( شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید ) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل الله... و لاحام و لکن الذین کفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

12- بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره، سائبه، وصیله و حام، را احکامی الهی می پنداشتند.

ما جعل الله من بحیره... یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لا یعقلون

13- تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت - علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره، سائبه، وصیله و حامی - آگاه به بدعت

بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لکن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 6

6- جواز استفاده از شتر، برای سوار شدن انسان ها

جعل لکم الأنعم لتركبوا منها

### 9- اخلاص در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 8

8- قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قید «لربک» درباره «صلّ»، قرینه بر وجود چنین قیدی برای «انحر» نیز می باشد. «نحر»؛ یعنی، مقداری از سینه که جای گلوبند است و از جمله معانی که برای فعل «انحر»، بیان کرده اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

## 10- استفاده از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 8 - 11

11- به کارگیری شتر برای باربری و اسب، استر و الاغ برای سواری، استفاده کردن مناسب از آنهاست.

و الأنعم . . . و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بلغیه . . . و الخیل و البغال و ال

با توجه به اینکه در ضمن منافع شتر، باربری را ذکر کرد و از سواری یاد نکرد و در رابطه با اسب، استر و الاغ، سواری را ذکر کرد و از باربری یاد نکرد، مطلب فوق برداشت شد.

ص: 436

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 7

7 - امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام‌ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کتّا عن الخلق غفلین . . . و إنّ لکم فی الأنعم لعبیه ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 4

4 - بهره‌مندی انسان‌ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از «لام» «لهم» (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می‌آید.

### 11- اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 21

21 - صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

### 12- اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 4

4 - آفرینش ناقه صالح ، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود .

ناقه الله

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه «ناقه» به نام جلاله «الله»، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در

پیدایش آن حکایت دارد.

### 13- اعجاز شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 6

6 - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ص: 437

ناقه الله و سقيها . . . فعقروها

#### 14- امتحان با شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 1

1 - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

#### 15- انقیاد شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 3

3 - رام بودن شتر برای بشر و مکانیسم طبیعی قرار گرفتن و حرکت کشتی بر سطح آب تدبیری الهی است .

و علیها و علی الفلک تحملون

#### 16- اهمیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 4 - 2

2 - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إذا العشار عطلت

«عشار»، جمع «عشراء» است و «ناقه عُشراء» شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

#### 17- اهمیت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 17



17 - ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آية

اضافه «ناقه» به «الله» بیانگر برداشت فوق است.

ص: 438

## 18- اهمیت شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 3

3- اهمیت و نقش بسیار شیر شتر، گاو و گوسفند و فراورده های آن، در تغذیه انسان ها

و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر - با آن که از منافع اَنعام به شمار می رود - اختصاص به ذکر یافته است.

## 19- باربری با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 3، 1

1- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست، از فواید خلقت شتر است

و الأَنعم خلقها لكم... و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بليغیه إلاَّ بشقِّ الأنف

مراد از «بلد لم تكونوا بليغیه» جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و «اَنعام» اگرچه به معنای «گاو، شتر و گوسفند» است؛ ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر «تحمل» به صورت «استخدام» به «شتر» - که از جمله اَنعام مذکور در آیه قبل است - باز می گردد.

3- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بليغیه إلاَّ بشقِّ الأنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 11

11- به کارگیری شتر برای باربری و اسب، استر و الاغ برای سواری، استفاده کردن مناسب از آنهاست.

و الأَنعم... و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بليغیه... و الخیل و البغال و ال

با توجه به اینکه در ضمن منافع شتر، باربری را ذکر کرد و از سواری یاد نکرد و در رابطه با اسب، استر و الاغ، سواری را ذکر کرد و از باربری یاد نکرد، مطلب فوق برداشت شد.

## 20- بارکشی با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 4

4 - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

ص: 439

## 21- بسمله در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 6,7

6 - وجوب ذکر نام خدا، به هنگام نحر کردن شترانی قربانی

فاذکروا اسم الله علیها

7 - جواز ذکر هر یک از اسمای خداوند (الله، رحمان و...) به هنگام نحر شتر

فاذکروا اسم الله علیها

اضافه در «اسم الله» می تواند بیانیه و یا لامیه باشد. از این رو «اسم الله» بنابر احتمال اول، به معنای «اسمی که عبارت از الله است» و بنابر احتمال دوم «هر اسمی که برای خدا هست» می باشد. بر پایه احتمال اول، ذکر نامی غیر از «الله» به هنگام ذبح یا نحر حیوان، کافی نیست؛ به خلاف احتمال دوم. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

## 22- تحریم جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 8

8 - تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

## 23- تحریم گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 8

8 - تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

## 24- تداوم نسل شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- منقرض نشدن نسل شتر، تا زمان حوادث آغازين قيامت

وإذا العشار عطّلت

ص: 440

## 25- تسخیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 2

2 - رام و مسخر کردن دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنّها لهم

## 26- تشبیه به شتر تشنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 55 - 1

1 - دوزخیان ( اصحاب شمال ) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشرّبون شرب الهمیم

«همیم» جمع «هیماء» است و «هیماء» به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

## 27- تشبیه به شتر زرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 33 - 1

1 - شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنته جملة صفر

«جملات» جمع «جماله» است. «جماله» یا جمع «جمل» (شتر) و یا اسم جمع است.

## 28- تشبیه به عبور شتر از سوزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 9

9- آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة

### 29- تعقل در خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 71 - 2

ص: 441

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 4,5

4 - شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

5 - کشف و شناسایی ویژگی های شتر، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

### 30- توصیه نحر شتر به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 8

8 - قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وانحر

قید «لربک» درباره «صل»، قرینه بر وجود چنین قیدی برای «انحر» نیز می باشد. «نحر»؛ یعنی، مقداری از سینه که جای گلوبند است و از جمله معانی که برای فعل «انحر»، بیان کرده اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

### 31- جهاد با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 4

4 - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) از حکمت های آفرینش شتران\*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم



تنوین «حاجه» برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) می باشند.

### 32- چرای شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 442

20 - صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فدروها تأکل فی أرض الله

22 - صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فدروها تأکل فی أرض الله ولا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب الیم

23 - آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فدروها تأکل فی أرض الله ولا تمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

25 - مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تقریر جم---له «ذروها ...» به وسیله فاء بر جمله «هذه ناقه الله» نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 8, 4

4- صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فدروها تأکل فی أرض الله

8- مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای «ناقه خدا» و «زمین خدا» در حقیقت استدلال صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

### 33- حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاونر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

### 34- حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 14

ص: 443

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان ( شتر، گاو، گوسفند )

و من الأنعم .. کلوا مما رزقکم الله

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل الذکرین حرم أم الأثینن أما اشتملت علیه أرحام الأثینن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 9، 8

8 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»; یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»; گفته می شود و از آن مجموع شتر،

گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أحلت لكم الأنعام» به تقدیر «أحلت لكم أكل لحوم الأنعام» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

### 35- حیات شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 6

6- پیدایش ناقه صالح، معجزه و باقی ماندن آن، براساس علل و عوامل طبیعی بود.

ص: 444

### 36- خالق شتر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1- خداوند، خالق و آفريننده انعام (گاو، شتر و گوسفند) است.

و الأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «أنعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - غاشيه - 88 - 17 - 3

3 - شتر، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات - که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد - بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

### 37- خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1 - آفرینش انسان، جنبندگان و دام ها (شتر، گاو و گوسفند)، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله . . . و من الناس و الدوابّ و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

«أنعام» به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله «مما عملت أيدينا» کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

ص: 445

### 38- خوردن گوشت شتر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 8 - 16 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

### 39- دشمنی با شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 156 - 2

2- ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسوها بسوء

### 40- دلایل آزادی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 8

8- مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . . فذروها تأكل في أرض الله

تعبیرهای «ناقه خدا» و «زمین خدا» در حقیقت استدلال صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

### 41- زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

ص: 446

## 42- زیان به شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 43 - 4

4 - قطعی شدن عذاب بر ثمودیان ، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

و فی ثمود إذ قیل لهم تمتعوا حتی حین

## 43- سختی عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 29 - 5

5 - عملی ساختن قتل ناقه صالح ، امری دشوار برای قوم ثمود

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

از این که قوم ثمود، برای عملی ساختن توطئه خویش، به فرد خاصی مراجعه کردند؛ استفاده می شود که آنان یا بیم داشتند که شخصاً وارد عمل شوند و یا توان جسمی آن کار را نداشتند.

## 44- سواری از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 4,6

4 - خداوند ، برخی از دام ها ( چون شتر ) را برای سوار شدن و برخی دیگر ( مانند گوسفند ) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأکلون

6 - جواز استفاده از شتر ، برای سوار شدن انسان ها

جعل لكم الأنعم لتركبوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 4

4- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر ( چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . . ) از حکمت های آفرینش شتران \*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین «حاجه» برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . . .) می باشند.

ص: 447

## 45- سهم آب شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 28 - 1,3,4,6,7

1 - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود، میان ایشان و ناقه صالح، به فرمان خداوند

و تَبَّهْمُ أَنْ الْمَاءِ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

3 - اختصاص یافتن سهمی از آب سرزمین ثمود به ناقه صالح، برای ایشان دشوار بود و مایه امتحان برای آنان

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ فَتَنَّا لَهُمْ... أَنْ الْمَاءِ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در صدد تدارک زمینه امتحانی است که در آیه قبل با تعبیر «فتنه» آمده است.

4 - اختصاص یافتن نیمی از آب سرزمین ثمود، به ناقه صالح (ع) \*

أَنَّ الْمَاءِ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

ظاهر این است که عبارت «قسمه بینهم» نظر به قسمت مساوی داشته باشد؛ زیرا در غیر آن صورت باید سهم، مشخص می شد.

6 - قوم ثمود، موظف به رعایت قانون و تجاوز نکردن به سهم ناقه از آب

كُلِّ شَرْبٍ مَحْتَضِرٍ

7 - مجاز نبودن قوم ثمود، برای حضور در کناره های آب در زمان اختصاص یافته به ناقه صالح

قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ كُلِّ شَرْبٍ مَحْتَضِرٍ

ظاهراً واژه «محتضر» علاوه بر دخالت نکردن هر یک در سهم دیگری، این معنا را نیز افاده می کند که حتی حضور یافتن هر کدام در کنار نهر یا چشمه، محدود به زمان خاص خودشان بود.

## 46- شتر باردار ده ماهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 4 - 2

2 - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

وإذا العشار عطلت

«عشار»، جمع «عُشْرَاء» است و «ناقه عُشْرَاء» شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

#### 47- شتر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 4 - 2

2 - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

ص: 448

و إذا العشار عطلت

«عشار»، جمع «عُشْرَاء» است و «ناقه عُشْرَاء» شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

#### 48- شتر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 7 - 2

2- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أبقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلى بشق الأنفس

#### 49- شتر در كفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 95 - 26، 4، 8

4 - جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی ( شتر، گاو و گوسفند ) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

«نعم» مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. «جزاء» مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه «مثل» صفت «جزاء» می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. «من النعم» صفت و یا حال برای «جزاء» است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار و حش بقره و فی الطبی شاه و و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25.

8 - جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه ( شتر، گاو و یا گوسفند ) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . . . هدیاً بلغ الکعبه

26 - شتر، كفاره شکار شتر مرغ، گاو، كفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، كفاره شکار آهو و گاو كفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

### 50- شتر در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 449

16- شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نزداد کیل بعیر

### 51- شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 16، 15

15 - خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم آیه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

16 - ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 10

10- « عن أبي جعفر (ع) قال : إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) سأل جبرئيل (ع) : . . . فقال : يا محمد (صلى الله عليه وآله) ان صالحاً بعث إلى قومه . . . قالوا : يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . . فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . . ثم لم يفجأهم إلا رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على الأرض . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . . . جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد . . . به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد . . . آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت . . . سپس به لرزه درآمد . . . ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد . . . سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 11، 13



11- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان ( ناقه = شتر ماده ) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقه

13- قوم ثمود ، نسبت به معجزه الهی ( ناقه ) عکس العمل ناروا داشته و با آن ظالمانه برخورد کردند .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره فظلموا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 3

3 - ناقه ( شتر ماده ) ، معجزه صالح پیامبر

ص: 450

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 2

2 - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای ( ناقه ) از صالح پیامبر ( ع )

إِنَّا مَرسلُوا الناقه

جمله «إِنَّا مَرسلُوا الناقه» در مقام وعده و اخبار از آینده است. «الف و لام» در «الناقه» برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 2

2 - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقه الله

اضافه «ناقه» به «الله» - پس از بیان رسالت صالح(ع) - بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

## 52- شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 6

6 - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از «أنعام» در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که «بهیمه» به معنای چهارپا و اضافه آن به «أنعام» بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 5, 4, 2, 1

## 1 - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

«بدن» جمع «بدنه» است. «بدنه» نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی «بدنه» گفته می شد. گفتنی است که مراد از «بدن» در آیه یاد شده - به قرینه «فإذا وجبت جنوبه» - تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

## 2 - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

به کارگیری «بدن» - که به معنای شتران فربه و چاق است - به جای «إبل» - که به مطلق شتر اطلاق می شود - می تواند

توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

4- استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن... لکم فیها خیر

مقصود از «لکم فیها خیر» با توجه به آیه 33 (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

5- لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند.

و البدن جعلنها لکم من شعر الله

این سخن خدا که: «ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم» می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

### 53- شگفتی خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 4

4- شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است.

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

### 54- شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 93 - 5

5- حلیت برخی از خوردنی ها (شتر و شیر آن) بر مسلمانان، مورد اعتراض یهود

کل الطّعام کان حلالاً لبنی اسرائیل... ان کنتم صادقین

در شأن نزول آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن

که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 2

2- شیر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نستیکم ممّا فی بطونها

ص: 452

## 55- شیر شتر از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 3

3- بیرون آوردن شیر خالص و آماده نوشیدن ، از بین خون و سرگین داخل شکنجه شتر ، گاو و گوسفند ، از آیات خداوند

وإن لكم في الأنعم لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

## 56- صفات جسمانی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 28 - 5

5 - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب \*

أنّ الماء قسمه بينهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

## 57- عاقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 29 - 4,6,8,9

4 - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

6 - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل \*

فتعاطى فعقر

کاربرد عبارت های «فتعاطى» و «فعقر» با «فاء»، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

8 - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه «عقر» (به صورت مفرد) می‌رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

9 - « عن أصبغ بن نباته ، قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) . . . يقول : إنما يجمع الناس الرضا والغضب ، أيها الناس إنما عقر ناقه ثمود واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله جلّوعزّ « فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر » . . . ;

اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمؤمنین (ع) شنیدم. .. که می‌فرمود: رضایت و غضب مردم [به امری که انجام می‌گیرد] سبب می‌شود [که ثواب و عقاب آن] همه را فراگیرد. ای مردم! ناقه ثمود را یک نفر پی کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را گرفتار عذاب کرد؛ زیرا همه راضی بودند و نشانه این مطلب قول خدای جلّوعزّ است که می‌فرماید: فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 31 - 5

5 - همدستان کشنده ناقه صالح ، شریک جرم او و مبتلا به عذابی همسان

ص: 453

فتعاطی فقیر... فکانوا کهشیم المحتظر

مفرد بودن «فقیر» می رساند که کشنده ناقه یک نفر بود؛ ولی تعبیر «أرسلنا علیهم» افاده می کند که عذاب الهی - علاوه بر کشنده ناقه - شامل همه کسانی بود که به صورت غیر مستقیم، نوعی هم فکری و هماهنگی با وی داشته اند.

### 58- عبرت از خروج شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 66 - 4

4- در خارج کردن شیر خالص از میان خون و فضولات غذایی شتر، گاو و گوسفند، درس عبرتی است برای انسانها

وإن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

### 59- عبرت از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 66 - 1

1- در شتر، گاو و گوسفند درس عبرتی برای انسانهاست.

وإن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم

«أنعم» نامی است برای شتر، گاو و گوسفند.

### 60- عظمت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 5

5 - ناقه صالح، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم \*

قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3 - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد «ناقه» به «الله» و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

ص: 454

## 61- عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 77 - 4، 2، 1

1 - کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

«عقر» به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود «عقر الفرس و البعیر»، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده «عقر» به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

2 - کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

مراد از «أمر ربهم» همان است که در آیه 73 مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

4 - کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا يصلح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين

مراد از «ما تعدنا» عذابی است که در آیه 73 (فياخذكم عذاب أليم) بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 78 - 5

5 - کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذين استكبروا .. فأخذتهم الرجفة

کلمه «فاء» در «فأخذتهم» نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 79 - 1

1- صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت.

فتولی عنهم

جمله «تولی عنهم» عطف بر «فعمقروا الناقه» در آیه 77 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 29 - 1,3,4,6,8

1 - توطئه قوم ثمود، برای از میان بردن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

3 - تصمیم بدون اندیشه و به دور از تدبیر قوم ثمود، در از میان بردن معجزه الهی ( ناقه ) \*

فنادوا صاحبهم

ص: 455

به کار رفتن «فاء» در «فنادوا» - به جای «ثم» یا حرف دیگر - احتمال دارد بیانگر بی تأملی قوم ثمود در کشتن ناقه باشد.

4 - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

6 - کشته ناقه صالح، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل \*

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های «فتعاطی» و «فعقر» با «فاء»، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

8 - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه «عقر» (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 12 - 7

7 - « عن عبد الله بن زَمَعَه قال : خطب رسول الله (صلى الله عليه و آله) فذكر الناقة و ذكر الذی عقرها فقال : « إذ انبعث أشقاها » قال : انبعث لها رجل عارم عزیز منیع فی رهطه ;

عبدالله بن زَمَعَه روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خطبه خواند و از ناقه [ثمود] و کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: [خداوند فرموده] «إذ انبعث أشقاها» مردی برای پی کردن ناقه [صالح] تحریک شد که زشت خو و مردم آزار و در قبیله خود عزیز و مورد حمایت بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 2

2 - قوم ثمود، ناقه صالح را پی کرده، آن را به هلاکت رساندند .

فعقروها

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: «عَقَرْتُ» (صحاح اللغه). گاهی فعل «عقر» در موردی به کار می رود که آن را «نحر» کرده باشند. (مصباح)

## 62- فلسفه خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 1

1 - خداوند شتر و گاونر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

وهو الذى أنشأ... و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قلء الذكرين حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

ص: 456

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2- شتر، گاو و گوسفند، برای انسان و در خدمت او است.

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند «أنعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 3,5

3- خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است.

فمنها ركوبهم

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

5- خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید.

و منها یاكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1,3

1- خداوند، دام ها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است.

اللّٰه الذی جعل لكم الأنعم

لام در «لكم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

3- خداوند، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفرید.

اللّٰه الذی جعل لكم الأنعم

جمله «و علیها و علی الفلک تحملون» در آیه بعد، قرینه است براین که مقصود از «أنعام» می تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 4، 3، 2

2- تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

3- سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها . . . و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لترکبوا» و «لتبلغوا. . .» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

4- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر ( چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . . ) از حکمت های آفرینش شتران \*

ص: 457

و لتبلغوا عليها حاحه في صدوركم

تنوین «حاحه» برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) می باشند.

### 63- فواید پشم شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 9

9- پشم، کرک و موی دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لكم من الأنعم... تستخفونها... أثناً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

### 64- فواید پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 5,6

5- آفرینش دام ها ( شتر، گاو و گوسفند )، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال ( برای عشایر و صحرانشین ) ساخته شود، به قدرت خداست.

والله... جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

6- بهره‌وری انسان، از پوست دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال، از نعمت های الهی است.

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

### 65- فواید شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 1



1 - خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

وهو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قلء الذكركين حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 65 - 16

ص: 458

16- شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نژاد کیل بعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 5 - 4

4- دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعم خلقها لكم فیها دفءٌ و منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 7 - 1,2

1- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر است

و الأنعم خلقها لكم . . . و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلا بشقّ الأنف

مراد از «بلد لم تکنوا بلغیه» جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و «أنعام» اگرچه به معنای «گاو، شتر و گوسفند» است؛ ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر «تحمل» به صورت «استخدام» به «شتر» - که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است - باز می گردد.

2- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلى بشقّ الأنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 6,1

1 - وجود و کارایی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای انسان ، آکنده از درس ها و عبرت هایی از تقدیر و تدبیر الهی است .

و إنّ لكم فی الأنعم لعبره

«أنعام»؛ یعنی، گله های شتر، گاو و گوسفند. «عبره» و «اعتبار» نیز به معنای پندگرفتن و اندرز یافتن است.

6 - شتر ، گاو و گوسفند ، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

جمله «و منها تأکلون» (از آنها می خورید) می تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان که گفته می شود «فلانی از حرفه اش می خورد» که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 1

1 - امکان بهره‌وری بشر از شتران و کشتی‌ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیمه در «علیها» به اُنعام باز می گردد و مراد از آن - به قرینه «تحملون» - تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 6

ص: 459

6 - شتر، گاو و گوسفند، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن «أنعام» از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 3

3 - خداوند برخی از دام ها ( چون شتر و گاو ) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها ركوبهم

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 1

1 - شتر، گاو و گوسفند - علاوه بر خوردن و سوار شدن - دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها ركوبهم و منها يأكلون . و لهم فيها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 8,9

8 - بهره مندی انسان ها، فلسفه آفرینش دام ها ( شتر، گاو، گوسفند و بز )

و أنزل لكم من الأنعم

9 - دام ها ( شتر، گاو، گوسفند و بز ) دارای اهمیت و نقش ویژه در تغذیه و بهره‌وری انسان ها

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

از اختصاص به ذکر یافتن دام ها از میان دیگر حیوانات و نعمت های خدادادی، به وقت سخن گفتن از آفرینش انسان ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خداوند ، برخی از دام ها ( چون شتر ) را برای سوار شدن و برخی دیگر ( مانند گوسفند ) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 4,5,2,3

2- تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

3- سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لتركبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لتركبوا» و «لتبلغوا..» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و

ص: 460

حمل و نقل.

4- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر ( چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . . ) از حکمت های آفرینش شتران \*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین «حاجه» برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . . .) می باشند.

5- شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 6

6- شتر ، حیوانی سودمند برای انسان و نعمتی الهی است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

یاد کردن از مخلوقی خاص، برای ترغیب انسان به تفکر نشان تأثیر مثبت این مخلوق، در زندگانی انسان ها است.

### 66- فواید شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 66 - 5

5- شیر شتر ، گاو و گوسفند نوشیدنی ، سالم و سهل التناول است .

وإن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

«خالصاً» (پالوده از هر چیز) حکایت از سلامت آن و «سائغاً» (آسان جریان یابنده) حکایت از سهل التناول بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 2

2- شتر، گاو و گوسفند، دارای نوشیدنی های بسیار برای انسان

و مشارب

### 67- فواید کرک شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 9

9- پشم، کرک و موی دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

ص: 461

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثناً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

### 68- فواید موی شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 9

9- پشم، کرک و موی دامها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثناً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

### 69- قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 1،7

1- کافران قوم ثمود، با نادیده گرفتن هشدارهای صالح (ع)، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند.

فَعَقَرُوهَا

«عقر» (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز «عقر» گفته می شود.

7- «عن أبي عبد الله (ع) (في حديث قوم صالح) . . . قالوا: اعقروا هذه الناقة . . . ثم قالوا: من الذی یلی قتلها ونجعل له جعلاً ما أحب، فجاءهم رجل . . . شقی من الأشقیاء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها فی طریقها فضرَبها بالسیف ضربه فلم تعمل شيئاً فضرَبها ضربه أخرى فقتلها . . . وأقبل قوم صالح فلم یبق أحد منهم إلا شرکه فی ضربته . . . فأوحى الله تبارک و تعالی إلى صالح (ع) . . . قل لهم: إني مرسل علیکم عذابی إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صددت عنهم . . . فأتاهم صالح (ع) فقال لهم: . . . یا قوم إنکم تصبحون غداً و جوهکم مصفرّه والیوم الثانی و جوهکم محمرّه والیوم الثالث و جوهکم مسودّه . . .»

از امام صادق (ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید . . . سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیاء بود، نزد آنان آمد . . . و دستمزدی برای او



قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت... ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...».

ص: 462

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 1

1- قوم ثمود، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند.

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 67 - 4

4- کشتن ناقه صالح، از ستمگری های قوم ثمود بود.

و أخذ الذين ظلموا الصيحة

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود، معلوم می شود ظلم در «الذين ظلموا» اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 1,3,8

1 - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح، علی رغم هشدار وی

و لاتمسوها بسوء .. فعقروها

«عَقْرُ» (مصدر «عقروا») به معنای پی کردن و «أصبحوا» معادل «صاروا» است.

3 - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن «عقروا» و نیز «أصبحوا ندمین»، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

8 - «عن علی (ع): ... إثمًا عقرو ناقه ثمود رجل واحد فعمَّهم الله بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه «فعقروها فأصبحوا ندمین» .

...

از حضرت علی(ع) روایت شده است:.. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد؛ چون آنان

به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: «فَعَقَرُوهَا فَأُصْبِحُوا نَادِمِينَ»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 158 - 2

2- نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوهَا فَأُصْبِحُوا نَادِمِينَ . فَأُخَذَهُمُ الْعَذَابُ

**70- قداست شتر صالح (ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 3

ص: 463

3 - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد «ناقه» به «الله» و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

### 71- قدرت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 3

3- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بلغیه إلا بشقّ الأنفس

### 72- قوم ثمود و شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 21

21 - صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 1,2

1- کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

ففقروها

«عقر» (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز «عقر» گفته می شود.

2- قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

ففقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 1

1- قوم ثمود، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند.

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 6,7,8

ص: 464

6- صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنا مرسلوا الناقة .. فارتقبهم و اصطبر

7- تذکر خداوند به صالح (ع) ، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فارتقبهم و اصطبر

امر «فارتقبهم و اصطبر» در حقیقت تذکر به صالح(ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند؛ بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

8- اخبار الهی از برخورد های توطئه آمیز و مخفیانه قوم ثمود ، در برابر معجزه الهی \*

فارتقبهم

با توجه به این که در واژه «فارتقب» ریزنگری و نظارت دقیق نهفته است، احتمال می رود این فرمان، در مقام بیان حرکت های مرموز قوم ثمود در برابر معجزه ای باشد که برای آنان عطا خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 29 - 2

2- نارضایتی قوم ثمود ، از وجود ناقه و سهمیه بندی آب

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ ... فنادوا صاحبهم

«فاء» در «فنادوا» تصمیم قتل ناقه را متفرع بر «أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ» کرده است؛ یعنی، چون چنین قانونی وضع شد، آنان بر آشفتنند و کمر به قتل ناقه بستند.

### 73- کفاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 26

26- شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

#### 74- کیفر اذیت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 156 - 4

4- تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع)، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزند به ناقه

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

ص: 465

## 75- کیفر اضرار به شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 22

22 - صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداري آن از چریدن، هشدار داد.

فذرورها تأکل فی أرض اللّٰه ولا تمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

## 76- کیفر عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 14 - 91 - 17

17 - «عن ابن نُبَّاتَه قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : . . . أيها الناس إنّما عقر ناقه صالح واحد فأصابهم اللّٰه بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله عزّوجلّ « . . . فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسویها . . . » ;

اصبغ بن نُبَّاتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که بر منبر کوفه می فرمود: « . . . ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پی کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد؛ چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند - عزّوجلّ - است « . . . فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّها . . . » .» .

## 77- کیفر قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 158 - 1

1 - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان، در پی کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوهَا . . . فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ

## 78- کیفر هلاکت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 14 - 91 - 8

8 - خداوند، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه، عذابی فراگیر نازل کرده، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .



اطلاق «دمدمه» - که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد - بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقایس). جمله «دمدمت الشیء» - که گاهی با حرف «علی» و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس)

- زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

### 79- کیفیت خروج شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 2

2- خداوند، بیرون آورنده شیر خالص از میان خون و سرگین های داخل شکنبه شتر، گاو و گوسفند جهت استفاده انسانها

وإن لكم في الأنعم لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

(فرث) سرگینی است که داخل شکنبه است و هنوز از آن خارج نشده است.

### 80- گناه عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 9

9- کشتن ناقه صالح، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

### 81- گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 93 - 14، 5

5 - حلیت برخی از خوردنی ها (شتر و شیر آن) بر مسلمانان، مورد اعتراض یهود

كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل... ان كنتم صادقين

در شأن نزول آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن

که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟

14 - حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود.

كل الطعام كان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه

امام صادق (ع): .. ان اسرائيل كان اذا اكل من لحم الابل هيّج عليه وجع الخاصره فحرّم على نفسه لحم الابل وذلك قبل ان تنزل التوراه.

---

كافي، ج 5، ص 306، ح 9؛ بحار الانوار، ج 9، ص 191، ح 31.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 467

13 - گوشت شتر، گاو و گوسفند، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبات أحلت لهم

امام صادق (ع) درباره «طیبت» در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

---

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 572، ح 665.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 3

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

5 - گوشت دام ها (شتر، گاو و گوسفند)، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5 - جواز خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند

الأنعم ... و منها تأکلون

**82 - مالکیت بر شتر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

### 83- محافظت از شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 7

7- لزوم حفاظت از ناقه صالح و رعایت برنامه شرب آن ، دستوری از جانب خداوند بود .

ص: 468

فقال لهم رسول الله ناقة الله و سقيها

وصف «رسول الله»، نشانگر الهی بودن دستور است.

#### 84- مسافرت با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 3,5,2

2- تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا عليها حاجه في صدوركم

3- سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لتركبوا منها .. و لتبلغوا عليها حاجه في صدوركم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لتركبوا» و «لتبلغوا..» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

5- شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و عليها و على الفلك تحملون

#### 85- معجزه شتر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 2,1

1- پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و يقوم هذه ناقة الله لكم آية

2- ناقة صالح ، آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقة الله لكم آية

اضافه «ناقه» به «الله» علاوه بر اینکه اشاره به پیدایش ناقة صالح بدون جریان علل عادی دارد ، گویای عظمت و بزرگی ناقة نیز می باشد.

#### 86- منافع خلقت شتر

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافع درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه

سودمند بودن آنها به حال آنان است.

### 87- منشأ پیدایش شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثین

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

### 88- منشأ تسخیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 1

1 - خداوند، دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أنا خلقنا لهم أنعمًا .. و ذللنا لهم

«تذلیل» (مصدر «ذللنا») به معنای خوار کردن و به خضوع و اداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

### 89- منشأ هلاکت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 5

5 - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فكذبوه فعقروها

### 90- نحر شتر در حج



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 12

12 - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

ص: 470

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از «أنعام» در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که «بهیمه» به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

### 91- نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 8,9

8 - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

«صواف» جمع «صافه» حال از ضمیر «علیها» و از مصدر «صفت» (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند بپسند.

9 - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم الله علیها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکنند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند «صواف» را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

### 92- نحر شتر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 11

11 - برگزیدن گران بهاترین حیوان اهلی (شتر) برای قربانی، واکنشی بایسته از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در سپاس گذاری از کوثر عطا شده به آن حضرت

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ... وانحر

### 93- نعمت پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- بهره‌وری انسان، از پوست دام‌ها ( شتر، گاو و گوسفند ) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال، از نعمت‌های الهی است.

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

ص: 471

## 94- نعمت رام بودن شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 14، 16

14 - رام بودن شتر برای انسان ، از نعمت های خدا

کذلک سخرنھا لکم

16 - نعمت های خداوند شایسته شکر و سپاس گزاری

و البدن ... سخرنھا لکم لعلکم تشکرون

## 95- نعمت زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

7 - آفرینش انعام ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لکم من الأنعم ثمنیه أزواج

«انعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

## 96- نعمت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 13

13 - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 8

8- شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 133 - 4

4- دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) و فرزندان، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

ص: 472

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 6 - 71 - 36 - 6

6- شتر، گاو و گوسفند، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن «أنعام» از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 4 - 73 - 36 - 4

4- شیر و منافع بسیار شتر، گاو و گوسفند، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است.

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - 6 - 17 - 88 - 6

6- شتر، حیوانی سودمند برای انسان و نعمتی الهی است.

أفلاينظرون إلى الإبل كيف خلقت

یاد کردن از مخلوقی خاص، برای ترغیب انسان به تفکر نشان تأثیر مثبت این مخلوق، در زندگانی انسان ها است.

### 97- نقش شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 16، 12

12- «ناقه» معجزه ای روشنگر و اثبات کننده حق برای قوم ثمود بود.

وأتينا ثمود الناقة مبصرة

«مبصره» به صیغه اسم فاعل و متعدی است و معنای آن چنین است: ناقه ثمود برای ایجاد بینش و بصیرت در مردم بود.

16- ناقه قوم ثمود، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

وآتینا ثمود الناقه . . . و ما نرسل بالآیت إلا تخویفاً

### 98- نهی از اذیت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 5

5- صالح (ع) ، بر حذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزارسانی به ناقه

و لا تمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 473

1 - هشدار صالح (ع) به ثمودیان، نسبت به رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمسوها بسوء... یوم عظیم

«مس» (مصدر «لاتمسوا») با «باء» تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. «سوء» نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند؛ یعنی، مبادا به او گزندى برسانید.

### 99- نهی از بی اعتنایی به شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 6

6 - حضرت صالح (ع)، قوم ثمود را از بی توجهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن، برحذر داشت.

فقال لهم رسول الله ناقه الله و سقیها

عامل نصب «ناقه الله»، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر «احذروا»). کلمه «سقیها» عطف بر آن است و مراد، برحذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

### 100- ویژگیهای خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 7

7 - آفرینش شتر، با ویژگی های برجسته آن، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

### 101- ویژگیهای شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 3

3- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین



و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشق الأنفس

## 102- ویژگیهای شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 5

ص: 474

5- ناقة صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم \*

قال هذه ناقة لها شرب و لکم شرب يوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقة صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقة از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 28 - 5

5- ناقة صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب \*

أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقة باشد و ناقة آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

### 103- هجرت با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 4

4- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر ( چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . . ) از حکمت های آفرینش شتران \*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین «حاجه» برای تقخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . . .) می باشند.

### 104- هدفداری خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 3

3- شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات - که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد - بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

ص: 475

## 105- هلاکت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 2,4,7

2 - قوم ثمود ، ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فَعْقُرُوهَا

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: «عَقَرْتُ» (صحاح اللغه). گاهی فعل «عقر» در موردی به کار می رود که آن را «نحر» کرده باشند. (مصباح)

4 - قوم ثمود ، برای دستیابی به آب اختصاصی ناقه صالح ، آن را هلاک کردند .

و سَقِيهَا .. فَعْقُرُوهَا

بیان هشدار به ثمودیان، در مورد آب شرب ناقه و آن گاه سخن گفتن از تکذیب و عقر، نشانگر آن است که انگیزه قوم ثمود از پی کردن ناقه، چشم داشت آنان به آب مورد نیاز آن بوده است.

7 - کشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

كذَّبْتِ ثَمُودَ بِطُغْيَانِهَا .. فَكَذَّبُوهَا فَعْقُرُوهَا

## 106- هماهنگی عاقر شتر صالح (ع) و قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 29 - 7

7 - صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه \*

فَتَعَاطَى فَعْقُرُ

با توجه به این که واژه «فتعاطی» - در ساختار باب تفاعل - بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است؛ احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی خاص صورت گرفته باشد.

ص: 476

1- اهمیت شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 3 - 18

18 - لزوم ترس از خدا و نترسیدن از دشمنان دین

فلاتخشوهم و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 44 - 32

32 - ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا ، احبار و ربانیون ، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیین ... فلاتخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله «فلاتخشوا الناس» بر «یحکم بها النبیین» با کلمه «فاء»، بیانگر برداشت فوق است.

2- اهمیت شجاعت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 8

8- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الأرض و تقطعوا ارحامکم

بنابر این که «تولیتم» به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیمار دلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

3- اهمیت شجاعت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 8

8- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

ص: 477

فهل عسيتم إن توليتم أن تفسدوا في الأرض و تقطعوا أرحامكم

بنابر این که «تولیتیم» به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

#### 4- زمینه شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 23 - 9

9- ترس از خداوند ، شجاعت آفرین و خنثی کننده هراس از دشمن

قال رجلان من الذين يخافون .. ادخلوا عليهم الباب

بیان شجاعت یوشع و کالب - که از جمله «ادخلوا ..» به دست می آید - پس از توصیف آنان به خداترس، می رساند که شجاعت و نهراستیدن آنان از دشمن به سبب خداترسیشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 29,30

29 - توجه به نبود عظمت برای غیر خدا ، مایه پروانکردن از مردم در اجرای احکام الهی

فلاتخشوا الناس و اخشون

30 - خداترسان ، دلیر و بی باک در برابر خشم مردم از اجرای دستورات خداوند

فلاتخشوا الناس و اخشون

#### 5- شجاعت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 12

12 - ابراهیم(ع) با اعلام نهراستیدن از معبودهای مشرکان، بی پایگی منطق و تهدیدهای مشرکان را نشان داد.

و لا أخاف ما تشركون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- حضرت ابراهیم (ع) در مبارزه علیه بت پرستی ، دارای عزمی راسخ و شجاعت بسیار بود .

تَاللّٰه لَأُكَيِّدَنَّ أَصْنَمَكُمْ

تأکید کلام حضرت ابراهیم(ع) به وسیله «تاء» و «لام» قسم (تالله لأکیدنّ . . .)، دلیل بر عزم راسخ آن حضرت است. اظهار چنین کلام مؤکدی در حضور بت پرستان - که حرف خطاب «کم» در «أصنامکم» و نیز مخاطب آمدن فعل «تولّوا» بر آن دلالت دارد - گویای شجاعت بسیار ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 478



7- ابراهیم (ع)، نماد شجاعت و اسوه مبارزه با شرک و بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیہ و قومہ

از یادآوری داستان ابراهیم(ع)، اسوه بودن آن حضرت در مبارزه با بت پرستی و از موضع گیری ایشان در برابر جامعه خویش - حتی نزدیک ترین خویشاوندان خود - شجاعت آن حضرت استفاده می شود.

### 6- شجاعت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 33

33 - پیامبران، ربانیون و احبار، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلا تخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 11

11 - شهامت و شجاعت در ابلاغ رسالت، از صفات برجسته پیامبران الهی

و لقد أرسلنا .. فقال إتی رسول رب العلمین

از این که موسی(ع) در کانون قدرت ستمگر عصر خویش، یک تنه نوای توحید سر می دهد و نیز با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا استفاده می شود.

### 7- شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 126 - 5

5 - ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

### 8- شجاعت حبیب نجار

7 - حبیب نجار، فردی شجاع و فداکار در راه دین و عقیده

لنرجمنکم ولیمسنکم منّا عذاب أليم . . . و جاء من أقصا المدينة رجل یسعی قال یق

دفاع حبیب نجار از پیامبران و توصیه به پیروی از ایشان، در شرایطی که آنان به سنگسار و شکنجه تهدید شده بودند، بیانگر برداشت یاد شده است.

ص: 479

## 9- شجاعت حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 9

9- حزب خدا، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب الله هم الغلبون

## 10- شجاعت خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 12 - 10

10 - خواهر موسی، شجاع، زیرک و کاردان بود.

بصرت به عن جُنُب .. قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونہ لکم و هم له نصحون

## 11- شجاعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 10 - 12

12 - لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهرا سیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسلس من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

## 12- شجاعت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 13

13 - لزوم حضور فعال در میدان های نبرد علیه دشمنان راه خدا و بیم نداشتن از کشته شدن

یقتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون

## 13- شجاعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 33

ص: 480

33 - پیامبران، ربانیون و احبار، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلا تخشوا الناس و اخشون

#### 14- شجاعت مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 146 - 14

14 - نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل .. و الله یحب الصابین

آیه شریفه با یادآوری حماسه «ربیون»، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

#### 15- شجاعت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 39 - 10

10 - رفتار محبت آمیز و با شفقت، در عین برخورد قاطع و دلیرانه، شیوه مبارزاتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قل یقوم اعملوا .. فسوف تعلمون

برداشت یاد شده از تعبیر «یاقوم» - که در موارد اظهار محبت به کار می رود - به دست می آید.

#### 16- شجاعت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 12

12- صراحت لهجه و شجاعت موسی (ع) در برابر فرعون

وإنی لأظنک یفرعون مثبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 4

4- موسی (ع)، فردی نترس و دارای اراده ای قوی و همتی والا

قال یقوم . . . قال یه-رون ... قال فما خطبک یس-مری

موسی(ع)، پس از بازگشت از میقات، یک تنه و با استیضاح رئیس، مرئوس، فرد و گروه، با جوّ حاکم و غالب بر بنی اسرائیل درافتاد و با همه آنان از موضع قدرت سخن گفت. این برخورد، برخاسته از نیرویی وابسته به قدرت لایزال الهی بود.

ص: 481

## 17- شجاعت مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 38 - 10

10 - مؤمن آل فرعون، برخوردار از شجاعت، ایمان استوار و فهم درست از دین

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

اظهار ایمان و موضع گیری علنی مؤمن آل فرعون، علیه مواضع فرعونیان و نیز محتوا و چگونگی استدلال های او برای درستی مواضع خود، نشانگر برداشت یاد شده است.

## 18- شجاعت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 19

19 - جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر، ویژگی مؤمنان واقعی

يَجْهَدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 23 - 10

10 - برخی از مؤمنان، بر خلاف منافقان، از جهاد و کشته شدن، ترسی ندارند.

وإن يأت الأحزاب يودّوا لو أنّهم بادون في الأعراب .. من المؤمنين رجال ... قضى ن

به قرینه مقابله، احتمال دارد که آیه، در صدد بیان روحیه مؤمنان در مقابل منافقان باشد. در آیات سابق، از منافقانی یاد شده است که از جهاد فرار می کردند و یا دوست داشتند که در صحنه جهاد، حضور نداشته باشند. در این آیه، از مؤمنانی یاد می کند که به عهد خود وفادار ماندند و تا پای جان ایستادند و این نشان می دهد که آنان، ترسی ندارند.

## 19- شجاعت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 8

8 - نه‌راسیدن هابیل از تهدید برادرش به قتل وی \*

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی . . . انی اخاف اللّٰه رب العلمین

تأکید هابیل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می‌تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی به دل او راه نیافته است.

## 20- عوامل شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 482



17 - شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین ، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 9 - 5

5 - یادآوری امداد های الهی به مجاهدان راه خدا مایه نهراسیدن از مقابله با دشمنان دین

إذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم

هدف از یادآوری امدادهای غیبی به مجاهدان، ترغیب مؤمنان به نهراسیدن از مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 40 - 3

3 - باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله «فاعلموا ..» علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

## 21- عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 125 - 6,9

6 - باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

9 - نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق جمله «إنا إلی ربنا منقلبون» توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد

از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 6

6 - عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نهراستیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال ... لأقطنن أیدیکم وأرجلکم من خلف ... قالوا لاضیر إنا إلی ربنا منقلبو

ص: 483

## 21- شجره ملعونه

### 1- تذکر شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 2

2- حقیقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند در خواب دید و نیز شجره ملعونه در قرآن، شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ قلنا لك . . . و الشجره الملعونه فی القرآن

پیش از حرف «إذ»، «اذکر» در تقدیر است و از این فرمان به دست می آید که آنچه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یادآوری کرده، شایسته تذکر و یادآوری است.

### 2- شجره ملعونه در رؤیای محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 22

22- « عن علی (ع) قال : إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) أخذته نعسه و هو علی منبره ، فرأى فی منامه رجالاً ینزون علی منبره نزوه القرده ، یردون الناس علی أعقابهم القهقری فاستوی رسول الله (صلی الله علیه و آله) جالساً و الحزن یعرف فی وجهه فأتاه جبرئیل بهذه الأیه « و ما جعلنا الرؤیا التي أریناک إلا فتنة للناس و الشجره الملعونه فی القرآن . . . » یعنی بنی امیه . . . ;

از حضرت علی (ع) روایت شده است که فرمود: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر منبر بود که لحظه ای خواب چشم او را ریود، پس در خواب دید مردانی را که چون بوزینگان بر منبر آن حضرت می جهند و مردم را به روش گذشتگانشان (دوران جاهلیت) باز می گردانند. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که نشسته بود به خود آمد و آثار حزن و اندوه در چهره اش نمایان شد. پس جبرئیل این آیه را برای حضرت آورد: «و ما جعلنا الرؤیا التي أریناک إلا فتنة للناس و الشجره الملعونه فی القرآن . . .»؛ یعنی، بنی امیه . . .».

### 3- فلسفه شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 18

18- حقیقتی که در رؤیا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارائه شد و نیز طرح شجره ملعونه در قرآن، به منظور انداز و ترساندن مردم است.

و ما جعلنا الرءيا التي أرينك إلا فتنه . . . و الشجرة الملعونه في القرءان و نحو

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول بیواسطه ای برای «نخوفهم» در تقدیر باشد همانند «بذلک». بنابراین معنا چنین می شود: ما به وسیله اینها، مردم را انذار می کنیم.

#### 4- مراد از شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 22

22- « عن علی (ع) قال : إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) أخذته نعسه و هو علی منبره ، فرأى فی منامه رجالاً ینزون علی منبره نزوه القرده ، یردون الناس علی أعقابهم القهقري فاستوی رسول الله (صلی الله علیه و آله) جالساً و الحزن یعرف فی وجهه فأتاه جبرئیل بهذه الأیه « و ما جعلنا الرؤیا التي أريناک إلا فتنه للناس و الشجرة الملعونه فی القرآن . . . » یعنی بنی امیه . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است که فرمود: همانا رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بر منبر بود که لحظه ای خواب چشم او را ربود، پس در خواب دید مردانی را که چون بوزینگان بر منبر آن حضرت می جهند و مردم را به روش گذشتگانیشان (دوران جاهلیت) باز می گردانند. پس پیامبر(صلی الله علیه و آله) در حالی که نشسته بود به خود آمد و آثار حزن و اندوه در چهره اش نمایان شد. پس جبرئیل این آیه را برای حضرت آورد: «و ما جعلنا الرؤیا التي أريناک إلا فتنه للناس و الشجرة الملعونه فی القرآن...»؛ یعنی، بنی امیه...».

#### 5- نقش شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 15

15- شجره ملعونه در قرآن ، وسیله آزمایش مردم

إلا فتنه للناس و الشجرة الملعونه فی القرءان

ص: 485

### 1- آثار شخصیت دنیوی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 72 - 2

2- شخصیت و ماهیت اخروی انسان ، بازتاب و نمودی از شخصیت دنیوی اوست .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى

### 2- آسیب شناسی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 76 - 13

13- انسان فاقد روحیه عدالت خواهی ، انسانی گنگ و بی ارزش در پیش الهی \*

أحدهما أبكم .. و من يأمر بالعدل

از تقابل «یأمر بالعدل» با «أبکم» مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 63 - 6

6- پیروی انسان از ابلیس ، عامل از دست دادن کرامت انسانی و هم سنخ شدن با او

فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

التفات از خطاب مفرد به جمع، حکایت از آن دارد که پیروان شیطان، در ردیف او قرار گرفته و با او هم سنخ می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 5 - 6

6- فقدان آگاهی و دانش ، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

وقالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه «لأبائهم» اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله «ما لهم به من علم و...» بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که «جهل» در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

ص: 486

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 4,6

4- قرار گرفتن در متن نعمت های سرشار مادی ، زمینه غرور و انحطاط روحی و بینشی و اخلاقی انسان است .

و دخل جتته و هو ظالم لنفسه

6- تحقیر تهیدستان و افراد بی مال و منال ، و غرور و سرمستی به اموال و امکانات ، تباه ساختن و سقوط دادن خویش است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً وأعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 5

5 - تخلف و عصیان از فرمان های پروردگار ، موجب سقوط انسان و تنزل مقام او است .

و عصی آدم .. قال اهبطا منها

جمله «ثم اجتباه..» گرچه قبل از ماجرای هبوط ذکر شده است؛ ولی براساس آیاتی که در سوره بقره گذشت، توبه آدم پس از هبوط بوده است. بنابراین جمله «قال اهبطا...» بیان مجازات عصیان آدم است و «ثم اجتباه...» جمله معترضه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 4

4- روی گردانی از توحید و گرایش به شرک ، دگرگونی شخصیت و هویت انسانی و بازگشت به قهقرا است .

فقالوا إنکم أنتم الظلمون . ثم نکسوا علی رؤوسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 15

15 - پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات ، مانع از رشد و بالندگی و مایه ناپاکی و انحطاط انسان است .

لا تتبعوا خطوت الشیطن ... فإنه یأمر بالفحشاء و المنکر و لولا فضل الله علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 11

11 - هواپرستی و شرک ، موجب سقوط انسان از منزلت انسانی خویش

أرءیت من اتخذ إلهه هویه . . . إن هم إلا کالأنعم بل هم أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 77 - 3

3 - انسان ، من های دعا و عبادت ، فاقد ارزش و منزلت در پیشگاه خداوند است .

قل مایعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 487



8 - ناشکیبایی در برابر دشمن ، زمینه خفیف و خوار شدن است . \*

فاصبر . . . و لا یتخفّنک الذین لایوقنون

احتمال دارد مراد از «استخفاف» خفیف کردن و موهون کردن باشد، چنان چه در لسان العرب آمده است: «واستخفه: طَلَبَ خِفَّتَهُ». ذکر «و لا یتخفّنک» پس از دستور به صبر، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که عدم صبر، خفت می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهور و بیهودگی است .

یشتری لهور الحدیث . . . بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - کفر و انکار معاد ، موجب نابودی و سقوط انسان

قال تالله ان کدت لتردین

5 - تأثیر سوء هم نشینی با کافران و بدان ، تا آستانه هلاکت و سقوط کامل

قال تالله ان کدت لتردین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - تکبر و خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان الهی ، موجب سقوط انسان از منزلت والا و طرد از درگاه الهی است .

إلا إبلیس استکبر . . . قال فاخرج منها فانک رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بی اعتقادی به علم گسترده الهی ، موجب انحطاط ، سقوط و نابودی انسان

أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ . . . ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدِيكُمْ

«ارداء» (مصدر «اردی») به معنای نابود کردن و هلاک ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 15

15- انسان بد رفتار با پدر و مادر و ناباور به وعده های الهی ، فاقد رشد و کمال \*

أَنْتُمْ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ . . . وَالَّذِي قَالَ لَوْلَدِيهِ أُفَّ . . . مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

با توجه به مقابله «والذی قال..» با «أولئک الذین نتقبّل...»، به دست می آید که بد رفتاران با والدین و ناباوران به دین، در حقیقت از رشد و خرد بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 488

16- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان \*

كُفِّرْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلِحْ بِالْهَمِّ

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که «بال» به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کفر ، موجب سقوط انسان و از بین رفتن اعمال نیک وی \*

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

برداشت بالا بدان احتمال است که «أضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» نظر به حبط عمل داشته باشد؛ یعنی، اگر کافران عمل نیکی هم داشته باشند، پس از مرگ به کار آنان نخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أُولَئِكَ الَّذِينَ... فَأَصَمَّوْهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه «أُولَئِكَ...» قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - جامعه بی فرهنگ بدوی ، زاینده انسان های بی ارج و مسؤولیت گریز \*

و كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که در این مجموعه آیات، به جای هر عنوان دیگری، تعبیر «الأعراب» مطرح شده و این تعبیر می

تواند مشعر به علیت باشد. هم چنین واژه «کنتم» حکایت از دیرینه ای طولانی دارد و «قوماً» اشاره به حیثیت اجتماعی می تواند داشته باشد و واژه «بوراً» نیز به معنای بی خاصیتی و بیهودگی است.

12 - پندار ها و نگرش های غلط ، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنّ السوء و کنتم قوماً بوراً

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد؛ یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 37 - 3

3 - « دین داری » ، موجب پیشرفت و تکامل و « بی دینی » ، موجب انحطاط و سقوط است .

لمن شاء منکم أن یتقدّم أو یتأخّر

ص: 489

مقصود از تقدم و تأخر در آیه شریفه - به قرینه نظیر آن در آیه 19 از سوره قبل (إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) - ممکن است سبقت در اتخاذ راه خدا و عقب افتادن با تخلف از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 31 - 6

6 - شرک ورزیدن به خدای یگانه، فرو افتادن از اوج کمالات انسانی و تبدیل شدن به طعمه شیطان و گرفتار گشتن در دام او است.

و من یشرك بالله فکأنما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

### 3- ابزار شناخت شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 12

12 - زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

### 4- ابعاد شخصیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 215 - 3

3 - اندازگری و رحمت گستری، دو بعد شخصیت الهی و پیامبری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

و أنذر عشیرتک... و اخفض جناحک

### 5- ارزش شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 6,7

6 - برتری حفظ شخصیت انسان ها در مقایسه با تأمین اقتصادی آنان

قول معروف و مغفره خیر من صدقه

7 - حفظ و پاسداریِ شخصیتِ انسان ها ، از ارزش های اساسی اسلام

قول معروف و مغفّره خیر من صدقه یتبعها اذی

با توجه به ضرورت برخورد نیکو و پرده پوشی اسرار نیازمندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 264 - 3

ص: 490

3 - توجه اسلام به حفظ شخصیت انسانها

لا تطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 271 - 5

5 - ارزش حفظ شخصیت انسانها

و ان تخفوها و توتوها الفقراء فهو خیر لکم

به نظر می رسد از جمله حکمتهای برتری صدقه پنهانی، تأمین حفظ شخصیت و آبروی مستمندان باشد؛ چون هدف از صدقه، رفع نیاز مردم است و مردم به حفظ آبروی خویش نیازمندترند.

### 6- انسان های بی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 11

11 - جامعه بی فرهنگ بدوی، زاینده انسان های بی ارج و مسؤولیت گریز \*

و کنتم قومًا بورًا

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که در این مجموعه آیات، به جای هر عنوان دیگری، تعبیر «الأعراب» مطرح شده و این تعبیر می تواند مشعر به علیت باشد. هم چنین واژه «کنتم» حکایت از دیرینه ای طولانی دارد و «قوماً» اشاره به حیثیت اجتماعی می تواند داشته باشد و واژه «بوراً» نیز به معنای بی خاصیتی و بیهودگی است.

### 7- اهمیت حفظ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 112 - 3

3- ضرورت و اهمیت حفظ شخصیت افراد در جامعه

و من یکسب خطیئه أو اثمًا ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتتاً و اثمًا مبیناً

بزرگ شمردن گناه تهمت، دلالت بر این دارد که خداوند به طور مؤکد خواهان این است که شخصیت افراد همواره محفوظ بماند.

## 8- اهمیت حفظ شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

ولا تطرد الذین یدعون ربهم

ص: 491



در سبب نزول این آیه آمده است که بزرگانی از مشرکان، حضور نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مشروط به عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 114 - 3

3 - جایز نبودن طرد محرومان جامعه در هیچ شرایطی؛ حتی به قیمت ایمان و گرایش افراد با نفوذ و دانه درشت جامعه به دین.

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذولون . . . و ما أنا بطارد المؤمنین

### 9- اهمیت شخصیت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 3

3 - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك . . . و هو یخشی

### 10- اهمیت شخصیت علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 12

12- فروتنی و ادب در برابر عالمان الهی، لازم است.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

### 11- اهمیت شخصیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 5

5 - کسی که فرمان به تقوایبشگی در گفتار او نمودار یا محتمل است، هرگز نباید او را به سکوت وادار کرد.

أرءیت الذی ینهی . . . أرءیت إن . . . أمر بالتقوی

حرف «إن»، برای شرط و بیانگر کافی بودن احتمال در این موارد است.

## 12- اهمیت شخصیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 492

1 - عبادت معبود های مشرکان ، در شأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده و آن حضرت هرگز به آن تن نمی داد .

و لا انا عابد ما عبدتم

تعبیر «و لا انا عابد» و نیز «و لا اُنتم عابدون» (در آیه بعد) بیانگر اهلیت و شأنت است. مفاد دو آیه این است که: نه من اهل آن عبادتم و نه شما اهل این عبادتید. وجود اسم فاعل در این آیه و فعل مضارع و «لا»ی نافیه در آیه دوم - که مفادی نظیر این آیه داشت - بیانگر تفاوت زمان مورد نظر از آنها است؛ یعنی، «لا اُعبد» نظر به مستقبل و «لا انا عابد» نظر به زمان حال دارد. در نتیجه مشرکان، باید از حال و آینده پیامبر (صلی الله علیه و آله) قطع امید کنند.

### 13- اهمیت شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 10

10- گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما انا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 30 - 2,3

2- طرد مؤمنان ( نپذیرفتن آنان به جرگه و مجمع اهل ایمان ) گناه و درپی دارنده عذاب الهی است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

«من الله» به معنای «من عذاب الله» است.

3- همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 17

17- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات .. فتصییکم منهم معرّه

#### 14- اهمیت شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 17 - 4,6

4 - خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

يقول ربّي أكرمن .. كالأبل لا تكرمون الیتیم

6 - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

كالأبل لا تكرمون الیتیم

ص: 493

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 19 - 3

3 - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لا تکرهون الیتیم . . . و تأکلون التراث اکلاً لماً

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

### 15- ترور شخصیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 51 - 7

7 - ترور شخصیت ( همچون پیامبر (صلی الله علیه و آله) ) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را متهم به جنون کردند؛ بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

### 16- تغییر شخصیت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 3

3- تغییر شخصیت قوم بت پرست ابراهیم، با روی آوردن مجدد آنان به شرک و بت پرستی

فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ . ثُمَّ نَكَسُوا عَلٰی رُءُوسِهِمْ

برداشت یاد شده براساس این نکته است که مقصود از زیر و رو شدن در جمله «ثُمَّ نَكَسُوا عَلٰی رُءُوسِهِمْ» تغییر عقیده بت پرستان باشد. براین اساس تشبیه کردن چنین تغییری به واژگون شدن انسان، می تواند کنایه از تغییر و دگرگونی اساسی شخصیت بت پرستان باشد که بر اثر این تغییر، عقاید آنان نیز تغییر یافت .

## 17- حفظ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 12

12 - لزوم رعایت شئونات و ارزش افراد در جامعه اسلامی

ص: 494

متَّعوهنَّ . . . بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 241 - 2

2 - شوون اجتماعی زن و مرد ، تعیین کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلَّقه پرداخت شود . \*

متاع بالمعروف

به نظر می رسد بدون در نظر داشتن شوون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 113 - 5

5 - احترام اسلام به افراد شایسته و ستایش از آنان ، ولو اینکه مسلمان نباشند .

ضربت عليهم الذَّله .. ليسوا سواءً من اهل الکتب امه قائمه

### 18 - حفظ شخصیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 60 - 6

6 - خداوند ، خواهان شخصیتی عزیز و مقتدر برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

ولا يستخفَّنک الذین لایوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 3

3 - خداوند ، به حفظ شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در میان مردم و دفاع از عملکرد او ، توجهی ویژه داشت .

ما کان محمَّد أباً أحد من رجالکم

چنین بیانی - که به حسب ظاهر، برای مردم هم روشن بوده است - حکایت از این واقعیت می کند که وقتی عملکرد درست پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا شخصیت آن حضرت، زیر سؤال می رفت، خداوند، از او دفاع می کرد. از این برخوردار، برداشت بالا قابل استفاده

است.

### 19- حفظ شخصیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 4

4- رهبران و مبلغان دین نباید قشرهای ضعیف و تهیدست را از اطراف خود برانند.

ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوة والعشی یریدون وجهه

ص: 495



## 20- حفظ شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 22، 20

20 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نباید با طرد مؤمنان مستمند و فقیر از اطراف خویش، خود را در جرگه ظالمان قرار دهد.

فتطردهم فتكون من الظلمين

22 - طرد کردن مؤمنان به سبب نداشتن پایگاه اجتماعی، ستمگری است.

فتطردهم فتكون من الظلمين

## 21- حفظ شخصیت نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 8

8 - لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان، درباره مسائل مربوط به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أتی أذبحک فانظر ماذا تری

## 22- زمینه بروز شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 8

8 - بروز شخصیت خوب و بد انسان ها، در لابه لای گفتار و سخن آنان

الخبیث للخبیثین و الطیبون للطیبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 106 - 5

5 - آزمایش الهی، عرصه ظهور و بروز شخصیت انسان و ارزش های نهفته در وجود او

إنّ هذا لهو البلاء المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 10

10 - رفاه مندی و تنگنا های زندگی ، دو میدان برای بروز و ظهور خصلت های آدمی و آفات روحی او

و إذا أنعمنا .. و إذا مسّه الشرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 7

ص: 496

7- ظهور مکنونات انسان ، در جریان تکالیف شاق

إن یسئلکموها .. و یخرج أضغثکم

### 23- زمینه شخصیت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 6

6- سخن آدمی می تواند نشان دهنده مرتبت و شخصیت او باشد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین آمین

### 24- شخصیت آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 4

4- آزر، فردی برجسته در میان قوم خویش

و إذ قال إبرهیم لأبیه آزر .. إنی أریک و قومک

انتساب «قوم» به آزر بیانگر موقعیت برجسته وی در میان مردم است.

### 25- شخصیت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11

11 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبرهیم .. کانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 2

2- ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إذ جاء ربّ بقلب سليم

«سليم» صفت مشبّهه و مشتق از «سلامت» (پاکی از امراض دردها و آفت‌ها) است. توصیف قلب به «سليم» بودن، اشاره به انواع امراض و آفت‌های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

ص: 497

## 26- شخصیت اجتماعی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 27 - 6

6- ایمان قوی مردم دور و نزدیک، به حضرت ابراهیم (ع) و نفوذ و محبوبیت شدید آن حضرت در میان آنان

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ

استقبال مردم دور و نزدیک از دعوت حضرت ابراهیم (ع) و هجوم آنان برای زیارت کعبه به صورت پیاده و سواره، نشان از آشنایی آنها با شخصیت والای آن حضرت و محبوبیت او در میان آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 89 - 6

6- ابراهیم (ع)، شخصیتی سرشناس و مورد توجه در میان قوم خویش

فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النَّجْمِ . فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

پیشنهاد مشرکان به ابراهیم (ع) برای بیرون رفتن از شهر، می تواند به این دلیل باشد که آن حضرت، شخصیتی ممتاز و برجسته در میان مردمش بود که شرکت و عدم شرکت او در چنین مراسم عمومی و ملی، بسیار چشم گیر و با اهمیت بود.

## 27- شخصیت اجتماعی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 69 - 2

2- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، شخصیتی کاملاً آشنا و شناخته شده برای مردم محیط خویش

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكَرُونَ

## 28- شخصیت اجتماعی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 13 - 2

2- موسی (ع) برگزیده خداوند و بهترین فرد زمان خویش برای دریافت وحی و ابلاغ پیام الهی بود.

«اختیار» از ماده خیر و به معنای «اصطفاء» (برگرفتن خالص هرچیز) است (لسان العرب).

## 29- شخصیت اجتماعی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 9

9- در جامعه اسلامی ، مؤمنان به منزله یک پیکراند .

ص: 498

ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيراً

برداشت یاد شده از تعبیر «بأنفسهم» (به خودشان) - که هر یک از مردان و زنان مؤمن را نفس دیگری قرار داده - استفاده شده است.

### 30- شخصیت اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 72 - 2

2- شخصیت و ماهیت اخروی انسان ، بازتاب و نمودی از شخصیت دنیوی اوست .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى

### 31- شخصیت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11

11 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

### 32- شخصیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11

11 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

### 33- شخصیت اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 5

5- مشاوران دربار بلقیس ، عناصری برجسته و صاحب مقام

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُ

واژه «ملاً» به عناصر چشم پرکن و شخصیت های برجسته گفته می شود.

ص: 499



#### 34- شخصیت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

7 - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7 - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

#### 35- شخصیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 225 - 7

7 - تغییر شخصیت معنوی انسان ، در اثر کار های لغو و بیهوده \*

لا یؤخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤخذکم بما کسبت قلوبکم

آیه مزبور احتمالاً در صدد تقسیم سوگند به لغو و جدّ و کفّاره داشتن یکی و نداشتن دیگری نیست؛ بلکه در صدد بیان این است که اگر چه خداوند در سوگندهای لغو کیفری قرار نداده است؛ ولی این عمل حکایت از قلبی بیمار دارد و یا اینکه به تدریج به بیماری قلب و دل می انجامد و خداوند بر این بیماری مؤاخذه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 64 - 10

10 - مأموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دعوت اهل کتاب به آزاداندیشی و داشتن شخصیت مستقل انسانی

تعالوا... و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 143 - 3

3 - میدان نبرد ، عرصه بروز شخصیت و حقیقت درونی افراد

و لقد كنتم تمنون الموت .. فقد رايتموه وانتم تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 14

14 - ایمان ، عمل صالح ، تقوا و انجام کار های نیک به وجه احسن معیار ارزشگذاری بر انسان ها و نقد منزلت و شخصیت آنان

لیس علی الذین ءامنوا .. ثم اتقوا و احسنوا

ص: 500

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 13

13 - انسانها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایسته شدن برای سجده ملائکه بر ایشان.

لقد مكنكم فى الأرض .. و لقد خلقنكم ... ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

آیه قبل دلالت می کند که مطالب عنوان شده در آیه مورد بحث - که از جمله آنها سجده فرشتگان بر آدم(ع) است - از نعمتهای الهی برای همه انسانهاست. در حالی که نه سجده بر آدم به منزله سجده بر همگان است و نه سجده بر او نعمت برای دیگران، بنابراین، می توان گفت جمله «قلنا للملائكة...» پس از «خلقناکم» اشاره به این دارد که خداوند در همه انسانها این زمینه را ایجاد کرده است که بتوانند مسجود ملائکه بشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 9

9 - انسانیت ، هویت و شخصیت انسان به روح الهی او بستگی دارد ; نه به جسم و کالبدش .

فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین

برداشت یاد شده از آن جا است که سجده فرشتگان بر آدم(ع) - که نشانه شخصیت و هویت ارزشمند انسانی او است - پس از دمیده شدن روح الهی در وی بود.

### 36- شخصیت اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 62 - 2، 1

1 - اولیای خدا ، کسانی هستند که حوادث ناگوار روزگار در دیدگاه آنان ، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند .

ألا إن أولیاء الله لا خوف علیهم

«خوف» ؛ یعنی، انتظار وقوع امر ناخوشایندی را داشتن (مفردات راغب). برداشت فوق بر این اساس است که: چون زندگی در دنیا بیوقوع حوادث ناگوار - خصوصاً برای بندگان مقرب خدا - ممکن نیست، پس نفی خوف از آنان، قهراً به این معناست که حوادث دنیوی در ذائقه آنان، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند.

2 - اولیای خدا ، کسانی هستند که هر آنچه حوادث روزگار از کفشان برآید ، غمی به دل راه نداده و غبار اندوه بر چهره شان نمی نشیند .

ألا إن أولياء الله... ولا هم يحزنون

### 37- شخصیت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

ص: 501

واژه «أعمى» و «بصير» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 58 - 1

1 - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

### 38- شخصیت برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 10

10 - یکسانی مقام انسانی بردگان با سایر انسانها

من فتیاتکم المؤمنات . . . بعضکم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 14، 15

14 - بردگان ، هم سنگ با مالکانشان در بستن قرارداد باز خرید خویش

الذین یتغون الکتب ممّا ملکتم فکاتبوهم

برداشت یاد شده به خاطر صیغه مفاعله بودن «کاتبوا» است که لازمه آن، مشارکت بردگان با مالکان خویش در عقد قرارداد باز خریدشان است.

15 - بردگان ، دارای شخصیت حقیقی ( اصیل در قرارداد باز خرید خویش ) در دیدگاه قرآن

الذین یتغون الکتب ممّا ملکتم فکاتبوهم

### 39- شخصیت بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5 - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّتِ نادرستی مبارزه کند.

ص: 502

#### 40- شخصیت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 4

4- بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح ... حتی يرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

#### 41- شخصیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1- انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 12

12- اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

#### 42- شخصیت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

7- هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7 - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

ص: 503



### 43- شخصیت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 84 - 3

3- « ذوالقرنین » ، شخصیتی الهی بود . \*

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

احتمال می رود که انتساب قدرت ذی القرنین به خدا، از آن جهت باشد که خدا، به خاطر شخصیت الهی وی، امکاناتی را به او عطا کرده باشد.

### 44- شخصیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 14، 16

14 - در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

انّی لا اضعی عمل عامل منکم من ذکر او انثی

16 - همه انسان ها ، چه زن و چه مرد ، دارای حقیقت و ماهیتی واحد

من ذکر او انثی بعضکم من بعض

تذکر این نکته که شما انسانها چه زن و چه مرد از یکدیگر هستید، بیان یکسانی و عدم برتری جنسی نسبت به جنس دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 13

13- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما یحکمون

### 45- شخصیت زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار)، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث، شایسته زندگی با زنان خبیث اند.

### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات» و «خبیثون») به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد «طیبات» و «طیبون») به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین» «الطیبات» و «الطیبون» اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال»

ص: 504

و...». 3- لام در «للخبيثين»، «للخبيثات» و «للطيبين» و «للطيبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفيف ، ممنوع است .

#### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

4 - گفتار و سخن ناپسند و خبثت آلود ، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدسرشت و بدکردار ) است و از آنان سر می زند .

#### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «الخبیثات» و «الطیبات» صفت برای موصوف محذوف «الکلم» باشد؛ یعنی، «الخبیثات من الکلم للخبیثین من الرجال و...». گفتنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إنّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئک مبرءون ممّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

15 - « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . »

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

#### 46- شخصیت زنان عفيف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5،6،7،15

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفيف ، ممنوع است .

#### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لاینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5- زنان نیک ( نیک سرشت و نیک کردار ) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

6- زنان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق

ص: 505

ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

7- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

15- « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قيل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطَّيِّبَاتُ من الرجال و الطَّيِّبُونَ من الرجال للطَّيِّبَاتِ من النساء . . . و هو المروى عن أبي جعفر و أبي عبد الله . . . »

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

#### 47- شخصیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 16

16 - زنان مؤمن ، باید هویتی مستقل و شناخته داشته باشند .

ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین

#### 48- شخصیت سازی دروغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 6

6- شخصیت آرایی با دروغ و نادرستی زیانکاری است .

خاب کلّ جبّار عنید

راغب می نویسد: کاربرد صفت «جبّار» در انسان، درباره کسی است که دارای نقیصه ای می باشد و می خواهد با ادعا، منزلت و جایگاهی را که شایسته آن نیست به دست آورد. این صفت درباره انسان فقط برای مذمت به کار می رود.

#### 49- شخصیت سامری

4- سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

تعبیر «گوساله ای در آورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

ص: 506

## 50- شخصیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 6

6 - سلیمان شخصیتی مشهور ، حتی نزد مورچگان

لایحطمتکم سلیمان و جنوده

## 51- شخصیت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 12

12 - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 58 - 1

1 - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

## 52- شخصیت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شخصیت فوق العاده حضرت عیسی (ع) زمینه غلو و گزافه گویی مسیحیان در مورد ایشان

ياهل الكتب لاتغلوفا فی دینکم . . . انما المسيح عیسی ابن مریم رسول اللہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - شخصیت والای مسیح (ع) و مقام بلند فرشتگان ، مانع آنها از بندگی خداوند نیست .

ص: 507



لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله و لا الملكة المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 116 - 10

10 - عيسى (ع) شخصيتى بدور از ادعاى گراف آميز درباره خویش و مادرش مريم

ما يكون لى ان اقول ما ليس لى بحق

### 53- شخصيت فقير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 262 - 3

3 - توجه اسلام به حفظ شخصيت نيازندان و دريافت کنندگان انفاق

الذین ينفقون ... لا يتبعون ما انفقوا متاً و لا اذى

### 54- شخصيت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 55 - 2

2 - انسانهاى كه بر اثر كفوورزى زمينه هاى ايمان را در خویش از میان برده اند ، در پيشگاه خداوند بدترين جنبدگان هستند .

ان شر الدواب عندالله الذین كفروا فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 20 - 3

3 - برابر و يكسان نبودن مؤمنان و كافران ، از نظر شخصيت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 21 - 2

2- برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

ولا الظلّ ولا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 1

1- وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً وقائماً

ص: 508

«من» در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ أَعَانَهُ الْإِيل... كَمَنْ هُوَ عَاصٍ أَوْ كَافِرٌ؛ أَيَاكْسَى كَمَا شَبَّ زَنْدَةً دَارَ (مُؤْمِنٍ) اسْتِ، مَانِدٌ كَسَى اسْتِ كَمَا عَاصَى وَ يَا كَافِرٍ اسْتِ». بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 10

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ.. .) - جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ... كَمَنْ قَسَا قَلْبَهُ». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 3

3 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ . . . أَفَمَنْ يَتَّقِي بُوجْهَهُ سَوَاءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

«من» در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: «أَفَمَنْ يَتَّقِي بُوجْهَهُ سَوَاءَ الْعَذَابِ . . . كَمَنْ آمَنَ مِنْهُ». بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

## 55- شخصیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 26

26 - شخصیت و کرامت انسانی کنیزان ، به منزله شخصیت و کرامت دختران آزاد است .

وَلَا تَكْرَهُوا فِتْيَتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ . . . إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا

«فتیات» (جمع «فتیه») به معنای دختران جوان است (لسان العرب). برداشت یاد شده از تعبیر «فتیاتکم» (دختران جوانتان) به جای

«إمائکم» (کنیزانتان) - با آن که مقصود از دختران جوان، همان کنیزان است - استفاده شده است.

## 56- شخصیت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5- شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. . أن تأکلوا من بیوتکم .. . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه

ص: 509

شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّت نادرستی مبارزه کند.

### 57- شخصیت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

### 58- شخصیت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 1

1 - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

### 59- شخصیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 58 - 3

3 - مؤمنان نیکوکار با افراد بدکردار ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی ... و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

### 60- شخصیت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5 - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با

ص: 510

نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنتِ نادرستی مبارزه کند.

### 61- شخصیت مبلغان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حَقّ دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لاتطعه

### 62- شخصیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 69 - 3,4

3 - شخصیت ارزشی و اخلاقی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خود گواه صداقت آن حضرت بود .

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

4 - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و

اخلاقی (صداقت ، امانت و ...) آن حضرت

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 70 - 2

2 - شخصیت ، منش و گویش خردمندانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواهی روشن بر میرا بودن آن حضرت از اتهام کافران ( جنون )

أم لم يعرفوا رسولهم ... أم يقولون به جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 43 - 5

5 - مشرکان ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعبد آباؤكم

تعبیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به «رجل» - آن هم به صورت نکره - حاکی از نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 4 - 2

2 - اخلاق و خلق و خوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عجین با شخصیت و سرشت آن حضرت بود؛ نه امری موقت و گاه به گاه.

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ

مطلب یاد شده، از تعبیر «خلق» (سجیه) استفاده می شود؛ زیرا «سجیه» به معنای چیزی است که از طبع و سرشت آدمی

ص: 511



برخیزد (تاج العروس). بنابراین به امور موقتی و زودگذر، سنجیه گفته نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 2,8

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فردی آبرومند و دارای مقامی ارجمند، در دیدگاه مردم عصر خویش

و رفعنا لک ذکرک

یاد رفیع، کنایه از احترام گذاشتن یادکنندگان است.

8 - شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، زینده نیک نامی و آبرومندی بود.

و رفعنا لک ذکرک

در برداشت یاد شده، «لام» در «لک» برای تعلیل فرض شده و بیانگر آن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خود علتی کافی برای آوازه بلند و شایسته رفعت ذکر است.

### 63- شخصیت مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین، حقّ دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند.

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لا تطعه

### 64- شخصیت مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 1,2,4,15

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار)، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث، شایسته زندگی با زنان خبیث اند.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات») و «خبیثون» (به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد «طیبات») و «طیبون» (به معنای شیء

پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین» «الطیّبات» و «الطیّبون» اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...». 3- لام در «للخبیثین»، «للخبیثات» «للطیّین» و «للطیّبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

2- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

ص: 512

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لاینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

4- گفتار و سخن ناپسند و خبثت آلود، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند.

#### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «الخبیثات» و «الطبیّات» صفت برای موصوف محذوف «الکلم» باشد؛ یعنی، «الخبیثات من الکلم للخبیثین من الرجال و...». گفتمی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إنّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئک مبرءون ممّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

15- «فی مجمع البیان قال: سبحانه «الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات» قیل فی معناه أقوال: . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطبیّات من الرجال و الطبیّون من الرجال للطبیّات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . .»

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

#### 65- شخصیت مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 7، 6، 5، 2

2- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

#### الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لاینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار)، تنها شایسته مردان نیک، و مردان نیک، تنها شایسته زنان نیک اند.

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

6- زنان پاکدامن و منزه از فحشا، تنها با مردان پاکدامن، و مردان پاکدامن و منزه از فحشا، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است.

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

7- گفتار و سخن پسندیده و نیک، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند.

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

15- « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث

ص: 513

الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبات من النساء للطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . ;

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

### 66- شخصیت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 12

12- مریم (س) برخوردار از منزلتی والا و مقامی بلند در پیشگاه خداوند و شخصیتی جهانی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا و جعلناها و ابنها آیه للعلمین

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته است: 1- «التي» منصوب به عامل مقدری چون «أذكر» یا «أذكروا» است که در این صورت فرمان به یادآوری داستان مریم(س) برای همه انسان ها است. 2- نام مریم(س) در ردیف پیامبران الهی قرار گرفت و به دنبال نام آنان آمد. 3 خداوند مریم(س) را آیت خود برای جهانیان معرفی کرد (و جعلناها و ابنها آیه للعالمین).

### 67- شخصیت مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 9

9- مریم (س) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یاخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

### 68- شخصیت معنوی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 7

7- شخصیت معنوی یحیی ، شخصیتی بی مانند بود و پیش از او ، کسی به آن مقام نرسیده بود .

لم نجعل له من قبل سمیاً

از جمله معانی ذکر شده برای «سمی» نظیر و شبیه است (مفردات راغب). در این صورت مراد این است که کسی در گذشته ویژگی های یحیی را نداشته است.

ص: 514

## 69- شخصیت مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حق دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لا تطعه

## 70- شخصیت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 11

11 - منافق ، بناکننده شخصیت خویش بر اساسی سست و ناپایدار

أم من أسس بنینه علی شفا جرف هار فانهار به

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «بنیانه» هویت و شخصیت خود فرد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 2

2 - شک و تردید ، پرتگاهی که منافقان بنای شخصیت خویش را بر آن پی افکنده و از آن جا به دوزخ سقوط می کنند .

أسس بنینه علی شفا جرف هار .. لا یزال بنینهم الذی بنوا ریه فی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 14 - 4

4 - منافقان ، بدون هیچ گونه فشار و تهدید و سختی ، تنها با پیش آمدن اندک موقعیتی ، درون خود را رو می کنند .

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

تعبیر «سئلوا الفتنه» برای بیان وضعیت منافقان در اظهار عقیده شان، بدون بیان هیچ تهدید و فشاری، آن هم با وجود موقعیت جنگی، حکایت از نکته یاد شده می کند.

## 71- شخصیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 41 - 2

2- وجود موسی (ع)، وقف راه خدا بود.

لنفسی

«تورا برای خود ساختم»، کنایه از خالص ساختن مخاطب برای خویش است.

ص: 515



## 72- شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 5

5 - مؤمنان راستین ، شخصیت خویش را بر اساس تقوا و تحصیل رضایت خدا بنا می کنند .

أفمن أسس بنيته على تقوى من الله ورضون خير

مراد از «بنیانه» می تواند اعمال و دستاوردهای فرد نباشد، بلکه منظور بنیان و هویت خود شخص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 3

3 - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

ولا الظلمت ولا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 2

2 - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

ولا الظلّ ولا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 1

1 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً وقائماً

«من» در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: «أمن هو قانت ءاناء الیل... کمن هو عاص أو کافر؛ آیاکسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است». بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 10

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسية قلوبهم ..) - جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 3

3 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله .. أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمة

ص: 516

«من» در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: «أفمن يتتقى بوجهه سوء العذاب.. كمن آمن منه». بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 58 - 3

3 - مؤمنان نیکوکار با افراد بدکردار ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما يستوى... والذين آمنوا و عملوا الصلحت و لا المسىء

### 73- شخصیت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 1

1 - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ينهى . عبداً إذا صلّى ... كذب و تولّى ... كلاً لا تطعه

### 74- شخصیت نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 5

5 - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نمازگزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ينهى . عبداً إذا صلّى ... كذب و تولّى ... كلاً لا تطعه

### 75- شخصیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 83 - 5

5- نوح (ع)، دارای شخصیتی برجسته و ممتاز در میان پیامبران الهی

وإنّ من شیعتہ لإبرہیم

ص: 517

## 76- شخصیت نیاکان مریم (س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 9

9- مریم (س) و خاندان او، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یاخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

## 77- شخصیت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 5

5 - سرشت و شخصیت هابیل، بر حذر از برادرکشی

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

هابیل از نکشتن برادر، به دست نگشودن برای کشتن تعبیر کرد و آن را با قسم و «باء» زایده تأکید کرد و نیز جمله اسمیه به کار برد تا بفهماند هرگز شخصیتش با چنین کاری سازگاری ندارد.

## 78- شخصیت همنشین باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 39 - 11

11- خودباختگی و خودکم بینی، به خاطر کمی مال و فرزند، در مرد مؤمن راه نیافت.

إن ترن أنا أقلّ منک مالاً و ولدًا

جمله «فعسی ربّی..» - در آیه بعد - جواب شرط و حاکی از امیدواری مرد مؤمن به عنایت خداوند است.

## 79- شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 11

11 - لزوم حفظ شخصیت ایتام، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالاً کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

ص: 518

## 80- شخصیت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 9

9- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود .

لم نجعل له من قبل سمياً

## 81- شخصیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 11

11 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 18 - 16

16- یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 15

15- یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

یأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحیم

## 82- شخصیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 12

12- یوسف (ع)، شخصیتی با گذشت، جوانمرد و بزرگواری

أفتتا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 13

13- یوسف (ع) شخصیتی با عظمت، بزرگواری و در اوج کرامت و آزادگی

ص: 519



قال الملك ائتوني به .. فسئله ما بال النسوه الّ-تى قطعن ايديهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 54 - 8

8- پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد «مکین» گفته می شود. «آمین» نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

### 83- شخصیت یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 32 - 6

6- یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود.

و ليكوناً من الصغرين

### 84- عوامل بروز شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 8 - 39 - 19

19 - حالت «رفاه و خوشی» و «سختی و محرومیت»، عرصه بروز و ظهور شخصیت و باطن انسان ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه ... و جعل لله أنداداً

### 85- عوامل تباهی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 12 - 12

12 - پندارها و نگرش های غلط ، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنّ السوء و کنتم قومًا بورًا

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد؛ یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

ص: 520

## 86- عوامل تغییر شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 4

4- روی گردانی از توحید و گرایش به شرک ، دگرگونی شخصیت و هویت انسانی و بازگشت به قهقرا است .

فقالوا إناکم أنتم الظلمون . ثم نکسوا علی رؤوسهم

## 87- عوامل شکل گیری شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 17

17 - نقش سختی ها و مصائب ، در ساخته شدن و رشد انسانها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم

ورود به بهشت، کمال است و سختیها، در رسیدن به آن نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223 - 7,8

7 - تأثیر نحوه روابط زناشویی ، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شئتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله «و قدّموا لانفسکم» به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش ؛ یعنی زندگی زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثر است؛ پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

8 - لزوم دقت در انتخاب همسر و مراعات آداب آمیزش ، برای به وجود آمدن فرزندان صالح

نساؤکم حرث لکم . . . و قدّموا لانفسکم

دقت کشاورز در انتخاب زمین مورد کشت و نیز سعی تمام در به وجود آوردن شرایطی برای به ثمر نشاندن محصولی عالی، از وجود مشابهت بین همسر و کشتزار است که می تواند مورد نظر آیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - رُشد و شکل گیری شخصیت آدمی ، برخاسته از رفتار جهتدار وی \*

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه .. مائه حبه

از تشبیه شخص انفاق کننده به دانه ای که .. این معنا به دست می آید که رشد شخصیت آدمی، برخاسته از انفاق و رفتار او در راه خدا (جهت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 6 - 7، 1

1 - خداوند بر طبق مشیت خود، انسان ها را در رَجْم ها شکل می دهد .

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

ص: 521

7 - شکل گیری شخصیت انسان در رَجَم \*

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چون در آیات قبل سخن از هدایت و کفر بوده است، به نظر می رسد که شکل گرفتن انسان در رحم شامل شکل گیری شخصیت (هدایت یافتن، کافر شدن و...) نیز بشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 34 - 2

2 - نقش وراثت در ساختار شخصیت انسانها \*

ذریه بعضها من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 6

6 - رشد و شکوفایی استعداد های نهفته انسان ، در پرتو ربوبیت خداوند

فتقبلها ربها .. و انبتها نباتاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 48 - 2

2 - نقش معلّم در ساختار شخصیت متعلّم

و یعلّمه الكتاب

آیه فوق که در صدد بیان ارزش و مقام عیسی (ع) است؛ می فرماید معلّم او، خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 59 - 10، 9

9 - شکل گیری بُعد مادی ، زمینه ایجاد بُعد انسانی انسان

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

جمله «خلقه من تراب»، حکایت از خلقت آدم در بُعد مادی دارد چون ضمیر مفعولی به آدم برمی گردد. بنابراین آنچه با امر «کن» به وجود می آید، همان بُعد انسانی آدم است.

10 - اصالت بُعد غیر مادی انسان ، در ساختار و هویت وی

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

بعد از آنکه آدم از خاک آفریده شد، به او گفته شد: «کن» (باش)، که گویا قبل از آن نبوده است؛ چرا که هویت انسانی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 92 - 6

6 - جایگاه انفاق ، در ساختار شخصیت اسلامی انسان

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون

ص: 522

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 6

6 - قلب ، جایگاه شکل گیری حالات روحی و روانی آدمی

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 38,39,40

38 - حوادث ایام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیت و پالایش درون آنان از خواسته های دنیایی و مادی

يظنون بالله غير الحق... وليبتلى الله ما فى صدوركم وليمحص ما فى قلوبكم

«لیمحص» از ماده تمحیص به معنای خالص سازی از عیبها و نقصهاست و این جمله بیانگر هدفی دیگر از اهداف شکست در نبرد احد است.

39 - پالایش درونی اهل ایمان و سازندگی آنان ، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

ولیمحص ما فى قلوبكم

40 - خلوص و پاکیزگی درون ، در گرو حضور آدمی در هنگامه های دشوار

ولیمحص ما فى قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 84 - 5

5- نقش انتخاب و اختیار خود انسان ، در شکل گیری روحیات و ملکات نفسانی وی

ونزّل من القرءان... كلّ يعمل على شاكلته

در آیه های قبل، مؤمنان مورد تمجید و ظالمان مورد نکوهش قرار گرفتند و در این آیه علت موضع گیری دوگانه مؤمنان و ظالمان، تفاوت ملکات نفسانی آنان بیان شده است. اکنون مدح و مذمت انسان بر اساس ملکات نفسانی او در صورتی صحیح است که در ساختن ملکات خویش، مؤثر و انتخابگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 5

5- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمياً

تعبیر «اسمه یحیی» از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 28 - 3

3 - نقش مؤثر جامعه در شکل گیری افکار و عقاید و رفتار و سلوک آدمی

یویلتی لیتتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً

ص: 523



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 4 - 10

10 - اعمال و عقاید انسان، در تشکیل ساختار روحی وی، نقش اساسی دارد.

للمحسنین... یقیمون... یوقنون

از این که خداوند، در وصف محسنان به دو صفت عمده - که یکی عملی (نماز و انفاق) و دیگری عقیدتی است - پرداخته، نشان می دهد که عمل و عقیده، در ایجاد روحیه ای خاص نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 56 - 9

9 - انگیزه ها و خصلت های درونی انسان ها، عامل تأثیرگذار در مجموعه رفتار ها و شکل دهنده چگونگی آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بغير سلطان أتیهم إِنْ فِي صدورهم إِلَّا کبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 17

17 - تأثیرات ناخواسته دوره جنینی در شخصیت انسان، عامل خطاپوشی و مغفرت الهی، نسبت به وی \*

إِنَّ رَبَّکَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ هُوَ أَعْلَمُ بِکُمْ... وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَه فِی بَطُونِ أُمَّهَتِکُمْ

عبارت «إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَه...» می تواند توضیح و تعلیل برای «إِنَّ رَبَّکَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ» باشد. بدین معنا که انسان در دوره جنین، خواه ناخواه تأثیراتی می پذیرد و آثار آن بر خداوند نمایان و آشکار است. از این رو خداوند با عفو و اغماض با او برخورد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 38 - 2

2 - رفتار و کردار انسان، سازنده شخصیت او است.

کَلَّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ رَهینَه

**88 - عوامل ظهور شخصیت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 6

6 - دشواری ها و سختی ها ، شخصیت نهفته انسان را بروز می دهد .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي يغشى عليه من الموت

### 89- عوامل مؤثر در شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 7 - 7

ص: 524

7- سرگذشت انسانها، شکل دهنده ماهیت و حقیقت آنهاست .

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

نیابردن کلمه «قصه» در جمله «لقد كان في يوسف . . .» - با اینکه مراد از آن «فی قصه یوسف ...» است - می تواند اشاره به این معنا باشد که سرگذشت انسانها، شکل دهنده ماهیت آنان است؛ یعنی، انسان همان سرگذشت اوست.

### 90- مالکیت شخصیت حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 8

8 - پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

ولذی القربى و الیتمی و المسکین

### 91- محرومان از شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 19 - 4

4 - متجاوزان به حقوق دیگران، گرچه از نعمت و کرم خداوند برخوردار شوند، از عزّت و شرافت مندی در نزد او محروم خواهند بود .

نعمه فيقول ربّي أكرمن ... كلاً ... و تأكلون التراث أكلاً لما

### 92- مسخ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 12

12 - انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت، پیامد کفر به قرآن

امنوا .. من قبل ان نظمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

«وجوه» به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

### 93- ملاکهای شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 113 - 2

2 - میزان در سنجش شخصیت افراد ، حال فعلی آنان است .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلاّ علی ربّی

ص: 525

## 94- نشانه های شخصیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 13

13- سیمای یوسف (ع) و عملکرد او، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود.

إننا نریک من المحسنین

«نری» در آیه شریفه، به معنای «یقین داریم» است. رساندن این معنا با کلمه «نری» (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف (ع)، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

## 95- نقش شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 4

4 - تناسب دوستان و هم نشینان انسان با شخصیت وی

وَقِیضْنَا لَهُمْ قَرْنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ

بنابر این که معنای «قِیضْنَا» تبدیل باشد، استفاده می شود که انسان به تناسب شخصیت خودش دوستان و هم نشینانی پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 11

11 - تأثیر منش و شخصیت آدمی، در شکل گیری معارف و باورهای وی

إِن هِیَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّیْتُمُوهَا .. . إِن یَتَّبَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ

معرفی کردن روحیه هواپرستانه مشرکان به عنوان عامل اصلی گرایش آنان به شرک، می تواند نشانگر این باشد که صفات شخصیتی انسان، در باورها و معارف وی تأثیر به سزایی دارد.

## 96- نقش شخصیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 121 - 7

7- شخصیت معنوی و فضایل شخصی انسان ها ، ملاک گزینش آنان از سوی خدا

إن إبرهیم کان أمّه قانتاً لله حنیفاً ولم یک من المشرکین . شاکراً لأنعمه اجتبه

ص: 526

## 97- هتک شخصیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 10

10- ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفتنون

شخصیت حقوقی

## 98- مالکیت شخصیت حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 8

8 - پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

ولذی القربی و الیتمی و المسکین

ص: 527

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

